

بعثت تا غدیر در سیره پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم

نویسنده: محمد رضا شریفی

## مقدمه: بعثت تا غدیر

خداوند متعال پس از خلقت آدم تا به امروز، رسولانی را برای هدایت بشر فرستاد، تا مردم به آنها ایمان آورده، و دچار ذلت و خواری نشوند. خداوند در قرآن کریم در این زمینه می فرماید:

«وَلَوْ أَنَّا أَهْلَكْنَاهُمْ بِعَذَابٍ مِّن قَبْلِهِ لَقَالُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِّن قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ وَنُخْزَى»؛<sup>(1)</sup>

«اگر ما آنان را پیش از آن (که قرآن نازل شود) با عذابی هلاک می کردیم، (در قیامت) می گفتند: "پروردگارا! چرا پیامبری برای ما نفرستادی تا از آیات تو پیروی کنیم، پیش از آن که ذلیل و رسوا شویم!"»

انبیاء و رسولان نیز یکی پس از دیگری، با تبلیغ دینی واحد، همان گونه که خداوند در قرآن می فرماید: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ»<sup>(2)</sup>. «همانا دین در نزد خدا، اسلام (و تسلیم بودن در برابر حق) است»، وظیفه ی خود را انجام داده، تا نوبت به خاتم الانبیاء حضرت محمد ﷺ رسید و خداوند دین ایشان را، خاتم الادیان و قرآن، معجزه ی جاوید را، قانون الهی، برای بشریت معرفی فرمود و بر این بعثت، بر مؤمنین منت نهاد. و خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ»<sup>(3)</sup>؛ «خداوند بر مؤمنان منت نهاد [نعمت بزرگی بخشید] هنگامی که در میان آنها، پیامبری از خودشان برانگیخت.»

بیست و سه سال دوره ی رسالت، سراسر حادثه، همراه با رنج و مشقت و اذیت برای پیامبر اسلام ﷺ، همان گونه که پیامبر ﷺ فرمودند: «ما أودى نبيُّ بمثل ما أوديتُ»؛ «هیچ پیامبری به اندازه ی من مورد آزار قرار نگرفت.»<sup>(4)</sup> آن هم برای دعوت و هدایت مردم، از شرک و بت پرستی به سوی توحید و یکتاپرستی و ترک عادات زمان جاهلیت، در حال سپری شدن بود. و آخرین سال عمر شریف ایشان وقایع مهمی را در خود جای داده بود، و آن حضرت به امر الهی، در حالی خود را برای سفر آخرت آماده می نمود که، دو حکم الهی یکی حج و دیگری اعلان ولایت باقی مانده بود.

لذا اجرای این دو حکم با هم قرین گشته و بلافاصله پس از حجه الوداع و فراغت از آن، خداوند به پیامبرش فرمود:

«فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ»<sup>(5)</sup>؛ «پس هنگامی که از کار مهمی فارغ می شوی به مهم دیگری پرداز.»

واقعه ی تاریخی غدیر خم، در روز هجده ذی الحجه سال دهم هجری اتفاق افتاد، و خداوند به وسیله ی پیک وحی، حضرت جبرئیل، قبولی رسالت بیست و سه ساله ی آن حضرت، را با آن همه زحمت، در گرو انتصاب علی عليه السلام به

عنوان جانشین خود، قرار داد. قرآن شریف به این امر مهم اشاره نموده است، آنجا که می فرماید: «وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ»<sup>(6)</sup>؛ «[ای پیامبر! آن چه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، (به مردم) برسان!] و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده ای!»

پس از اجرای این حکم الهی، خداوند، بر رسالت خاتم الاوصیاء، و اسلام با علی بن ابی طالب علیه السلام، مهر تأیید زد، و فرمود:

«الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»<sup>(7)</sup>؛ «امروز، دین شما را کامل کردم؛ و نعمت خود را بر شما تمام نمودم؛ و اسلام را به عنوان آئین (جاودان) شما پذیرفتم.»

خداوند پیامبرش را از توطئه ی منافقین در به هم زدن چنین کنگره ی عظیم جهان اسلام، در روز غدیر، حفظ نمود و فرمود:

«وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ»<sup>(8)</sup>؛ «خداوند تو را از (خطرات احتمالی) مردم، نگاه می دارد.»

## غدیر روز تجلی هدایتگران الهی

بسیت و سه سال مردم با پیامبر ﷺ، علت محدثه ی اسلام آشنا شده بودند ولی علت مبقیه ی اسلام، حضرت علی عَلِيٍّ را در آیه ی «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ»<sup>(9)</sup> جستجو می کردند و پرسش داشتند.

ابن عباس می گوید: از من سؤال می شود که تفسیر این آیه چیست؟ ما «منذر» را که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ باشد شناخته ایم، اما «هادی» و راهنمای امت را نمی شناسیم. اگر بگویم مقصود از «هادی امت» حضرت علی عَلِيٍّ است، به راستی سخن گفته ام؛ زیرا رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پیرامون این آیه فرمودند:

«إِنَّا الْمُنذِرُ وَعَلِيٌّ الْهَادِي وَبِكَ يَا عَلِيُّ يَهْتَدِي الْمُهْتَدُونَ»؛ «من ترساننده ی امت و علی عَلِيٍّ راهنمای آنان می باشد و [سپس فرمودند:] یا علی! به توسط تو مردم به راه راست هدایت خواهند شد.»<sup>(10)</sup>

خداوند، روز غدیر را، زمان پاسخ گویی به همه ی این سؤالات و جواب نیاز «اهدانا»، بشریت، همان گونه که فرموده است: «أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»؛ «ما را به راه راست هدایت کن»<sup>(11)</sup> روز غدیر را روز تجلی هدایتگران الهی، قرار داد و بنابراین، آیه ی «لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ»<sup>(12)</sup> تفسیر شد و نیاز بشریت پاسخ داده شد.

پاورقی:

1. طه/134.

2. آل عمران/19.

3. آل عمران/164.

4. كشف الغمه في معرفة الأئمة، ج 2، ص 537؛ بحارالانوار، ج 39، ص 56.

5. انشراح/7.

6. مائده/67.

7. مائده/3.

8. مائده/67.

9. «تو فقط بیم‌دهنده‌ای! و برای هر گروهی هدایت‌کننده‌ای است.» (رعد/7).

10. تفسیر ثعلبی، ج 5، ص 272؛ شواهد التنزیل، ج 1، ص 381؛ تفسیر رازی، ج 19، ص 14؛ تفسیر آلوسی، ج 13، ص 108؛ جامع البیان طبری، ج 13، ص 142.

11. فاتحه/6.

12. رعد/7.

## تبیین آیات الهی در شان و فضیلت صاحب غدیر

(1)

أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ (24) سوره ق از «شریک» نقل شده است که

پیامبر فرمود:

«إذا كان يوم القيامة قال الله تبارك و تعالی لی و لعلی: القیا فی النار من ابغض کما و ادخلا فی الجنه من احبکما فذلک قوله تعالی: و أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ»

چون روز قیامت شود خداوند تبارک و تعالی به من و علی (علیه السلام) می فرماید به دوزخ افکنید هر کسی را که دشمن می دارید و داخل بهشت نمائید هر کسی را که دوست می دارید و این اشاره به همین آیه است که می فرماید: «(امروز هر کافر معاند را به دوزخ افکنید) و ظاهرا ابو حنیفه و همراهانش از این صحبت ناراحت شدند جلسه را ترک گفتند.

ترجمه الطرائف، ص: 197

## امام

شافعی ابن مغزلی در کتاب «المناقب» به سند خود از «عبد الله بن مسعود» روایت کرده که گفت: رسول خدا فرمود: من از دعای پدرم ابراهیم هستم.

گفت گفتیم: ای رسول خدا چگونه از دعای پدرت ابراهیم هستی؟

فرمود: خداوند به ابراهیم (عَلَيْهِ السَّلَام) وحی کرد که «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا» (من ترا امام و رهبر مردم قرار دادم) ابراهیم خوشحال شد و گفت: پروردگارا از دودمان من نیز امامانی مثل من قرار بده.

خداوند به ابراهیم وحی فرستاد: ای ابراهیم من عهدی به تو نمی دهم که به آن وفا نکنم، عرض کرد خدایا آن چه عهدی است که اگر به من عطا کنی وفا نکنی؟

فرمود: من پیمان امامت را به ستمکاران از دودمان تو نمی بخشم.

ابراهیم عرض کرد: ستمکارانی که این پیمان به آنها نمی رسد، کیانند؟

به او فرمود: کسی که برای بتی سجده و عبادت کند.

ابراهیم عرض کرد: «وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ رَبِّ إِنَّهُمْ أَضَلُّونَ كَثِيرًا  
مِنَ النَّاسِ».

پروردگارا من و فرزندانم را از پرستش بتان دور مدار.

پیامبر ﷺ فرمود: دعای ابراهیم به من و علی (علیه السلام) منتهی شد

«لم يسجد احدنا لصنم قط فاتخذني نبيا واتخذ عليا وصيا»

. و هیچ یک از ما در مقابل بتی هرگز سجده نکردیم پس خداوند مرا برای

خود پیامبر و علی را وصی اخذ کرد

ترجمه الطرائف ، ص: 208

## منذر

ثعلبی در تفسیر آیه: **إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ**: (تو تنها بیم دهنده ای و برای هر گروهی هدایت کننده) از «ابن عباس» روایت کرده است که گفت: چون این آیه نازل شد، پیامبر دستش را بر سینه خود زد و فرمود: «منم منذر» سپس به شانه علی اشاره کرد و فرمود:

«أنت الهادی یا علی بک یهتدی المهتدون من بعدی»

توئی هادی! و به وسیله تو بعد از من هدایت یافتگان هدایت می شوند.

این روایت را علمای معروف اهل تسنن چون: ابن کثیر در تفسیر خود، ابن صباغ مالکی در «فصول المهمه» و «گنجی شافعی» در «کفایه الطالب» و طبری در تفسیر خود و ابو حیان اندلسی در تفسیرش به نام «بحر المحيط» و همچنین نیشابوری در تفسیر خویش و گروه دیگری نقل کرده اند.

میر غیاث الدین مؤلف کتاب «حبيب السیر» می نویسد: «قد ثبت بطرق متعدده انه لما نزل قوله تعالى **إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ**

قال لعلی انا المنذر و انت الهادی بک یا علی یهتدی المهتدون من بعدی به طرق متعددی نقل شده هنگامی که آیه: **إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ** نازل شد

پیامبر به علی (علیه السلام) فرمود: من منذرم و تو هادی ای علی! به وسیله تو هدایت یافتگان هدایت می شوند.

ترجمه الطرائف، ص: 209

شاهد

از «صدق به» علی (علیه السلام) می باشد .

ابن مغزلی در آیه شریفه: «أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيْنِهِ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ»: (آیا آن کسی که دلیل آشکاری از پروردگار خویش دارد و به دنبال آن شاهدی از سوی او می باشد، روایت کرده که پیامبر فرمود:

«انا علی بینه من ربّه و علیّ الشّاهد منه»

من دارای «بینه الهی» هستم و علی (علیه السلام) شاهد او است.

ترجمه الطرائف، ص: 210

## گوشهای شنوا

باز ثعلبی در تفسیر آیه: «وَتَعِيهَا أُذُنٌ وَاَعِيَهُ»: (و گوشهای شنوا آن را نگهداری می کنند) روایت کرده که پیامبر ﷺ فرمود:  
«سَأَلْتُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يَجْعَلَهَا أُذُنًا لِي أَعِيَهُ»

: (من از خدا خواستم که گوش علی را از این گوشهای شنوا و نگه دارنده حقایق قرار دهد) و به دنبال آن علی (عَلِيًّا) می فرمود:

فَمَا نَسِيتُ شَيْئًا بَعْدَ ذَلِكَ وَ مَا كَانَ لِي أَنْ أَسْأَهُ

: «(من هیچ سخنی بعد از آن از رسول خدا ﷺ نشنیدم که آن را فراموش کنم، بلکه همیشه آن را به خاطر داشتم).

نظیر این روایت را ابن المغازلی در کتاب خود از پیامبر اکرم ﷺ نقل کرده

است

## سؤال از ولایت امیر مؤمنان

باز حافظ محمد بن مؤمن شیرازی به سند خود از «سدی» نقل کرده که رسول خدا ﷺ در تفسیر: «عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ» فرمود: منظور ولایت علی بن ابی طالب است که از آنها در باره آن در قبر سؤال می شود و هیچ کس در شرق و غرب عالم، در بر و بحر از دنیا نمی رود مگر این که فرشتگان از او در باره ولایت امیر مؤمنان بعد از مرگ سؤال می کنند و به میت می گویند:

من ربّک؟ و ما دینک؟ و من نبیک؟ و من امامک

خدایت کیست؟ دینت چیست؟ پیامبرت کیست؟ و امامت کیست؟.

## اختیار و گزینش امام معصوم

همچنین محمد بن مؤمن شیرازی در کتاب مذکور در تفسیر آیه: «وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ»: (بروردگار تو هر چه را بخواهد می آفریند و هر چه را بخواهد بر می گزیند آنها (در برابر او) اختیاری ندارند، منزّه است خداوند و برتر است از شریک هائی که برای او قائل می شوند) به سند خود از «انس بن مالک» روایت کرده که گفت: از رسول خدا از معنی آیه:

«وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ...» سؤال کردم؟ فرمود: خداوند آدم را از گل هر طوری که می خواست، آفرید سپس فرمود:

«و یختار» «انّ الله تعالی اختارنی و اهل بیته علی جمیع الخلق فانتخبنا فجعلنی الرسول و جعل علیّ بن ابی طالب (علیه السلام) الوصی»

«2»

یعنی خداوند تعالی مرا و اهل بیت مرا بر جمیع خلق اختیار کرد و ما را از میان آنها برگزید (به این ترتیب که) مرا پیغمبر و علی را وصی و جانشین قرار داد.

سپس فرمود: «ما كان لهم الخيرة» یعنی برای مردم حق انتخاب قرار داده نشده است یعنی آنها حق انتخاب ندارند و حق انتخاب با من است هر که را بخواهم من انتخاب می کنم.

پس من و اهل بیت من از میان خلق او برگزیده او هستیم.

سپس فرمود: «سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ» یعنی منزّه است خداوند از شریکهای که کفار مکه برای او قائل می شوند

«و ربك يعلم»

یعنی ای محمدپروردگار تو می داند «ما تکن صدورهم»

آنچه را که منافقان از عداوت و کینه نسبت به تو و اهل بیت تو در سینه های خود پنهان می دارند «و ما يعلنون»

و آنچه را که با زبانهای خود از محبت و دوستی نسبت به تو و به اهل بیت تو آشکار می سازند.

و در روایاتی که از طریق اهل بیت به ما رسیده آیه فوق به مسأله اختیار و گزینش امام معصوم از سوی خدا تفسیر شده است و جمله «مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ» (آنها اختیاری در این زمینه ندارند) نیز بر همین معنی تطبیق شده و این در واقع از قبیل بیان مصداق روشن است، چرا که مسأله حفظ دین و انتخاب امام معصوم برای این هدف، جز از ناحیه خدا ممکن نیست

ترجمه الطرائف، ص: 215

## صالح المؤمنین

«تعلبی» در تفسیر آیه: «وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ»<sup>2</sup>.

روایت کرده است که پیامبر فرمود:

«و صالح المؤمنین هو علی بن ابی طالب (عَلَيْهِ السَّلَامُ)»

. منظور از

«صالح المؤمنین»

علی بن ابی طالب است

ترجمه الطرائف، ص: 217

## طوبی درختی در خانه علی بن ابی طالب

تعربی در تفسیر خود از ابن عباس در تفسیر آیه: **طُوبَى لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ**

(1) روایت کرده که گفت: رسول خدا ﷺ فرمود:

«طوبی شجره اصلها فی دار علی بن ابی طالب و فی دار کل مؤمن منها  
غصن»

: (طوبی درختی است که اصلش در خانه علی بن ابی طالب (علیه السلام) و  
شاخه های آن همه جا و بر سر همه مؤمنان و بر فراز خانه هایشان گسترده  
است).

بعد فرمود:

**«طُوبَى لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ»**

خوشا بر احوال آنها و مقام نیکوی آنها یعنی نیکو مکان برگشتی است

ترجمه الطرائف، ص: 219

## سؤال از پیامبران

محدث ابو نعیم در کتابی که آن را از کتاب «استیعاب» استخراج کرده، در تفسیر آیه: «وَسَأَلَ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا» (از رسولانی که قبل از تو پیامبر ﷺ فرمود: در شبی که مرا بالا بردند، خداوند بین من و تمام پیامبران را جمع کرد سپس فرمود: ای محمد از پیامبران پیشین سؤال کن، بر چه مبعوث شدند؟

گفتند:

«بعثنا علی شهاده ان لا اله الا الله و الإقرار بنبوتهک و الولایه لعلی بن ابی طالب» (عائمه)

جواب دادند، ما مبعوث شدیم بر شهادت به وحدانیت خداوند و اقرار به نبوت تو و ولایت علی بن ابی طالب.

ترجمه الطرائف، ص: 221

## بهترین مخلوقات

ابن مردویه به سند خود از «ابن عباس» روایت کرده که گفت: آیه: **إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ** در باره علی (علیه السلام) نازل شده است .

ابن عباس می گوید: هنگامی که آیه: **إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ** نازل شد، پیغمبر اکرم ﷺ به علی فرمود:

«هو انت و شیعتک تأتي انت و شیعتک یوم القیامه راضین مرضیین و یأتی عدوک غضبانا مقمحين»

«3»

منظور از این آیه تو و شیعیانت هستید که در روز قیامت وارد عرصه محشر می شوید در حالی که هم شما از خدا راضی و هم خدا از شما راضی است و دشمنانت خشمگین وارد محشر می شود و به زور به جهنم می رود.

در حدیث دیگر از «ابو برزه» آمده است که وقتی پیغمبر اکرم ﷺ این آیه را قرائت کرد فرمود:

«هم انت و شیعتک یا علی، و میعاد ما بینی و بینک الحوض»

آنها تو و شیعیانت هستند، ای علی وعده من و شما کنار حوض کوثر است .

در «الدر المنثور» از «ابن مردویه» از علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) نقل می کند که پیغمبر

اکرم به من فرمود:

«لم تسمع قول الله: إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ  
الْبَرِيَّةِ؟» انت و شیعتک و موعدی و موعدکم الحوض اذا جئت الامم للحساب  
تدعون غرّاً محجّلين».

آیا این سخن خدا را نشنیده ای که می فرماید: کسانی که ایمان آورده و عمل  
صالح انجام داده اند، بهترین مخلوقاتند؟ این تو و شیعیان تو هستید، وعده گاه  
من و شما کنار حوض کوثر است، هنگامی که من برای حساب امتها می آیم و  
شما دعوت می شوید در حالی که پیشانی سفید و شناخته شده اید

ترجمه الطرائف، ص: 222

## یا اَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا

احمد بن حنبل در مسندش به سند خود از «عبد الله بن عباس» روایت کرده که گفت: شنیدم از رسول خدا ﷺ که می فرمود:

«لیس من آیه فی القرآن یا ایها الذین آمنوا إلّا و علیّ رأسها و امیرها و شریفها»

«2». در قرآن آیه ای نیست که مؤمنان با «یا اَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا» مورد خطاب قرار گرفته اند، مگر این که علی (علیه السلام) در رأس آنها و امیر و شریف آنهاست و خداوند در قرآن اصحاب محمد ﷺ مورد عتاب قرار داده ولی از علی ذکر نشده مگر به خیر و نیکی.

ترجمه الطرائف، ص: 222

## زمینه سازی پیامبر برای وصایت صاحب غدیر در وقایع مختلف

### در خانه پیامبر

در خانه پیامبر پیامبر اکرم ﷺ حضرت علی علیه السلام را به خانه خود می برداز آنجا که خدا می خواهد ولی بزرگ دین او در خانه پیامبر بزرگ شود و تحت تربیت رسول خدا قرار گیرد، توجه پیامبر را به این کار معطوف می دارد. مورخان اسلامی می نویسند: خشکسالی عجیبی در مکه واقع شد. ابوطالب، عموی پیامبر، با عایله و هزینة سنگینی روبرو بود. پیامبر با عموی دیگر خود، عباس، که ثروت و مکننت مالی او بیش از ابوطالب بود به گفتگو پرداخت و هر دو توافق کردند که هر کدام یکی از فرزندان ابوطالب را به خانه خود ببرد تا در روزهای قحطی گشایشی در کار ابوطالب پدید آید. از این جهت عباس، جعفر را و پیامبر اکرم ﷺ حضرت علی را به خانه خود بردند. <sup>[1]</sup> این بار که امیر مؤمنان به طور کامل در اختیار پیامبر قرار گرفت از خرمین اخلاق و فضایل انسانی او بهره های بسیار برد و موفق شد تحت رهبری پیامبر به عالیتترین مدارج کمال خود برسد. امام - علیه السلام در سخنان خود به چنین ایام و مراقبت های خاص پیامبر اشاره کرده، می فرماید: ولقد كنت اتبعه اتباع الفصيل اثر امه يرفع لي كل يوم من اخلاقه علما ويامرني بالاعتداء به . <sup>[2]</sup> من به سان بچه ناقه ای که به دنبال مادر خود می رود در پی پیامبر می رفتم؛ هر روز یکی از فضایل اخلاقی خود را به من تعلیم می کرد و دستور می داد که از آن پیروی کنم.

## حضرت علی علیه السلام در غار حرا

پیامبر اسلام ﷺ پیش از آنکه مبعوث به رسالت شود، همه ساله یک ماه تمام را در غار حرا به عبادت می پرداخت و در پایان ماه از کوه سرازیر می شد و یکسره به مسجد الحرام می رفت و هفت بار خانه خدا را طواف می کرد و سپس به منزل خود باز می گشت. در اینجا این سؤال پیش می آید که با عنایت شدیدی که پیامبر نسبت به حضرت علی داشت آیا او را همراه خود به آن محل عجیب عبادت و نیایش می برد یا او را در این مدت ترک می گفت؟ قراین نشان می دهد از هنگامی که پیامبر اکرم ﷺ حضرت علی - عَلِيٍّ را به خانه خود برد هرگز روزی او را ترک نگفت. مورخان می نویسند: علی آنچنان با پیامبر همراه بود که هرگاه پیامبر از شهر خارج می شد و به کوه و بیابان می رفت او را همراه خود می برد. <sup>[3]</sup> ابن ابی الحدید می گوید: احادیث صحیح حاکی است که وقتی جبرئیل برای نخستین بار بر پیامبر نازل شد و او را به مقام رسالت مفتخر ساخت علی در کنار حضرتش بود. آن روز از روزهای همان ماه بود که پیامبر برای عبادت به کوه حرا رفته بود. امیر مؤمنان، خود در این باره می فرماید: «ولقد كان يجاور في كل سنة بحراء فاره ولا يراه غيري...» <sup>[4]</sup> پیامبر هر سال در کوه حرا به عبادت می پرداخت و جز من کسی او را نمی دید. این جمله اگر چه می تواند ناظر به مجاورت پیامبر در حرا در دوران پس از رسالت باشد ولی قراین گذشته و اینکه مجاورت پیامبر در حرا غالباً قبل از رسالت بوده است تایید می کند که این جمله ناظر به دوران قبل از رسالت است. طهارت نفسانی حضرت علی - عَلِيٍّ و پرورش پیگیر پیامبر از او سبب شد که در همان دوران

کودکی، با قلب حساس و دیده نافذ و گوش شنوای خود، چیزهایی را ببیند و اصواتی را بشنود که برای مردم عادی دیدن و شنیدن آنها ممکن نیست؛ چنانکه امام، خود در این زمینه می فرماید: «اری نور الوحی و الرساله و اشم ریح النبوه». [5] من در همان دوران کودکی، به هنگامی که در حرا کنار پیامبر بودم، نور وحی و رسالت را که به سوی پیامبر سرازیر بود می دیدم و بوی پاک نبوت را از او استشمام می کردم. امام صادق - علیه السلام می فرماید: امیر مؤمنان پیش از بعثت پیامبر اسلام نور رسالت و صدای فرشته وحی را می شنید. در لحظه بزرگ و شگفت تلقی وحی پیامبر به حضرت علی فرمود: اگر من خاتم پیامبران نبودم پس از من تو شایستگی مقام نبوت را داشتی، ولی تو وصی و وارث من هستی، تو سرور اوصیا و پیشوای متقیانی. [6] امیر مؤمنان در باره شنیدن صداهای غیبی در دوران کودکی چنین می فرماید: هنگام نزول وحی بر پیامبر صدای ناله ای به گوش من رسید؛ به رسول خدا عرض کردم این ناله چیست؟ فرمود: این ناله شیطان است و علت ناله اش این است که پس از بعثت من از اینکه در روی زمین مورد پرستش واقع شود نومید شد. سپس پیامبر رو به حضرت علی کرد و گفت: «انک تسمع ما اسمع و تری ما اری، الا انک لست بنبی و لکنک لوزیر». [7] تو آنچه را که من می شنوم و می بینم می شنوی و می بینی، جز اینکه تو پیامبر نیستی بلکه وزیر و یاور من هستی.

فروغ ولایت ص 18 آیت الله شیخ جعفر سبحانی [1] - سیره ابن هشام، ج 1، ص 236. [2] - نهج البلاغه عبده، ج 2، ص 182. [3] - شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج 13، ص 208. [4] - نهج البلاغه، خطبه 187 (قاصعه). [5] -

پیش از آنکه پیامبر اسلام از طرف خدا به مقام رسالت برسد وحی و صداهای  
غیبی را به صورت مرموزی، که در روایات بیان شده است، درک می کرد. شرح  
نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج 13، ص 197.  
[6] - شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج 13، ص 310  
[7] - نهج البلاغه، خطبه قاصعه.

## خلقت نوری

احمد بن حنبل در مسند خود روایت کرده است که پیامبر فرمود: «من و علی بن ابیطالب

چهارده هزار سال پیش از آفرینش آدم، نوری در محضر خدا بودیم. هنگامی که خدا آدم را آفرید، آن نور را به دو بخش کرد، جزئی از آن منم و پاره ای علی.»<sup>«1»</sup>

در حدیث دیگری که ابن مغازلی شافعی نقل کرده آمده است. هنگامی که خدا آدم را خلق کرد، آن نور در صلب او قرار گرفت. پیوسته آن نور، یکپارچه بود تا در صلب عبدالمطلب دوگانه شد. در پیامبر به پیامبری و در علی به خلافت تبدیل گشت.<sup>«2»</sup>

در روایت دیگری که ابن مغازلی از جابر نقل کرده در پایان حدیث این جمله افزوده شده است: «تا آنکه خدا نور را دو بخش کرد، پاره ای را در صلب عبد الله و جزئی را در صلب ابیطالب قرار داد و مرا پیامبر و علی را ولی گردانید.»<sup>«3»</sup>

ترجمه نهج الحق و كشف الصدق، ص: 224

## یوم الانذار

حدیث خلافت در مسند احمد است که پس از نزول آیه «خویشاوندان نزدیکت را بترسان.» پیامبر سی تن از اهل و خاندان خویش را سه نوبت فرا خواند و آنها سه بار به میهمانی خوردند و نوشیدند. پیامبر هر بار به آنها فرمود: «چه کسی دین و وعده های مرا می پذیرد تا جانشین من و همنشین من در بهشت باشد. علی گفت:

من، و پیامبر فرمود: تو (اینگونه ای)» ثعلبی همین روایت را در تفسیر خود گفته است:

«پس از سه بار، و هر بار جز علی دیگران ساکت بودند»

ترجمه نهج الحق و كشف الصدق، ص: 225

## حدیث وصیت

حدیث وصیت در مسند از سلمان روایت شده است که از پیامبر پرسید: «ای رسول خدا جانشین و وصی تو کیست؟ پیامبر فرمود: ای سلمان جانشین برادرم موسی که بود؟ سلمان پاسخ داد: یوشع بن نون. پیامبر فرمود: پس همانا جانشین و وارث من که دین مرا بجا می آورد و وعده مرا تحقق می بخشد علی بن ابیطالب است.»

## گرامی نزد پیامبر

در کتاب مناقب ابوبکر احمد بن مردویه که حجت چهار مذهب سنی است، با اسناد ابوبکر از ابوذر روایت شده است که بر پیامبر وارد شدیم و پرسیدیم: کدامیک از یاران شما نزدتان گرامی ترند؟

فرمود: علی که به سلامت درون و اسلام از شما پیشتازتر است.»

## وارث پیامبر

ابن مغازلی شافعی به اسناد خود در کتابش روایت کرده است که پیامبر فرمود: «هر پیامبری وصی و وارثی داشته است و وصی و وارث من علی بن ابیطالب است.»

## ابلاغ براءت

در مسند احمد و جمع میان صحاح سته حدیثی وجود دارد که با نقل به معنا بازگو

می کنیم: «پیامبر ابوبکر را برای ابلاغ براءت به سوی مردم مکه فرستاد» هنگامی که او به ذی الحلیفه رسید به فرمان رسول خدا بازگشت و از پیامبر پرسید: آیا چیزی درباره من نازل شده است؟ پیامبر فرمود: نه، اما جبرئیل مرا گفت که ابلاغ براءت یا باید از سوی تو (پیامبر) باشد و یا از جانب مردی که از تو است.

ترجمه نهج الحق و كشف الصدق، ص: 226

## حدیث مناجات

: در جمع میان صحاح سته و تفسیر ثعلبی و روایت ابن مغزلی شافعی آمده است که آیه مناجات مخصوص امیر المؤمنین می باشد و گفته اند «او در حال مناجات به دیناری صدقه داد و نه بیشتر و نه پس از وی هیچکس چنین نکرد» امیر المؤمنین خود فرموده اند: «در کتاب خدا آیتی است که پیش از من کسی بدان عمل نکرد و پس از من نیز نخواهد کرد: «ای کسانی که ایمان آورده اید، چون خواهید که با پیامبر نجوا کنید، پیش از نجوا کردن صدقه بدهید.» خداوند بوسیله من این عمل را از امت برداشت و بار ایشانرا سبک نمود و آیه، پس از من نیز درباره هیچکس نخواهد بود.»

## حدیث مباحله

: آیه مباحله (از دیگر مفاخر امیر المؤمنین و اهل بیت است) در جمع میان صحیحین آمده است: «هنگامی که پیامبر آهنگ مباحله با مسیحیان نجران را نمود، حسین را در آغوش خود گرفت و دست حسن را بدست داشت. فاطمه پشت سر آن حضرت و علی پشت سر فاطمه حرکت می کردند و پیامبر به ایشان می گفت،

هرگاه دعا کردم آمین بگویید. چه فضیلتی برتر از این که پیامبر در دعای خویش از آنان یاری جوید و آنها را واسطه میان خود و خدایش قرار دهد؟»

ترجمه نهج الحق و کشف الصدق، ص: 227

## حدیث منزلت

: در مسند احمد از برخی طریقه ها و در صحیح بخاری از طریقه های دیگر نقل شده است: «هنگامی که پیامبر به جنگ تبوک می رفت علی را جانشین خود و پاسدار اهل خویش، در مدینه قرار داد. علی رضی الله عنه گفت: می خواهم به هر سوی که می روی با تو باشم. پیامبر فرمود: آیا خرسند نیستی که برای من، چون هارون به موسی هستی، جز آنکه پس از من پیامبری نیست.»

## فتح خیبر

در مسند احمد از برخی طریقه ها و در صحیح مسلم و بخاری و جمع میان صحاح سته، از طرق دیگر از عبد الله بن بریده نقل شده است، که پدرم می گفت: «ما خیبر را به محاصره در آوردیم و ابوبکر پرچم را گرفت، ولی کاری از پیش نبرد و بازگشت.

روز بعد عمر پرچمدار شد و همان واقعه تکرار گردید و آن روز به مسلمانان سختی بسیار رسید. پیامبر فرمود: فردا پرچم را به مردی می سپارم که خدا و پیامبرش را دوست دارد و آنان نیز او را، حمله وری گریز ناپذیر است و تا خدایش پیروزی نبخشد باز نگردهد.

شبانگاه مردم در این سخن بودند که او کیست. سپیده دمان به نزد پیامبر شدند و هر یک آرزومند پرچمداری بود. پیامبر فرمود: علی بن ابیطالب کجاست؟ گفتند به

چشم درد مبتلاست. رسول خدا علی را فرا خواند و آب دهان بر دیده او مالید که عافیت یافت. در حق او دعا کرد و پرچم به وی سپرد. علی به پیکار شد و بازنگشت مگر با پیروزی و بختیاری.»

ترجمه نهج الحق و كشف الصدق، ص: 228

## ایمان در برابر کفر

جمهور روایت کرده اند که چون عمرو بن عبدود عامری در غزوه خندق  
هماورد خواست و جمله مسلمین فرو ماندند، پیامبر فرمود: «همه ایمان با همه  
کفر به بیکار برخواسته است.»

## سدابواب

در مسند احمد از برخی طریقه ها روایت شده است که پیامبر فرمان داد جز  
در منزل علی بن ابیطالب همه درها را ببندند. مردم زبان به اعتراض گشودند.  
پیامبر خطبه خواند و ستایش و سپاس الهی بجای آورد و فرمود: «به من فرمان  
داده شده که جز در سرای علی همه درها را ببندم و بدگوی شما، زبان به یاوه  
گشود. به خدا سوگند جز از فرمان حق پیروی نکردم.»

## حدیث مواخاه

: در مسند احمد بن حنبل از برخی طریقه ها چنین روایت شده است:

«پیامبر میان مسلمانان برادری نهاد و برای علی کسی را برنگزید. او از پیامبر پرسید:

ای رسول خدا میان یارانت برادری افکندی و مرا و نهادی؟ پیامبر فرمود: تو را برای خود برگزیدم. تو برادر منی و من برادر توام. اگر کسی زبان بر تو گشود بگو من بنده خدا و برادر فرستاده خدا هستم، پس از تو، تنها دروغ زنان چنین پایگاهی را دعوی می کنند. سوگند به آنکه مرا به حق برانگیخته، پیمان برادری ات را به تأخیر نیفکنم

ترجمه نهج الحق و کشف الصدق، ص: 229

مگر از آن رو که تو را برای خویش برگزینم.<sup>1</sup> و جایگاه تو نسبت به من، جایگاه هارون به قیاس موسی است جز آنکه پس از من پیامبری نیست و تو برادر و وارث منی.»<sup>2</sup>

در جمع میان صحاح سته از پیامبر آمده است: «دو هزار سال پیش از آفرینش آسمانها بر در بهشت نگاشته بودند که محمد پیامبر خدا و علی برادر فرستاده خداست.»<sup>3</sup>

## علی از من و من از او

در مسند احمد بن حنبل و در صحاح سته از پیامبر روایت شده است که علی از من است و من از علی هستم. او ولی همه مؤمنان پس از من است. (وظائف و رسالات) مرا جز من یا علی هیچکس بجای نمی آورد. «4»

همچنین در همان کتب آمده است که پس از کشته شدن پرچمداران کفر در جنگ احد به دست علی، جبرئیل به پیامبر گفت: «این حقیقت برادری است و پیامبر فرمود:

همانا علی از من است و من از او هستم. جبرئیل گفت: و من نیز از شما دو تنم ای فرستاده خدا»

ترجمه نهج الحق و کشف الصدق، ص: 230

## شبیہ عیسی

در مسند احمد بن حنبل آمده است: پیامبر به علی فرمود: «در تو شباهتی به عیسی است، یهود او را چنان دشمن داشتند که به مادرش نسبت ناروا دادند و مسیحیان آنگونه دوستش داشتند که او را در جایگاه ناسزاوار قرار دادند.»<sup>2</sup> پیامبر سخن درستی فرمود زیرا خوارج با امیر المؤمنین دشمنی کردند و نصیریہ او را خدا پنداشتند.

## مؤمن دوستدار

در مسند احمد بن حنبل، جمع بین الصّحیحین و جمع میان صحاح سته آمده است که پیامبر فرمود: «تو را جز مؤمن دوست ندارد و جز منافق دشمن.»

## قاتل بر تاویل

در مسند احمد بن حنبل آمده است: پیامبر فرمود: «همانا شخصی از شما به سبب تاویل قرآن خواهد جنگید همانگونه که من برای تنزیل آن جنگیدم. ابوبکر گفت: آن شخص منم؟ پیامبر فرمود: نه، عمر گفت: ای پیامبر آیا من هستم؟ رسول خدا فرمود:

نه، آن شخص وصله زننده کفش است و در همان هنگام علی کفش پیامبر را در حجره نزد حضرت فاطمه علیها السلام وصله می زد.»<sup>4</sup>

در جمع میان صحاح سته آمده است که پیامبر فرمود: «قریش باید از رفتار خود بازایستند وگرنه خداوند مردی را بر سر ایشان برمی انگیزد که قلب او را در ایمان آزموده است و به غیرت دین، سر از تن قریش خواهد افکند از پیامبر پرسیدند: ای فرستاده خدا، او ابوبکر است؟ فرمود نه. پرسیدند: عمر است پاسخ فرمود: نه<sup>1</sup>، او وصله زننده کفش در حجره است.»

ترجمه نهج الحق و کشف الصدق، ص: 231

## حدیث طبر

: در مسند احمد بن حنبل و جمع میان صحاح سته از انس بن مالک نقل شده است که نزد پیامبر پرنده ای پخته شده بود، حضرتش دعا کرد که بارالها گرمی ترین و محبوبترین مردم در پیشگاه خود را بفرست تا با من غذا بخورد.

علی علیه السلام آمد و با پیامبر طعام خورد. <sup>2</sup>

و از او روایت است که ابن عباس هنگام مرگ، چنین می گفت: «خدایا به ولایت علی بن ابیطالب به تو نزدیکی و تقرب می جویم.» <sup>3</sup>

ترجمه نهج الحق و کشف الصدق، ص: 232

## حدیث ایذاء

: در مسند احمد از برخی طریقه ها روایت شده که پیامبر فرمود: «هر که علی را بیازارد مرا آزرده است.»<sup>3</sup> ای مردم، هر که به علی آزار رساند در قیامت یهودی یا نصرانی برانگیخته می گردد.»<sup>4</sup>

ترجمه نهج الحق و کشف الصدق، ص: 233

## میزان حق

در جمع میان صحاح سته از پیامبر روایت شده است که فرمود: «رحمت خداوند بر علی باد، خدایا به هر سوی که می گردد حق را با او بگردان.»<sup>5</sup>

جمهور روایت کرده اند که پیامبر به عمّار فرمود: «به زودی در امت من فتنه و بلا و اختلاف آشکار می شود تا آنجا که بر یکدیگر تیغ می کشند و کشتار می کنند و از هم بیزاری می جویند. ای عمّار گروه ستمگران تو را خواهند کشت و تو در آن زمان با حقی و حق با تست. همانا علی تو را به باطل نزدیک نمی کند و از هدایت خارج

ترجمه نهج الحق و کشف الصدق، ص: 235

نمی نمایند. ای عمّار هر کس به یاری علی شمشیر برکشد خداوند در قیامت دو حمایل از گوهر بر او آراسته سازد و هر که در راه دشمنی او چنین کند دو حمایل آتشین بر تن او خواهد بود هرگاه آن وقایع را دیدی بر تو باد پیروی از اینکه در جانب راست من ایستاده است (مراد پیامبر علی بود) اگر چه همه مردم به سویی روند و علی به راهی دیگر، سالک طریق علی باش و همگان را رها ساز.

ای عمّار، علی پیوسته بر حق است. ای عمّار پیروی از علی پیروی از من است و اطاعت از من اطاعت از خداست.»<sup>1</sup>

احمد بن موسی بن مردویه از جمهور و با برخی از طریقه ها از عایشه نقل کرده است که پیامبر فرمود. «حق با علی است و علی با حق است و این دو از هم جدا نمی شوند تا آنکه در کنار حوض با من دیدار کنند.»<sup>2</sup>

## حدیث ثقلین

: احمد بن حنبل در مسند خود می گوید: «پیامبر دست حسن و حسین را گرفت و فرمود: هر که مرا، این دو فرزند را و پدر و مادر آنها را دوست داشته باشد. در قیامت با من هم درجه است.»<sup>3</sup>

نیز در مسند از جابر چنین روایت شده است: «روزی پیامبر در عرفات در حالی که علی برابر او بود فرمود: ای علی نزدیک من آی. درخت وجود من و تو یکی است.

من ریشه درخت هستم و تو تنه آنی و حسن و حسین شاخه های آن می باشند.

ترجمه نهج الحق و کشف الصدق، ص: 236

هر کسی به شاخی از آن درخت چنگ زند خدایش به بهشت آورد.»<sup>1</sup>

همچنین در آن کتاب از ابو سعید خدری نقل شده است که پیامبر فرمود: «من دو میراث برای شما باقی می گذارم که اگر به آنها دست یازید گمراه نشوید؛ آن دو میراث گرانسنگ، یکی از دیگری برتر است: کتاب خدا و اهل بیت و خاندانم. این دو از هم جدا نمی گردند تا بر حوض وارد شوند.»

احمد همین روایت را با طریقه های دیگر بیان نموده است.

در دو موضع صحیح مسلم از زید بن ارقم روایت شده است که فرستاده خدا در کنار آبی میان مکه و مدینه که «خم» نامیده می شد خطبه خواند و پس از اندرز فرمود:

«ای مردم من انسانی هستم که بدون تردید فرشته مرگ و فرستاده خدایم را دیدار خواهم کرد اما در میان شما دو میراث گرانقدر بر جای می نهم، نخستین آنها کتاب حق است که در آن هدایت و نور است، به آن دست یازید و چنگ زنید، در آن بیندیشید و به آن اهتمام ورزید. سپس فرمود: و اهل بیت و خاندان من، اهل بیتم را به شما خاطر نشان می کنم، در رفتار با آنها خداوند را به یاد آورید در رفتار با آنها خداوند را به یاد آورید در رفتار با آنها خداوند را به یاد آورید.»<sup>2</sup>

ترجمه نهج الحق و کشف الصدق، ص: 237

زمخشری که از دشمن ترین افراد نسبت به خاندان پیامبر بود و جمهور او را مرد امین و معتمد مأمون می شناسند، روایت می کند که پیامبر فرمود: «فاطمه قلب و پسرانش پاره تن و شوهرش نور چشمان منند. امامانی که از فرزندان اویند امینان خدایند و بند کشیده میان حق و خلق، هر که به آنها چنگ زند رهایی یابد و هر که

ترجمه نهج الحق و کشف الصدق، ص: 238

ایشان را فرو نهد، فرو افتد.»<sup>1</sup>

ثعلبی در تفسیر گفتار خدای بزرگ: «و همگان دست در ریسمان خدا زنید و پراکنده مشوید.»<sup>2</sup> به اسانید فراوان از پیامبر آورده است که حضرتش فرمود:

«ای مردم در میان شما دو گرانسنگ بر جا نهادم. دو جانشین که اگر از آنها پیروی کنید پس از من گمراه نگردید و از آن دو یکی از دیگری برتر است، کتاب خدا که بند کشیده میان آسمان و زمین است و عترت و اهل بیت من. آن دو از هم جدا نمی شوند تا در کنار حوض بر من در آیند.»

و در جمع بین صحیحین روایت است: «نزدیک است که فرستاده خدایم نزد من آید و او را پاسخ گویم. من در میان شما دو گرانسنگ بر جای نهادم: کتاب خدا که در آن

ترجمه نهج الحق و کشف الصدق، ص: 239

هدایت و نور است، به آن چنگ زنید و اهل بیتم، شما را به آنها سفارش می

کنم.»

## حدیث کساء

در مسند احمد بن حنبل از برخی طریقه ها و در جمع میان صحاح سته از ام سلمه روایت شده که پیامبر در خانه ام سلمه بود و فاطمه وارد شد. پیامبر فرمود: «شوهر و دو پسر را بیاور. علی، فاطمه، حسن و حسین آمدند. رسول خدا بر پوششی خیبری نشسته بود که خداوند این آیه را فرستاد: «ای اهل بیت، خدا می خواهد پلیدی را از شما دور کند و شما را پاک دارد.»<sup>1</sup> پیامبر کساء را بر ایشان افکند و دست به آسمان برداشت و گفت: اینان اهل بیت من هستند. (ام سلمه می گوید) من نیز سرم را داخل اتاق نمودم و پرسیدم: من هم با آنها هستم. پیامبر فرمود: تو بر خیری.»

نزدیک به همین معنا در برخی از مواضع صحیح ابی داوود، موطا مالک و صحیح مسلم از برخی طریقه ها روایت شده است.<sup>2</sup>

## وزیر پیامبر

همین روایت را صدر الائمه، محمد بن احمد المکی ذکر کرده است.

در مسند احمد آمده است که پیامبر فرمود: «خدایا من همان سخنی را که

برادرم

موسی گفت می گویم: برای من وزیری از اهل م قرار ده، برادرم علی را و

بواسطه او پشتم را نیرومند ساز و علی را در کار من شریک گردان.»

ترجمه نهج الحق و كشف الصدق، ص: 240

## بیان قدرت صاحب غدیر

[تاریخ بغداد خطیب بغدادی 1/133] به سند خود، از «ربعی بن خراش» روایت می کند که در مدائن از علی عَلَيْهِ السَّلَام شنیدم، می فرمود: «سهیل بن عمرو» حضور رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شرفیاب شد و عرض کرد که عده ای از بردگان ما که از امور دینی بهره ای نمی توانند ببرند به شما پیوسته اند، از شما تقاضا داریم که آنها را به ما تحویل دهی. «ابو بکر» و «عمر» از فرصت استفاده کرده، گفتند: یا رسول الله! «سهیل» راست می گوید! رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ (به سخن آندو اعتنائی نکرد و) خطاب به قریش، فرمود: ای گروه قریش! اگر از این تصمیم منصرف نشوید، خدای تعالی مردی را علیه شما برمی انگیزد که دلش را به نور ایمان امتحان کرده است و او گردن شما را که مانند شتران بیمناک و سرکنده از این طرف به آن طرف می روند، می زند. «ابو بکر» گفت: یا رسول الله! آن مرد من هستم؟! حضرت فرمود:

نه. «عمر» گفت: آیا آن مرد من هستم؟! حضرت فرمود: نه. بلکه آن مرد همان کسی است که کفش را وصله می زند. همان هنگام علی عَلَيْهِ السَّلَام داشت کفش رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را وصله می زد.

مؤلف گوید: «خطیب» همین روایت را به طریق دیگر در [433 / 8] روایت می کند و «طحاوی» مختصری از آن حدیث را در [شرح معانی الآثار 2 / 408] نقل کرده است. فضائل پنج تن عَلَيْهِمُ السَّلَام در صحاح ششگانه اهل سنت، ج 3، ص: 207

## 23 سال بیان فضائل امیرالمومنین در کلام پیامبر

### ولادت امیرالمومنین از زبان پیامبر

#### ولادت در کعبه

در کتاب روضه الواعظین و سایر کتب معتبره از جابر بن عبد الله انصاری روایت کرده اند که جابر گفت: سؤال کردم از حضرت رسالت ﷺ از ولادت با سعادت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام. حضرت فرمود که: آه آه سؤال کردی از بهترین کسی که بعد از من متولد شده است و سنت حضرت مسیح علیه السلام در او جاری خواهد شد، به درستی که حق تعالی خلق کرد مرا و علی را از یک نور پیش از آنکه خلائق را بیافریند به پانصد هزار سال، پس ما در عالم ملکوت تسبیح و تقدیس حی لا یموت می گفتیم، چون حق تعالی آدم را آفرید ما را در صلب او قرار داد، پس من در جانب راست او قرار گرفتم و علی در جانب چپ او،

(1) امالی شیخ طوسی 456.

(2) عیون أخبار الرضا 2 / 65.

(3) کافی 1 / 454.

جلاء العیون، مجلسی، ص: 295

پس ما را نقل کرد از صلب آدم بسوی اصلاب طاهره و ارحام پاکیزه، پس مرا از صلب طیبه بیرون آورد که عبد الله بن عبد المطلب بود، و در بهترین

رحمی قرار داد که آن رحم آمنه بود، پس علی را از صلب طاهری بیرون آورد که ابو طالب بود و در بهترین رحمی قرار داد که آن رحم فاطمه بنت اسد بود.

پس حضرت فرمود: ای جابر پیش از آنکه علی در شکم مادرش قرار گیرد، در زمان او مرد راهبی بود که او را مثرم بن رعیبا می گفتند، و در عبادت و زهد مشهور آفاق بود، و در مدّت صد و نود سال حق تعالی را به صدق و اخلاص عبادت کرده بود، از خدا برای خود حاجتی نطلبیده بود. روزی از پروردگار خود سؤال کرد که دوستی از دوستان خود را به او بنماید، پس حق تعالی ابو طالب را به نزد او فرستاد، چون مثرم ابو طالب را دید و انوار جلالیت در جبین او مشاهده نموده، برخاست و سر او را بوسید، او را در پیش روی خود نشانید و گفت: تو کیستی خدا تو را رحمت کند؟ ابو طالب گفت: منم مردی از اهل تهامه، پرسید از کدام شهر تهامه؟ ابو طالب گفت: از مکه، پرسید از کدام قبیله؟ ابو طالب گفت: از فرزندان عبد مناف، پرسید که: از کدام شعبه عبد مناف؟ گفت: از فرزندان هاشم.

چون راهب این نسب بزرگوار را شنید، برجست و بار دیگر سر آن سرور را بوسید و گفت: حمد و سپاس می کنم خداوندی را که مسئلت مرا به من عطا فرمود، و مرا از دنیا نبرد تا دوستی از دوستان خود را به من نمود، پس گفت: بشارت باد تو را که حق تعالی مرا در باب تو بشارتی الهام کرده است، ابو طالب گفت: آن بشارت کدام است؟ مثرم گفت:

فرزندی از صلب تو بیرون خواهد آمد که او ولیّ خدا و پیشوای متّقیان و وصیّ رسول پروردگار عالمیان باشد، چون آن فرزند را دریابی، سلام مرا به او

برسان و بگو که: مَثرَم تو را سلام می رساند و گواهی می دهد به وحدانیت خدا و آنکه او را شریکی نیست، و شهادت می دهد که محمد بنده و رسول خدا است و تو وصی اوئی، و به محمد تمام می شود پیغمبری و به تو تمام می شود وصیت.

چون ابو طالب این بشارت را شنید، قطرات اشک از دیده بارید گفت: آن مولود چه نام دارد؟ گفت: نام او علی است، گفت: حقیقت گفتار تو بر من ظاهر نمی شود مگر به برهان و  
جلاء العیون، مجلسی، ص: 296

دلیل واضحی است که مشاهده نمایم، مَثرَم گفت: چه چیز می خواهی که برای تو در این وقت سؤال کنم که حق تعالی بزودی تو را عطا کند تا بدانی که من صادقم در گفتار خود؟ گفت:

در این وقت طعامی از بهشت می خواهم که برای من حاضر شود.

پس راهب مشغول دعا شد، هنوز دعای او تمام نشده بود که طبقی نزد ایشان حاضر شد که در آن رطب و انگور و انار بهشت بود، پس ابو طالب انار را برداشت شاد و خندان برخاست به منزل خود مراجعت نمود، آن انار را تناول فرمود، حق تعالی از آن انار آبی در صلب او آفرید، در همان ساعت با فاطمه بنت اسد مقاربت نمود و به علی بن ابی طالب علیه السلام حامله شد، چون آن نطفه مبارک در رحم فاطمه قرار گرفت، از مهابت آن حضرت زمین به حرکت آمد و چند روز می لرزید، قریش را به این سبب فزع عظیمی حاصل شد، گفتند:

برخیزید که بتهای خود را ببریم بر سر کوه ابو قبیس، از ایشان سؤال کنیم شاید این زلزله از ما زایل گردد. چون بتها را بر سر کوه ابو قبیس بالا بردند، زلزله شدیدتر شد، سنگها از کوه در گردید، و اجزای کوه از هم پاشید و بتها به رو در افتادند. چون این حالت را مشاهده کردند، متحیر گردیدند گفتند: این بلائی است که ما را رهائی از آن ممکن نیست.

در این حال ابو طالب بر کوه برآمد، از آن حالت پروائی نمی کرد، پس گفت: ایها الناس به درستی که حق تعالی در این شب حادثه ای پدید آورده است، و خلق مبارکی آفریده است که اگر او را اطاعت نکنید و اقرار به ولایت او ننمائید و شهادت به امامت او ندهید، این زلزله هرگز از شما ساکن نگردد و یک خانه در تهامه از برای شما نماند، قریش گفتند:

ای ابو طالب آنچه بفرمائی می گوئیم و اطاعت می نمائیم.

پس ابو طالب به گریه آمد و دست بسوی آسمان بلند کرد گفت: الهی و سیدی اسألک بالمحمدیه المحموده و بالعلویّه العالیّه و بالفاطمیّه البیضاء الّا تفضّلت علی تهامه بالرأفه و الرّحمه. یعنی: ای خداوند من و سید من سؤال می کنم از تو به حقّ ملّت محمد که پسندیده است، و طریقه علی که بلند مرتبه است، و طریقه فاطمه که روشن و نورانی است که البتّه تفضّل کنی بر اهل تهامه به رأفت و رحمت.

پس حضرت فرمود که: به حقّ آن کسی که دانه ها را شکافته و گیاهها را از

آن بیرون

جلاء العیون، مجلسی، ص: 297

آورده و پروردگار خلاق است، سوگند یاد می‌کنم که جمیع عرب این کلمات را نوشتند، و در جاهلیت هر شدت که ایشان را رو می‌داد به این کلمات خدا را دعا می‌کردند، دعای ایشان مستجاب می‌شد، و حقیقت معنی این کلمات را نمی‌دانستند.

چون شب ولادت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام شد، روشنی عظیم در آسمان پیدا شد و نور ستاره‌ها مضاعف گردیده، پس قریش از مشاهده این احوال متعجب گردیدند و گفتند:

در آسمان حادثه غریبی حادث گردیده، ابو طالب از خانه بیرون آمد و در کوچه‌ها و بازارهای مکه می‌گشت، به آواز بلند می‌گفت: ایها الناس تمام شد حجّت خدا. چون مردم ابو طالب را دیدند پرسیدند که: این چه انوار است که ما در آسمان مشاهده می‌کنیم؟

ابو طالب گفت: بشارت باد شما را که ظاهر شد در این شب دوستی از دوستان خدا که حق تعالی در او کامل خواهد کرد خصلت‌های خیر را، و به او ختم خواهد کرد اوصیای پیغمبران را و پیشوای متقیان است، و یاری دهنده دین خداوند عالمیان است، و براندازنده شیطان است، و به خشم آورنده منافقان و زینت عبادت‌کنندگان است، و وصی پیغمبران است، پیشوای هدایت است و نجم فلک رفعت است، و کلید علم حکمت است، و هلاک‌کننده شرک و شبیه‌ها است.

ابو طالب پیوسته این کلمات و الفاظ را می گفت تا صبح شد. پس چهل روز از قوم خود غایب گردید، جابر گفت: یا رسول الله به کجا رفت؟ حضرت فرمود: به طلب مثرم رفت، او وفات یافته بود در کوه لگام، پس بیوشان یا جابر این حدیث را از غیر اهلش که این از اسرار مکنونه و علوم مخزوننه حق تعالی است، به درستی که مثرم وصیت کرده بود برای ابو طالب غاری را در کوه لگام و گفته بود که: اگر خواهی مرا بیابی، به آن موضع بیا که مرا در آنجا مرده یا زنده خواهی یافت.

چون ابو طالب بسوی آن غار رفت، داخل شد مثرم را دید که مرده است و خود را در جامه ای پیچیده رو به قبله خوابیده است، دو مار یکی سیاه و یکی سفید نزد او هستند و نمی گذارند که آسیبی از جانوری به او برسد و او را حراست می نمایند. چون مارها ابو طالب را دیدند، در غار پنهان شدند، و ابو طالب نزدیک مثرم رفت و گفت: السلام علیک

جلاء العیون، مجلسی، ص: 298

یا ولی الله و رحمه الله و برکاته، پس حق تعالی به قدرت کامله خود مثرم را زنده گردانید و برخاست و دست بر روی خود مالید و گفت: أشهد أن لا آله الا الله وحده لا شریک له، و أن محمدا عبده و رسوله، و أن علیا ولی الله و الامام بعد نبی الله.

پس ابو طالب گفت: بشارت باد تو را که علی به زمین آمد، مثرم گفت: چه علامت ظاهر شد در شبی که او بوجود آمد؟ ابو طالب گفت: چون ثلثی از شب گذشت، فاطمه را درد زائیدن گرفت، گفتم به او که: چه می شود تو را ای بهترین زنان؟ گفت: اضطرابی در خود مشاهده می نمایم، پس بر او خواندم اسم

اعظم الهی را که در آن نجات از همه دردهاست تا آنکه اضطراب او ساکن گردید، پس به او گفتم: من بروم و جمعی از زنان را بیاورم که تو را در این امر معاونت نمایند در این شب، گفت: آنچه می دانی بکن ای ابو طالب. چون برخاستم از کنار خانه، صدای هاتفی را شنیدم که گفت: باش ای ابو طالب که دستهای آلوده به گناهان، به بدن مطهر او نمی رسد، ناگاه دیدم که چهار زن پیدا شدند و جامه هایی مانند حریر سفید پوشیده بودند و بوی ایشان از بوی مشک نیکوتر بود، چون داخل شدند گفتند: السلام علیک ای زنی که دوست خدائی، پس فاطمه ایشان را جواب گفت، در پیش روی او نشستند و غالیه دانی بیرون آوردند از نقره و او را یاری کردند و دلداری کردند تا حضرت امیر المؤمنین علیه السلام متولد شد، بی تابانه من نزدیک او رفتم، ناگاه دیدم که به سجده رفته است و مانند خورشید تابان نوری از او ساطع است و می گوید:

أشهد أن لا اله الا الله، و أن محمدا رسول الله، و أن علیا وصی محمد رسول الله، بمحمد یختم الله النبوه، و بی یتم الوصیه و أنا امیر المؤمنین.

پس یکی از آن زنان دست دراز کرد، او را در دامان خود گذاشت، چون نظر آن حضرت بر روی او افتاد به زبان فصیح بلیغ گفت: السلام علیک ای مادر، او در جواب گفت: علیک السلام ای فرزند گرامی، حضرت گفت: چه خبر داری از پدر من؟ آن زن گفت: در نعمتهای حق تعالی می گردد و به قرب وصال او تنعم می نماید.

چون این سخن را شنیدم، بی تاب شده گفتم: ای فرزند گرامی مگر من پدر تو نیستم؟

گفت: بلی تو پدر منی و من و تو هر دو از صلب آدم به هم رسیده ایم و این

مادر من است

جلاء العیون، مجلسی، ص: 299

حوّا. چون این سخن را شنیدم، از شرم حضرت حوا سر خود را به ردای خود پوشانیدم در زاویه خانه خزیدم، پس زن دیگر به نزدیک او آمده ظرف غالیه را در دست داشت و علی را گرفت. چون نظر آن حضرت بر روی او افتاد گفت: السّلام علیک ای خواهر من، آن زن گفت: و علیک السّلام ای برادر من، پس حضرت فرمود: از عمّ من چه خبر داری؟ گفت:

حال او نیک است و تو را سلام می رساند، در این حال گفتم: ای فرزند این

خواهر کیست؟

و این عمّ کیست؟ فرمود: این مریم دختر عمران است، و عمّ من عیسی بن مریم است، پس آن زن بوی خوش از آن ظرف غالیه بیرون آورد و آن طیب را به آن بوی خوش مطیب گردانید، پس زنی دیگر او را گرفت و او را در جامه ای که با خود آورده بود پیچید.

ابو طالب گفت: در این حال گفتم: اگر او را اکنون ختنه می کردیم بر او آسان تر بود، زیرا که سنتّ عرب در آن وقت چنین بود که فرزندان خود را ختنه می کردند، آن زن گفت: ای ابو طالب این فرزند طاهر و مطهرّ است و نمی چشود او گرمی آهن را در دنیا مگر بر دست مردی که خدا و رسول و ملائکه و آسمانها و زمینها و کوه ها و دریاها او را دشمن می دارند و لعنت می کنند، و آتش جهنّم

مشتاق اوست. ابو طالب گفت: آن مرد کیست؟ آن زنان گفتند: ابن ملجم مرادی است که او را در کوفه شهید خواهد کرد بعد سی سال از وفات محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. ابو طالب گفت: در این حال حضرت رسالت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به خانه درآمد و آن حضرت را از دست آن زنان گرفت و دست او را به دست خود گرفت و سخنان بسیار به او گفت، علی عَلِيٌّ نیز اسرار بسیار به آن حضرت گفت، پس آن زنان غایب شدند و در خاطر خود گفتیم: کاش آن دو زن دیگر را می شناختم.

در این حال علی عَلِيٌّ به الهام حق تعالی گفت: ای پدر من! زن اوّل حواّ مادر عالمیان بود، و زن دوّم مریم دختر عمران بود، و آن زنی که مرا در جامه پیچید آسیه زن فرعون بود، و آن زنی که مرا خوشبو گردانید مادر موسی عَلِيٌّ بود. پس گفت: برو در این وقت بسوی مثرم و او را بشارت ده به ولادت من، و آنچه دیدی و شنیدی به او بازگویی، او در فلان غار است، و خبر این مار را نیز به من گفت. پس من به فرموده او به نزد او آمدم و احوال او این بود که به تو گفتم.

جلاء العیون، مجلسی، ص: 300

چون از سخنان خود با حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آله فارغ شد، به حالت طفولیت برگشت و ساکت شد، چون مثرم این را شنید به سجده افتاد و شکر حق تعالی بجا آورد و رو به قبله خوابید و گفت: جامه بر روی من بپوشانید. چون جامه را بر روی او افکندم، به سرای باقی رحلت کرد و به حالت خود برگشت، سه روز در آنجا ماندم، هر چند به او سخن گفتم جواب نشنیدم. پس آن مارها بیرون آمده به سخن آمدند و گفتند: السّلام علیک یا ابا طالب. چون جواب سلام ایشان گفتم، گفتند: برو ملحق شو به ولیّ خدا که تو از همه کس سزاوارتری به

حراست و محافظت او، من گفتم به ایشان: کیستید شما؟ گفتند: ما عمل شایسته اوئیم، حق تعالی ما را از نیکیهای عمل او خلق کرده تا آنکه دفع کنیم اذیتها را از او تا روز قیامت. چون در روز قیامت زنده شود، یکی از ما در پیش روی او و دیگری در عقب او خواهیم بود، و راهنمایی او خواهیم کرد بسوی بهشت، پس ابو طالب به مکه برگشت.

جابر گفت: چون حضرت رسالت ﷺ این خبر را نقل کرد گفتم: الله اکبر مردم می گویند ابو طالب کافر مرد، حضرت فرمود: ای جابر! پروردگار تو به غیب داناتر است، در شب معراج چون به زیر عرش رسیدم چهار نور دیدم گفتم: الهی این نورها چیست؟ ندا رسید: یا محمد یکی عبد المطلب و دیگری ابو طالب و دیگری پدر تو عبد الله و دیگری برادر تو طالب است، گفتم: الهی ایشان این درجه را به چه چیز یافته اند؟ حق تعالی فرمود: به آنکه ایمان خود را پنهان داشتند، از قوم خود تقیه کردند و به آزارهای ایشان صبر کردند تا از دنیا رحلت نمودند<sup>1</sup>.

مؤلف گوید: می تواند بود که این احوال در میان کعبه واقع شده باشد تا آنکه با احادیث دیگر مخالفت نداشته باشد، و آنکه واقع شده بود که حرارت آهن به آن حضرت نخواهد رسید مگر بر دست ابن ملجم، شاید مراد آن باشد که جراحی که بی اختیار خود و دوستان او باشد به او نخواهد رسید مگر در ضربت آخر، زیرا که آن جراحیهای دیگر را خود باعث شد و برای خدا خود را در معرض آنها می آورد، و محتمل است که در آن جراحیات دیگر

1 روضه الواعظین 77.

2 جلاء العیون، مجلسی، ص: 301

المی به آن حضرت نرسیده باشد. ایضا ذکر طالب برادر آن حضرت غریب است و محتمل است که برادر حضرت امیر المؤمنین مراد باشد، چون در بعضی اخبار وارد شده که او مسلمان از دنیا رفت، و در بعضی از کتب به جای او جعفر بن اَبی طالب مذکور است.

## خلقت نوری

محمد بن العباس به سند خود از ابن عباس روایت کرده است که گفت: روزی در خدمت حضرت رسول ﷺ بودیم، حضرت امیر المؤمنین علیه السلام پیدا شد، چون آن حضرت را نظر بر او افتاد تبسم نمود فرمود: مرحبا به آن کسی که خدا او را پیش از آدم خلق کرده است به چهل هزار سال، گفتیم: یا رسول الله می تواند بود که فرزند پیش از پدر مخلوق شود؟ فرمود: بلی، حق تعالی خلق کرد نور مرا و علی را پیش از آنکه آدم را خلق کند به این مدت، پس آن را به دونیم کرد، از نصف آن مرا آفرید و از نصفی علی را آفرید پیش از آنکه اشیاء دیگر را بیافریند، و آنها را از نور من و نور علی منور گردانید، پس ما را در جانب راست عرش خود جا داد، بعد از ما ملائکه را آفرید.

چون ما تسبیح و تهلیل و تحمید حق تعالی کردیم، ملائکه از ما آموختند تسبیح و تکبیر و تهلیل حق تعالی را، پس حق تعالی چنین مقرر فرمود که دوست من و علی داخل جهنم نشود و دشمن من و علی داخل بهشت نشود، به درستی که حق تعالی ملکی چند آفریده است که در دست ایشان ابریقهاست از نقره بهشت، و آن ابریقها را پر کرده اند از آب حیات که چشمه ای است از جنه الفردوس. چون اراده می نماید پدر یکی از شیعیان علی که با مادر او مقاربت نماید در وقتی که حق تعالی می خواهد که نطفه او منعقد شود، یکی از آن ملائکه می آید و از آن آب بهشت قدری می ریزد در آبی که او در آن وقت می آشامد و آن آب با نطفه او مخلوط می گردد، پس به این سبب به هم می رسد

در دل او محبت من و علی و فاطمه و حسن و حسین و نه امام از فرزندان  
حسین.

پس حضرت فرمود که: شکر می کنم خداوندی را که محبت علی و ایمان به  
او را سبب دخول بهشت و نجات از جهنم گردانیده است <sup>«1»</sup>.

جلاء العیون، مجلسی، ص: 291

## واقعہ غدیر

واقعہ ی تاریخی غدیر خم، در روز هجده ذی الحجه سال دهم هجری اتفاق افتاد، و خداوند به وسیله ی پیک وحی، حضرت جبرئیل، قبولی رسالت بیست و سه ساله ی آن حضرت، را با آن همه زحمت، در گرو انتصاب علی علیه السلام به عنوان جانشین خود، قرار داد. قرآن شریف به این امر مهم اشاره نموده است، آنجا که می فرماید: «وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ»<sup>(6)</sup>؛ «[ای پیامبر! آن چه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، (به مردم) برسان!] و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده ای!»

پس از اجرای این حکم الهی، خداوند، بر رسالت خاتم الاوصیاء، و اسلام با علی بن ابی طالب علیه السلام، مهر تأیید زد، و فرمود:

«الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»<sup>(7)</sup>؛ «امروز، دین شما را کامل کردم؛ و نعمت خود را بر شما تمام نمودم؛ و اسلام را به عنوان آئین (جاودان) شما پذیرفتم.»

خداوند پیامبرش را از توطئه ی منافقین در به هم زدن چنین کنگره ی عظیم جهان اسلام، در روز غدیر، حفظ نمود و فرمود:

«وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ»<sup>(8)</sup>؛ «خداوند تو را از (خطرات احتمالی) مردم، نگاه می دارد.»

## خطابه پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در روز غدیر خم

متن عربی

؛ خطبه رسول الله فی یوم الغدیر باللغه العربیه

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَا فِي تَوْحِيدِهِ وَ دَنَا فِي تَفَرُّدِهِ وَ جَلَّ فِي سُلْطَانِهِ وَعَظَمَ فِي  
أَرْكَانِهِ، وَأَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا وَ هُوَ فِي مَكَانِهِ وَقَهَرَ جَمِيعَ الْخَلْقِ بِقُدْرَتِهِ وَ  
بُرْهَانِهِ، حَمِيدًا لَمْ يَزَلْ، مَحْمُودًا لَا يَزَالُ (وَ مَجِيدًا لَا يَزُولُ، وَ مُبْدِنًا وَ مُعِيدًا وَ كُلُّ أَمْرٍ  
إِلَيْهِ يَعُودُ). بَارِئُ الْمَسْمُوكَاتِ وَ دَاحِي الْمَذْخُوتَاتِ وَ جِبَارُ الْأَرْضِينَ وَ السَّمَاوَاتِ،  
قُدُّوسٌ سُبُّوحٌ، رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ، مُتَفَضِّلٌ عَلَى جَمِيعٍ مَنْ بَرَأَهُ، مُتَطَوِّلٌ عَلَى  
جَمِيعٍ مَنْ أَنْشَأَهُ. يَلْحَظُ كُلَّ عَيْنٍ وَالْعُيُونُ لَا تَرَاهُ. كَرِيمٌ حَلِيمٌ ذُؤَانَاتٍ، قَدْ وَسِعَ كُلَّ  
شَيْءٍ رَحْمَتُهُ وَ مَنْ عَلَيْهِمْ بِنِعْمَتِهِ. لَا يَعْجَلُ بِانْتِقَامِهِ، وَلَا يُبَادِرُ إِلَيْهِمْ بِمَا اسْتَحَقُّوا مِنْ  
عَذَابِهِ. قَدَفَهُمُ السَّرَائِرَ وَ عَلِمَ الضَّمَائِرَ، وَ لَمْ تَخَفْ عَلَيْهِ الْمَكْنُونَاتُ وَ لَا اسْتَبَهَتْ عَلَيْهِ  
الْحَفِيَّاتُ. لَهُ الْإِحَاطَةُ بِكُلِّ شَيْءٍ، وَالْعَلْبَةُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَالْقُوَّةُ فِي كُلِّ شَيْءٍ وَالْقُدْرَةُ  
عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَ لَيْسَ مِثْلُهُ شَيْءٌ. وَ هُوَ مُنْشِئُ الشَّيْءِ حِينَ لَا شَيْءَ دَائِمٌ حَى وَقَائِمٌ  
بِالْقِسْطِ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ. جَلَّ عَنْ أَنْ تُدْرِكَهُ الْأَبْصَارُ وَ هُوَ يُدْرِكُ  
الْأَبْصَارَ وَ هُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ. لَا يَلْحَقُ أَحَدٌ وَصْفَهُ مِنْ مُعَايَنِهِ، وَلَا يَجِدُ أَحَدٌ كَيْفَ  
هُوَ مِنْ سِرِّهِ وَ عِلَانِيَتِهِ إِلَّا بِمَادَلٍّ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى نَفْسِهِ. وَأَشْهَدُ أَنَّهُ اللَّهُ الَّذِي مَلَأَ الدَّهْرَ  
قُدْسُهُ، وَالَّذِي يَغْشَى الْأَبَدَ نُورُهُ، وَالَّذِي يُنْفِذُ أَمْرَهُ بِالْمُشَاوَرَةِ مُشِيرًا وَ لَامِعَهُ شَرِيكَ  
فِي تَقْدِيرِهِ وَ لَا يُعَاوَنُ فِي تَدْبِيرِهِ. صَوَّرَ مَا ابْتَدَعَ عَلَى غَيْرِ مِثَالٍ، وَ خَلَقَ مَا خَلَقَ  
بِالْمُعُونَةِ مِنْ أَحَدٍ وَ لَا تَكَلَّفَ وَ لَا احْتِيََالَ. أَنْشَأَهَا فَكَانَتْ وَ بَرَأَهَا فَبَانَتْ. فَهُوَ اللَّهُ

الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمُتَّقِنُ الصَّنْعَةَ، أَحْسَنُ الصَّنِيعَةِ، الْعَدْلُ الَّذِي لَا يَجُورُ، وَالْأَكْرَمُ  
الَّذِي تَرَجِعُ إِلَيْهِ الْأُمُورُ. وَأَشْهَدُ أَنَّهُ اللَّهُ الَّذِي تَوَاضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِعَظَمَتِهِ، وَذَلَّ كُلُّ  
شَيْءٍ لِعِزَّتِهِ، وَاسْتَسَلَّمَ كُلُّ شَيْءٍ لِقُدْرَتِهِ، وَخَضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِهَيْبَتِهِ. مَلِكُ الْمَلَائِكِ وَالْ  
مُفْلِكُ الْأَفْلَاقِ وَمُسَخِّرُ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ، كُلُّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى. يُكْوِرُ اللَّيْلَ عَلَى  
النَّهَارِ وَيُكْوِرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا. قَاصِمٌ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَمُهْلِكٌ كُلِّ  
شَيْطَانٍ مَرِيدٍ. لَمْ يَكُنْ لَهُ ضِدٌّ وَلَا مَعَهُ نَدٌّ أَحَدٌ صَمَدٌ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ  
كُفُوًا أَحَدٌ. إِلَهٌ وَاحِدٌ وَرَبٌّ مَاجِدٌ يَشَاءُ فَيَمْضِي، وَيُرِيدُ فَيَقْضِي، وَيَعْلَمُ فَيُخْصِي،  
وَيُمِيتُ وَيُحْيِي، وَيُفْقِرُ وَيُغْنِي، وَيُضْحِكُ وَيُبْكِي، (وَيُدْنِي وَيُقْصِي) وَيَمْنَعُ وَيَعْطِي،  
لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. يُوَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ  
وَيُوَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ. مُسْتَجِيبُ الدَّعَاءِ وَمُجْزِلُ الْعَطَاءِ،  
مُخْصِي الْأَنْفَاسِ وَرَبُّ الْجَنَّةِ وَالنَّاسِ، الَّذِي لَا يُشْكِلُ عَلَيْهِ شَيْءٌ، وَلَا يُضْجِرُهُ  
صُرَاخُ الْمُسْتَضْرِحِينَ وَلَا يُبِيرُمُهُ الْإِحَاحُ الْمُلْحِحِينَ. الْعَاصِمُ لِلصَّالِحِينَ، وَالْمُؤَفِّقُ  
لِلْمُفْلِحِينَ، وَمَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ وَرَبُّ الْعَالَمِينَ. الَّذِي اسْتَحَقَّ مِنْ كُلِّ مَنْ خَلَقَ أَنْ  
يَشْكُرَهُ وَيَحْمَدَهُ (عَلَى كُلِّ حَالٍ). أَحْمَدُهُ كَثِيرًا وَأَشْكُرُهُ دَائِمًا عَلَى السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ  
وَالشَّدَّةِ وَالرَّخَاءِ، وَأُؤْمِنُ بِهِ وَبِمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ. أَسْمَعُ لِأَمْرِهِ وَأَطِيعُ وَأُبَادِرُ  
إِلَى كُلِّ مَا يَرْضَاهُ وَأَسْتَسَلِّمُ لِمَاقِضَاهُ، رَغْبَةً فِي طَاعَتِهِ وَخَوْفًا مِنْ عِقُوبَتِهِ، لِأَنَّهُ اللَّهُ  
الَّذِي لَا يُؤْمَنُ مَكْرُهُ وَلَا يُخَافُ جَوْرُهُ. وَأَقْرُلُهُ عَلَى نَفْسِي بِالْعُبُودِيَّةِ وَأَشْهَدُ لَهُ  
بِالرُّبُوبِيَّةِ، وَأُؤَدِّي مَا أَوْحَى بِهِ إِلَيَّ حَذْرًا مِنْ أَنْ لَا أَفْعَلَ فَتَحِلَّ بِي مِنْهُ قَارِعَةٌ  
لَا يَدْفَعُهَا عَنِّي أَحَدٌ وَإِنْ عَظُمَتْ حِيلَتُهُ وَصَفَتْ خُلَّتُهُ

- لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ - لِأَنَّهُ قَدْ عَلَّمَنِي أَنِّي إِنْ لَمْ أُبَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيَّ (فِي حَقِّ عَلَيَّ)  
فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ، وَقَدْ ضَمِنَ لِي تَبَارَكَ وَتَعَالَى الْعِصْمَةَ (مِنَ النَّاسِ) وَهُوَ اللَّهُ  
الْكَافِي الْكَرِيمُ.

فَأَوْحَىٰ إِلَىٰ: (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ - فِي عَلِيٍّ يَعْنِي فِي الْخِلَافَةِ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ - وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، مَا قَصَّرْتُ فِي تَبْلِيغِ مَا أُنزَلَ اللَّهُ تَعَالَىٰ إِلَيَّ، وَ أَنَا أُبَيِّنُ لَكُمْ سَبَبَ هَذِهِ الْآيَةِ: إِنَّ جَبْرَائِيلَ هَبَطَ إِلَيَّ مِرَارًا ثَلَاثًا يَأْمُرُنِي عَنِ السَّلَامِ رَبِّي - وَ هُوَ السَّلَامُ - أَنْ أَقُومَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ فَأَعْلِمَ كُلَّ أَبْيَضٍ وَأَسْوَدٍ: أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ أَخِي وَ وَصِيِّي وَ خَلِيفَتِي (عَلَىٰ أُمَّتِي) وَالْإِمَامُ مِنْ بَعْدِي، الَّذِي مَحَلُّهُ مِنِّي مَحَلُّ هَارُونَ مِنْ مُوسَىٰ إِلَّا أَنَّهُ لِأَنِّي بَعْدِي وَهُوَ وَلِيُّكُمْ بَعْدَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ.

وَقَدْ أُنزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَىٰ عَلَيَّ بِذَلِكَ آيَةً مِنْ كِتَابِهِ (هِيَ): (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ)، وَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ الَّذِي أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ وَهُوَ رَاكِعٌ يُرِيدُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي كُلِّ حَالٍ.

وَ سَأَلْتُ جَبْرَائِيلَ أَنْ يَسْتَعْفِي لِي (السَّلَامَ) عَنْ تَبْلِيغِ ذَلِكَ إِلَيْكُمْ - أَيُّهَا النَّاسُ - لِعِلْمِي بِقَلْبِهِ الْمُتَّقِينَ وَ كَثْرَةِ الْمُنَافِقِينَ وَ إِدْغَالِ اللَّائِمِينَ وَ حِيلِ الْمُسْتَهْزِئِينَ بِالسَّلَامِ، الَّذِينَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ بِأَنَّهُمْ يَقُولُونَ بِالسُّبْتِ مَالَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ، وَ يَحْسَبُونَ هَيِّنًا وَ هُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ.

وَ كَثْرَةَ أَذَاهُمْ لِي غَيْرَ مَرَّةٍ حَتَّى سَمَوْنِي أَذْنًا وَ زَعَمُوا أَنِّي كَذَلِكَ لِكَثْرَةِ مُلَازِمَتِهِ إِلَيَّ وَ إِقْبَالِي عَلَيْهِ (وَ هَوَاهُ وَ قَبُولِهِ مِنِّي) حَتَّى أُنزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي ذَلِكَ (وَ مِنْهُمْ

الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ، قُلْ أُذُنٌ - (عَلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُ أُذُنٌ) -  
خَيْرٌ لَكُمْ، يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ) الْآيَةُ.

وَلَوْ شِئْتُ أَنْ أُسَمِّيَ الْقَائِلِينَ بِذَلِكَ بِأَسْمَائِهِمْ لَسَمَّيْتُ وَأَنْ أُؤَمِّيَ إِلَيْهِمْ بِأَعْيَانِهِمْ  
لَأَوْمَأْتُ وَأَنْ أُدَلِّ عَلَيْهِمْ لَدَلَّيْتُ، وَلَكِنِّي وَاللَّهِ فِي أُمُورِهِمْ قَدْ تَكْرَمْتُ. وَكُلُّ ذَلِكَ  
لَا يَرْضَى اللَّهُ مِنِّي إِلَّا أَنْ أُبَلِّغَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيَّ (فِي حَقِّ عَلِيٍّ)، ثُمَّ تَلَا: (يَا  
أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ - فِي حَقِّ عَلِيٍّ - وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ  
رِسَالَاتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ). فَاعْلَمُوا مَعَاشِرَ النَّاسِ (ذَلِكَ فِيهِ وَأَفْهَمُوهُ  
وَاعْلَمُوا) أَنَّ اللَّهَ قَدْ نَصَبَهُ لَكُمْ وَلِيًّا وَإِمَامًا فَرَضَ طَاعَتَهُ عَلَى الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَ  
عَلَى التَّابِعِينَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ، وَعَلَى الْبَادِي وَالْحَاضِرِ، وَعَلَى الْعَجَمِيِّ وَالْعَرَبِيِّ،  
وَالْحُرِّ وَالْمَمْلُوكِ وَالصَّغِيرِ وَالْكَبِيرِ، وَعَلَى الْأَبْيَضِ وَالْأَسْوَدِ، وَعَلَى كُلِّ مَوْحِدٍ.

مَاضٍ حُكْمُهُ، جَازٍ قَوْلُهُ، نَافِذٌ أَمْرُهُ، مَلْعُونٌ مَنْ خَالَفَهُ، مَرْحُومٌ مَنْ تَبِعَهُ وَصَدَّقَهُ،  
فَقَدْ عَفَّرَ اللَّهُ لَهُ وَلَمَنْ سَمِعَ مِنْهُ وَأَطَاعَ لَهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ آخِرُ مَقَامٍ أَقْوَمُهُ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ، فَاسْمَعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنْقَادُوا  
لَأَمْرِ (اللَّهِ) رَبِّكُمْ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ هُوَ مَوْلَاكُمْ وَإِلَاهُكُمْ، ثُمَّ مِنْ دُونِهِ رَسُولُهُ وَنَبِيِّهُ  
الْمُخَاطَبُ لَكُمْ، ثُمَّ مِنْ بَعْدِي عَلِيٌّ وَلِيِّكُمْ وَإِمَامُكُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ رَبِّكُمْ، ثُمَّ الْإِمَامَةُ فِي  
ذُرِّيَّتِي مِنْ وُلْدِهِ إِلَى يَوْمِ تَلْقَوْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ.

لَا حَلَالَ إِلَّا مَا أَحَلَّهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَهُمْ، وَلَا حَرَامَ إِلَّا مَا حَرَّمَهُ اللَّهُ (عَلَيْكُمْ) وَ  
رَسُولُهُ وَهُمْ، وَاللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَرَفَنِي الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ وَأَنَا أَفْضَيْتُ بِمَا عَلَّمَنِي رَبِّي مِنْ  
كِتَابِهِ وَحَلَالِهِ وَحَرَامِهِ إِلَيْهِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، عَلَى (فَضْلُوهُ). مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَقَدْ أَحْصَاهُ اللَّهُ فِي، وَكُلُّ عِلْمٍ  
عُلِّمْتُ فَقَدْ أَحْصَيْتُهُ فِي إِمَامِ الْمُتَّقِينَ، وَمَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَقَدْ عَلَّمْتُهُ عَلَيًّا، وَهُوَ الْإِمَامُ  
الْمُبِينُ (الَّذِي ذَكَرَهُ اللَّهُ فِي سُورَةِ يَس: (وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، لَا تَضِلُّوا عَنْهُ وَلَا تَنْفِرُوا مِنْهُ، وَلَا تَسْتَنْكِفُوا عَنْ وَلَايَتِهِ، فَهُوَ الَّذِي  
يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَيَعْمَلُ بِهِ، وَيُزْهِقُ الْبَاطِلَ وَيَنْهَى عَنْهُ، وَلَا تَأْخُذْهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ.  
أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ (لَمْ يَسْبِقْهُ إِلَى الْإِيمَانِ بِي أَحَدٌ)، وَالَّذِي فَدَى رَسُولَ اللَّهِ  
بِنَفْسِهِ، وَالَّذِي كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا أَحَدٌ يَعْبُدُ اللَّهَ مَعَ رَسُولِهِ مِنَ الرِّجَالِ غَيْرُهُ.  
(أَوَّلُ النَّاسِ صَلَاةً وَأَوَّلُ مَنْ عَبَدَ اللَّهَ مَعِيَ. أَمَرْتُهُ عَنِ اللَّهِ أَنْ يَنَامَ فِي مَضْجَعِي،  
فَفَعَلَ فَادِيًّا لِي بِنَفْسِهِ).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، فَضْلُوهُ فَقَدْ فَضَّلَهُ اللَّهُ، وَأَقْبَلُوهُ فَقَدْ نَصَبَهُ اللَّهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ إِمَامٌ مِنَ اللَّهِ، وَلَنْ يُتُوبَ اللَّهُ عَلَى أَحَدٍ أَنْكَرَ وَلَايَتَهُ وَلَنْ يُعْفَرَ  
لَهُ، حَتْمًا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَفْعَلَ ذَلِكَ بِمَنْ خَالَفَ أَمْرَهُ وَأَنْ يُعَذِّبَهُ عَذَابًا نَكْرًا أَبَدًا الْأَبَادِ  
وَدَهْرَ الدُّهُورِ. فَاحْذَرُوا أَنْ تُخَالَفُوهُ. فَتَصَلُّوا نَارًا وَقَوِّدْهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ  
لِلْكَافِرِينَ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، بِي - وَاللَّهُ - بَشَرًا أَوْلُونَ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ، وَأَنَا - (وَاللَّهُ) -  
خَاتَمَ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ وَالْحُجَّةُ عَلَى جَمِيعِ الْمَخْلُوقِينَ مِنْ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ  
وَالْأَرْضِينَ. فَمَنْ شَكَّ فِي ذَلِكَ فَقَدْ كَفَرَ كُفْرَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَمَنْ شَكَّ فِي شَيْءٍ  
مِنْ قَوْلِي هَذَا فَقَدْ شَكَّ فِي كُلِّ مَا أَنْزَلَ إِلَيَّ، وَمَنْ شَكَّ فِي وَاحِدٍ مِنَ الْأَثْمَةِ فَقَدْ  
شَكَّ فِي الْكُلِّ مِنْهُمْ، وَالشَّاكُّ فِينَا فِي النَّارِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، حَبَانِيَّ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ بِهَذِهِ الْفَضِيلَةِ مَنَّا مِنْهُ عَلَيَّ وَإِحْسَانًا مِنْهُ إِلَيَّ  
وَلَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، أَلَا لَهُ الْحَمْدُ مِنِّي أَبَدَ الْأَبْدِينَ وَدَهْرَ الدَّاهِرِينَ وَعَلَيَّ كُلِّ حَالٍ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، فَضِّلُوا عَلَيَّ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ النَّاسِ بَعْدِي مِنْ ذَكَرٍ وَأَنْتَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ  
الرِّزْقَ وَبَقِيَ الْخَلْقُ.

مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ، مَغْضُوبٌ مَغْضُوبٌ مَنْ رَدَّ عَلَيَّ قَوْلِي هَذَا وَلَمْ يُوَافِقْهُ.

أَلَا إِنَّ جَبْرَيْلَ خَبَّرَنِي عَنِ اللَّهِ تَعَالَى بِذَلِكَ وَيَقُولُ: «مَنْ عَادَى عَلِيًّا وَلَمْ يَتَوَلَّهُ  
فَعَلَيْهِ لَعْنَتِي وَغَضَبِي»، (وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ - أَنْ تَخَالَفُوهُ فَتُنزَلَ  
قَدَمٌ بَعْدَ نُبُوتِهَا - إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ جَنَّبُ اللَّهِ الَّذِي ذَكَرَ فِي كِتَابِهِ الْعَزِيزِ، فَقَالَ تَعَالَى (مُخْبِرًا عَمَّنْ  
يُخَالِفُهُ): (أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتَا عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنبِ اللَّهِ).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، تَدَبَّرُوا الْقُرْآنَ وَافْهَمُوا آيَاتِهِ وَأَنْظُرُوا إِلَيَّ مُحْكَمَاتِهِ وَلَا تَتَّبِعُوا  
مُتَشَابِهَهُ، فَوَاللَّهِ لَنْ يُبَيِّنَ لَكُمْ زَوَاجِرَهُ وَلَنْ يُوضِحَ لَكُمْ تَفْسِيرَهُ إِلَّا الَّذِي أَنَا آخِذٌ  
بِيَدِهِ وَمُصْعِدُهُ إِلَيَّ وَشَائِلٌ بَعْضُهُ (وَرَافِعُهُ بِيَدِي) وَمُعْلِمُكُمْ: أَنْ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ  
فَهَذَا عَلَيَّ مَوْلَاهُ، وَهُوَ عَلَيَّ بِنُ أَبِي طَالِبٍ أَخِي وَوَصِيِّي، وَمَوْلَاتُهُ مِنْ اللَّهِ  
عَزَّوَجَلَّ أَنْزَلَهَا عَلَيَّ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ عَلِيًّا وَالطَّيِّبِينَ مِنْ وُلْدِي (مِنْ صُلْبِهِ) هُمُ النَّقْلُ الْأَصْغَرُ، وَالْقُرْآنُ  
النَّقْلُ الْأَكْبَرُ، فَكُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مُنْبِئٌ عَنْ صَاحِبِهِ وَ مُوَافِقٌ لَهُ، لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا  
عَلَى الْحَوْضِ. أَلَا إِنَّهُمْ أَمْنَاءُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَ حُكَّامُهُ فِي أَرْضِهِ. أَلَا وَقَدْ أُدِّيتُ.

أَلَا وَقَدْ بَلَّغْتُ، أَلَا وَقَدْ أَسْمَعْتُ، أَلَا وَقَدْ أَوْضَحْتُ، أَلَا وَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ قَالَ وَ أَنَا  
قُلْتُ عَنْ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، أَلَا إِنَّهُ لَا «أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ» غَيْرَ أَخِي هَذَا، أَلَا لَا تَحِلُّ إِمْرُهُ  
الْمُؤْمِنِينَ بَعْدِي لِأَحَدٍ غَيْرِهِ.

ثم قال: «أيها الناس، مَنْ أَوْلَى بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ؟ قالوا: الله و رَسُوْلُهُ. فَقَالَ: أَلَا  
مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَ أَنْصُرْ مَنْ  
نَصَرَهُ وَ اخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ. مَعَاشِرَ النَّاسِ، هَذَا عَلِيٌّ أَخِي وَ وَصِيٌّ وَ وَاعِي عِلْمِي، وَ  
خَلِيفَتِي فِي أُمَّتِي عَلِيٌّ مَنْ آمَنَ بِي وَ عَلَى تَفْسِيرِ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ الدَّاعِي إِلَيْهِ  
وَ الْعَامِلُ بِمَا يَرْضَاهُ وَ الْمُحَارِبُ لِأَعْدَائِهِ وَ الْمُوَالِي عَلَى طَاعَتِهِ وَ النَّاهِي عَنْ مَعْصِيَتِهِ.  
إِنَّهُ خَلِيفَةُ رَسُوْلِ اللَّهِ وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْإِمَامُ الْهَادِي مِنَ اللَّهِ، وَ قَاتِلُ النَّاكِثِينَ  
وَ الْقَاسِطِينَ وَ الْمَارِقِينَ بِأَمْرِ اللَّهِ. يَقُولُ اللَّهُ: (مَا يُبَدِّلُ الْقَوْلُ لَدَى).

بِأَمْرِكَ يَا رَبِّ أَقُولُ: اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ (وَ أَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ  
وَ اخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ) وَ الْعَنُ مَنْ أَنْكَرَهُ وَ اغْضِبْ عَلَى مَنْ جَحَدَ حَقَّهُ.

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَ الْآيَةَ فِي عَلِيٍّ وَ لِيكَ عِنْدَ تَبْيِينِ ذَلِكَ وَ نَصْبِكَ إِيَّاهُ لِهَذَا الْيَوْمِ:  
(الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا)، (وَ

مَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ). اللَّهُمَّ إِنِّي  
أُشْهِدُكَ أَنِّي قَدْ بَلَغْتُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّمَا أَكْمَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ دِينَكُمْ بِإِمَامَتِهِ. فَمَنْ لَمْ يَأْتُمْ بِهِ وَبِمَنْ يَقُومُ  
مَقَامَهُ مِنْ وُلْدِي مِنْ صُلْبِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَالْعَرَضِ عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَأُولَئِكَ  
الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ (فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ) وَفِي النَّارِهِمْ خَالِدُونَ، (لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ  
الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، هَذَا عَلَيَّ، أَنْصَرُّكُمْ لِي وَأَحَقُّكُمْ بِي وَأَقْرَبُكُمْ إِلَيَّ وَأَعَزُّكُمْ عَلَيَّ،  
وَاللَّهُ عَزَّوَجَلَّ وَأَنَاعَنهُ رَاضِيَانِ. وَمَا نَزَلَتْ آيَةٌ رِضًا (فِي الْقُرْآنِ) إِلَّا فِيهِ، وَلَا خَاطَبَ  
اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا إِلَّا بَدَأَ بِهِ، وَلَا نَزَلَتْ آيَةٌ مَدْحٍ فِي الْقُرْآنِ إِلَّا فِيهِ، وَلَا شَهِدَ اللَّهُ بِالْجَنَّةِ  
فِي (هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ) إِلَّا لَهُ، وَلَا أَنْزَلَهَا فِي سِوَاهُ وَلَا مَدَحَ بِهَا غَيْرَهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، هُوَ نَاصِرٌ دِينَ اللَّهِ وَالْمُجَادِلُ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ، وَهُوَ التَّقِيُّ النَّقِيُّ  
الْهَادِي الْمَهْدِي. نَبِيِّكُمْ خَيْرُ نَبِيٍّ وَوَصِيِّكُمْ خَيْرُ وَصِيٍّ (وَبَنُوهُ خَيْرُ الْأَوْصِيَاءِ).  
مَعَاشِرَ النَّاسِ، ذُرِّيَّةُ كُلِّ نَبِيٍّ مِنْ صُلْبِهِ، وَذُرِّيَّةِي مِنْ صُلْبِ (أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ) عَلِيٍّ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ إِبْلِيسَ أَخْرَجَ آدَمَ مِنَ الْجَنَّةِ بِالْحَسَدِ، فَلَا تَحْسُدُوهُ فَتَحْبِطَ  
أَعْمَالُكُمْ وَتَنْزِلَ أَقْدَامُكُمْ، فَإِنَّ آدَمَ أَهْبَطَ إِلَى الْأَرْضِ بِخَطِيئَتِهِ وَاحِدَهُ، وَهُوَ صَفْوَةُ اللَّهِ  
عَزَّوَجَلَّ، وَكَيْفَ بِكُمْ وَأَنْتُمْ أَنْتُمْ وَمِنْكُمْ أَعْدَاءُ اللَّهِ،

أَلَا وَ إِنَّهُ لَا يُبْغِضُ عَلِيًّا إِلَّا شَقِيًّا، وَلَا يُؤَالِي عَلِيًّا إِلَّا تَقِيًّا، وَلَا يُؤْمِنُ بِهِ إِلَّا مُؤْمِنٌ  
مُخْلِصٌ.

وَ فِي عَلِيٍّ - وَاللَّهِ - نَزَلَتْ سُورَةُ الْعَصْرِ: (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَالْعَصْرِ، إِنَّ  
الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ) (إِلَّا عَلِيًّا الَّذِي آمَنَ وَ رَضِيَ بِالْحَقِّ وَالصَّبْرِ).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، قَدْ اسْتَشْهَدْتُ اللَّهَ وَبَلَّغْتُكُمْ رِسَالَتِي وَ مَا عَلَيَّ الرَّسُولُ إِلَّا الْبَلَاغُ  
الْمُبِينُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، (إِنَّ قَوْلَ اللَّهِ حَقٌّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، (آمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ النُّورِ الَّذِي أَنْزَلَ مَعَهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَنْطَلِقَ  
وَجُوهًا فَنَرُدُّهَا عَلَىٰ أَدْبَارِهَا أَوْ نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعْنَا أَصْحَابَ السَّبْتِ). (بِاللَّهِ مَا عَنِي بِهَذِهِ  
الْآيَةِ إِلَّا قَوْمًا مِنْ أَصْحَابِي أَعْرَفُهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ وَأَنْسَابِهِمْ، وَقَدْ أَمَرْتُ بِالصَّفْحِ عَنْهُمْ  
فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِئٍ عَلَىٰ مَا يَجِدُ لِعَلِيٍّ فِي قَلْبِهِ مِنَ الْحُبِّ وَ الْبُغْضِ).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، النُّورُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَسْلُوكٌ فِي ثَمِّ فِي عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، ثُمَّ  
فِي النَّسْلِ مِنْهُ إِلَى الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ الَّذِي يَأْخُذُ بِحَقِّ اللَّهِ وَ بِكُلِّ حَقٍّ هُوَ لَنَا، لِأَنَّ اللَّهَ  
عَزَّ وَجَلَّ قَدْ جَعَلَنَا حُجَّةً عَلَى الْمُقْصِرِينَ وَ الْمَعَانِدِينَ وَ الْمُخَالِفِينَ وَ الْخَائِنِينَ  
وَ الْأَثِمِينَ وَ الظَّالِمِينَ وَ الْعَاصِبِينَ مِنْ جَمِيعِ الْعَالَمِينَ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَنْذَرْتُكُمْ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ قَدْ خَلَّتْ مِنْ قَبْلِي الرُّسُلُ، أَفَإِنْ مِتُّ أَوْ قُتِلْتُ  
أَنْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ؟ وَ مَنْ يَنْقَلِبْ عَلَىٰ عَقْبَيْهِ فَلَنَهَانِ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَ سَيَجْزِي اللَّهُ  
الشَّاكِرِينَ (الصَّابِرِينَ). أَلَا وَإِنَّ عَلِيًّا هُوَ الْمَوْصُوفُ بِالصَّبْرِ وَ الشُّكْرِ، ثُمَّ مِنْ بَعْدِهِ وَ لَدَى  
مِنْ صَلْبِهِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، لَا تَمْتَنُوا عَلَيَّ بِإِسْلَامِكُمْ، بَلْ لَا تَمْتَنُوا عَلَيَّ اللَّهُ فَيُحْبِطَ عَمَلَكُمْ  
وَيَسْخَطَ عَلَيْكُمْ وَيَتَلَيِّكُم بِشَوَاطِئِ مِنْ نَارٍ وَنُحَاسٍ، إِنْ رَبَّكُمْ لِبِ الْمِرْصَادِ.  
مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ سَيَكُونُ مِنْ بَعْدِي أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ  
لَا يُنْصَرُونَ. مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنْ اللَّهُ وَأَنَا بَرِيثَانِ مِنْهُمْ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُمْ وَأَنْصَارَهُمْ وَأَتْبَاعَهُمْ وَأَشْيَاعَهُمْ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ  
وَلَبِئْسَ مَتْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ. أَلَا إِنَّهُمْ أَصْحَابُ الصَّحِيفَةِ، فَلْيَنْظُرُوا أَحَدُكُمْ فِي صَحِيفَتِهِ!!  
مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنِّي أَدْعُهَا إِمَامَةً وَوَرَاثَةً (فِي عَقْبِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ)، وَقَدْ بَلَغْتُ  
مَا أَمَرْتُ بِتَبْلِيغِهَا حُجَّةً عَلَيَّ كُلِّ حَاضِرٍ وَغَائِبٍ وَعَلَى كُلِّ أَحَدٍ مِمَّنْ شَهِدَ أَوْلَمَ  
يَشْهَدُ، وَوَلَدٌ أَوْلَمَ يُولَدُ، فَلْيَبْلِغِ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ وَالْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.  
وَسَيَجْعَلُونَ الْإِمَامَةَ بَعْدِي مُلْكًا وَاعْتِصَابًا، (أَلَا لَعَنَ اللَّهُ الْغَاصِبِينَ الْمُعْتَصِبِينَ)،  
وَعِنْدَهَا سَيَفْرُغُ لَكُمْ أَيُّهَا الثَّقَلَانِ (مَنْ يَفْرَغُ) وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمَا شَوَاطِئَ مِنْ نَارٍ وَنُحَاسٍ  
فَلَا تَنْتَصِرَانِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنْ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَمْ يَكُنْ لِيَذْرُكُمْ عَلَيَّ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّى  
يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ، وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ مَا مِنْ قَرِيْبِهِ إِلَّا وَاللَّهُ مُهْلِكُهَا بِتَكْذِيبِهَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ  
مُمْلِكُهَا الْإِمَامَ الْمَهْدِيَّ وَاللَّهُ مُصَدِّقٌ وَعَدُهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، قَدْ ضَلَّ قَبْلَكُمْ أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ، وَاللَّهُ لَقَدْ أَهْلَكَ الْأَوَّلِينَ، وَهُوَ مُهْلِكُ  
الْآخِرِينَ.

قالَ اللهُ تَعَالَى: (أَلَمْ نُهْلِكِ الْأَوَّلِينَ، ثُمَّ نُنَبِّئُهُمُ الْآخِرِينَ، كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ،  
وَيَلُومُنَّ يَوْمَئِذٍ الْمُكَذِّبِينَ).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَمَرَنِي وَنَهَانِي، وَقَدْ أَمَرْتُ عَلِيًّا وَنَهَيْتُهُ (بِأَمْرِهِ). فَعَلِمُ  
الْأَمْرَ وَالنَّهْيَ لَدَيْهِ، فَاسْمَعُوا لِأَمْرِهِ تَسَلَّمُوا وَأَطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَأَنْتَهُوا لِنَهْيِهِ تَرْشُدُوا،  
(وَصِيروا إِلَى مُرَادِهِ) وَلَا تَتَفَرَّقْ بِكُمْ السَّبِيلُ عَنْ سَبِيلِهِ.  
مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَنَا صِرَاطُ اللَّهِ الْمُسْتَقِيمِ الَّذِي أَمَرَكُمُ بِاتِّبَاعِهِ، ثُمَّ عَلِيٌّ مِنْ بَعْدِي. ثُمَّ  
وُلِدَى مِنْ صُلْبِهِ أُمَّةٌ (أُهْدَى)، يَهْدُونَ إِلَى الْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ.

ثُمَّ قَرَأَ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ...» إِلَى آخِرِهَا،

وَقَالَ: فِي نَزَلَتْ وَفِيهِمْ (وَاللَّهُ) نَزَلَتْ، وَلَهُمْ عَمَّتْ وَإِيَّاهُمْ خَصَّتْ، أَوْلِيَاءُ اللَّهِ  
الَّذِينَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ، أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ. أَلَا إِنَّ أَعْدَائَهُمْ  
هُمُ السَّقَطَاءُ الْغَاوُونَ إِخْوَانُ الشَّيَاطِينِ يُوْحَى بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا.  
أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ ذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ، فَقَالَ عَزَّوَجَلَّ: (لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ  
وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ  
أَوْ عَشِيرَتَهُمْ، أَوْلِيَاءَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ) إِلَى آخِرِ الْآيَةِ.

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ وَصَّاهُمُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فَقَالَ: (الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ  
يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ).

(أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَرْتَابُوا).

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ بِسَلَامٍ آمِنِينَ، تَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ بِالتَّسْلِيمِ يَقُولُونَ: سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ.

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمْ، لَهُمُ الْجَنَّةُ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ. أَلَا إِنَّ أَعْدَائَهُمُ الَّذِينَ يَصُلُّونَ سَعِيرًا.

أَلَا إِنَّ أَعْدَائَهُمُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ لِحَيْهَتِهِمْ شَهِيقًا وَ هِيَ تَفُورُ وَ يَرَوْنَ لَهَا زَفِيرًا.

أَلَا إِنَّ أَعْدَائَهُمُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ فِيهِمْ: (كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعَنَتْ أُخْتَهَا) الْآيَةَ.

أَلَا إِنَّ أَعْدَائَهُمُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: (كُلَّمَا لَقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ، قَالُوا بَلَى قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِن شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ) إِلَى قَوْلِهِ: (أَلَا فَسْحَقًا لِّأَصْحَابِ السَّعِيرِ). أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ، لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، شَتَّانَ مَا بَيْنَ السَّعِيرِ وَالْأَجْرِ الْكَبِيرِ.

(مَعَاشِرَ النَّاسِ)، عَدُوْنَا مَنْ ذَمَّهُ اللَّهُ وَلَعَنَهُ، وَ وَلِيْنَا (كُلُّ) مَنْ مَدَحَهُ اللَّهُ وَ أَحَبَّهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَلَا وَإِنِّي (أَنَا) النَّذِيرُ وَ عَلِيُّ الْبَشِيرُ.

(مَعَاشِرَ النَّاسِ)، أَلَا وَإِنِّي مُنذِرٌ وَعَلَى هَادٍ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ (أَلَا) وَإِنِّي نَبِيٌّ وَعَلَى وَصِيٌّ.

(مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَلَا وَإِنِّي رَسُولٌ وَعَلَى الْإِمَامِ وَالْوَصِيِّ مِنْ بَعْدِي، وَالْأَائِمَّةُ مِنْ بَعْدِهِ وَوَلَدُهُ. أَلَا وَإِنِّي وَالِدُهُمْ وَهُمْ يَخْرُجُونَ مِنْ صُلْبِهِ).

أَلَا إِنَّ خَاتَمَ الْأَيْمَةِ مِنَّا الْقَائِمَ الْمَهْدِيَّ.

أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلَى الدِّينِ.

أَلَا إِنَّهُ الْمُنتَقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ.

أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ الحُصُونِ وَهَادِمُهَا.

أَلَا إِنَّهُ غَالِبُ كُلِّ قَبِيلَةٍ مِنْ أَهْلِ الشِّرْكِ وَهَادِيهَا.

أَلَا إِنَّهُ الْمُدْرِكُ بِكُلِّ نَارٍ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ.

أَلَا إِنَّهُ النَّاصِرُ لِدِينِ اللَّهِ.

أَلَا إِنَّهُ الْغَرَّافُ مِنْ بَحْرِ عَمِيقٍ .

أَلَا إِنَّهُ يَسِمُ كُلَّ ذِي فَضْلٍ بِفَضْلِهِ وَكُلَّ ذِي جَهْلٍ بِجَهْلِهِ .

أَلَا إِنَّهُ خَيْرُهُ اللَّهُ وَ مُخْتَارُهُ .

أَلَا إِنَّهُ وَارِثُ كُلِّ عِلْمٍ وَالْمَحِيطُ بِكُلِّ فَهْمٍ .

أَلَا إِنَّهُ الْمُخْبِرُ عَنْ رَبِّهِ عَزَّوَجَلَّ وَالْمُشِيدُ لِأَمْرِ آيَاتِهِ .

أَلَا إِنَّهُ الرَّشِيدُ السَّيِّدُ .

أَلَا إِنَّهُ الْمَفُوضُ إِلَيْهِ .

أَلَا إِنَّهُ قَدْ بَشَّرَ بِهِ مَنْ سَلَفَ مِنَ الْقُرُونِ بَيْنَ يَدَيْهِ .

أَلَا إِنَّهُ الْبَاقِي حُجَّةً وَلَا حُجَّةَ بَعْدَهُ وَلَا حَقَّ إِلَّا مَعَهُ وَلَا نُورَ إِلَّا عِنْدَهُ .

أَلَا إِنَّهُ لَا غَالِبَ لَهُ وَلَا مَنْصُورَ عَلَيْهِ .

أَلَا وَإِنَّهُ وَلِيُّ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَحَكَمُهُ فِي خَلْقِهِ، وَأَمِينُهُ فِي سِرِّهِ وَعَلَانِيَتِهِ .

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنِّي قَدِ بَيَّيْتُ لَكُمْ وَأَفْهَمْتُكُمْ، وَ هَذَا عَلَيَّ يُفْهَمُكُمْ بَعْدِي. أَلَا وَإِنِّي  
عِنْدَ انْقِضَاءِ خُطْبَتِي أَدْعُوكُمْ إِلَى مُصَافَقَتِي عَلَى بَيْعَتِهِ وَ الإِقْرَارِيهِ، ثُمَّ مُصَافَقَتِهِ  
بَعْدِي. أَلَا وَإِنِّي قَدِ بَايَعْتُ اللَّهَ وَ عَلَيَّ قَدْ بَايَعَنِي. وَأَنَا آخِذُكُمْ بِالْبَيْعَةِ لَهُ عَنِ اللَّهِ  
عَزَّ وَجَلَّ. (إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ، يَدُلُّ اللَّهُ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ. فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا  
يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ، وَ مَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ، (فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ  
عَلَيْهِ أَنْ يَطُوفَ بِهِمَا) الْآيَةَ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، حُجُّوا الْبَيْتَ، فَمَا وَرَدَهُ أَهْلُ بَيْتٍ إِلَّا اسْتَعْنُوا وَ أُبْشِرُوا، وَلَا تَخْلَفُوا  
عَنْهُ إِلَّا بَتَرُوا وَ افْتَقَرُوا.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، مَا وَقَفَ بِالْمَوْقِفِ مُؤْمِنٌ إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا سَلَفَ مِنْ ذَنْبِهِ إِلَى وَقْتِهِ  
ذَلِكَ، فَإِذَا انْقَضَتْ حَجَّتُهُ اسْتَأْنَفَ عَمَلَهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، الْحُجَّاجُ مُعَانُونَ وَ نَفَقَاتُهُمْ مُخْلَفَةٌ عَلَيْهِمْ وَ اللَّهُ لَا يُضِيعُ  
أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، حُجُّوا الْبَيْتَ بِكَمَالِ الدِّينِ وَ النَّفْقَةِ، وَلَا تَنْصَرِفُوا عَنِ الْمَشَاهِدِ إِلَّا  
بِتَوْبَةٍ وَ إِقْلَاعٍ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ كَمَا أَمَرَكُمُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ، فَإِنْ طَالَ عَلَيْكُمُ الْأَمَدُ فَقَصِّرْتُمْ أَوْ نَسِيتُمْ فَعَلِي وَلِيَّكُمْ وَمُبِينٍ لَكُمْ، الَّذِي نَصَبَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَكُمْ بَعْدِي أَمِينَ خَلَقَهُ. إِنَّهُ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُ، وَهُوَ وَمَنْ تَخَلَّفَ مِنْ ذُرِّيَّتِي يُخْبِرُونَكُمْ بِمَا تَسْأَلُونَ عَنْهُ وَيُبَيِّنُونَ لَكُمْ مَا لَا تَعْلَمُونَ.

أَلَا إِنَّ الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ أُحْصِيَهُمَا وَأَعْرِفَهُمَا فَأَمَرَ بِالْحَلَالِ وَأَنْهَى عَنِ الْحَرَامِ فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ، فَأَمَرْتُ أَنْ آخِذَ الْبَيْعَةَ مِنْكُمْ وَالصَّفْقَةَ لَكُمْ بِقَبُولِ مَا جِئْتُ بِهِ عَنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَوْصِيَاءِ مِنْ بَعْدِهِ الَّذِينَ هُمْ مِنِّي وَمِنْهُ إِمَامَةٌ فِيهِمْ قَائِمَةٌ، خَاتِمُهَا الْمَهْدِيُّ إِلَى يَوْمٍ يَلْقَى اللَّهُ الَّذِي يُقَدِّرُ وَيَقْضِي.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، وَكُلُّ حَلَالٍ دَلَلْتُكُمْ عَلَيْهِ وَكُلُّ حَرَامٍ نَهَيْتُكُمْ عَنْهُ فَإِنِّي لَمْ أَرْجِعْ عَنْ ذَلِكَ وَ لَمْ أُبَدِّلْ. أَلَا فَادْكُرُوا ذَلِكَ وَاحْفَظُوهُ وَتَوَاصَوْا بِهِ، وَلَا تُبَدِّلُوهُ وَلَا تَغَيِّرُوهُ. أَلَا وَإِنِّي أُجَدِّدُ الْقَوْلَ: أَلَا فَاقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ.

أَلَا وَإِنَّ رَأْسَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ أَنْ تَنْتَهُوا إِلَى قَوْلِي وَتُبَلِّغُوهُ مَنْ لَمْ يَحْضُرْ وَتَأْمُرُوهُ بِقَبُولِهِ عَنِّي وَتَنْهَوْهُ عَنِ مُخَالَفَتِهِ، فَإِنَّهُ أَمْرٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَمِنِّي. وَلَا أَمْرَ بِمَعْرُوفٍ وَلَا نَهْيَ عَنِ مُنْكَرٍ إِلَّا مَعَ إِمَامٍ مَعْصُومٍ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، الْقُرْآنُ يُعْرِفُكُمْ أَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ بَعْدِهِ وَوَلَدَهُ، وَعَرَفْتُمْ أَنَّهُمْ مِنِّي وَمِنْهُ، حَيْثُ يَقُولُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ: (وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ). وَقُلْتُ: «لَنْ تَضِلُّوا مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا».

مَعَاشِرِ النَّاسِ، التَّقْوَى، التَّقْوَى، وَاحْذَرُوا السَّاعَةَ كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: (إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ). اذْكُرُوا الْمَمَاتَ (وَالْمَعَادَ) وَالْحِسَابَ وَالْمَوَازِينَ وَالْمِحَاسِبَةَ بَيْنَ يَدَيْ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالنَّوَابِ وَالْعِقَابِ. فَمَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ أَثِيبَ عَلَيْهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَيْسَ لَهُ فِي الْجَنَانِ نَصِيبٌ.

مَعَاشِرِ النَّاسِ، إِنَّكُمْ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُصَافِقُونِي بِكَفٍّ وَاحِدٍ فِي وَقْتٍ وَاحِدٍ، وَقَدْ أَمَرَنِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ آخُذَ مِنَ السِّنِّتِكُمْ الْإِقْرَارَ بِمَا عَقَّدْتُ لِعَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَلَمَنْ جَاءَ بَعْدَهُ مِنَ الْأَيْمَةِ مِنِّي وَمِنْهُ، عَلِيٌّ مَا أَعْلَمْتُكُمْ أَنْ ذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِهِ.

فَقُولُوا بِأَجْمَعِكُمْ: «إِنَّا سَامِعُونَ مُطِيعُونَ رَاضُونَ مُنْقَادُونَ لِمَا بَلَغَتْ عَنْ رَبِّنَا وَرَبِّكَ فِي أَمْرِ إِمَامِنَا عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ وُلِدَ مِنْ صُلْبِهِ مِنَ الْأَيْمَةِ، يُبَايِعُكَ عَلَى ذَلِكَ بِقُلُوبِنَا وَأَنْفُسِنَا وَالسِّنِّتِنَا وَأَيْدِينَا. عَلَى ذَلِكَ نَحْيِي وَعَلَيْهِ نَمُوتُ وَعَلَيْهِ نُبْعَثُ. وَلَا نَغْيَرُ وَلَا نُبَدِّلُ، وَلَا نَشْكُ (وَلَا نَجْحَدُ) وَلَا نَرْتَابُ، وَلَا نَرْجِعُ عَنِ الْعَهْدِ وَلَا نَنْقُضُ الْمِيثَاقَ.

وَعَظَّتْنَا بِوَعْظِ اللَّهِ فِي عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَيْمَةِ الَّذِينَ ذَكَرْتَ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ مِنْ وُلْدِهِ بَعْدَهُ، الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَمَنْ نَصَبَهُ اللَّهُ بَعْدَهُمَا. فَالْعَهْدُ وَالْمِيثَاقُ لَهُمْ مَا أَخُوذُ مِنَّا، مِنْ قُلُوبِنَا وَأَنْفُسِنَا وَالسِّنِّتِنَا وَضَمَائِرِنَا وَأَيْدِينَا. مَنْ أَدْرَكَهَا بِيَدِهِ وَإِلَّا فَقَدْ أَقْرَبَ بِلِسَانِهِ، وَلَا نَبْتَغِي بِذَلِكَ بَدَلًا وَلَا يَرَى اللَّهُ مِنْ أَنْفُسِنَا حِوَلًا. نَحْنُ نُؤَدِّي ذَلِكَ عَنْكَ الدَّانِي وَالْقَاصِي مِنْ أَوْلَادِنَا وَأَهَالِينَا، وَنُشْهِدُكَ اللَّهُ بِذَلِكَ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا وَأَنْتَ عَلَيْنَا بِهِ شَهِيدٌ».

مَعَاشِرَ النَّاسِ، مَا تَقُولُونَ؟ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ كُلَّ صَوْتٍ وَ خَافِيَةٍ كُلِّ نَفْسٍ، (فَمَنْ  
اهْتَدَى فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا)، وَ مَنْ بَايَعَ فَإِنَّمَا يُبَايِعُ اللَّهَ، (يُدَالِلُ فَوْقَ  
أَيْدِيهِمْ).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، فَبَايِعُوا اللَّهَ وَ بَايِعُونِي وَ بَايِعُوا عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ  
وَ الْأَئِمَّةَ (مِنْهُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ) كَلِمَةً بَاقِيَةً.

يُهْلِكُ اللَّهُ مَنْ غَدَرَ وَ يَرْحَمُ مَنْ وَفَى، (وَ مَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَ  
مَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، قُولُوا الَّذِي قُلْتُ لَكُمْ وَ سَلِّمُوا عَلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ الْمُرْتَضَى، وَ قُولُوا:  
(سَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ)، وَ قُولُوا: (الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا  
وَ مَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ) الْآيَةَ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ فَضَائِلَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - وَ قَدْ أَنْزَلَهَا فِي  
الْقُرْآنِ - أَكْثَرُ مِنْ أَنْ أُحْصِيَهَا فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ، فَمَنْ أَنْبَأَكُمْ بِهَا وَ عَرَفَهَا فَصَدَّقْ قَوْلَهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ عَلِيًّا وَ الْأَئِمَّةَ الَّذِينَ ذَكَرْتُهُمْ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا  
عَظِيمًا.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، السَّابِقُونَ إِلَىٰ مُبَايَعَتِهِ وَ مَوَالِيَتِهِ وَ التَّسْلِيمِ عَلَيْهِ بِأَمْرِ الْمُؤْمِنِينَ  
أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، قُولُوا مَا يَرْضَى اللَّهُ بِهِ عَنْكُمْ مِنَ الْقَوْلِ، فَإِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَمَنْ فِي  
الْأَرْضِ جَمِيعًا فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهُ شَيْئًا.

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ (بِمَا أَدَّيْتُ وَأَمَرْتُ) وَاغْضِبْ عَلَى (الْجَاهِدِينَ) الْكَافِرِينَ،  
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

## ترجمه فارسی

بسم الله الرحمن الرحيم

### 1 حمد و ثنای الهی

حمد و سپاس خدایی را که در یگانگی خود بلند مرتبه، و در تنهایی و فرد بودن خود نزدیک است. در قدرت و سلطه خود با جلال و در ارکان خود عظیم است. علم او به همه چیز احاطه دارد در حالی که در جای خود است، و همه مخلوقات را با قدرت و برهان خود تحت سیطره دارد. همیشه مورد سپاس بوده و همچنان مورد ستایش خواهد بود.

صاحب عظمتی که از بین رفتنی نیست. ابتدا کننده او و باز گرداننده اوست و هر کاری بسوی او باز می گردد.

بوجود آورنده بالا برده شده ها (کنایه از آسمانها و افلاک) و پهن کننده گسترده ها (کنایه از زمین) یگانه حکمران زمینها و آسمانها، پاک و منزه و تسبیح شده، پروردگار ملائکه و روح، تفضل کننده بر همه آنچه خلق کرده و لطف کننده بر هر آنچه بوجود آورده است. هر چشمی زیر نظر اوست ولی چشمها او را نمی بینند.

کرم کننده و بردبار و تحمل کننده است. رحمت او همه چیز را فرا گرفته و با نعمت خود بر همه آنها منت گذارده است. در انتقام گرفتن خود عجله نمی کند، و به آنچه از عذابش که مستحق آند مبادرت نمی ورزد.

باطنها و سریره ها را می فهد و ضمایر را می داند و پنهانها بر او مخفی نمی ماند و مخفی ها بر او مشتبه نمی شود. او راست احاطه بر هر چیزی و غلبه بر همه چیز و قوت در هر چیزی و قدرت بر هر چیزی، و مانند او شیئی نیست. اوست بوجود آورنده شیئی (چیز) هنگامی که چیزی نبود. دائم و زنده است و به قسط و عدل قائم است. نیست خدایی جز او که با عزت و حکیم است.

بالا تر از آن است که چشمها او را درک کنند ولی او چشمها را درک می کند و او لطف کننده و آگاه است. هیچکس نمی تواند به دیدن به صفت او راه یابد، و هیچکس به چگونگی او از سر و آشکار دست نمی یابد مگر به آنچه خود خداوند عز و جل راهنمایی کرده است.

گواهی می دهم برای او که اوست خدایی که قدس و پاکی و منززه بودن او روزگار را پر کرده است. او که نورش ابدیت را فرا گرفته است. او که دستورش را بدون مشورت مشورت کننده ای اجرا می کند و در تقدیرش شریک ندارد و در تدبیرش کمک نمی شود.

آنچه ایجاد کرده بدون نمونه و مثالی تصویر نموده و آنچه خلق کرده بدون کمک از کسی و بدون زحمت و بدون احتیاج به فکر و حيله خلق کرده

است. آنها را ایجاد کرد پس بوجود آمدند و خلق کرد پس ظاهر شدند. پس اوست خدایی که جز او خدایی نیست، صنعت او محکم و کار او زیبا است، عادل که ظلم نمی کند و کرم کننده ای که کارها بسوی او باز می گردد. شهادت می دهم که اوست خدایی که همه چیز در مقابل عظمت او تواضع کرده و همه چیز در مقابل عزت او ذلیل شده و همه چیز در برابر قدرت او سر تسلیم فرود آورده و همه چیز در برابر هیبت او خاضع شده اند.

پادشاه پادشاهان و گرداننده افلاک و مسخر کننده آفتاب و ماه، که همه با زمان تعیین شده در حرکت هستند. شب را بر روی روز و روز را بر روی شب می گرداند که بسرعت در پی آن می رود. در هم شکننده هر زورگوی با عناد، و هلاک کننده هر شیطان سرپیچ و متمرّد.

برای او ضدی و همراه او معارضی نبوده است. یکتا و بی نیاز است. زائیده نشده و نمی زاید و برای او هیچ همتایی نیست. خدای یگانه و پروردگار با عظمت. می خواهد پس به انجام می رساند، و اراده می کند پس مقدر می نماید، و می داند پس به شماره می آورد. می میراند و زنده می کند، فقیر می کند و غنی می نماید، می خنداند و می گریاند، نزدیک می کند و دور می نماید، منع می کند و عطا می نماید. پادشاهی از آن او و حمد و سپاس برای اوست. خیر بدست اوست و او بر هر چیزی قادر است.

شب را در روز و روز را در شب فرو می برد. نیست خدایی جز او که با عزت و آمرزنده است. اجابت کننده دعا، بسیار عطا کننده، شمارنده نفسها و پروردگار

جن و بشر، که هیچ امری بر او مشکل نمی شود، و فریاد دادخواهان او را منضجر نمی کند، و اصرار اصرار کنندگانش او را خسته نمی کند. نگهدارنده صالحین و موفق کننده رستگاران و صاحب اختیار مؤمنین و پروردگار عالمین. خدایی که از هر آنچه خلق کرده مستحق است که او را در هر حالی که شکر و سپاس گویند. او را سپاس بسیار می گویم و دائماً شکر می نمایم، چه در آسایش و چه در گرفتاری، چه در حال شدت و چه در حال آرامش. و به او و ملائکه اش و کتابهایش و پیامبرانش ایمان می آورم. دستورات او را گوش می دهم و اطاعت می نمایم و به آنچه او را راضی می کند مبادرت می ورزم و در مقابل مقدرات او تسلیم می شوم بعنوان رغبت در اطاعت او و ترس از عقوبت او، چرا که اوست خدایی که نمی توان از مکر او در امان بود و از ظلم او هم ترس نداریم (یعنی ظلم نمی کند).

## 2 فرمان الهی برای مطلبی مهم

اقرار می‌کنم برای خداوند بر نفس خود بعنوان بندگی او، و شهادت می‌دهم برای او به پروردگاری، و آنچه به من وحی نموده ادا می‌نمایم از ترس آنکه مبادا اگر انجام ندهم عذابی از او بر من فرود آید که هیچکس نتواند آنرا دفع کند هر چند که حيله عظیمی بکار بندد و دوستی او خالص باشد نیست خدایی جز اوزیرا خداوند به من اعلام فرموده که اگر آنچه در حق علی بر من نازل نموده ابلاغ نکنم رسالت او را نرسانده‌ام، و برای من حفظ از شر مردم را ضمانت نموده و خدا کفایت‌کننده و کریم است.

خداوند به من چنین وحی کرده است: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ فِى الْعِلَافَةِ لَعَلَّ بِنِ ابْنِ طَالِبٍ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَ اللَّهُ يَعْصَمُكَ مِنَ النَّاسِ»، ای پیامبر ابلاغ کن آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده درباره علی، یعنی خلافت علی بن ابی طالب و اگر انجام ندهی رسالت او را نرسانده‌ای، و خداوند تو را از مردم حفظ می‌کند». ای مردم، من در رساندن آنچه خداوند بر من نازل کرده کوتاهی نکرده‌ام، و من سبب نزول این آیه را برای شما بیان می‌کنم:

جبرئیل سه مرتبه بر من نازل شد و از طرف خداوند سلام پروردگارم که او سلام است مرا مأمور کرد که در این محل اجتماع بپا خیزم و برهر سفید و سیاهی اعلام کنم که «علی بن ابی طالب برادر من و وصی من و جانشین من بر

امتم و امام بعد از من است. نسبت او بمن همانند نسبت هارون به موسی است جز اینکه پیامبری بعد از من نیست. و او صاحب اختیار شما بعد از خدا و رسولش است»، و خداوند در این مورد آیه ای از کتابش بر من نازل کرده است: «انما وليکم الله و رسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلاه و یؤتون الزکاه و هم راکعون»، «صاحب اختیار شما خدا و رسولش هستند و کسانی که ایمان آورده و نماز را پیاپی دارند و در حال رکوع زکات می دهند»، و علی بن ابی طالب است که نماز را پیاپی داشته و در حال رکوع زکات داده و در هر حال خداوند عز و جل را قصد می کند. ای مردم، من از جبرئیل درخواست کردم که از خدا بخواهد تا مرا از ابلاغ این مهم معاف بدارد، زیرا از کمی متقین و زیادی منافقین و افساد ملامت کنندگان و حیل های مسخره کنندگان اسلام اطلاع دارم، کسانی که خداوند در کتابش آنان را چنین توصیف کرده است که با زبانشان می گویند آنچه در قلبهایشان نیست و این کار را سهل می شمارند در حالیکه نزد خداوند عظیم است. و همچنین بخاطر اینکه منافقین بارها مرا اذیت کرده اند تا آنجا که مرا «اذن» (گوش دهنده بر هر حرفی) نامیدند، و گمان کردند که من چنین هستم بخاطر ملازمت بسیار او (علی) با من و توجه من به او و تمایل او و قبولش از من، تا آنکه خداوند عز و جل در این باره چنین نازل کرد: «و منهم الذین یؤذون النبی ویقولون هو اذن قل اذنعلی الذین یزعمون أنه اذنخیر لکم، یؤمن بالله و یؤمن للمؤمنین...»، «و از آنان کسانی هستند که پیامبر را اذیت می کنند و می گویند او «اذن» (گوش دهنده بر هر حرفی) است، بگو: گوش استبر ضد کسانی که گمان می کنند او «اذن» است و برای شما خیر است، به خدا ایمان می آورد و در مقابل مؤمنین اظهار تواضع و احترام می نماید».

و اگر من بخواهم گویندگان این نسبت (اذن) را نام ببرم می توانم، و اگر بخواهم به شخص آنها اشاره کنم می نمایم، و اگر بخواهم با علائم آنها را معرفی کنم می توانم، ولی بخدا قسم من در کار آنان با بزرگواری رفتار کرده ام.

بعد از همه اینها، خداوند از من راضی نمی شود مگر آنچه در حق علی بر من نازل کرده ابلاغ نمایم.

سپس حضرت این آیه را تلاوت فرمودند: «یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک فی حق علیو إن لم تفعل فما بلغت رسالته و الله یعصمک من الناس»، «ای پیامبر برسان آنچه در حق علی از پروردگارت بر تو نازل شده و اگر انجام ندهی رسالت او را نرسانده ای، و خداوند تو را از مردم حفظ می کند».

### 3 اعلان رسمی ولایت و امامت دوازده امام علیه السلام

ای مردم، این مطلب را درباره او بدانید و بفهمید، و بدانید که خداوند او را برای شما صاحب اختیار و امامی قرار داده که اطاعتش را واجب نموده است بر مهاجرین و انصار و بر تابعین آنان به نیکی، و بر روستایی و شهری، و بر عجمی و عربی، و بر آزاد و بنده، و بر بزرگ و کوچک، و بر سفید و سیاه. بر هر یکتا پرستی حکم او اجرا شونده و کلام او مورد عمل و امر او نافذ است. هر کس با او مخالفت کند ملعون است، و هر کس تابع او باشد و او را تصدیق نماید مورد رحمت الهی است. خداوند او را و هر کس را که از او بشنود و او را اطاعت کند آمرزیده است .

ای مردم، این آخرین باری است که در چنین اجتماعی بیامی ایستیم، پس بشنوید و اطاعت کنید و در مقابل امر خداوند پروردگارتان سر تسلیم فرود آورید، چرا که خداوند عز و جل صاحب اختیار شما و معبود شما است، و بعد از خداوند رسولش و پیامبرش که شما را مخاطب قرار داده، و بعد از من علی صاحب اختیار شما و امام شما به امر خداوند است، و بعد از او امامت در نسل من از فرزندان اوست تا روزی که خدا و رسولش را ملاقات خواهید کرد. حلالی نیست مگر آنچه خدا و رسولش و آنان (امامان) حلال کرده باشند، و حرامی نیست مگر آنچه خدا و رسولش و آنان (امامان) بر شما حرام کرده باشند. خداوند عز و جل حلال و حرام را به من شناسانده است، و آنچه پروردگارم از کتابش و حلال و حرامش به من آموخته به او سپرده ام .

ای مردم، علی را (بر دیگران) فضیلت دهید. هیچ علمی نیست مگر آنکه خداوند آنرا در من جمع کرده است و هر علمی را که آموخته ام در امام المتقین جمع نموده ام، و هیچ علمی نیست مگر آنکه آنرا به علی آموخته ام. اوست «امام مبین» که خداوند در سوره یس ذکر کرده است: «و کل شیء احصیناه فی امام مبین»، «و هر چیزی را در امام مبین جمع کردیم».

ای مردم، از او (علی) بسوی دیگری گمراه نشوید، و از او روی بر مگردانید و از ولایت او سر باز نزنید. اوست که به حق هدایت نموده و به آن عمل می کند، و باطل را ابطال نموده و از آن نهی می نماید، و در راه خدا سرزنش ملامت کننده ای او را مانع نمی شود.

او (علی) اول کسی است که به خدا و رسولش ایمان آورد و هیچکس در ایمان به من بر او سبقت نگرفت. اوست که با جان خود در راه رسول خدا فداکاری کرد. اوست که با پیامبر خدا بود در حالی که هیچکس از مردان همراه او خدا را عبادت نمی کرد. اولین مردم در نماز گزاردن، و اول کسی است که با پیامبر خدا بود در حالی که هیچکس از مردان همراه او خدا را عبادت نمی کرد. اولین مردم در نماز گزاردن، و اول کسی است که با من خدا را عبادت کرد. از طرف خداوند به او امر کردم تا در خوابگاه من بخوابد، او هم در حالیکه جانش را فدای من کرده بود در جای من خوابید.

ای مردم، او را فضیلت دهید که خدا او را فضیلت داده است، و او را قبول کنید که خداوند او را منصوب نموده است.

ای مردم، او از طرف خداوند امام است، و هر کس ولایت او را انکار کند خداوند هرگز توبه اش را نمی پذیرد و او را نمی بخشد. حتمی است بر خداوند که با کسی که با او مخالفت نماید چنین کند و او را به عذابی شدید تا ابدیت و تا آخر روزگار معذب نماید. پس بپرهیزید از اینکه با او مخالفت کنید و گرفتار آتشی شوید که آتشگیره آن مردم و سنگها هستند و برای کافران آماده شده است.

ای مردم، بخدا قسم پیامبران و رسولان پیشین به من بشارت داده اند، و من بخدا قسم خاتم پیامبران و مرسلین و حجت بر همه مخلوقین از اهل اسمانها و زمینها هستم. هر کس در این مطالب شک کند مانند کفر جاهلیت اول کافر شده است. و هر کس در چیزی از این گفتار من شک کند در همه آنچه بر من نازل شده شک کرده است، و هر کس در یکی از امامان شک کند در همه آنان شک کرده است، و شک کننده درباره ما در آتش است.

ای مردم، خداوند این فضیلت را بر من ارزانی داشته که منتمی از او بر من و احسانی از جانب او بسوی من است. خدایی جز او نیست. حمد و سپاس از من بر او تا ابدیت و تا آخر روزگار و در هر حال.

ای مردم، علی را فضیلت دهید که او افضل مردم بعد از من از مرد و زن است تا مادامی که خداوند روزی را نازل می کند و خلق باقی هستند. ملعون است ملعون است، مورد غضب است مورد غضب است کسی که این گفتار مرا رد کند و با آن موافق نباشد. بدانید که جبرئیل از جانب خداوند این خبر را برای من آورده است و می گوید: «هر کس با علی دشمنی کند و ولایت او را نپذیرد لعنت و غضب من بر او باد». هر کس ببیند برای فردا چه پیش فرستاده است. از خدا بترسید که با علی مخالفت کنید و در نتیجه قدمی بعد از ثابت بودن آن بلغزد، خداوند از آنچه انجام می دهید آگاه است.

ای مردم، او (علی) «جنب الله» است که خداوند در کتاب عزیزش ذکر کرده و درباره کسی که با او مخالفت کند فرموده است: «ان تقول نفس یا حسرتا علی ما فرطت فی جنب الله»، «ای حسرت بر آنچه درباره جنب خداوند تفریط و کوتاهی کردم».

ای مردم، قرآن را تدبر نمائید و آیات آن را بفهمید و در محکمت آن نظر کنید و بدنبال متشابه آن نروید. بخدا قسم، باطن آن را برای شما بیان نمی کند و تفسیرش را برایتان روشن نمی کند مگر این شخصی که من دست او را می گیرم و او را بسوی خود بالا می برم و بازوی او را می گیرم و با دو دستم او را بلند می کنم و به شما می فهمانم که «هر کس من صاحب اختیار اویم این علی صاحب اختیار او است». و او علی بن ابی طالب برادر و جانشین من است، ولایت او از جانب خداوند عز و جل است که بر من نازل کرده است.

ای مردم، علی و پاکان از فرزندانم از نسل او ثقل اصغرند و قرآن ثقل اکبر است. هر یک از این دوازده دیگری خبر می دهد و با آن موافق است. آنها از یکدیگر جدا نمی شوند تا بر سر حوض کوثر بر من وارد شوند. بدانید که آنان امین های خداوند بین مردم و حاکمان او در زمین هستند.

بدانید که من ادا نمودم، بدانید که من ابلاغ کردم، بدانید که من شنوایم، بدانید که من روشن نمودم، بدانید که خداوند فرموده است و من از جانب خداوند عز و جل می گویم، بدانید که امیر المؤمنین جز این برادر من نیست. بدانید که امیر المؤمنین بودن بعد از من برای احدی جز او حلال نیست.

#### 4 معرفی و بلند کردن امیر المؤمنین علیه السلام بدست پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

سپس پیامبر ﷺ دستش را بر بازوی علی ع زد و آنحضرت را بلند کرد. و این در حالی بود که امیر المؤمنین ع از زمانی که پیامبر ﷺ بر فراز منبر آمده بود یک پله پائین تر از مکان حضرت ایستاده بود و نسبت به صورت حضرت به طرف راست مایل بود که گویی هر دو در یک مکان ایستاده اند.

پس پیامبر ﷺ با دستش او را بلند کرد و هر دو دست را به سوی آسمان باز نمود و علی ع را از جا بلند نمود تا حدی که پای آنحضرت موازی زانوی پیامبر ﷺ رسید. سپس فرمود:

ای مردم، این علی است برادر من و وصی من و جامع علم من، و جانشین من در امتم بر آنان که به من ایمان آورده اند، و جانشین من در تفسیر کتاب خداوند عز و جل و دعوت به آن، و عمل کننده به آنچه او را راضی می کند، و جنگ کننده با دشمنان خدا و دوستی کننده بر اطاعت او و نهی کننده از معصیت او. اوست خلیفه رسول خدا، و اوست امیر المؤمنین و امام هدایت کننده از طرف خداوند، و اوست قاتل ناکثان و قاسطان و مارقان به امر خداوند.

خداوند می فرماید: «ما یبدل القول لدی»، «سخن در پیشگاه من تغییر نمی پذیرد»، پروردگارا، به امر تو می گویم: «خداوندا دوست بدار هر کس علی را

دوست بدارد و دشمن بدار هر کس علی را دشمن بدارد. و یاری کن هر کس علی را یاری کند و خوار کن هر کس علی را خوار کند، و لعنت نما هر کس علی را انکار کند و غضب نما بر هر کس که حق علی را انکار نماید».

پروردگارا، تو هنگام روشن شدن این مطلب و منصوب نمودن علی در این روز این آیه را درباره او نازل کردی: «اليوم اكملت لكم دينكم واتممت عليكم نعمتي ورضيت لكم الإسلام دينا». «و من يبتغ غير الإسلام دينا فلن يقبل منه وهو في الآخرة من الخاسرين». «امروز دین شما را برایتان کامل نمودم و نعمت خود را بر شما تمام کردم و اسلام را بعنوان دین شما راضی شدم»، «و هر کس دینی غیر از اسلام انتخاب کند هرگز از او قبول نخواهد شد و او در آخرت از زیانکاران خواهد بود». پروردگارا، تو را شاهد می گیرم که من ابلاغ نمودم.

## 5 تأکید بر توجه امت به مسئله امامت

ای مردم، خداوند دین شما را با امامت او کامل نمود، پس هر کس اقتدا نکند به او و به کسانی که جانشین او از فرزندان من و از نسل او هستند تا روز قیامت و روز رفتن به پیشگاه خداوند عز و جل، چنین کسانی اعمالشان در دنیا و آخرت از بین رفته و در آتش دائمی خواهند بود. عذاب از آنان تخفیف نمی یابد و به آنها مهلت داده نمی شود.

ای مردم، این علی است که یاری کننده ترین شما نسبت بمن و سزاوارترین شما به من و نزدیک ترین شما به من و عزیزترین شما نزد من است. خداوند عز و جل و من از او راضی هستیم. هیچ آیه رضایتی در قرآن نازل نشده است مگر درباره او، و هیچگاه خداوند مؤمنین را مورد خطاب قرار نداده مگر آنکه ابتدا او مخاطب بوده است، و هیچ آیه مدحی در قرآن نیست مگر درباره او، و خداوند در سوره «هل اتی علی الإنسان» شهادت به بهشت نداده مگر برای او و این سوره را درباره غیر او نازل نکرده و با این سوره جز او را مدح نکرده است.

ای مردم، او یاری دهنده دین خدا و دفاع کننده از رسول خدا است، و اوست با تقوای پاکیزه هدایت کننده هدایت شده. پیامبرتان بهترین پیامبر و وصیتان بهترین وصی و فرزندان او بهترین اوصیاء هستند.

ای مردم، نسل هر پیامبری از صلب خود او هستند ولی نسل من از صلب امیر  
المؤمنین علی است .

ای مردم، شیطان آدم را با حسد از بهشت بیرون کرد. مبادا به علی حسد کنید  
که اعمالتان نابود شود و قدمهایتان بلغزد. آدم بخاطر یک گناه بزمین فرستاده شد  
در حالیکه انتخاب شده خداوند عز و جل بود، پس شما چگونه خواهید بود در  
حالیکه شمائید و در بین شما دشمنان خدا هستند .

بدانید که با علی دشمنی نمی کند مگر شقی و با علی دوستی نمی کند مگر با  
تقوی، و به او ایمان نمی آورد مگر مؤمن مخلص. بخدا قسم درباره علی نازل  
شده است سوره «و العصر»: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَالْعَصْرِ، إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي  
خَسْرٍ»، «قسم به عصر، انسان در زیان است» مگر علی که ایمان آورد و به حق و  
صبر توصیه کرد.

ای مردم، من خدا را شاهد گرفتم و رسالتم را به شما ابلاغ نمودم، و بر عهده  
رسول جز ابلاغ روشن چیزی نیست. ای مردم از خدا بترسید آنطور که باید  
ترسید و از دنیا نروید مگر آنکه مسلمان باشید.

## 6 اشاره به کارشکنیهای منافقین

ای مردم، «ایمان آورید به خدا و رسولش و به نوری که همراه او نازل شده است، قبل از آنکه هلاک کنیم وجوهی را و آن صورتها را به پشت برگردانیم یا آنان را مانند اصحاب سبت لعنت کنیم». بخدا قسم، از این آیه قصد نشده است مگر قومی از اصحابم که آنان را به اسم و نسبشان می شناسم ولی مأمورم که از آنان پرده پوشی کنم. پس هر کس عمل کند مطابق آنچه در قلبش از حب یا بغض نسبت به علی می یابد.

ای مردم، نور از جانب خداوند عز و جل در من نهاده شده و سپس در علی بن ابی طالب و بعد در نسل او تا مهدی قائم که حق خداوند و هر حقی که برای ما باشد می گیرد، چرا که خداوند عز و جل ما را بر کوتاهی کنندگان و بر معاندان و مخالفان و خائنان و گناهکاران و ظالمان و غاصبان از همه عالمیان حجت قرار داده است.

ای مردم، شما را می ترسانم و انذار می نمایم که من رسول خدا هستم و قبل از من پیامبران بوده اند، آیا اگر من بمیرم یا کشته شوم شما عقب گرد می نمائید؟ هر کس به عقب برگردد به خدا ضرری نمی رساند، و خدا بزودی شاکرین و صابرین را پاداش می دهد. بدانید که علی است توصیف شده به صبر و شکر و بعد از او فرزندانم از نسل او چنین اند.

ای مردم، با اسلامتان بر من منت مگذارید، بلکه بر خدا منت نگذارید، که اعمالتان را نابود می نماید و بر شما غضب می کند و شما را به شعله ای از آتش و مس (گداخته) مبتلا می کند، پروردگار شما در کمین است.

ای مردم، بعد از من امامانی خواهند بود که به آتش دعوت می کنند و روز قیامت کمک نمی شوند. ای مردم، خداوند و من از آنان بیزار هستیم. ای مردم، آنان و یارانشان و تابعینشان و پیروانشان در پائین ترین درجه آتش اند و چه بد است جای متکبران. بدانید که آنان «اصحاب صحیفه» هستند، پس هر یک از شما در صحیفه خود نظر کند.

راوی می گوید: وقتی پیامبر ﷺ نام «اصحاب صحیفه» را آورد اکثر مردم منظور حضرت از این کلام را نفهمیدند و برایشان سؤال انگیز شد و فقط عده کمی مقصود حضرت را فهمیدند.

ای مردم، من امر خلافت را بعنوان امامت و وراثت آن در نسل خودم تا روز قیامت به ودیعه می سپارم، و من رسانیدم آنچه مأمور به ابلاغش بودم تا حجت باشد بر حاضر و غائب و بر همه کسانی که حضور دارند یا ندارند، بدنیآ آمده اند یا نیامده اند. پس حاضران به غائبان و پدران به فرزندان تا روز قیامت برسانند.

و بزودی امامت را بعد از من بعنوان پادشاهی و با ظلم و زور می گیرند. خداوند غاصبین و تعدی کنندگان را لعنت کند. و در آن هنگام استای جن و انس که می ریزد برای شما آنکه باید بریزد و می فرستد بر شما شعله ای از آتش و مس (گداخته) و نمی توانید آنرا از خود دفع کنید.

ای مردم، خداوند عز و جل شما را به حال خود رها نخواهد کرد تا آنکه خبیث را از پاکیزه جدا کند، و خداوند شما را بر غیب مطلع نمی کند.

ای مردم، هیچ سرزمین آبادی نیست مگر آنکه در اثر تکذیب (اهل آن آیات الهی را) خداوند قبل از روز قیامت آنها را هلاک خواهد کرد و آنها را تحت حکومت حضرت مهدی خواهد آورد، و خداوند وعده خود را عملی می نماید.

ای مردم، قبل از شما اکثر پیشینیان هلاک شدند، و خداوند آنها را هلاک نمود و اوست که آیندگان را هلاک خواهد کرد. خدای تعالی می فرماید «**أَلَمْ نَهْلِكِ الْأُولِينَ، ثُمَّ نَتَّبِعُهُمُ الْآخِرِينَ، كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ، وَيَلْ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ**»، «آیا ما پیشینیان را هلاک نکردیم؟ آیا در پی آنان دیگران را نفرستادیم؟ ما با مجرمان چنین می کنیم. وای بر مکذبین در آن روز».

ای مردم، خداوند مرا امر و نهی نموده است، و من هم به امر الهی علی را امر و نهی نموده ام، و علم امر و نهی نزد اوست. پس امر او را گوش دهید تا سلامت بمانید، و او را اطاعت کنید تا هدایت شوید و نهی او را قبول کنید تا در راه درست باشید، و به سوی مقصد و مراد او بروید و راههای بیگانه، شما را از راه او منحرف نکند.

## 7 پیروان اهل بیت علیه السلام و دشمنان ایشان

ای مردم، من راه مستقیم خداوند هستم که شما را به تبعیت آن امر نموده، و سپس علی بعد از من، و سپس فرزندانم از نسل او که امامان هدایت اند، به حق هدایت می کنند و بیاری حق به عدالت رفتار می کنند.

سپس حضرت چنین خواندند: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» تا آخر سوره حمد و سپس فرمودند:

این سوره درباره من نازل شده، و بخدا قسم درباره ایشان (امامان) نازل شده است. بطور عموم شامل آنهاست و بطور خاص درباره آنان است. ایشان دوستان خدایند که ترسی بر آنان نیست و محزون نمی شوند، بدانید که حزب خداوند غالب هستند.

بدانید که دشمنان ایشان سفهاء گمراه و برادران شیاطین اند که اباطیل را از روی غرور به یکدیگر می رسانند.

بدانید که دوستان ایشان (اهل بیت) کسانی اند که خداوند در کتابش آنان را یاد کرده و فرموده است: «لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ، أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ» تا آخر آیه، «نمی یابی قومی را که به خدا و روز قیامت ایمان آورده

باشند، و در عین حال با کسانی که با خدا و رسولش ضدیت دارند روی دوستی داشته باشند، اگر چه پدرانشان یا فرزندانشان یا برادرانشان یا فامیلشان باشند. آنان اند که ایمان در قلوبشان نوشته شده است...»

بدانید که دوستان ایشان (اهل بیت) کسانی اند که خداوند عز و جل آنان را توصیف کرده و فرموده است: «الذین آمنوا ولم یلبسوا ایمانهم بظلم اولئک لهم الأمن و هم مهتدون» «کسانی که ایمان آورده اند و ایمانشان را با ظلم نپوشانده اند، آنان اند که بر ایشان امان است و آنان هدایت یافتگان اند».

بدانید که دوستان ایشان کسانی اند که ایمان آورده اند و به شک نیفتاده اند.

بدانید که دوستان ایشان کسانی اند که با سلامتی و در حال امن وارد بهشت می شوند و ملائکه با سلام به ملاقات آنان می آیند و می گویند: «سلام بر شما پاکیزه شدید، پس برای همیشه داخل بهشت شوید».

بدانید که دوستان ایشان کسانی هستند که بهشت برای آنان است و در آن بدون حساب روزی داده می شوند.

بدانید که دشمنان ایشان (اهل بیت) کسانی اند که به شعله های آتش وارد می شوند، بدانید که دشمنان ایشان کسانی اند که از جهنم در حالی که می جوشد صدای وحشتناکی می شوند و شعله کشیدن آنرا می بینند.

بدانید که دشمنان ایشان کسانی اند که خداوند درباره آنان فرموده است «کَلِمَا دَخَلَتْ اِمَةٌ لَعْنَتًا اَوْ اَخْرَجَتْ اِمَةٌ لَعْنَتًا» «هر گروهی که داخل (جهنم) می شود همتای خود را لعنت می کند...».

بدانید که دشمنان ایشان کسانی اند که خداوند عز و جل می فرماید:

«كَلِمَا لَقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا اَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ، قَالُوا بَلَى قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللّٰهُ مِن شَيْءٍ ؕ اِنْ اَنْتُمْ اِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيْرٍ فَسَحَقًا لِاَصْحَابِ السَّعِيْرِ» «هر گاه گروهی (از ایشان) را در جهنم می اندازند خزانه داران دوزخ از ایشان می پرسند: آیا ترساننده ای برای شما نیامد؟ می گویند: بلی، برای ما نذیر و ترساننده آمد ولی ما او را تکذیب کردیم و گفتیم: خداوند هیچ چیز نازل نکرده است، و شما در گمراهی بزرگ هستید... پس دور باشند اصحاب آتش».

بدانید که دوستان ایشان (اهل بیت) کسانی هستند که در پنهانی از پروردگارشان می ترسند و برای آنان مغفرت و اجر بزرگ است.

ای مردم، چقدر فاصله است بین شعله های آتش و بین اجر بزرگ! ای مردم، دشمن ما کسی است که خداوند او را مذمت و لعنت نموده، و دوست ما آن کسی است که خداوند او را مدح نموده و دوستش بدارد. ای مردم، بدانید که من نذیر و ترساننده ام و علی هدایت کننده است.

ای مردم، من پیامبرم و علی جانشین من است.

ای مردم، بدانید که من پیامبرم و علی امام و وصی بعد از من است، و امامان  
بعد از او فرزندان او هستند. بدانید که من پدر آنانم و آنها از صلب او بوجود می  
آیند.

## 8 حضرت مهدی عجل الله فرجه

بدانید که آخرین امامان، مهدی قائم از ماست. اوست غالب بر ادیان، اوست انتقام گیرنده از ظالمین، اوست فاتح قلعه ها و منهدم کننده آنها، اوست غالب بر هر قبیله ای از اهل شرک و هدایت کننده آنان.

بدانید که اوست گیرنده انتقام هر خونی از اولیاء خدا. اوست یاری دهنده دین خدا.

بدانید که اوست استفاده کننده از دریایی عمیق. اوست که هر صاحب فضیلتی را بقدر فضلش و هر صاحب جهالتی را بقدر جهلش نشانه می دهد. اوست انتخاب شده و اختیار شده خداوند. اوست وارث هر عملی و احاطه دارنده به هر فهمی.

بدانید که اوست خبر دهنده از پروردگارش، و بالابرنده آیات الهی. اوست هدایت یافته محکم بنیان. اوست که کارها به او سپرده شده است.

اوست که پیشینیان به او بشارت داده اند، اوست که بعنوان حجت باقی می ماند و بعد از او حجتی نیست. هیچ حقی نیست مگر همراه او، و هیچ نوری نیست مگر نزد او.

بدانید او کسی است که غالب بر او نیست و کسی بر ضد او کمک نمی  
شود. اوست ولی خدا در زمین و حکم کننده او بین خلقتش و امین او بر نهان و  
آشکارش.

## 9 مطرح کردن بیعت

ای مردم، من برایتان روشن کردم و به شما فهمانیدم، و این علی است که بعد از من به شما می فهماند.

بدانید که من بعد از پایان خطابه ام شما را به دست دادن با من بعنوان بیعت با او و اقرار به او، و بعد از من به دست دادن با خود او فرا می خوانم.

بدانید که من با خدا بیعت کرده ام و علی با من بیعت کرده است، و من از جانب خداوند برای او از شما بیعت می گیرم (خداوند می فرماید: «ان الذین یبایعونک انما یبایعون الله، ید الله فوق ایدیهم، فمن نکث فانما ینکث علی نفسه، و من أوفی بما عاهد علیه الله فسیؤتیه اجرا عظیما»، «کسانی که با تو بیعت می کنند در واقع با خدا بیعت می کنند، دست خداوند بر روی دست آنان است. پس هر کس بیعت را بشکند این شکستن بر ضرر خود اوست، و هر کس به آنچه با خدا عهد بسته وفادار باشد خداوند به او اجر عظیمی عنایت خواهد کرد».

## 10 حلال و حرام، واجبات و محرمات

ای مردم، حج و عمره از شعائر الهی هستند، (خداوند می فرماید: «فمن حج البيت او اعتمر فلا جناح علیه ان يطوف بهما») تا آخر آیه، «پس هر کس به خانه خدا بعنوان حج یا عمره بیاید برای او اشکالی نیست که بر صفا و مروه بسیار طواف کند».

ای مردم، به حج خدا بروید. هیچ خاندانی به خانه خدا وارد نمی شوند مگر آنکه مستغنی می گردند و شاد می شوند، و هیچ خاندانی آنرا ترک نمی کنند مگر آنکه منقطع می شوند و فقیر می گردند. ای مردم، هیچ مؤمنی در موقف (عرفات، مشعر، منی) وقوف نمی کند مگر آنکه خداوند گناهان گذشته او را تا آن وقت می آمرزد، و هر گاه که حجتش پایان یافت اعمالش را از سر می گیرد.

ای مردم، حاجیان کمک می شوند و آنچه خرج می کنند به آنان بر می گردد، و خداوند جزای محسنین را ضایع نمی نماید.  
ای مردم، با دین کامل و با تفقه و فهم به حج خانه خدا بروید و از آن مشاهد مشرفه جز با توبه و دست کشیدن از گناه بر مگردید.

ای مردم، نماز را بپا دارید و زکات را بپردازید همانطور که خداوند عز و جل به شما فرمان داده است و اگر زمان طولی بر شما گذشت و کوتاهی نمودید یا

فراموش کردید، علی صاحب اختیار شما است و برای شما بیان می کند، او که خداوند عز و جل بعد از من بعنوان امین بر خلقش او را منصوب نموده است. او از من است و من از اویم.

او و آنانکه از نسل من اند از آنچه سؤال کنید به شما خبر می دهند و آنچه را نمی دانید برای شما بیان می کنند.

بدانید که حلال و حرام بیش از آن است که من همه آنها را بشمارم و معرفی کنم و بتوانم در یک مجلس به همه حلالها دستور دهم و از همه حرامها نهی کنم. پس مأمورم که از شما بیعت بگیرم و با شما دست بدهم بر اینکه قبول کنید آنچه از طرف خداوند عز و جل درباره امیر المؤمنین علی و جانشینان بعد از او آورده ام که آنان از نسل من و اویند، (و آن موضوع) امامتی است که فقط در آنها پیا خواهد بود، و آخر ایشان مهدی است تا روزی که خدای مدبر قضا و قدر را، ملاقات کند.

ای مردم، هر حلالی که شما را بدان راهنمایی کردم و هر حرامی که شما را از آن نهی نمودم، هرگز از آنها برنگشته ام و تغییر نداده ام. این مطلب را بیاد داشته باشید و آنرا حفظ کنید و به یکدیگر سفارش کنید، و آنرا تبدیل نکنید و تغییر ندهید.

من سخن خود را تکرار می کنم: نماز را بپا دارید و زکات را پردازید و به کار نیک امر کنید و از منکرات نهی نمائید.

بدانید که بالاترین امر به معروف آنست که سخن مرا بفهمید و آنرا به کسانی که حاضر نیستند برسانید و او را از طرف من به قبولش امر کنید و از مخالفتش نهی نمائید، چرا که این دستوری از جانب خداوند عز و جل و از نزد من است، و هیچ امر به معروف و نهی از منکری نمی شود مگر با امام معصوم.

ای مردم، قرآن به شما می شناساند که امامان بعد از علی فرزندان او هستند و من هم به شما شناساندم که آنان از نسل من و از نسل اویند.

آنجا که خداوند در کتابش می فرماید: «**وجعلها کلمه باقیه فی عقبه**»، «آن (امامت) را بعنوان کلمه باقی در نسل او قرار داد»، و من نیز به شما گفتم: «اگر به آن دو (قرآن و اهل بیت) تمسک کنید هرگز گمراه نمی شوید».

ای مردم، تقوی را تقوی را. از قیامت بر حذر باشید همانگونه که خدای عز و جل فرموده: «**إن زلزله الساعه شیء عظیم**»، «زلزله قیامت شیء عظیمی است».

مرگ و معاد و حساب و ترازوهای الهی و حسابرسی در پیشگاه رب العالمین و ثواب و عقاب را بیاد آورید. هر کس حسنه با خود بیاورد طبق آن ثواب داده می شود، و هر کس گناه بیاورد در بهشت او را نصیبی نخواهد بود.

## 11 بیعت گرفتن رسمی

ای مردم، شما بیش از آن هستید که با یک دست و در یک زمان با من دست دهید، و پروردگارم مرا مأمور کرده است که از زبان شما اقرار بگیرم در باره آنچه منعقد نمودم برای علی امیر المؤمنین و امامانی که بعد از او می آیند و از نسل من و اویند، چنانکه بشما فهماندم که فرزندان من از صلب اویند.  
پس همگی چنین بگوئید:

«ما شنیدیم و اطاعت می کنیم و راضی هستیم و سر تسلیم فرود می آوریم در باره آنچه از جانب پروردگار ما و خودت بما رساندی در باره امر امامت اممان علی امیر المؤمنین و امامانی که از صلب او بدنی می آیند. بر این مطلب با قلبهایمان و با جانمان و با زبانمان و با دستانمان با تو بیعت می کنیم. بر این عقیده زنده ایم و با آن می میریم و (روز قیامت) با آن محشور می شویم. تغییر نخواهیم داد و تبدیل نمی کنیم و شک نمی کنیم و انکار نمی نمائیم و تردید به دل راه نمی دهیم و از این قول بر نمی گردیم و پیمان را نمی شکنیم.

تو ما را به موعظه الهی نصیحت نمودی در باره علی امیر المؤمنین و امامانی که گفتی بعد از او از نسل تو و فرزندان اویند، یعنی حسن و حسین و آنانکه خداوند بعد از آن دو منصوب نموده است.

پس برای آنان عهد و پیمان از ما گرفته شد، از قلبهایمان و جانهایمان و زبانهایمان و ضمائرمان و دستهایمان، هر کس توانست با دست بیعت می نماید و گرنه با زبانش اقرار می کند. هرگز در پی تغییر این عهد نیستیم و خداوند (در این باره) از نفسهایمان دگرگونی نبیند.

ما این مطالب را از قول تو به نزدیک و دور از فرزندانمان و فامیلیمان می رسانیم، و خدا را بر آن شاهد می گیریم. خداوند در شاهد بودن کفایت می کند و تو نیز بر این اقرار ما شاهد هستی».

ای مردم، چه می گوئید؟ خداوند هر صدایی را و پنهانی های هر کسی را می داند. پس هر کس هدایت یافت بنفع خودش است و هر کس گمراه شد به ضرر خودش گمراه شده است، و هر کس بیعت کند با خداوند بیعت می کند، دست خداوند بر روی دست آنها (بیعت کنندگان) است.

ای مردم، با خدا بیعت کنید و با من بیعت نمائید و با علی امیر المؤمنین و حسن و حسین و امامان از ایشان در دنیا و آخرت، بعنوان امامتی که در نسل ایشان باقی است بیعت کنید. خداوند غدر کنندگان (بیعت شکنان) را هلاک و وفاداران را مورد رحمت قرار می دهد. و هر کس بیعت را بشکند به ضرر خویش شکسته است، و هر کس به آنچه با خدا پیمان بسته وفا کند خداوند به او اجر عظیمی عنایت می فرماید.

ای مردم، آنچه به شما گفتم بگوئید (تکرار کنید)، و به علی بعنوان «امیر المؤمنین» سلام کنید و بگوئید «شنیدیم و اطاعت کردیم، پروردگارا مغفرت تو را

می خواهیم و بازگشت بسوی توست» و بگوئید: «حمد و سپاس خدای را که ما را به این هدایت کرد، و اگر خداوند هدایت نمی کرد ما هدایت نمی شدیم...».

ای مردم، فضائل علی بن ابی طالب نزد خداوند که در قرآن آنرا نازل کرده بیش از آن است که همه را در یک مجلس بشمارم، پس هر کس درباره آنها بشما خبر داد و معرفت آنرا داشت او را تصدیق کنید.

ای مردم، هر کس خدا و رسولش و علی و امامانی را که ذکر کردم اطاعت کند به رستگاری بزرگ دست یافته است.

ای مردم، کسانی که برای بیعت با او و قبول ولایت او و سلام کردن بعنوان «امیر المؤمنین» با او، سبقت بگیرند آنان رستگارانند و در باغهای نعمت خواهند بود.

ای مردم، سخنی بگوئید که بخاطر آن خداوند از شما راضی شود، و اگر شما و همه کسانی که در زمین هستند کافر شوند بخدا ضرری نمی رسانند.

خدایا، بخاطر آنچه ادا کردم و امر نمودم مؤمنین را بیامرز، و بر منکرین که کافرنند غضب نما، و حمد و سپاس مخصوص خداوند عالم است.

## شکستن بت ها

جمهور از برخی طریقه ها روایت کرده اند که پیامبر شانه خود را زیر پای علی علیه السلام نهاد تا او بتان را از فراز کعبه فرو افکند و درهم شکست. و نیز گذر از صراط جز برای کسی که نامه ولایت علی را در دست دارد ممکن نیست.

## ذوالفقار

نیز برای علی علیه السلام، سطلی که در آن آب و دستمالی بود فرود آمد و آن حضرت برای نماز وضو گرفت و به نماز پیامبر صلی الله علیه و آله پیوست.

روایت دیگر اینکه منادییی در جنگ احد از آسمان ندا داد «شمشیری جز ذوالفقار نیست و دلاوری جز علی» روایت شده که همین ندا در جنگ بدر نیز شنیده شد.

ترجمه نهج الحق و كشف الصدق، ص: 234

علی علیه السلام بهترین بشر

علی علیه السلام بهترین بشر و بهترین جوانمرد است

«ابن مردویه» فقه اهل سنت در کتابش به سند خود از «حذیفه یمانی»  
روایت کرده که گفت:

«قال رسول الله: علیّ خیر البشر فمن ابی فقد کفر»

پیامبر فرمود: علی (علیه السلام) بهترین بشر است و هر کس او را رد کند، او کافر  
است).

ترجمه الطرائف، ص: 231

## علی با حق و حق با علی

حق با علی علیه السلام است

ابو بکر محمد بن الحسن اجری - شاگرد ابی بکر و پدر ابو داود سجستانی - در کتاب «الشریعه» به سند خود از «علقمه بن قیس» و «اسود بن یزید» روایت کرده که این دو نفر گفتند: خدمت ابو ایوب انصاری آمدیم و گفتیم خداوند به وجود محمد صلی الله علیه و آله ترا گرامی داشته، زیرا که به شتر او وحی کرد تا بر در خانه تو فرود آمد و پیامبر میهمان تو شد و این فضیلتی است که خداوند افتخار آن را به تو داده بعد خارج شدی و در رکاب علی علیه السلام جهاد کردی.

ابو ایوب انصاری گفت: آفرین بر شما، خوش آمدید، من قسم می خورم برای شما که پیامبر در همین خانه بود که الان شما دو تا در آن نشسته اید، و در خانه جز رسول خدا و علی کسی نبود، علی هم در دست راست پیامبر نشسته بود، من و انس هم پیش روی او ایستاده بودیم که ناگهان در کوبیده شد، پیغمبر فرمود: انس نگاه کن بین کیست که در می زند انس نگاه کرد و بر گشت و گفت عمار است.

ابو ایوب گفت: شنیدم از رسول خدا که فرمود: ای انس در را به روی عمار - که طیب و طاهر است - بگشای تا داخل شود.

عمار داخل شد بر پیامبر سلام کرد، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جواب سلام او را داد و به او خوش آمد گفت: و به او فرمود: ای عمار! به زودی بعد از من در میان امت من اختلاف و کشمکش به وجود می آید و به حدی که به روی همدیگر شمشیر می کشند و حتی بعضی از آنان بعضی دیگر را می کشند و بعضی از بعض دیگر بیزاری می جویند آنگاه که این وضع را دیدی، از این مردی که طرف راست من نشسته، دست بردار - یعنی علی بن ابی طالب - فرمود: عمار! اگر تمام مردم به راهی بروند ولی علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) تنها به راهی برود، تو از همان راهی برو که علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) است و مردم را ترک کن.

«یا عَمَّارَ اَنْ عَلِيَا لَا يَزَالُ عَلِيٌّ هَدِيَّ يَا عَمَّارَ طَاعَهُ عَلِيٌّ طَاعَتِي وَ طَاعَتِي طَاعَهُ اللّٰهُ عَزَّ وَ جَلَّ»

ای عمار! علی پیوسته در هدایت است ای عمار! پیروی و اطاعت از علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) پیروی و اطاعت از من است و اطاعت از من، اطاعت از خدا است. و همچنین علامه بدخشی از ابو ایوب انصاری و عمار یاسر روایت کرده که پیامبر فرمود:

«یا علی انّ الحقَّ معک، و الحقَّ علی لسانک و فی قلبک و فی عینک»

«1»

ای علی حق با توست و بر زبان و قلب و چشمانت حق نمایان است.

«عبدری» در کتاب «الجمع بین الصحاح الستة» در باب مناقب امیر المؤمنین (علیه السلام) از صحیح بخاری از پیامبر ﷺ روایت کرده که فرمود:

«رحم الله عليا اللهم أدر الحق معه حيث دار»

رحمت خدا بر علی باد، خدایا حق را با علی (علیه السلام) بگردان هر کجا که او بگردد.

احمد بن موسی بن مردویه در کتاب «المناقب» از چند طریق از جمله به سند خود از «محمد بن ابی بکر» روایت کرده که گفت:

حدّثتني عائشة ان رسول الله قال: «الحق مع عليّ و عليّ مع الحقّ لن يفترقا حتّى يردا عليّ الحوض»

عائشه به من روایت کرد که رسول خدا فرمود: حق پیوسته با علی است و علی (علیه السلام) هم پیوسته با حق است و این دو از هم جدا نشوند تا نزد من بر حوض وارد شوند.

ابن قتیبہ دینوری می نویسد: هنگامی که علی (علیه السلام) در جنگ جمل پیروز شد و عائشه شکست خورد، برادر وی محمد بن ابی بکر که یکی از همراهان

علی (علیه السلام) بود، به دیدن او رفت محمد به عایشه گفت: آیا نشنیدی که رسول خدا فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی ثم خرجت تقاتلینه بدم عثمان؟!»

«1».

علی با حق است و حق با علی است تو اکنون به عنوان خونخواهی عثمان خروج نموده و با او به پیکار پرداخته ای؟!.

حافظ ابن مردویه اصفهانی در «مناقب» و دیلمی در «فردوس» روایت را چنین نقل کرده اند که محمد به عایشه گفت: ترا به خدا سوگند به یاد می آوری که گفته بودی پیامبر فرمود:

«الحق لن یزال مع علی و علی مع الحق لن یختلفا و لن یفترقا»

(حق پیوسته با علی است و علی هم با حق است این دو هیچ وقت از همدیگر جدا نمی شوند) عایشه گفت: آری .

حافظ ابن مردویه از ابو حسن (تمیم بن عمرو و یا تمیم بن عبد عمرو) روایت کرده که گفت: بر امّ المؤمنین عایشه وارد شدم، از من پرسید: چه کسی با خوارج پیکار نمود؟ گفتم: علی بن ابی طالب.

عایشه گفت: بغض و کینه درونی من نسبت به علی (علیه السلام) مانع از گفتن حق نخواهد بود شنیدم پیامبر خدا ﷺ فرمود: بهترین فرد امت پس از من آنها (خوارج) را به قتل خواهد رسانید و شنیدم که فرمود:

«علیّ مع الحقّ و الحقّ مع علیّ»

خطیب در تاریخ بغداد به سند خود از ابو ثابت مولای ابو ذر روایت کرده که گفت: وارد شدم بر اسلمه دیدم گریه می کند و نام علی (علیه السلام) را می برد. و می گوید: از رسول خدا شنیدم می فرمود: علی با حق است و حق با علی است و یک چشم برهم زدن از هم جدا نمی شوند تا کنار حوض کوثر مرا ببینند.

«علیّ مع الحقّ و الحقّ مع علیّ و لن یفترقا حتّی یردا علیّ الحوض یوم القیامه»

حافظ ابن عساکر با سند خود از «مالک بن جعونه» از ام سلمه روایت کرده است که گفت: «و الله انّ علیا مع الحقّ قبل الیوم و بعد الیوم عهدا معهودا و قضاء مقضیا» .

(به خدا سوگند که علی بر حق است پیش از امروز و بعد از امروز و این پیمانی مستحکم و حکمی روا شده است).

باز طبق نقل ابن عساکر، ام سلمه ام المؤمنین به ابو ثابت فرمود: سوگند به خدائی که جانم در دست قدرت اوست، از رسول خدا ﷺ شنیدم که می فرمود:

«علیّ مع الحقّ و الحقّ مع علیّ و القرآن مع علیّ و لن یفترقا حتّی یردا علیّ»  
الحوض»

. علی با حق و قرآن است و حق و قرآن نیز با علی است و از همدیگر جدا نشوند تا (روز قیامت) سر حوض بر من وارد شوند.

(1) از آن جمله روایتی است که ابی بکر احمد بن موسی بن مردویه به سند خود از «اصبع بن نباته» روایت کرده که گفت: چون زید بن صوحان در جنگ جمل به شدت زخمی شد و از پشت اسب به زمین افتاد علی (علیه السلام) بر بالین او آمد و هنوز نیمه جانی از او مانده بود فرمود: ای زید رحمت خدا بر تو باد به خدا قسم من ترا نشناختم مگر این که مئونه و مشقت و تعلقات دنیوی تو اندک بود و معاونت و کمک کردن تو در دین بسیار بود.

همان موقع، زید سر خود را به جانب آن حضرت برداشت و گفت: تو مولای من هستی و خدا به تو جزای خیر بدهد و الله نشناختم ترا مگر این که به خدا عالم و به آیات او عارف بودید، به خدا سوگند که به همراهی تو با دشمنان تو از روی جهل جنگ نکردم و لیکن شنیدم که «حذیفه بن یمان» می گفت: شنیدم رسول خدا ﷺ می فرمود:

«علیّ امیر البرره و قاتل الفجره منصور من نصره و مخدول من خذله الا و انّ الحقّ معه و یتبعه الا فمیلوا معه»

علی امیر نیکوکاران و قاتل تبهکاران است و یاری کرده شده است کسی که به او کمک کند، و سر افکنده است کسی که او را سر افکنده سازد بدانید حق با علی است و تابع او است آگاه باشید و به او تمایل نشان دهید.

ترمذی در صحیح حدیثی با سند خود از رسول خدا آورده که فرمود:

«رحم الله علیّا»

خدا علی را رحمت کند، آنگاه عرض کرد بار الها حق و علی را همواره با هم به جریان انداز، آن را معرف این، و این را معرف آن قرار بده .

حاکم نیز این روایت را در «مستدرک الصحیحین» آورده و گفته است که:

این حدیث از نظر مسلم واجد شرایط صحت است.

حاکم به سند خود از «عمره» دختر عبد الرحمن روایت کرده که گفت: وقتی علی (علیه السلام) می خواست به طرف بصره (جهت خاموش کردن غائله ای که

عایشه به راه انداخته بود) برود وارد بر ام سلمه همسر رسول خدا ﷺ شد تا با او خداحافظی کند، ام سلمه گفت: برو در پناه خدا و در کنف او، به خدا سوگند تو (هر جا باشی) بر حقی، و حق (هر جا باشد) با تو است و اگر نبود که من می خواهم از نافرمانی خدا و رسول پرهیز کنم و دستور او را که باید در خانه خود بنشینم و اطاعت کنم، حتما با تو می آمدم و لیکن به خدا سوگند کسی را با تو می فرستم که از جان خودم عزیزتر و او فرزندم است .

حاکم پس از نقل این حدیث می گوید: این حدیث همه شرایط صحت را واجد است چه از نظر مسلم و چه از نظر بخاری.

«هیثمی» در مجمع خود می گوید: از محمد بن ابراهیم تیمی روایت شده که گفت فلانی - یعنی معاویه - در سفر حج به مدینه آمد، مردم هم به دیدارش رفتند، چون سعد داخل شد سلام کرد، معاویه گفت: این مرد نسبت به حق ما، در برابر باطل دیگران اعتنائی ندارد (یعنی من حقم علی (علیه السلام) باطل است).

سعد چیزی نگفت: معاویه پرسید: چرا حرف نمی زنی؟ گفت: فتنه ای پیا شده و ظلمتی عالم را فرا گرفته و به شتر من گفته اخ - یعنی بخواب - شتر من فعلا خوابیده، تا فضا روشن شود.

مرد - معاویه - گفت: من همه جای کتاب خدا را خواندم، هیچ در آن اخ ندیدم.

سعد گفت: سند گفته من کلامی است که از رسول خدا شنیدم می فرمود:

«علیّ مع الحقّ و الحقّ مع علیّ و الحقّ یدور حیث ما دار علیّ»

. (علی پیوسته با حق است و یا حق با علی است هر جا که باشد و هر کار که بکند، معاویه پرسید: آیا غیر از تو کسی دیگر نیز این حدیث را از رسول خدا ﷺ شنیده؟ گفت: آری، این کلام را در خانه امّ سلمه فرمود).

معاویه گفت: بفرستید ام سلمه بیاید. ام سلمه را آوردند، معاویه از او پرسید: در باره این سخن چه می گوئی؟ گفت: این کلام را رسول خدا ﷺ در خانه من فرمود.

هیثمی پس از نقل این جریان اضافه کرده است که معاویه پس از شنیدن شهادت ام سلمه به سعد گفت: هیچ وقت مثل امروز در نظرم مستحق ملامت و سرزنش نبودی.

سعد گفت: چه ملامتی؟

گفت: این کلام را از رسول خدا ﷺ شنیدی و علی (ع) را تنها گذاشتی؟

اگر من شنیده بودم تا زنده بودم به علی خدمت می کردم تا مرگم فرا رسد . و مقصود معاویه از تنها گذاشتن علی این بود که سعد در جنگ صفین او را یاری نکرد.

باز هیشمی در همان کتاب از ام سلمه روایت کرده است که گفت:

«كان عليّ عليّ الحقّ من اتّبعه، اتّبع الحقّ و من تركه ترك الحقّ عهد معهود  
قبل يومه هذا».

علی (علیه السلام) با حق بوده و هر که او را پیروی کند از حق پیروی کرده و هر  
که ترک او گوید حق را ترک کرده است این عهدی است که از پیش معهود بوده

و نیز از ابو سعید خدری روایت کرده که گفت: با جمعی از مهاجرین و انصار  
جلو خانه رسول خدا ﷺ بودیم که علی بن ابی طالب عبور کرد، رسول خدا  
مکرر فرمود:

«الحقّ مع ذا، الحقّ مع ذا»

: حق با این است، حق با این است «.

این روایت را ابو یعلی و مناوی در «کنوز الحقائق» و متقی در «کنز العمال»  
آورده اند .

(1) ابن مردویه در «المناقب» و حاکم در «مستدرک الصحیحین» به سند خود از «ابی ثابت» مولای ابو ذر روایت کرده اند که گفت: در جنگ جمل در لشکر علی (علیه السلام) بودم، همین که عایشه را در لشکر دشمن دیدم، شکی در دلم افتاد که در هنگام نماز ظهر زائل شد و تا آخر در قتال دشمن شرکت کردم، همین که جنگ پایان یافت به مدینه نزد ام سلمه رفتم و گفتم به خدا سوگند برای آب و نان نیامده ام و لکن من مولای ابو ذرم و جریانم این طور است وقتی مرا شناخت آفرین گفت و فرمود: دلها به کجا پرواز می کند؟

گفتم هر جا رفت در موقع ظهر، خدا آن را برگردانید، گفت: احسنت من از رسول خدا شنیدم که می فرمود:

«علیّ مع القرآن و القرآن مع علیّ لا یفترقا حتّی یردا علیّ الحوض»

(علی با قرآن است و قرآن با علی (علیه السلام) است از هم جدا نمی شوند، تا کنار حوض کوثر مرا ببینند) «1».

حاکم بعد از نقل این حدیث گفته: سندش صحیح است و این روایت را مناوی هم در «فیض القدیر». و متقی در «کنز العمال نیز آورده اند «3».

ابو جعفر اسکافی معتزلی آورده است که عمار یاسر ضمن ایراد خطبه ای از کارشکنی های ابو موسی اشعری در کوفه و تشویق مردم به همکاری با امیر المؤمنین (علیه السلام) در جنگ با معاویه و نقل پیشگوئی پیامبر اکرم از کشتار

ناکثین و قاسطین و مارقین به دست علی (عَلِیُّ) گفت که: شنیدم رسول خدا  
فرمود: ﷺ

«علیّ مع الحقّ و الحقّ مع علیّ لا یفترقان حتّی یردا علیّ الحوض یوم  
القیامه»<sup>4</sup>.

(علی با حق است و حق با علی و از هم جدا نشوند تا در روز قیامت در  
کنار حوض بر من وارد شوند).

و نیز ابن عساکر و دیگران با ذکر سند به نقل از عمار یاسر آورده اند که  
گفت:

شنیدم پیامبر ﷺ می فرماید:

«یا علی ستقاتلک الفئه الباغیه و انت علی الحقّ فمن لم ینصرک یومئذ فلیس  
منّی» (ای علی به زودی گروه تجاوزگر با تو پیکار می کند و تو بر حق هستی،  
پس کسی که در آن روز تو را یاری نکند از من نخواهد بود).

ترجمه الطرائف، ص: 244 تا ص: 236

## علی علیه السلام تقسیم کننده بهشت و دوزخ

ابن مغزلی در کتاب «المناقب» به سند خود روایت کرده که گفت: پیامبر ﷺ و سلم به علی (علیه السلام) فرمود:

«أنتك قسيم الجنة والنار و أنتك تفرع باب الجنة و تدخلها بغير حساب»  
تو قسمت کننده بهشت و جهنمی و تو در بهشت را می کوبی و بدون حساب  
داخل آن می شوی.

ابن مغزلی در کتاب خود از انس و غیره روایت کرده که گفت: خدمت پیامبر ﷺ بودم که علی (علیه السلام) آمد پیامبر فرمود:

«انا و هذا حجّة علی امتی یوم القیامه»  
من و علی بر امت خود روز قیامت حجت هستیم.

ابن حجر هیثمی در کتاب «صواعق المحرقة» می نویسد: «دارقطنی» به سند خود روایت کرده که علی (علیه السلام) به آن شش نفری که عمر امر شوری را به آنان واگذار کرده بود، صحبت‌های طولانی کرد از آن جمله فرمود: شما را به خدا سوگند می دهم، آیا در شما کسی هست که رسول خدا در باره او فرموده باشد تو در روز قیامت تقسیم کننده بهشت و دوزخی نه من؟ همه آنان گفتند: خود و خدا، نه.

و روایات دیگری از حضرت رضا (علیه السلام) روایت کرده اند که فرمود: «یا علی توئی تقسیم کننده آتش و بهشت در روز قیامت و توئی که به آتش می گوئی این سهم من و آن سهم تو»<sup>3</sup>.

متقی در کتاب «کنز العمال» از علی (علیه السلام) روایت کرده که فرمود: «من تقسیم کننده آتشم» و این حدیث را «شاذان فضیلی» در «رد الشمس» آورده .  
مناوی در «کنوز الحقائق» نیز نظیر آن را آورده و به دیلمی نسبت داده است ترجمه الطرائف  
ص: 207

تقویت رسول اکرم صلی الله علیه و آله بوجود حضرت علی علیه السلام

خدای تعالی رسول اکرم ﷺ را به وجود مقدس حضرت علی ؑ تقویت فرمود [تاریخ بغداد 11 / 173] از «انس بن مالک» روایت کرده است که رسول اکرم ﷺ فرمود: در شب معراج، بر ساق عرش حضرت پروردگار، این مکتوب را مشاهده کردم:

«لا اله الا الله محمد رسول الله ائدته بعلي»

؛ «خدائی جز خدای یکتا نیست، محمد رسول خداست، او را به نیروی علی ؑ تقویت و تأیید نمودم»

[الدّر المنثور] «سیوطی» در این کتاب، در ذیل تفسیر آیه شریفه:

سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ اظهار داشته است: «ابن عدی» و «ابن عساکر» از «انس» روایت کرده اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در شب معراج، این مکتوب را بر ساق عرش دیدم:

«لا اله الا الله محمد رسول الله ائدته بعلي»

فضائل پنج تن ؑ در صحاح ششگانه ج 1، ص: 302

## ایمان

[کنز العمال 6 / 405] روایت کرده است. این حدیث را «محمد بن ایوب» در «جزء» روایت نموده و «عقیلی» هم، به روایت آن حدیث پرداخته است. و «ذهبی» هم، در [میزان الاعتدال 1 / 417] به اختصار از کتاب «عقیلی» نقل کرده است.

[همان کتاب 2 / 198] از «معاذ بن جبل» نقل کرده است که رسول خدا ﷺ خطاب به علی ع فرمود: یا علی! با داشتن هفت صفت که ویژه خودت است، با همه مردم به مخالفت می پردازی و هیچیک از مردم قریش تاب محاجه و گفتگوی با تو را ندارد، آن هفت صفت عبارتند از: 1- نخستین کسی از آنها هستی که بخدای تعالی ایمان آوردی؛ 2- از همه آنها به پیمان خدا بهتر وفا می کنی؛ 3- فرمان خدا را بهتر از دیگران انجام می دهی؛ 4- بهترین آنهائی در تقسیم (اموال و غنائم) بطور مساوی؛ 5- بهترین آنهائی در اجرای عدالت؛ 6- در تشخیص و چگونگی وقوع قضیه، از همگان بیناتری؛ 7- موقعیت تو در پیشگاه خدای تعالی، از همه زیادتر است. این حدیث را «حاکمی» روایت کرده است.

مؤلف گوید: حدیث مزبور را «ابو نعیم» در [حلیه الاولیاء 1 / 66] متذکر شده است.

[الاصابه 7 / قسم 1 / 167] «ابو احمد» و «ابن منده» و دیگران، از طریق «ابراهیم بن بشر اسدی» از «خالد بن حارث» او هم از «عوف» از «حسن» از «ابو لیلای غفاری» روایت کرده است که از رسول خدا ﷺ شنیدم، می فرمود: پس از من، طولی نمی کشد که آشوبی بر پا می شود، در این هنگام ملازم علی باشید و از علی بن ابیطالب دست بردارید؛ بدلیل اینکه او نخستین کسی است که به من، ایمان آورده است، و او نخستین کسی است که در روز قیامت با من مصافحه می کند، و او صدیق اکبر و فاروق این امت است، و علی بن ابیطالب یعسوب<sup>1</sup> مؤمنان است و مال و ثروت، یعسوب منافقان است.

[فیض القدیر 4 / 358] «طبرانی» و «بزاز» هر دو از «ابوذر» و «سلمان» در ضمن حدیث طولانی، روایت کرده اند که رسول خدا ﷺ دست علی ع را بدست خود گرفت و فرمود: این بزرگوار نخستین کسی است که به من ایمان آورده است

و فاروق این امت است و یعسوب مؤمنان و مال و ثروت، یعسوب و مهتر ستمگران است. مؤلف گوید: این حدیث را «متقی» در [کنز العمال 6 / 156] متذکر شده است و آنرا از «طبرانی» در کتاب «الکبیر» از «سلمان» و «ابوذر» نقل کرده است و همچنین از کتاب «سنن کبری» بیهقی نقل کرده است و «ابن عدی» هم، در کتاب «الکامل» از «حذیفه» روایت کرده است.

[کنز العمال 6 / 393] به سند خود، از «مأمون» از «رشید» از «مهدی» از «منصور» از پدرش، او هم از «عبد الله بن عباس» نقل کرده است که از «عمر خطاب» شنیدم، می گفت: از علی ع عیبجوئی نکنید و به زشتی از او یاد ننمائید؛ برای آنکه برآستی صفت‌هایی از رسول خدا ﷺ در او مشاهده کردم که

هر گاه فقط یکی از آنها در «آل خطاب» یافت می شد نزد من محبوبتر بود از آنچه آفتاب بر آن می تابد! در این رابطه لازم است بگویم در یکی از روزها، من و «ابو بکر» و «ابو عبیده» با گروهی از اصحاب به عزم دیدار رسول اکرم ﷺ روانه شدیم تا اینکه در مسیر خود، به خانه «امّ سلمه» رسیدیم، علی را در کنار خانه ایشان دیدار کرده و به عرض رسانیدیم: تصمیم داریم به حضور پیغمبر اکرم ﷺ شرفیاب شویم. علی ﷺ فرمود: هم اکنون رسول خدا ﷺ از خانه، خارج می شود. پس چنین شد و همراه آن حضرت، حرکت کردیم. در مسیر، حضرت رسول خدا ﷺ به علی ﷺ تکیه داشت. سپس دست مبارکش را روی شانه علی ﷺ گذاشت و فرمود: یا علی! دیری نباید که مورد بی مهری افراد قرار بگیری! آنها باید بدانند کسی را مورد بی مهری خود قرار داده اند که پیشتر از همه، ایمان آورده است و از همه مردم به روزهای خدا داناتر است و بهتر از همه به عهد خدا وفا می نماید. و از همه بهتر، تقسیم بالسویه می کند و از همگان مهربانتر به رعیت است و از همه بیشتر به گرفتاریهای عظیم دچار می شود. سپس خطاب به حضرت علی ﷺ فرمود:

یا علی! تو، بازوی توانای من می باشی و تو، مرا غسل می دهی و کفن می کنی و در هر پیش آمد ناراحت کننده ای، پیشوا و پیش آهنگ دیگران هستی و پس از من، هرگز به کفر باز نمی گردی و در دین خدا ثابت قدم خواهی بود. و در روز قیامت در حالی که لوای حمد را در دست داری، پیشاپیش من حرکت می کنی و مخالفان را از حوض من (حوض کوثر) دور می کنی. پس از این گفته، خود «ابن عباس» در توصیف از حضرت علی ﷺ اظهار داشت که آری، علی ﷺ از دامادی رسول خدا ﷺ به عالیترین مراتب رستگاری نایل آمد و از

عشیره ای گسترده برخوردار گردید و از هیچگونه کمک به بینوایان خودداری نمی کرد، عالم به تنزیل قرآن و فقیه تأویل آن بود و به مراتب آن، از اقران خویش، بیشتر رسیده بود.

مؤلف گوید: پیش از این در باب سابق، در این رابطه از «کنز العمال» از «عمر» نقل کردیم، که رسول خدا ﷺ دست مبارکش را روی شانه علی علیه السلام گذاشت و خطاب به آن حضرت، فرمود: تو نخستین کسی هستی که اسلام را پذیرفتی و تو نخستین کسی هستی که ایمان آوردی

فضائل پنج تن علیهم السلام در صحاح ششگانه اهل سنت، ج 1، ص: 325 و ص: 326 و ص: 327

## علی علیه السلام نخستین نماز گزار

اشاره

[اسد الغابه 4 / 18] به سند خود، از «ابو ایوب انصاری» روایت کرده است که رسول خدا ﷺ فرمود: مدت هفت سال فرشتگان الهی بر من و علی علیه السلام درود می فرستادند و این در آن هنگام بود که مرد دیگری جز علی علیه السلام، با من نماز نمی گزارد.

مؤلف گوید: این حدیث را «محب طبری» در [ریاض النضره 2 / 165] از «ابو الحسن خلعی» نقل کرده است و این جمله را اضافه نموده: «علت درود فرشتگان آن بوده است، هنگامی که ما نماز می گزاردیم، به غیر از من و علی، دیگری در نماز ما شرکت نداشت». لیکن «ابو الحسن خلعی»، مدت هفت سال را نکرده است

. فضائل پنج تن علیهم السلام در صحاح ششگانه اهل سنت، ج 1، ص: 330

## برتری ایمان حضرت علی علیه السلام

[الریاض النضره 2/ 226] از «عمر خطّاب» نقل شده است که گفت:

وجود رسول خدا ﷺ را شاهد می گیرم که از آن حضرت شنیدم، می فرمود:  
هر گاه آسمانهای هفتگانه را در کفه ترازو بگذارند و ایمان حضرت علی  
ﷺ را در کفه دیگر آن، ایمان علی ﷺ، از آسمانها سنگین تر خواهد بود

فضائل پنج تن ﷺ در صحاح ششگانه اهل سنت، ج 1، ص: 328

## خلیفه پیامبر

عن سلمان الفارسی قال: سمعت رسول الله ﷺ يقول: إن وصيي و خلیفتی و خیر من أترك بعدی ینجز موعدی و یقضی دینی علی بن ابی طالب.

سلمان فارسی گفت: از پیامبر خدا ﷺ شنیدم وصی و خلیفه من و بهترین کسی که پس از خود او را ترک می کنم که وعده های مرا عملی سازد و دین مرا ادا کند، علی بن ابی طالب علیه السلام است. سیمای امام علی علیه السلام در قرآن ترجمه شواهد التنزیل، ص: 43

## شبيه انبياء

عن أبي الحمراء قال: قال رسول الله ﷺ: من أراد أن ينظر إلى آدم في علمه و إلى نوح في فهمه و إلى إبراهيم في حلمه و إلى يحيى في زهده و إلى موسى في بطشه فليتنظر إلى عليّ بن ابي طالب.

ابو الحمراء گفت: پیامبر فرمود: هر کس بخواهد به آدم در عملش و به نوح در فهمش و به ابراهیم در حلمش و به یحیی در زهدش به موسی در شدتش نگاه کند، پس به علیّ بن ابي طالب عليه السلام بنگرد.

## علم

: همه دانشمندان در معارف حقیقی، علوم یقینی، احکام شرعی و قضایای نقلی، ریزه خوار امیر المؤمنین هستند زیرا امام در غایت تیز هوشی و عشق به فراگیری بود «8» و پیوسته با پیامبر که مهربانترین مردم نسبت به او بود، بسر می برد پس بالضروره

ترجمه نهج الحق و كشف الصدق، ص: 246

دانشمندتر از دیگران بوده است.

پیامبر درباره او فرمود: «آگاهترین شما به دانش قضاوت و دارنده شرایط آن علی است»<sup>2</sup> و قضاوت مستلزم علم و دین است.

ترمذی در صحیح خود روایت کرده است که پیامبر فرمود: «من شهر دانشم و علی عَلَيْهِ السَّلَام در آن است»<sup>3</sup> بغوی در صحاح بیان کرده است: «پیامبر فرمود: من خانه حکمت هستم و علی در آن است.» روایتی از ابی الحمراء در حق علی وجود دارد که به موجب آن پیامبر فرمود: «هر که می خواهد به علم آدم، فهم نوح، حلم و بردباری ابراهیم، هیبت موسی و زهد عیسی بنگرد، به علی بن اییطالب نگاه کند.»<sup>4</sup>

بیهقی به اسناد خود از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت آورده است که ایشان فرمود: هر که می خواهد به دانش آدم، تقوای نوح، شکیبایی ابراهیم، هیبت موسی و عبادت عیسی نظر کند، به علی بن اییطالب بنگرد.»<sup>5</sup>

ترجمه نهج الحق و کشف الصدق، ص: 247

(افزون بر این روایات) امیر المؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام خاستگاه همه دانش هاست. در کلام و اصول فقه که مطلب آشکار است و گفتار حضرتش در نهج البلاغه بر کمال معرفت او در توحید و عدل دلالت می کند و همه جزئیات دانش کلام و اصول از آن دریافته می شود.

امام مرجع تمامی فقیهان در دانش فقه است. درباره فقیهان امامیه که نیازی به بیان نیست و در مذاهب سنیان، ابو حنیفه شاگرد امام صادق علیه السلام است و محمد بن ادریس شافعی، شاگرد محمد بن الحسن، شاگرد ابو حنیفه است و استاد دیگر شافعی مالک می باشد. پس فقه شافعی به ابو حنیفه و مالک باز می گردد. احمد بن حنبل نیز شاگرد شافعی است.

مالک نیز از محضر دو تن بهره برده است: ربیعہ الرای، شاگرد عکرمه، شاگرد عبد الله بن عباس، شاگرد حضرت علی علیه السلام و استاد دوم او جعفر بن محمد صادق علیه السلام می باشد. <sup>1</sup> «خوارج نیز شاگردان او بوده اند. <sup>2</sup>»

امیر المؤمنین بنیانگزار دانش اختر شناسی و تفسیر بود.

ابن عباس می گوید:

«امیر المؤمنین درباره «باء» بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

از آغاز شب تا سپیده دم سخن گفت و گفتارش به پایان نرسید.»<sup>4</sup> دانش فصاحت نیز از علی علیه السلام است تا آنجا که درباره کلامش گفته اند برتر از گفتار مخلوق و فروتر از فرموده خالق است. فصاحت از سخنان آن سرور عیان است

ترجمه نهج الحق و کشف الصدق، ص: 248

و ابن نباته می گوید: «از کلام امیر المؤمنین هزار خطبه را حفظ کردم و سپس ذهنم جوشید و جوشید.»<sup>1</sup> متکلمان نیز چهار گروه معتزله، اشاعره، شیعه و خوارجند. انتساب شیعه به علی علیه السلام آشکار است. دانشمندان خوارج نیز به علی علیه السلام باز می گردند، اما معتزله به واصل بن عطاء انتساب دارند و او شاگرد ابو هاشم عبد الله بوده و ابو هاشم نیز از درس پدرش محمد بن حنفیه، فرزند و شاگرد علی علیه السلام سود جسته است.

اشاعره نیز شاگردان ابو الحسن اشعری بوده اند و اشعری شاگرد ابو علی جبایی از بزرگان معتزله است.<sup>2</sup>

صوفیان و ارباب سلوک نیز به جملگی فرقه خود را به امیر المؤمنین استناد می دهند.<sup>3</sup> جوانمردان و عیاران نیز پیرو کسی هستند که جبرئیل در جنگ بدر

درباره اش ندا داده است که جز ذوالفقار شمشیری نیست و جز علی جوانمردی.  
«4» پیامبر فرمود: «من جوانمرد، فرزند جوانمرد و برادر جوانمردم.»<sup>5</sup>

جوانمردی پیامبر آشکار است که او سید و سرور عرب بود. فتوت پدر او نیز از آن روست که خداوند در حق ابراهیم فرمود: «شنیده ایم جوانمردی درباره بتان ما سخن می گوید.»<sup>6</sup>

جوانمردی برادر پیامبر نیز از گفته جبرئیل در حق علی دانسته می شود.  
ترجمه نهج الحق و كشف الصدق، ص: 249

همه یاران پیامبر در احکام شرعی به امیر مؤمنان رجوع می کردند و از ایشان بهره می بردند<sup>1</sup>

و حضرتش هیچگاه در مسأله ای به شخصی رجوع نکرد. عمر بن خطاب در بسیاری از مواقع می گفت: اگر علی نبود عمر نابود می شد،<sup>2</sup>

زیرا امیر المؤمنین او را از خطاهای فراوانی باز می داشت.  
در مسند احمد بن حنبل آمده است: «هیچ یک از یاران پیامبر جز علی جمله  
«از من پرسش کنید»<sup>3</sup>

را بر زبان نیاورد.» در صحیح مسلم روایت شده که امام بر منبر فرمود:  
«پیش از آنکه مرا نیابید پرسش کنید، از کتاب خدا پرسش کنید که در آن  
ترجمه نهج الحق و كشف الصدق، ص: 250

آیه ای نیست مگر اینکه من می دانم که آیا در کوهپایه فرود آمده یا در  
بیابان. <sup>«1»</sup>

از فتنه ها پرسید که می دانم بر پا کننده هر آشوب و کشته شدگان آن چه  
کسانی هستند. <sup>«2»</sup> او <sup>«عَلَيْهِ السَّلَامُ»</sup> می فرمود: «مرا از راههای آسمان پرسش کنید که  
بدانها از راههای زمین آگاهترم.» <sup>«3»</sup> امیر المؤمنین فرمود: «رسول خدا هزار باب  
از دانش به من آموخت و در هر باب هزار باب وجود داشت.» <sup>«4»</sup> رویدادهای  
آن بزرگوار فزونتر از شمار است و تنها به ذکر برخی بسنده می کنیم:

درهما را میان صاحبان نان تقسیم کرد. «5»

دیه را بر زنی که نیشگون گرفته بود، زنی که جسته بود و زنی که افتاده بود

تقسیم کرد. «6»

فرزند را با قرعه به پدر ملحق کرد و پیامبر این عمل را پسندید. «7»

فرمان داد تا کودک مورد دعوی دو نفر را از میان دو نیمه کنند و مدعیان به

حقیقت، بازگشتند. «8»

فرمود تا سر از تن برده بیفکنند و او به حق رجوع کرد. «9»

ترجمه نهج الحق و كشف الصدق، ص: 251

## حکم خنثی

و خروج کنندگان را بیان داشت چنانکه شافعی گفت ما حکم خروج کنندگان را از علی آموختیم.<sup>2</sup> جز اینها احکام شگفت انگیز بسیاری از آن سرور صدور یافت که محال بود پرسش شده - عمر - به پاسخ آنها دست یابد. او ندانست کلاله و اب چیست و درباره جد صد گونه فتوا داد که هر یک چون دیگری است.

## معرفی بر روی منبر

حضرت علی علیه السلام شیر خدا و شمشیر او در روی زمین بود و ذکر بخشی از دلاوریهای او [ذخائر العقبی ص 92] از «انس بن مالک» روایت می کند که در یکی از روزها، حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به منبر تشریف برد و مطالب بسیاری بیان کرد و از هر دری سخنی گفت، آنگاه فرمود: علی بن ابیطالب علیه السلام کجاست؟ حضرت علی علیه السلام بلافاصله از جای برخاست و عرض کرد: هم اکنون، حاضر در خدمتم یا رسول الله! پیغمبر صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را به حضور خواند و حضرتش را در آغوش گرفت و پیشانیش را بوسید و با صدای بلند خطاب به مسلمانان فرمود: ای مسلمانان! این بزرگوار، برادر و پسر عمو و داماد و گوشت و خون و موی من است؛ این بزرگوار، پدر دو نواده من، حسن و حسین، دو سید جوانان بهشت است؛ علی، کسی است که هر گونه ناراحتی را از من می زداید؛ علی، شیر خدا و شمشیر از نیام کشیده حضرت الله است که دشمنان او را از پای درمی آورد. خدای تعالی دشمن او را به لعنت خود و لعنت کنندگان دچار فرماید! خدای تعالی و من از دشمن او بیزاریم؛ بنابراین کسی که می خواهد از خدا و رسول بیزار شود، از علی بیزاری جوید! و اضافه فرمود: اینک گروهی که حاضرند و سخن مرا می شنوند، به آنان که غائب اند، ابلاغ نمایند. سپس به علی علیه السلام فرمود: در محل خود قرار بگیر و اطمینان داشته باش آنچه را که بیان کردم، از خود نگفتم، بلکه حقیقتی بود که خدای تعالی آنرا به تو ارزانی داشته است.

فضائل پنج تعلیه السلامدر صحاح ششگانه اهل سنت، ج 3، ص: 190

## علی علیه السلام امام المتّقین

علی علیه السلام امام المتّقین حاکم در «مستدرک الصحیحین» به سند خود از «عبد اللّه بن اسعد بن زراره» از پدرش روایت کرده که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در باره علی (علیه السلام) سه عنوان به من وحی شده، اول این که او سید مسلمانان است، دوم اینکه او امام متقیان است، سوم این که او قائد غرّ المحجّلین است .

(1) فقیه شافعی ابن مغزلی از چند طریق روایت کرده که از جمله گفت:

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«یا علی آنک سید المسلمین و امام المتّقین و قائد الغرّ المحجّلین و یعسوب المؤمنین»

ای علی تو آقای مسلمانان و امام متقیان و پیشوای روسفیدان و بزرگ پرهیزگاران هستی.

حاکم در مستدرک به سند خود از جابر آورده که گفت: از رسول خدا در حالی که بازوهای علی را گرفته بود، شنیدم با صدای بلند می فرمود:

«هذا امیر البرره قاتل الفجره منصور من نصره مخذول من خذله»

: این پیشوای ابرار و کشنده فجار است، کسی است که یاورانش یاری می  
شوند و آنان که از یاریش خود داری کنند، بیچاره خواهند شد .

ابن مغزلی در کتاب «المناقب» از چند طریق به سند خود از «حذیفه بن -  
یمان» روایت کرده که گفت: پیامبر میان مهاجرین برادری انداخت و هر کسی را  
با همتای خود برادر نمود دست علی بن ابی طالب را گرفت و گفت: این هم  
برادر من است حذیفه گفت: پس پیغمبر سرور پیامبران و امام متقیان و رسول  
رب العالمین است او را مثل و مانندی نیست علی هم برادر اوست <sup>1</sup>».

ترجمه الطرائف، ص: 258

## سوار بر ناقه بهشتی

علی (علیه السلام) در قیامت بر ناقه بهشتی سوار می شود

(1) خطیب در تاریخ بغداد به سند خود از «ابن عباس» روایت کرده که گفت:

رسول خدا ﷺ فرمود در قیامت هیچ کس سواره نمی آید، مگر ما چهار نفر، عمویش عباس گفت: یا رسول الله آن چهار نفر چه کسانی هستند؟ فرمود: اول آنها من هستم که بر براقی سوار می شوم، که رویش چون آدمیان است - آنگاه بعد از بیان خصوصیات آن براق - عباس گفت: دیگر کیست ای رسول خدا ﷺ؟ فرمود: برادرم صالح پیغمبر که او نیز سوار بر ناقه الله می آید. گفت: دیگر کیست؟ فرمود: عمویم حمزه که اسد خدا و اسد رسول خدا و سید الشهداء و سوار بر ناقه من می آید، عباس پرسید دیگر کیست؟ فرمود: برادرم علی (علیه السلام) است که بر ناقه ای از ناقه های بهشتی سوار است که افسارش از لؤلؤ رطب است و محملی از یاقوت سرخ دارد - و همچنین از خصوصیات آن ناقه شمرد تا رسید به اینجا - که خلاق به یک دیگر می گویند: این شخص پیغمبری مرسل یا ملکی مقرب است از بالای عرش ندا می رسد که وی نه پیغمبر مرسل است و نه ملکی مقرب و نه حامل عرش خداست.

«هذا علی بن ابی طالب (علیه السلام) وصی رسول رب العالمین و امام المتقین و

قائد الغر المحجلین»

بلکه علی بن ابی طالب وصی رسول رب العالمین است، او امام پرهیزگاران و پیشوای رو سفیدان است.

خطیب در تاریخ بغدادی در جای دیگر به سند خود از ابن عباس همین مضمون را روایت کرده و در آخر این حدیث آمده که:  
«افلح من صدقه و خاب من کذبه و لو انّ عابدا عبد الله بین الرکن و المقام الف عام حتّی یکون کالشن البالی لقی الله مبغضا لال محمد اکبه الله علی منخره فی نار جهنّم».

سعادت‌مند شد آن کسی که او را تصدیق کرد و بدبخت و بی چاره شد آن کسی که او را تکذیب نمود. اگر عابدی خدای را در زمین رکن و مقام ابراهیم در مسجد الحرام هزار سال عبادت کند، به طوری که بدنش چون مشکی خشکیده شود و در قیامت خدای را با بغض آل محمد صلی الله علیه و آله دیدار کند، خداوند او را بارویش در آتش می افکند .

«محب طبری» از «جابر بن سمره» روایت کرده که: از رسول خدا پرسید: چه کسی پرچم تو را در روز قیامت حمل می کند؟ فرمود: همان کسی که در دنیا آن را حمل می کرد و این علی بن ابی طالب (علیه السلام) است آنگاه می گوید: این روایت را نظام الملک نیز در امالیش و متقی در کنز العمال آورده <sup>1</sup>.

ترجمه الطرائف، ص: 256، ص: 257

## رد الشمس و مقام علی (علیه السلام)

## رد الشمس و مقام علی (علیه السلام)

(1) فقیه شافعی ابن مغزلی در کتاب «المناقب» به سند خود روایت کرده که پیامبر سرش در دامن علی (علیه السلام) بود که وحی بر او نازل شد و علی هنوز نماز عصر را نخوانده بود تا آفتاب غروب کرد.

پیامبر ﷺ عرض کرد خدایا علی (علیه السلام) بر طاعت تو و رسالت بود، آفتاب را برای او برگردان (تا نماز عصرش را بخواند) راوی می گوید: پس دیدم آفتاب طلوع کرد بعد از آنکه غروب کرده بود  
ترجمه الطرائف، ص: 228

همچنین روایت است که خورشید پس از غروب، برای علی (علیه السلام) بازگشت و این رخداد هنگامی بود که پیامبر ﷺ سر بر دامن او خفته بود و دعا کرد که خورشید

برای ادای نماز عصر بر علی باز گردد و خورشید بازگشت.

## رنج 23 ساله از طرف منافقین بدلیل معرفی علی علیه السلام

پیامبر ﷺ در طول بیست و سه سال به هر نحوی برای علت مبقیه اسلام ، یعنی امیرالمومنین علی علیه السلام اذیت و آزار را متهمل شدند و صبر نمودند . در سالهای اول بعثت با همراهی علی علیه السلام در کنار آنحضرت به عنوان اولین ایمان آورنده به اسلام و تأیید الهی در یوم الدار از طرف خداوند و انتخاب آنحضرت به عنوان وصی ، وزیر ، برادر و جانشین ، نقطهء شروع کینه ها علیه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و علی علیه السلام شد و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در طول رسالت بیست و سه ساله خود به امر الهی زمینه ها را برای روز غدیر مساعد می کردند تا با نزول آیه یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک در غدیر خم علی علیه السلام را علنی سردست نمود ، و با عبارت من کنت مولاً فهذا علی مولاء حجت برای بشریت تمام نمایند .

سیری در سیره عملی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در طول بعثت و دقت در کلام آنحضرت و وقایع تاریخی در این سالها دو مطلب بسیار مهم را برای ما آشکار می نماید ، یکی ابتدا همهء این سالها پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم کوشید که مردم را آماده چنین نعمتی بزرگ بنام ولایت نماید و دیگری اینکه در این راه بسیار رنج و مشقت را متهمل گردید .

آنچنان که جنگ با مشرکین و کفار او را اذیت نکرد ، بلکه ضربه های منافقین بر روح و جان مطهر آن بزرگوار نهایتاً منجر به مسموم شدن ایشان بدست دختر ابابکر (عایشه) و دختر عمر (حفصه) گردید و در لحظات آخر از رسالت بیست و سه ساله نگران علی علیه السلام و وصایت آن بزرگوار بودند که عمر اجازه نداد برای

ایشان کاغذ و قلم بیاورند و با کلامی زشت نسبت به پیامبر ﷺ کفر باطنی خود را آشکار کرد و در نتیجه ایشان با قلبی رنجور از دست منافقین و دشمنان علی ﷺ و دلی سوزان از مظلومیت علی ﷺ و فرزندانشان ، خاصه دختر مظلومه خود حضرت زهرا ﷺ ، ندای ارجعی الی ربک را با اشک ریزان لبیک گفتند .

## فهرست مطالب

2.....	مقدمه: بعثت تا غدیر.....
5.....	غدیر روز تجلی هدایتگران الهی.....
7.....	تبیین آیات الهی در شان و فضیلت صاحب غدیر.....
8.....	امام.....
10.....	منذر.....
12.....	شاهد.....
13.....	گوشه‌های شنوا.....
14.....	سؤال از ولایت امیر مؤمنان.....
15.....	اختیار و گزینش امام معصوم.....
17.....	صالح المؤمنین.....
18.....	طوبی درختی در خانه علی بن ابی طالب.....
19.....	سؤال از پیامبران.....
20.....	بهترین مخلوقات.....
22.....	یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا.....
23.....	زمینه سازی پیامبر برای وصایت صاحب غدیر در وقایع مختلف.....
23.....	در خانه پیامبر.....
24.....	حضرت علی علیه السلام در غار حرا.....
27.....	خلقت نوری.....
28.....	یوم الانذار.....
29.....	حدیث وصیت.....
30.....	گرامی نزد پیامبر.....

31	وارث پیامبر .....
31	ابلاغ براءت .....
32	حدیث مناجات .....
33	حدیث مباحله .....
34	حدیث منزلت .....
35	فتح خیبر .....
36	ایمان در برابر کفر .....
36	سدابواب .....
37	حدیث مواخاه .....
38	علی از من و من از او .....
39	شبیبه عیسی .....
40	مؤمن دوستدار .....
40	قاتل بر تاویل .....
41	حدیث طیر .....
42	حدیث ایذاء .....
43	میزان حق .....
45	حدیث ثقلین .....
48	حدیث کساء .....
49	وزیر پیامبر .....
50	بیان قدرت صاحب غدیر .....
51	23 سال بیان فضائل امیرالمومنین در کلام پیامبر .....
51	ولادت در کعبه .....
62	خلقت نوری .....
64	واقعه غدیر .....

65	خطابه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روز غدیر خم
84	ترجمه فارسی
84	1 حمد و ثنای الهی
88	2 فرمان الهی برای مطلبی مهم
91	3 اعلان رسمی ولایت و امامت دوازده امام علیه السلام
	4 معرفی و بلند کردن امیر المؤمنین علیه السلام بدست پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
96	
98	5 تأکید بر توجه امت به مسئله امامت
100	6 اشاره به کارشکنیهای منافقین
103	7 پیروان اهل بیت علیه السلام و دشمنان ایشان
107	8 حضرت مهدی عجل الله فرجه
109	9 مطرح کردن بیعت
110	10 حلال و حرام، واجبات و محرمات
113	11 بیعت گرفتن رسمی
116	شکستن بت ها
117	ذوالفقار
118	علی علیه السلام بهترین بشر
119	علی با حق و حق با علی
131	علی علیه السلام تقسیم کننده بهشت و دوزخ
133	تقویت رسول اکرم صلی الله علیه و آله بوجود حضرت علی علیه السلام
134	ایمان
138	علی علیه السلام نخستین نمازگزار
139	برتری ایمان حضرت علی علیه السلام
141	شبیبه انبیاء

142	علم
143	دانشمندتر از دیگران بوده است
145	امیر المؤمنین بنیانگزار دانش اختر شناسی و تفسیر بود
149	حکم خنثی
150	معرفی بر روی منبر
151	علی علیه السلام امام المتّقین
153	سوار بر ناقه بهشتی
155	رد الشمس و مقام علی (علیه السلام)
156	رنج 23 ساله از طرف منافقین بدلیل معرفی علی علیه السلام
158	فهرست مطالب

بعثت تا غدیر در سیره پیامبر ﷺ

نویسنده: محمدرضا شریفی

## مقدمه: بعثت تا غدیر

خداوند متعال پس از خلقت آدم تا به امروز، رسولانی را برای هدایت بشر فرستاد، تا مردم به آنها ایمان آورده، و دچار ذلت و خواری نشوند. خداوند در قرآن کریم در این زمینه می فرماید:

«وَلَوْ أَنَّا أَهْلَكْنَاهُمْ بِعَذَابٍ مِّن قَبْلِهِ لَقَالُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِّن قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ وَنُخْزَى»؛<sup>(1)</sup>

«اگر ما آنان را پیش از آن (که قرآن نازل شود) با عذابی هلاک می کردیم، (در قیامت) می گفتند: "پروردگارا! چرا پیامبری برای ما نفرستادی تا از آیات تو پیروی کنیم، پیش از آن که ذلیل و رسوا شویم!"»

انبیاء و رسولان نیز یکی پس از دیگری، با تبلیغ دینی واحد، همان گونه که خداوند در قرآن می فرماید: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ»<sup>(2)</sup>. «همانا دین در نزد خدا، اسلام (و تسلیم بودن در برابر حق) است»، وظیفه ی خود را انجام داده، تا نوبت به خاتم الانبیاء حضرت محمد ﷺ رسید و خداوند دین ایشان را، خاتم الادیان و قرآن، معجزه ی جاوید را، قانون الهی، برای بشریت معرفی فرمود و بر این بعثت، بر مؤمنین منت نهاد. و خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ»<sup>(3)</sup>؛ «خداوند بر مؤمنان منت نهاد [نعمت بزرگی بخشید] هنگامی که در میان آنها، پیامبری از خودشان برانگیخت.»

بیست و سه سال دوره ی رسالت، سراسر حادثه، همراه با رنج و مشقت و اذیت برای پیامبر اسلام ﷺ، همان گونه که پیامبر ﷺ فرمودند: «ما أودى نبيُّ بمثل ما أوديتُ»؛ «هیچ پیامبری به اندازه ی من مورد آزار قرار نگرفت.»<sup>(4)</sup> آن هم برای دعوت و هدایت مردم، از شرک و بت پرستی به سوی توحید و یکتاپرستی و ترک عادات زمان جاهلیت، در حال سپری شدن بود. و آخرین سال عمر شریف ایشان وقایع مهمی را در خود جای داده بود، و آن حضرت به امر الهی، در حالی خود را برای سفر آخرت آماده می نمود که، دو حکم الهی یکی حج و دیگری اعلان ولایت باقی مانده بود.

لذا اجرای این دو حکم با هم قرین گشته و بلافاصله پس از حجه الوداع و فراغت از آن، خداوند به پیامبرش فرمود:

«فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ»<sup>(5)</sup>؛ «پس هنگامی که از کار مهمی فارغ می شوی به مهم دیگری پرداز.»

واقعه ی تاریخی غدیر خم، در روز هجده ذی الحجه سال دهم هجری اتفاق افتاد، و خداوند به وسیله ی پیک وحی، حضرت جبرئیل، قبولی رسالت بیست و سه ساله ی آن حضرت، را با آن همه زحمت، در گرو انتصاب علی عليه السلام به

عنوان جانشین خود، قرار داد. قرآن شریف به این امر مهم اشاره نموده است، آنجا که می فرماید: «وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغَتْ رِسَالَتَهُ»<sup>(6)</sup>؛ «[ای پیامبر! آن چه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، (به مردم) برسان!] و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده ای!»

پس از اجرای این حکم الهی، خداوند، بر رسالت خاتم الاوصیاء، و اسلام با علی بن ابی طالب علیه السلام، مهر تأیید زد، و فرمود:

«الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»<sup>(7)</sup>؛ «امروز، دین شما را کامل کردم؛ و نعمت خود را بر شما تمام نمودم؛ و اسلام را به عنوان آئین (جاودان) شما پذیرفتم.»

خداوند پیامبرش را از توطئه ی منافقین در به هم زدن چنین کنگره ی عظیم جهان اسلام، در روز غدیر، حفظ نمود و فرمود:

«وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ»<sup>(8)</sup>؛ «خداوند تو را از (خطرات احتمالی) مردم، نگاه می دارد.»

## غدیر روز تجلی هدایتگران الهی

بسیت و سه سال مردم با پیامبر ﷺ، علت محدثه ی اسلام آشنا شده بودند ولی علت مبقیه ی اسلام، حضرت علی علیه السلام را در آیه ی «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ»<sup>(9)</sup> جستجو می کردند و پرسش داشتند.

ابن عباس می گوید: از من سؤال می شود که تفسیر این آیه چیست؟ ما «منذر» را که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله باشد شناخته ایم، اما «هادی» و راهنمای امت را نمی شناسیم. اگر بگویم مقصود از «هادی امت» حضرت علی علیه السلام است، به راستی سخن گفته ام؛ زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله پیرامون این آیه فرمودند:

«إِنَّا الْمُنذِرُ وَعَلِيٌّ الْهَادِي وَبِكَ يَا عَلِيُّ يَهْتَدِي الْمُهْتَدُونَ»؛ «من ترساننده ی امت و علی علیه السلام راهنمای آنان می باشد و [سپس فرمودند:] یا علی! به توسط تو مردم به راه راست هدایت خواهند شد.»<sup>(10)</sup>

خداوند، روز غدیر را، زمان پاسخ گویی به همه ی این سؤالات و جواب نیاز «اهدانا»، بشریت، همان گونه که فرموده است: «أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»؛ «ما را به راه راست هدایت کن»<sup>(11)</sup> روز غدیر را روز تجلی هدایتگران الهی، قرار داد و بنابراین، آیه ی «لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ»<sup>(12)</sup> تفسیر شد و نیاز بشریت پاسخ داده شد.

پاورقی:

1. طه/134.

2. آل عمران/19.

3. آل عمران/164.

4. كشف الغمه في معرفة الأئمة، ج 2، ص 537؛ بحارالانوار، ج 39، ص 56.

5. انشراح/7.

6. مائده/67.

7. مائده/3.

8. مائده/67.

9. «تو فقط بیم‌دهنده‌ای! و برای هر گروهی هدایت‌کننده‌ای است.» (رعد/7).

10. تفسیر ثعلبی، ج 5، ص 272؛ شواهد التنزیل، ج 1، ص 381؛ تفسیر رازی، ج 19، ص 14؛ تفسیر

آلوسی، ج 13، ص 108؛ جامع البیان طبری، ج 13، ص 142.

11. فاتحه/6.

12. رعد/7.

## تبیین آیات الهی در شان و فضیلت صاحب غدیر

(1)

أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ (24) سوره ق از «شریک» نقل شده است که

پیامبر فرمود:

«إذا كان يوم القيامة قال الله تبارك و تعالی لی و لعلی: القیا فی النار من ابغض کما و ادخلا فی الجنه من احبکما فذلک قوله تعالی: و أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ»

چون روز قیامت شود خداوند تبارک و تعالی به من و علی (علیه السلام) می فرماید به دوزخ افکنید هر کسی را که دشمن می دارید و داخل بهشت نمائید هر کسی را که دوست می دارید و این اشاره به همین آیه است که می فرماید: «(امروز هر کافر معاند را به دوزخ افکنید) و ظاهرا ابو حنیفه و همراهانش از این صحبت ناراحت شدند جلسه را ترک گفتند.

ترجمه الطرائف، ص: 197

## امام

شافعی ابن مغزلی در کتاب «المناقب» به سند خود از «عبد الله بن مسعود» روایت کرده که گفت: رسول خدا فرمود: من از دعای پدرم ابراهیم هستم.

گفت گفتیم: ای رسول خدا چگونه از دعای پدرت ابراهیم هستی؟

فرمود: خداوند به ابراهیم (عَلَيْهِ السَّلَام) وحی کرد که «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا» (من ترا امام و رهبر مردم قرار دادم) ابراهیم خوشحال شد و گفت: پروردگارا از دودمان من نیز امامانی مثل من قرار بده.

خداوند به ابراهیم وحی فرستاد: ای ابراهیم من عهدی به تو نمی دهم که به آن وفا نکنم، عرض کرد خدایا آن چه عهدی است که اگر به من عطا کنی وفا نکنی؟

فرمود: من پیمان امامت را به ستمکاران از دودمان تو نمی بخشم.

ابراهیم عرض کرد: ستمکارانی که این پیمان به آنها نمی رسد، کیانند؟

به او فرمود: کسی که برای بتی سجده و عبادت کند.

ابراهیم عرض کرد: «وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ رَبِّ إِنَّهُمْ أَضَلُّونَ كَثِيرًا  
مِنَ النَّاسِ».

پروردگارا من و فرزندانم را از پرستش بتان دور بدار.

پیامبر ﷺ فرمود: دعای ابراهیم به من و علی (علیه السلام) منتهی شد

«لم يسجد احدنا لصنم قط فاتخذني نبيا واتخذ عليا وصيا»

. و هیچ یک از ما در مقابل بتی هرگز سجده نکردیم پس خداوند مرا برای

خود پیامبر و علی را وصی اخذ کرد

ترجمه الطرائف ، ص: 208

## منذر

ثعلبی در تفسیر آیه: **إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ**: (تو تنها بیم دهنده ای و برای هر گروهی هدایت کننده) از «ابن عباس» روایت کرده است که گفت: چون این آیه نازل شد، پیامبر دستش را بر سینه خود زد و فرمود: «منم منذر» سپس به شانه علی اشاره کرد و فرمود:

«أنت الهادی یا علی بک یهتدی المهتدون من بعدی»

توئی هادی! و به وسیله تو بعد از من هدایت یافتگان هدایت می شوند.

این روایت را علمای معروف اهل تسنن چون: ابن کثیر در تفسیر خود، ابن صباغ مالکی در «فصول المهمه» و «گنجی شافعی» در «کفایه الطالب» و طبری در تفسیر خود و ابو حیان اندلسی در تفسیرش به نام «بحر المحيط» و همچنین نیشابوری در تفسیر خویش و گروه دیگری نقل کرده اند.

میر غیاث الدین مؤلف کتاب «حبيب السیر» می نویسد: «قد ثبت بطرق متعدده انه لما نزل قوله تعالى **إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ**

قال لعلی انا المنذر و انت الهادی بک یا علی یهتدی المهتدون من بعدی به طرق متعددی نقل شده هنگامی که آیه: **إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ** نازل شد

پیامبر به علی (علیه السلام) فرمود: من منذرم و تو هادی ای علی! به وسیله تو هدایت یافتگان هدایت می شوند.

ترجمه الطرائف، ص: 209

شاهد

از «صدق به» علی (علیه السلام) می باشد .

ابن مغزلی در آیه شریفه: «أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيْنِهِ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ»: (آیا آن کسی که دلیل آشکاری از پروردگار خویش دارد و به دنبال آن شهادی از سوی او می باشد، روایت کرده که پیامبر فرمود:

«انا علی بینه من ربّه و علی الشّاهد منه»

من دارای «بینه الهی» هستم و علی (علیه السلام) شاهد او است.

ترجمه الطرائف، ص: 210

## گوشهای شنوا

باز ثعلبی در تفسیر آیه: «وَتَعِيهَا أُذُنٌ وَاَعِيَهُ»: (و گوشهای شنوا آن را نگهداری می کنند) روایت کرده که پیامبر ﷺ فرمود:  
«سَأَلْتُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يَجْعَلَهَا أُذُنًا لِي أَعِيَهُ»

: (من از خدا خواستم که گوش علی را از این گوشهای شنوا و نگه دارنده حقایق قرار دهد) و به دنبال آن علی (عَلِيًّا) می فرمود:

فَمَا نَسِيتُ شَيْئًا بَعْدَ ذَلِكَ وَ مَا كَانَ لِي أَنْ أَسْأَهُ

: «(من هیچ سخنی بعد از آن از رسول خدا ﷺ نشنیدم که آن را فراموش کنم، بلکه همیشه آن را به خاطر داشتم).

نظیر این روایت را ابن المغازلی در کتاب خود از پیامبر اکرم ﷺ نقل کرده

است

## سؤال از ولایت امیر مؤمنان

باز حافظ محمد بن مؤمن شیرازی به سند خود از «سدی» نقل کرده که رسول خدا ﷺ در تفسیر: «عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ» فرمود: منظور ولایت علی بن ابی طالب است که از آنها در باره آن در قبر سؤال می شود و هیچ کس در شرق و غرب عالم، در بر و بحر از دنیا نمی رود مگر این که فرشتگان از او در باره ولایت امیر مؤمنان بعد از مرگ سؤال می کنند و به میت می گویند:

من ربّک؟ و ما دینک؟ و من نبیک؟ و من امامک

خدایت کیست؟ دینت چیست؟ پیامبرت کیست؟ و امامت کیست؟.

## اختیار و گزینش امام معصوم

همچنین محمد بن مؤمن شیرازی در کتاب مذکور در تفسیر آیه: «وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ»: (بروردگار تو هر چه را بخواهد می آفریند و هر چه را بخواهد بر می گزیند آنها (در برابر او) اختیاری ندارند، منزه است خداوند و برتر است از شریک هائی که برای او قائل می شوند) به سند خود از «انس بن مالک» روایت کرده که گفت: از رسول خدا از معنی آیه:

«وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ...» سؤال کردم؟ فرمود: خداوند آدم را از گل هر طوری که می خواست، آفرید سپس فرمود:

«و یختار» «ان الله تعالی اختارنی و اهل بیتی علی جمیع الخلق فانتجبنا فجعلنی الرسول و جعل علی بن ابی طالب (علیه السلام) الوصی»

«2»

یعنی خداوند تعالی مرا و اهل بیت مرا بر جمیع خلق اختیار کرد و ما را از میان آنها برگزید (به این ترتیب که) مرا پیغمبر و علی را وصی و جانشین قرار داد.

سپس فرمود: «ما كان لهم الخيرة» یعنی برای مردم حق انتخاب قرار داده نشده است یعنی آنها حق انتخاب ندارند و حق انتخاب با من است هر که را بخواهم من انتخاب می کنم.

پس من و اهل بیت من از میان خلق او برگزیده او هستیم.

سپس فرمود: «سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ» یعنی منزّه است خداوند از شریکهای که کفار مکه برای او قائل می شوند

«و ربك يعلم»

یعنی ای محمدپروردگار تو می داند «ما تكن صدورهم»

آنچه را که منافقان از عداوت و کینه نسبت به تو و اهل بیت تو در سینه های خود پنهان می دارند «و ما يعلنون»

و آنچه را که با زبانهای خود از محبت و دوستی نسبت به تو و به اهل بیت تو آشکار می سازند.

و در روایاتی که از طریق اهل بیت به ما رسیده آیه فوق به مسأله اختیار و گزینش امام معصوم از سوی خدا تفسیر شده است و جمله «مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ» (آنها اختیاری در این زمینه ندارند) نیز بر همین معنی تطبیق شده و این در واقع از قبیل بیان مصداق روشن است، چرا که مسأله حفظ دین و انتخاب امام معصوم برای این هدف، جز از ناحیه خدا ممکن نیست

ترجمه الطرائف، ص: 215

## صالح المؤمنین

«تعلبی» در تفسیر آیه: «وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ»<sup>2</sup>.

روایت کرده است که پیامبر فرمود:

«و صالح المؤمنین هو علی بن ابی طالب (عَلَيْهِ السَّلَامُ)»

. منظور از

«صالح المؤمنین»

علی بن ابی طالب است

ترجمه الطرائف، ص: 217

## طوبی درختی در خانه علی بن ابی طالب

ثعلبی در تفسیر خود از ابن عباس در تفسیر آیه: **طُوبَى لَهُمْ وَحَسَنُ مَا بٍ**

(1) روایت کرده که گفت: رسول خدا ﷺ فرمود:

«طوبی شجره اصلها فی دار علی بن ابی طالب و فی دار کل مؤمن منها  
غصن»

: (طوبی درختی است که اصلش در خانه علی بن ابی طالب (علیه السلام) و  
شاخه های آن همه جا و بر سر همه مؤمنان و بر فراز خانه هایشان گسترده  
است).

بعد فرمود:

**«طُوبَى لَهُمْ وَحَسَنُ مَا بٍ»**

خوشا بر احوال آنها و مقام نیکوی آنها یعنی نیکو مکان برگشتی است

ترجمه الطرائف، ص: 219

## سؤال از پیامبران

محدث ابو نعیم در کتابی که آن را از کتاب «استیعاب» استخراج کرده، در تفسیر آیه: «وَسَأَلَ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا» (از رسولانی که قبل از تو پیامبر ﷺ فرمود: در شبی که مرا بالا بردند، خداوند بین من و تمام پیامبران را جمع کرد سپس فرمود: ای محمد از پیامبران پیشین سؤال کن، بر چه مبعوث شدند؟

گفتند:

«بعثنا علی شهاده ان لا اله الا الله و الإقرار بنبوتهک و الولایه لعلی بن ابی طالب» (عائمه)

جواب دادند، ما مبعوث شدیم بر شهادت به وحدانیت خداوند و اقرار به نبوت تو و ولایت علی بن ابی طالب.

ترجمه الطرائف، ص: 221

## بهترین مخلوقات

ابن مردویه به سند خود از «ابن عباس» روایت کرده که گفت: آیه: **إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ** در باره علی (علیه السلام) نازل شده است .

ابن عباس می گوید: هنگامی که آیه: **إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ** نازل شد، پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به علی فرمود:

«هو انت و شيعتك تأتي انت و شيعتك يوم القيامة راضين مرضيين و يأتي عدوك غضبانا مقمحين»

3.

منظور از این آیه تو و شیعیانت هستید که در روز قیامت وارد عرصه محشر می شوید در حالی که هم شما از خدا راضی و هم خدا از شما راضی است و دشمنانت خشمگین وارد محشر می شود و به زور به جهنم می رود.

در حدیث دیگر از «ابو برزه» آمده است که وقتی پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این آیه را قرائت کرد فرمود:

«هم انت و شيعتك يا عليّ، و ميعاد ما بيني و بينك الحوض»

آنها تو و شیعیانت هستند، ای علی وعده من و شما کنار حوض کوثر است .

در «الدر المنثور» از «ابن مردویه» از علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) نقل می کند که پیغمبر

اکرم به من فرمود:

«لم تسمع قول الله: إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ  
الْبَرِيَّةِ؟» انت و شیعتک و موعدی و موعدکم الحوض اذا جئت الامم للحساب  
تدعون غرّاً محجّلين».

آیا این سخن خدا را نشنیده ای که می فرماید: کسانی که ایمان آورده و عمل  
صالح انجام داده اند، بهترین مخلوقاتند؟ این تو و شیعیان تو هستید، وعده گاه  
من و شما کنار حوض کوثر است، هنگامی که من برای حساب امتها می آیم و  
شما دعوت می شوید در حالی که پیشانی سفید و شناخته شده اید

ترجمه الطوائف، ص: 222

## یا اَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا

احمد بن حنبل در مسندش به سند خود از «عبد الله بن عباس» روایت کرده که گفت: شنیدم از رسول خدا ﷺ که می فرمود:

«لیس من آیه فی القرآن یا ایها الذین آمنوا إلّا و علیّ رأسها و امیرها و شریفها»

«2». در قرآن آیه ای نیست که مؤمنان با «یا اَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا» مورد خطاب قرار گرفته اند، مگر این که علی (علیه السلام) در رأس آنها و امیر و شریف آنهاست و خداوند در قرآن اصحاب محمد ﷺ مورد عتاب قرار داده ولی از علی ذکر نشده مگر به خیر و نیکی.

ترجمه الطرائف، ص: 222

## زمینه سازی پیامبر برای وصایت صاحب غدیر در وقایع مختلف

### در خانه پیامبر

در خانه پیامبر پیامبر اکرم ﷺ حضرت علی علیه السلام را به خانه خود می برداز آنجا که خدا می خواهد ولی بزرگ دین او در خانه پیامبر بزرگ شود و تحت تربیت رسول خدا قرار گیرد، توجه پیامبر را به این کار معطوف می دارد. مورخان اسلامی می نویسند: خشکسالی عجیبی در مکه واقع شد. ابوطالب، عموی پیامبر، با عایله و هزینة سنگینی روبرو بود. پیامبر با عموی دیگر خود، عباس، که ثروت و مکنت مالی او بیش از ابوطالب بود به گفتگو پرداخت و هر دو توافق کردند که هرکدام یکی از فرزندان ابوطالب را به خانه خود ببرد تا در روزهای قحطی گشایشی در کار ابوطالب پدید آید. از این جهت عباس، جعفر را و پیامبر اکرم ﷺ حضرت علی را به خانه خود بردند.<sup>[1]</sup> این بار که امیر مؤمنان به طور کامل در اختیار پیامبر قرار گرفت از خرمین اخلاق و فضایل انسانی او بهره های بسیار برد و موفق شد تحت رهبری پیامبر به عالیتترین مدارج کمال خود برسد. امام - علیه السلام در سخنان خود به چنین ایام و مراقبت های خاص پیامبر اشاره کرده، می فرماید: ولقد كنت اتبعه اتباع الفصيل اثر امه يرفع لي كل يوم من اخلاقه علما ويامرني بالاعتداء به .<sup>[2]</sup> من به سان بچه ناقه ای که به دنبال مادر خود می رود در پی پیامبر می رفتم؛ هر روز یکی از فضایل اخلاقی خود را به من تعلیم می کرد و دستور می داد که از آن پیروی کنم.

## حضرت علی علیه السلام در غار حرا

پیامبر اسلام ﷺ پیش از آنکه مبعوث به رسالت شود، همه ساله یک ماه تمام را در غار حرا به عبادت می پرداخت و در پایان ماه از کوه سرازیر می شد و یکسره به مسجد الحرام می رفت و هفت بار خانه خدا را طواف می کرد و سپس به منزل خود باز می گشت. در اینجا این سؤال پیش می آید که با عنایت شدیدی که پیامبر نسبت به حضرت علی داشت آیا او را همراه خود به آن محل عجیب عبادت و نیایش می برد یا او را در این مدت ترک می گفت؟ قراین نشان می دهد از هنگامی که پیامبر اکرم ﷺ حضرت علی - عَلِيٍّ را به خانه خود برد هرگز روزی او را ترک نگفت. مورخان می نویسند: علی آنچنان با پیامبر همراه بود که هرگاه پیامبر از شهر خارج می شد و به کوه و بیابان می رفت او را همراه خود می برد. <sup>[3]</sup> ابن ابی الحدید می گوید: احادیث صحیح حاکی است که وقتی جبرئیل برای نخستین بار بر پیامبر نازل شد و او را به مقام رسالت مفتخر ساخت علی در کنار حضرتش بود. آن روز از روزهای همان ماه بود که پیامبر برای عبادت به کوه حرا رفته بود. امیر مؤمنان، خود در این باره می فرماید: «ولقد كان يجاور في كل سنة بحراء فاره ولا يراه غيري...» <sup>[4]</sup> پیامبر هر سال در کوه حرا به عبادت می پرداخت و جز من کسی او را نمی دید. این جمله اگر چه می تواند ناظر به مجاورت پیامبر در حرا در دوران پس از رسالت باشد ولی قراین گذشته و اینکه مجاورت پیامبر در حرا غالباً قبل از رسالت بوده است تایید می کند که این جمله ناظر به دوران قبل از رسالت است. طهارت نفسانی حضرت علی - عَلِيٍّ و پرورش پیگیر پیامبر از او سبب شد که در همان دوران

کودکی، با قلب حساس و دیده نافذ و گوش شنوای خود، چیزهایی را ببیند و اصواتی را بشنود که برای مردم عادی دیدن و شنیدن آنها ممکن نیست؛ چنانکه امام، خود در این زمینه می فرماید: «اری نور الوحی و الرساله و اشم ریح النبوه». [5] من در همان دوران کودکی، به هنگامی که در حرا کنار پیامبر بودم، نور وحی و رسالت را که به سوی پیامبر سرازیر بود می دیدم و بوی پاک نبوت را از او استشمام می کردم. امام صادق - علیه السلام می فرماید: امیر مؤمنان پیش از بعثت پیامبر اسلام نور رسالت و صدای فرشته وحی را می شنید. در لحظه بزرگ و شگفت تلقی وحی پیامبر به حضرت علی فرمود: اگر من خاتم پیامبران نبودم پس از من تو شایستگی مقام نبوت را داشتی، ولی تو وصی و وارث من هستی، تو سرور اوصیا و پیشوای متقیانی. [6] امیر مؤمنان در باره شنیدن صداها غیبی در دوران کودکی چنین می فرماید: هنگام نزول وحی بر پیامبر صدای ناله ای به گوش من رسید؛ به رسول خدا عرض کردم این ناله چیست؟ فرمود: این ناله شیطان است و علت ناله اش این است که پس از بعثت من از اینکه در روی زمین مورد پرستش واقع شود نومید شد. سپس پیامبر رو به حضرت علی کرد و گفت: «انک تسمع ما اسمع و تری ما اری، الا انک لست بنبی و لکنک لوزیر». [7] تو آنچه را که من می شنوم و می بینم می شنوی و می بینی، جز اینکه تو پیامبر نیستی بلکه وزیر و یاور من هستی.

فروغ ولایت ص 18 آیت الله شیخ جعفر سبحانی [1] - سیره ابن هشام، ج 1، ص 236. [2] - نهج البلاغه عبده، ج 2، ص 182. [3] - شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج 13، ص 208. [4] - نهج البلاغه، خطبه 187 (قاصعه). [5] -

پیش از آنکه پیامبر اسلام از طرف خدا به مقام رسالت برسد وحی و صداهای  
غیبی را به صورت مرموزی، که در روایات بیان شده است، درک می کرد. شرح  
نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج 13، ص 197.  
[6] - شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج 13، ص 310  
[7] - نهج البلاغه، خطبه قاصعه.

## خلقت نوری

احمد بن حنبل در مسند خود روایت کرده است که پیامبر فرمود: «من و علی بن ابیطالب

چهارده هزار سال پیش از آفرینش آدم، نوری در محضر خدا بودیم. هنگامی که خدا آدم را آفرید، آن نور را به دو بخش کرد، جزئی از آن منم و پاره ای علی.»<sup>«1»</sup>

در حدیث دیگری که ابن مغازلی شافعی نقل کرده آمده است. هنگامی که خدا آدم را خلق کرد، آن نور در صلب او قرار گرفت. پیوسته آن نور، یکپارچه بود تا در صلب عبدالمطلب دوگانه شد. در پیامبر به پیامبری و در علی به خلافت تبدیل گشت.<sup>«2»</sup>

در روایت دیگری که ابن مغازلی از جابر نقل کرده در پایان حدیث این جمله افزوده شده است: «تا آنکه خدا نور را دو بخش کرد، پاره ای را در صلب عبد الله و جزئی را در صلب ابیطالب قرار داد و مرا پیامبر و علی را ولی گردانید.»<sup>«3»</sup>

ترجمه نهج الحق و كشف الصدق، ص: 224

## یوم الانذار

حدیث خلافت در مسند احمد است که پس از نزول آیه «خویشاوندان نزدیکت را بترسان.» پیامبر سی تن از اهل و خاندان خویش را سه نوبت فرا خواند و آنها سه بار به میهمانی خوردند و نوشیدند. پیامبر هر بار به آنها فرمود: «چه کسی دین و وعده های مرا می پذیرد تا جانشین من و همنشین من در بهشت باشد. علی گفت:

من، و پیامبر فرمود: تو (اینگونه ای)» ثعلبی همین روایت را در تفسیر خود گفته است:

«پس از سه بار، و هر بار جز علی دیگران ساکت بودند»

ترجمه نهج الحق و كشف الصدق، ص: 225

## حدیث وصیت

حدیث وصیت در مسند از سلمان روایت شده است که از پیامبر پرسید: «ای رسول خدا جانشین و وصی تو کیست؟ پیامبر فرمود: ای سلمان جانشین برادرم موسی که بود؟ سلمان پاسخ داد: یوشع بن نون. پیامبر فرمود: پس همانا جانشین و وارث من که دین مرا بجا می آورد و وعده مرا تحقق می بخشد علی بن ابیطالب است.»

## گرامی نزد پیامبر

در کتاب مناقب ابوبکر احمد بن مردویه که حجت چهار مذهب سنی است، با اسناد ابوبکر از ابوذر روایت شده است که بر پیامبر وارد شدیم و پرسیدیم: کدامیک از یاران شما نزدتان گرامی ترند؟

فرمود: علی که به سلامت درون و اسلام از شما پیشتازتر است.»

## وارث پیامبر

ابن مغازلی شافعی به اسناد خود در کتابش روایت کرده است که پیامبر فرمود: «هر پیامبری وصی و وارثی داشته است و وصی و وارث من علی بن ابیطالب است.»

## ابلاغ براءت

در مسند احمد و جمع میان صحاح سته حدیثی وجود دارد که با نقل به معنا بازگو

می کنیم: «پیامبر ابوبکر را برای ابلاغ براءت به سوی مردم مکه فرستاد» هنگامی که او به ذی الحلیفه رسید به فرمان رسول خدا بازگشت و از پیامبر پرسید: آیا چیزی درباره من نازل شده است؟ پیامبر فرمود: نه، اما جبرئیل مرا گفت که ابلاغ براءت یا باید از سوی تو (پیامبر) باشد و یا از جانب مردی که از تو است.

ترجمه نهج الحق و كشف الصدق، ص: 226

## حدیث مناجات

: در جمع میان صحاح سته و تفسیر ثعلبی و روایت ابن مغزلی شافعی آمده است که آیه مناجات مخصوص امیر المؤمنین می باشد و گفته اند «او در حال مناجات به دیناری صدقه داد و نه بیشتر و نه پس از وی هیچکس چنین نکرد» امیر المؤمنین خود فرموده اند: «در کتاب خدا آیتی است که پیش از من کسی بدان عمل نکرد و پس از من نیز نخواهد کرد: «ای کسانی که ایمان آورده اید، چون خواهید که با پیامبر نجوا کنید، پیش از نجوا کردن صدقه بدهید.» خداوند بوسیله من این عمل را از امت برداشت و بار ایشانرا سبک نمود و آیه، پس از من نیز درباره هیچکس نخواهد بود.»

## حدیث مباحله

: آیه مباحله (از دیگر مفاخر امیر المؤمنین و اهل بیت است) در جمع میان صحیحین آمده است: «هنگامی که پیامبر آهنگ مباحله با مسیحیان نجران را نمود، حسین را در آغوش خود گرفت و دست حسن را بدست داشت. فاطمه پشت سر آن حضرت و علی پشت سر فاطمه حرکت می کردند و پیامبر به ایشان می گفت،

هرگاه دعا کردم آمین بگویید. چه فضیلتی برتر از این که پیامبر در دعای خویش از آنان یاری جوید و آنها را واسطه میان خود و خدایش قرار دهد؟»

ترجمه نهج الحق و کشف الصدق، ص: 227

## حدیث منزلت

: در مسند احمد از برخی طریقه ها و در صحیح بخاری از طریقه های دیگر نقل شده است: «هنگامی که پیامبر به جنگ تبوک می رفت علی را جانشین خود و پاسدار اهل خویش، در مدینه قرار داد. علی رضی الله عنه گفت: می خواهم به هر سوی که می روی با تو باشم. پیامبر فرمود: آیا خرسند نیستی که برای من، چون هارون به موسی هستی، جز آنکه پس از من پیامبری نیست.»

## فتح خیبر

در مسند احمد از برخی طریقه ها و در صحیح مسلم و بخاری و جمع میان صحاح سته، از طرق دیگر از عبد الله بن بریده نقل شده است، که پدرم می گفت: «ما خیبر را به محاصره در آوردیم و ابوبکر پرچم را گرفت، ولی کاری از پیش نبرد و بازگشت.

روز بعد عمر پرچمدار شد و همان واقعه تکرار گردید و آن روز به مسلمانان سختی بسیار رسید. پیامبر فرمود: فردا پرچم را به مردی می سپارم که خدا و پیامبرش را دوست دارد و آنان نیز او را، حمله وری گریز ناپذیر است و تا خدایش پیروزی نبخشد باز نگردد.

شبانگاه مردم در این سخن بودند که او کیست. سپیده دمان به نزد پیامبر شدند و هر یک آرزومند پرچمداری بود. پیامبر فرمود: علی بن ابیطالب کجاست؟ گفتند به

چشم درد مبتلاست. رسول خدا علی را فرا خواند و آب دهان بر دیده او مالید که عافیت یافت. در حق او دعا کرد و پرچم به وی سپرد. علی به پیکار شد و بازنگشت مگر با پیروزی و بختیاری.»

ترجمه نهج الحق و كشف الصدق، ص: 228

## ایمان در برابر کفر

جمهور روایت کرده اند که چون عمرو بن عبدود عامری در غزوه خندق  
هماورد خواست و جمله مسلمین فرو ماندند، پیامبر فرمود: «همه ایمان با همه  
کفر به بیکار برخواسته است.»

## سدابواب

در مسند احمد از برخی طریقه ها روایت شده است که پیامبر فرمان داد جز  
در منزل علی بن ابیطالب همه درها را ببندند. مردم زبان به اعتراض گشودند.  
پیامبر خطبه خواند و ستایش و سپاس الهی بجای آورد و فرمود: «به من فرمان  
داده شده که جز در سرای علی همه درها را ببندم و بدگوی شما، زبان به یاوه  
گشود. به خدا سوگند جز از فرمان حق پیروی نکردم.»

## حدیث مواخاه

: در مسند احمد بن حنبل از برخی طریقه ها چنین روایت شده است:

«پیامبر میان مسلمانان برادری نهاد و برای علی کسی را برنگزید. او از پیامبر پرسید:

ای رسول خدا میان یارانت برادری افکندی و مرا و نهادی؟ پیامبر فرمود: تو را برای خود برگزیدم. تو برادر منی و من برادر توام. اگر کسی زبان بر تو گشود بگو من بنده خدا و برادر فرستاده خدا هستم، پس از تو، تنها دروغ زنان چنین پایگاهی را دعوی می کنند. سوگند به آنکه مرا به حق برانگیخته، پیمان برادری ات را به تأخیر نیفکنم

ترجمه نهج الحق و کشف الصدق، ص: 229

مگر از آن رو که تو را برای خویش برگزینم.<sup>1</sup> و جایگاه تو نسبت به من، جایگاه هارون به قیاس موسی است جز آنکه پس از من پیامبری نیست و تو برادر و وارث منی.»<sup>2</sup>

در جمع میان صحاح سته از پیامبر آمده است: «دو هزار سال پیش از آفرینش آسمانها بر در بهشت نگاشته بودند که محمد پیامبر خدا و علی برادر فرستاده خداست.»<sup>3</sup>

## علی از من و من از او

در مسند احمد بن حنبل و در صحاح سته از پیامبر روایت شده است که علی از من است و من از علی هستم. او ولی همه مؤمنان پس از من است. (وظائف و رسالات) مرا جز من یا علی هیچکس بجای نمی آورد. «4»

همچنین در همان کتب آمده است که پس از کشته شدن پرچمداران کفر در جنگ احد به دست علی، جبرئیل به پیامبر گفت: «این حقیقت برادری است و پیامبر فرمود:

همانا علی از من است و من از او هستم. جبرئیل گفت: و من نیز از شما دو تنم ای فرستاده خدا»

ترجمه نهج الحق و کشف الصدق، ص: 230

## شبیہ عیسی

در مسند احمد بن حنبل آمده است: پیامبر به علی فرمود: «در تو شباهتی به عیسی است، یهود او را چنان دشمن داشتند که به مادرش نسبت ناروا دادند و مسیحیان آنگونه دوستش داشتند که او را در جایگاه ناسزاوار قرار دادند.»<sup>2</sup> پیامبر سخن درستی فرمود زیرا خوارج با امیر المؤمنین دشمنی کردند و نصیریہ او را خدا پنداشتند.

## مؤمن دوستدار

در مسند احمد بن حنبل، جمع بین الصّحیحین و جمع میان صحاح سته آمده است که پیامبر فرمود: «تو را جز مؤمن دوست ندارد و جز منافق دشمن.»

## قاتل بر تاویل

در مسند احمد بن حنبل آمده است: پیامبر فرمود: «همانا شخصی از شما به سبب تاویل قرآن خواهد جنگید همانگونه که من برای تنزیل آن جنگیدم. ابوبکر گفت: آن شخص منم؟ پیامبر فرمود: نه، عمر گفت: ای پیامبر آیا من هستم؟ رسول خدا فرمود:

نه، آن شخص وصله زننده کفش است و در همان هنگام علی کفش پیامبر را در حجره نزد حضرت فاطمه علیها السلام وصله می زد.»<sup>4</sup>

در جمع میان صحاح سته آمده است که پیامبر فرمود: «قریش باید از رفتار خود بازایستند وگرنه خداوند مردی را بر سر ایشان برمی انگیزد که قلب او را در ایمان آزموده است و به غیرت دین، سر از تن قریش خواهد افکند از پیامبر پرسیدند: ای فرستاده خدا، او ابوبکر است؟ فرمود نه. پرسیدند: عمر است پاسخ فرمود: نه<sup>1</sup>، او وصله زننده کفش در حجره است.»

ترجمه نهج الحق و کشف الصدق، ص: 231

## حدیث طیر

: در مسند احمد بن حنبل و جمع میان صحاح سته از انس بن مالک نقل شده است که نزد پیامبر پرنده ای پخته شده بود، حضرتش دعا کرد که بارالها گرامی ترین و محبوبترین مردم در پیشگاه خود را بفرست تا با من غذا بخورد.

علی علیه السلام آمد و با پیامبر طعام خورد. <sup>2</sup>

و از او روایت است که ابن عباس هنگام مرگ، چنین می گفت: «خدایا به ولایت علی بن ابیطالب به تو نزدیکی و تقرب می جویم.» <sup>3</sup>

ترجمه نهج الحق و کشف الصدق، ص: 232

## حدیث ایذاء

: در مسند احمد از برخی طریقه ها روایت شده که پیامبر فرمود: «هر که علی را بیازارد مرا آزرده است.»<sup>3</sup> ای مردم، هر که به علی آزار رساند در قیامت یهودی یا نصرانی برانگیخته می گردد.»<sup>4</sup>

ترجمه نهج الحق و کشف الصدق، ص: 233

## میزان حق

در جمع میان صحاح سته از پیامبر روایت شده است که فرمود: «رحمت خداوند بر علی باد، خدایا به هر سوی که می گردد حق را با او بگردان.»<sup>5</sup>

جمهور روایت کرده اند که پیامبر به عمّار فرمود: «به زودی در امت من فتنه و بلا و اختلاف آشکار می شود تا آنجا که بر یکدیگر تیغ می کشند و کشتار می کنند و از هم بیزاری می جویند. ای عمّار گروه ستمگران تو را خواهند کشت و تو در آن زمان با حقی و حق با تست. همانا علی تو را به باطل نزدیک نمی کند و از هدایت خارج

ترجمه نهج الحق و کشف الصدق، ص: 235

نمی نمایند. ای عمّار هر کس به یاری علی شمشیر برکشد خداوند در قیامت دو حمایل از گوهر بر او آراسته سازد و هر که در راه دشمنی او چنین کند دو حمایل آتشین بر تن او خواهد بود هرگاه آن وقایع را دیدی بر تو باد پیروی از اینکه در جانب راست من ایستاده است (مراد پیامبر علی بود) اگر چه همه مردم به سویی روند و علی به راهی دیگر، سالک طریق علی باش و همگان را رها ساز.

ای عمّار، علی پیوسته بر حق است. ای عمّار پیروی از علی پیروی از من است و اطاعت از من اطاعت از خداست.»<sup>1</sup>

احمد بن موسی بن مردویه از جمهور و با برخی از طریقه ها از عایشه نقل کرده است که پیامبر فرمود. «حق با علی است و علی با حق است و این دو از هم جدا نمی شوند تا آنکه در کنار حوض با من دیدار کنند.»<sup>2</sup>

## حدیث ثقلین

: احمد بن حنبل در مسند خود می گوید: «پیامبر دست حسن و حسین را گرفت و فرمود: هر که مرا، این دو فرزند را و پدر و مادر آنها را دوست داشته باشد. در قیامت با من هم درجه است.»<sup>3</sup>

نیز در مسند از جابر چنین روایت شده است: «روزی پیامبر در عرفات در حالی که علی برابر او بود فرمود: ای علی نزدیک من آی. درخت وجود من و تو یکی است.

من ریشه درخت هستم و تو تنه آنی و حسن و حسین شاخه های آن می باشند.

ترجمه نهج الحق و کشف الصدق، ص: 236

هر کسی به شاخی از آن درخت چنگ زند خدایش به بهشت آورد.»<sup>1</sup>

همچنین در آن کتاب از ابو سعید خدری نقل شده است که پیامبر فرمود: «من دو میراث برای شما باقی می گذارم که اگر به آنها دست یازید گمراه نشوید؛ آن دو میراث گرانسنگ، یکی از دیگری برتر است: کتاب خدا و اهل بیت و خاندانم. این دو از هم جدا نمی گردند تا بر حوض وارد شوند.»

احمد همین روایت را با طریقه های دیگر بیان نموده است.

در دو موضع صحیح مسلم از زید بن ارقم روایت شده است که فرستاده خدا در کنار آبی میان مکه و مدینه که «خم» نامیده می شد خطبه خواند و پس از اندرز فرمود:

«ای مردم من انسانی هستم که بدون تردید فرشته مرگ و فرستاده خدایم را دیدار خواهم کرد اما در میان شما دو میراث گرانقدر بر جای می نهم، نخستین آنها کتاب حق است که در آن هدایت و نور است، به آن دست یازید و چنگ زنید، در آن بیندیشید و به آن اهتمام ورزید. سپس فرمود: و اهل بیت و خاندان من، اهل بیتم را به شما خاطر نشان می کنم، در رفتار با آنها خداوند را به یاد آورید در رفتار با آنها خداوند را به یاد آورید در رفتار با آنها خداوند را به یاد آورید.»<sup>2</sup>

ترجمه نهج الحق و کشف الصدق، ص: 237

زمخشری که از دشمن ترین افراد نسبت به خاندان پیامبر بود و جمهور او را مرد امین و معتمد مأمون می شناسند، روایت می کند که پیامبر فرمود: «فاطمه قلب و پسرانش پاره تن و شوهرش نور چشمان منند. امامانی که از فرزندان اویند امینان خدایند و بند کشیده میان حق و خلق، هر که به آنها چنگ زند رهایی یابد و هر که

ترجمه نهج الحق و کشف الصدق، ص: 238

ایشان را فرو نهد، فرو افتد.»<sup>1</sup>

ثعلبی در تفسیر گفتار خدای بزرگ: «و همگان دست در ریسمان خدا زنید و پراکنده مشوید.»<sup>2</sup> به اسانید فراوان از پیامبر آورده است که حضرتش فرمود:

«ای مردم در میان شما دو گرانسنگ بر جا نهادم. دو جانشین که اگر از آنها پیروی کنید پس از من گمراه نگردید و از آن دو یکی از دیگری برتر است، کتاب خدا که بند کشیده میان آسمان و زمین است و عترت و اهل بیت من. آن دو از هم جدا نمی شوند تا در کنار حوض بر من در آیند.»

و در جمع بین صحیحین روایت است: «نزدیک است که فرستاده خدایم نزد من آید و او را پاسخ گویم. من در میان شما دو گرانسنگ بر جای نهادم: کتاب خدا که در آن

ترجمه نهج الحق و کشف الصدق، ص: 239

هدایت و نور است، به آن چنگ زنید و اهل بیتم، شما را به آنها سفارش می

کنم.»

## حدیث کساء

در مسند احمد بن حنبل از برخی طریقه ها و در جمع میان صحاح سته از ام سلمه روایت شده که پیامبر در خانه ام سلمه بود و فاطمه وارد شد. پیامبر فرمود: «شوهر و دو پسر را بیاور. علی، فاطمه، حسن و حسین آمدند. رسول خدا بر پوششی خیبری نشسته بود که خداوند این آیه را فرستاد: «ای اهل بیت، خدا می خواهد پلیدی را از شما دور کند و شما را پاک دارد.»<sup>1</sup> پیامبر کساء را بر ایشان افکند و دست به آسمان برداشت و گفت: اینان اهل بیت من هستند. (ام سلمه می گوید) من نیز سرم را داخل اتاق نمودم و پرسیدم: من هم با آنها هستم. پیامبر فرمود: تو بر خیری.»

نزدیک به همین معنا در برخی از مواضع صحیح ابی داوود، موطا مالک و صحیح مسلم از برخی طریقه ها روایت شده است.<sup>2</sup>

## وزیر پیامبر

همین روایت را صدر الائمه، محمد بن احمد المکی ذکر کرده است.

در مسند احمد آمده است که پیامبر فرمود: «خدایا من همان سخنی را که

برادرم

موسی گفت می گویم: برای من وزیری از اهلِم قرار ده، برادرم علی را و

بواسطه او پشتم را نیرومند ساز و علی را در کار من شریک گردان.»

ترجمه نهج الحق و کشف الصدق، ص: 240

## بیان قدرت صاحب غدیر

[تاریخ بغداد خطیب بغدادی 1/ 133] به سند خود، از «ربعی بن خراش» روایت می کند که در مدائن از علی علیه السلام شنیدم، می فرمود: «سهیل بن عمرو» حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله شرفیاب شد و عرض کرد که عده ای از بردگان ما که از امور دینی بهره ای نمی توانند ببرند به شما پیوسته اند، از شما تقاضا داریم که آنها را به ما تحویل دهی. «ابو بکر» و «عمر» از فرصت استفاده کرده، گفتند: یا رسول الله! «سهیل» راست می گوید! رسول خدا صلی الله علیه و آله (به سخن آندو اعتنائی نکرد و) خطاب به قریش، فرمود: ای گروه قریش! اگر از این تصمیم منصرف نشوید، خدای تعالی مردی را علیه شما برمی انگیزد که دلش را به نور ایمان امتحان کرده است و او گردن شما را که مانند شتران بیمناک و سرکنده از این طرف به آن طرف می روند، می زند. «ابو بکر» گفت: یا رسول الله! آن مرد من هستم؟! حضرت فرمود:

نه. «عمر» گفت: آیا آن مرد من هستم؟! حضرت فرمود: نه. بلکه آن مرد همان کسی است که کفش را وصله می زند. همان هنگام علی علیه السلام داشت کفش رسول خدا صلی الله علیه و آله را وصله می زد.

مؤلف گوید: «خطیب» همین روایت را به طریق دیگر در [8/ 433] روایت می کند و «طحاوی» مختصری از آن حدیث را در [شرح معانی الآثار 2/ 408] نقل کرده است. فضائل پنج تن علیهم السلام در صحاح ششگانه اهل سنت، ج 3، ص: 207

## 23 سال بیان فضائل امیرالمومنین در کلام پیامبر

### ولادت امیرالمومنین از زبان پیامبر

#### ولادت در کعبه

در کتاب روضه الواعظین و سایر کتب معتبره از جابر بن عبد الله انصاری روایت کرده اند که جابر گفت: سؤال کردم از حضرت رسالت ﷺ از ولادت با سعادت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام. حضرت فرمود که: آه آه سؤال کردی از بهترین کسی که بعد از من متولد شده است و سنت حضرت مسیح علیه السلام در او جاری خواهد شد، به درستی که حق تعالی خلق کرد مرا و علی را از یک نور پیش از آنکه خلائق را بیافریند به پانصد هزار سال، پس ما در عالم ملکوت تسبیح و تقدیس حی لا یموت می گفتیم، چون حق تعالی آدم را آفرید ما را در صلب او قرار داد، پس من در جانب راست او قرار گرفتم و علی در جانب چپ او،

(1) امالی شیخ طوسی 456.

(2) عیون أخبار الرضا 2 / 65.

(3) کافی 1 / 454.

جلاء العیون، مجلسی، ص: 295

پس ما را نقل کرد از صلب آدم بسوی اصلاب طاهره و ارحام پاکیزه، پس مرا از صلب طیبه بیرون آورد که عبد الله بن عبد المطلب بود، و در بهترین

رحمی قرار داد که آن رحم آمنه بود، پس علی را از صلب طاهری بیرون آورد که ابو طالب بود و در بهترین رحمی قرار داد که آن رحم فاطمه بنت اسد بود.

پس حضرت فرمود: ای جابر پیش از آنکه علی در شکم مادرش قرار گیرد، در زمان او مرد راهبی بود که او را مثرم بن رعیبا می گفتند، و در عبادت و زهد مشهور آفاق بود، و در مدّت صد و نود سال حق تعالی را به صدق و اخلاص عبادت کرده بود، از خدا برای خود حاجتی نطلبیده بود. روزی از پروردگار خود سؤال کرد که دوستی از دوستان خود را به او بنماید، پس حق تعالی ابو طالب را به نزد او فرستاد، چون مثرم ابو طالب را دید و انوار جلالیت در جبین او مشاهده نموده، برخاست و سر او را بوسید، او را در پیش روی خود نشانید و گفت: تو کیستی خدا تو را رحمت کند؟ ابو طالب گفت: منم مردی از اهل تهامه، پرسید از کدام شهر تهامه؟ ابو طالب گفت: از مکه، پرسید از کدام قبیله؟ ابو طالب گفت: از فرزندان عبد مناف، پرسید که: از کدام شعبه عبد مناف؟ گفت: از فرزندان هاشم.

چون راهب این نسب بزرگوار را شنید، برجست و بار دیگر سر آن سرور را بوسید و گفت: حمد و سپاس می کنم خداوندی را که مسئلت مرا به من عطا فرمود، و مرا از دنیا نبرد تا دوستی از دوستان خود را به من نمود، پس گفت: بشارت باد تو را که حق تعالی مرا در باب تو بشارتی الهام کرده است، ابو طالب گفت: آن بشارت کدام است؟ مثرم گفت:

فرزندی از صلب تو بیرون خواهد آمد که او ولیّ خدا و پیشوای متّقیان و وصیّ رسول پروردگار عالمیان باشد، چون آن فرزند را دریابی، سلام مرا به او

برسان و بگو که: مَثرَم تو را سلام می رساند و گواهی می دهد به وحدانیت خدا و آنکه او را شریکی نیست، و شهادت می دهد که محمد بنده و رسول خدا است و تو وصی اوئی، و به محمد تمام می شود پیغمبری و به تو تمام می شود وصیت.

چون ابو طالب این بشارت را شنید، قطرات اشک از دیده بارید گفت: آن مولود چه نام دارد؟ گفت: نام او علی است، گفت: حقیقت گفتار تو بر من ظاهر نمی شود مگر به برهان و  
جلاء العیون، مجلسی، ص: 296

دلیل واضحی است که مشاهده نمایم، مَثرَم گفت: چه چیز می خواهی که برای تو در این وقت سؤال کنم که حق تعالی بزودی تو را عطا کند تا بدانی که من صادقم در گفتار خود؟ گفت:

در این وقت طعامی از بهشت می خواهم که برای من حاضر شود.

پس راهب مشغول دعا شد، هنوز دعای او تمام نشده بود که طبقی نزد ایشان حاضر شد که در آن رطب و انگور و انار بهشت بود، پس ابو طالب انار را برداشت شاد و خندان برخاست به منزل خود مراجعت نمود، آن انار را تناول فرمود، حق تعالی از آن انار آبی در صلب او آفرید، در همان ساعت با فاطمه بنت اسد مقاربت نمود و به علی بن ابی طالب علیه السلام حامله شد، چون آن نطفه مبارک در رحم فاطمه قرار گرفت، از مهابت آن حضرت زمین به حرکت آمد و چند روز می لرزید، قریش را به این سبب فزع عظیمی حاصل شد، گفتند:

برخیزید که بتهای خود را ببریم بر سر کوه ابو قبیس، از ایشان سؤال کنیم شاید این زلزله از ما زایل گردد. چون بتها را بر سر کوه ابو قبیس بالا بردند، زلزله شدیدتر شد، سنگها از کوه در گردید، و اجزای کوه از هم پاشید و بتها به رو در افتادند. چون این حالت را مشاهده کردند، متحیر گردیدند گفتند: این بلائی است که ما را رهائی از آن ممکن نیست.

در این حال ابو طالب بر کوه برآمد، از آن حالت پروائی نمی کرد، پس گفت: ایها الناس به درستی که حق تعالی در این شب حادثه ای پدید آورده است، و خلق مبارکی آفریده است که اگر او را اطاعت نکنید و اقرار به ولایت او ننمائید و شهادت به امامت او ندهید، این زلزله هرگز از شما ساکن نگردد و یک خانه در تهامه از برای شما نماند، قریش گفتند:

ای ابو طالب آنچه بفرمائی می گوئیم و اطاعت می نمائیم.

پس ابو طالب به گریه آمد و دست بسوی آسمان بلند کرد گفت: الهی و سیدی اسألک بالمحمدیه المحموده و بالعلویّه العالیّه و بالفاطمیّه البیضاء الّا تفضّلت علی تهامه بالرأفه و الرّحمه. یعنی: ای خداوند من و سید من سؤال می کنم از تو به حقّ ملّت محمد که پسندیده است، و طریقه علی که بلند مرتبه است، و طریقه فاطمه که روشن و نورانی است که البتّه تفضّل کنی بر اهل تهامه به رأفت و رحمت.

پس حضرت فرمود که: به حقّ آن کسی که دانه ها را شکافته و گیاهها را از

آن بیرون

جلاء العیون، مجلسی، ص: 297

آورده و پروردگار خلاق است، سوگند یاد می‌کنم که جمیع عرب این کلمات را نوشتند، و در جاهلیت هر شدت که ایشان را رو می‌داد به این کلمات خدا را دعا می‌کردند، دعای ایشان مستجاب می‌شد، و حقیقت معنی این کلمات را نمی‌دانستند.

چون شب ولادت حضرت امیر المؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام شد، روشنی عظیم در آسمان پیدا شد و نور ستاره‌ها مضاعف گردیده، پس قریش از مشاهده این احوال متعجب گردیدند و گفتند:

در آسمان حادثه غریبی حادث گردیده، ابو طالب از خانه بیرون آمد و در کوچه‌ها و بازارهای مکه می‌گشت، به آواز بلند می‌گفت: *إيها الناس تمام شد حجّت خدا. چون مردم ابو طالب را دیدند پرسیدند که: این چه انوار است که ما در آسمان مشاهده می‌کنیم؟*

ابو طالب گفت: بشارت باد شما را که ظاهر شد در این شب دوستی از دوستان خدا که حق تعالی در او کامل خواهد کرد خصلت‌های خیر را، و به او ختم خواهد کرد اوصیای پیغمبران را و پیشوای متقیان است، و یاری دهنده دین خداوند عالمیان است، و براندازنده شیطان است، و به خشم آورنده منافقان و زینت عبادت‌کنندگان است، و وصی پیغمبران است، پیشوای هدایت است و نجم فلک رفعت است، و کلید علم حکمت است، و هلاک‌کننده شرک و شبیه‌ها است.

ابو طالب پیوسته این کلمات و الفاظ را می گفت تا صبح شد. پس چهل روز از قوم خود غایب گردید، جابر گفت: یا رسول الله به کجا رفت؟ حضرت فرمود: به طلب مثرم رفت، او وفات یافته بود در کوه لگام، پس بیوشان یا جابر این حدیث را از غیر اهلش که این از اسرار مکنونه و علوم مخزونه حق تعالی است، به درستی که مثرم وصیت کرده بود برای ابو طالب غاری را در کوه لگام و گفته بود که: اگر خواهی مرا بیابی، به آن موضع بیا که مرا در آنجا مرده یا زنده خواهی یافت.

چون ابو طالب بسوی آن غار رفت، داخل شد مثرم را دید که مرده است و خود را در جامه ای پیچیده رو به قبله خوابیده است، دو مار یکی سیاه و یکی سفید نزد او هستند و نمی گذارند که آسیبی از جانوری به او برسد و او را حراست می نمایند. چون مارها ابو طالب را دیدند، در غار پنهان شدند، و ابو طالب نزدیک مثرم رفت و گفت: السلام علیک

جلاء العیون، مجلسی، ص: 298

یا ولی الله و رحمه الله و برکاته، پس حق تعالی به قدرت کامله خود مثرم را زنده گردانید و برخاست و دست بر روی خود مالید و گفت: أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شریک له، و أن محمدا عبده و رسوله، و أن علیا ولی الله و الامام بعد نبی الله.

پس ابو طالب گفت: بشارت باد تو را که علی به زمین آمد، مثرم گفت: چه علامت ظاهر شد در شبی که او بوجود آمد؟ ابو طالب گفت: چون ثلثی از شب گذشت، فاطمه را درد زائیدن گرفت، گفتم به او که: چه می شود تو را ای بهترین زنان؟ گفت: اضطرابی در خود مشاهده می نمایم، پس بر او خواندم اسم

اعظم الهی را که در آن نجات از همه دردهاست تا آنکه اضطراب او ساکن گردید، پس به او گفتم: من بروم و جمعی از زنان را بیاورم که تو را در این امر معاونت نمایند در این شب، گفت: آنچه می دانی بکن ای ابو طالب. چون برخاستم از کنار خانه، صدای هاتفی را شنیدم که گفت: باش ای ابو طالب که دستهای آلوده به گناهان، به بدن مطهر او نمی رسد، ناگاه دیدم که چهار زن پیدا شدند و جامه هایی مانند حریر سفید پوشیده بودند و بوی ایشان از بوی مشک نیکوتر بود، چون داخل شدند گفتند: السلام علیک ای زنی که دوست خدائی، پس فاطمه ایشان را جواب گفت، در پیش روی او نشستند و غالیه دانی بیرون آوردند از نقره و او را یاری کردند و دلداری کردند تا حضرت امیر المؤمنین علیه السلام متولد شد، بی تابانه من نزدیک او رفتم، ناگاه دیدم که به سجده رفته است و مانند خورشید تابان نوری از او ساطع است و می گوید:

أشهد أن لا اله الا الله، و أن محمدا رسول الله، و أن علیا وصی محمد رسول الله، بمحمد یختم الله النبوه، و بی یتم الوصیه و أنا امیر المؤمنین.

پس یکی از آن زنان دست دراز کرد، او را در دامان خود گذاشت، چون نظر آن حضرت بر روی او افتاد به زبان فصیح بلیغ گفت: السلام علیک ای مادر، او در جواب گفت: علیک السلام ای فرزند گرامی، حضرت گفت: چه خبر داری از پدر من؟ آن زن گفت: در نعمتهای حق تعالی می گردد و به قرب وصال او تنعم می نماید.

چون این سخن را شنیدم، بی تاب شده گفتم: ای فرزند گرامی مگر من پدر تو نیستم؟

گفت: بلی تو پدر منی و من و تو هر دو از صلب آدم به هم رسیده ایم و این

مادر من است

جلاء العیون، مجلسی، ص: 299

حوّا. چون این سخن را شنیدم، از شرم حضرت حوا سر خود را به ردای خود پوشانیدم در زاویه خانه خزیدم، پس زن دیگر به نزدیک او آمده ظرف غالیه را در دست داشت و علی را گرفت. چون نظر آن حضرت بر روی او افتاد گفت: السّلام علیک ای خواهر من، آن زن گفت: و علیک السّلام ای برادر من، پس حضرت فرمود: از عمّ من چه خبر داری؟ گفت:

حال او نیک است و تو را سلام می رساند، در این حال گفتم: ای فرزند این

خواهر کیست؟

و این عمّ کیست؟ فرمود: این مریم دختر عمران است، و عمّ من عیسی بن مریم است، پس آن زن بوی خوش از آن ظرف غالیه بیرون آورد و آن طیب را به آن بوی خوش مطیب گردانید، پس زنی دیگر او را گرفت و او را در جامه ای که با خود آورده بود پیچید.

ابو طالب گفت: در این حال گفتم: اگر او را اکنون ختنه می کردیم بر او آسان تر بود، زیرا که سنتّ عرب در آن وقت چنین بود که فرزندان خود را ختنه می کردند، آن زن گفت: ای ابو طالب این فرزند طاهر و مطهرّ است و نمی چشود او گرمی آهن را در دنیا مگر بر دست مردی که خدا و رسول و ملائکه و آسمانها و زمینها و کوه ها و دریاها او را دشمن می دارند و لعنت می کنند، و آتش جهنّم

مشتاق اوست. ابو طالب گفت: آن مرد کیست؟ آن زنان گفتند: ابن ملجم مرادی است که او را در کوفه شهید خواهد کرد بعد سی سال از وفات محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. ابو طالب گفت: در این حال حضرت رسالت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به خانه درآمد و آن حضرت را از دست آن زنان گرفت و دست او را به دست خود گرفت و سخنان بسیار به او گفت، علی عَلِيٌّ نیز اسرار بسیار به آن حضرت گفت، پس آن زنان غایب شدند و در خاطر خود گفتیم: کاش آن دو زن دیگر را می شناختم.

در این حال علی عَلِيٌّ به الهام حق تعالی گفت: ای پدر من! زن اوّل حواّ مادر عالمیان بود، و زن دوّم مریم دختر عمران بود، و آن زنی که مرا در جامه پیچید آسیه زن فرعون بود، و آن زنی که مرا خوشبو گردانید مادر موسی عَلِيٌّ بود. پس گفت: برو در این وقت بسوی مثرم و او را بشارت ده به ولادت من، و آنچه دیدی و شنیدی به او بازگویی، او در فلان غار است، و خبر این مار را نیز به من گفت. پس من به فرموده او به نزد او آمدم و احوال او این بود که به تو گفتم.

جلاء العیون، مجلسی، ص: 300

چون از سخنان خود با حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آله فارغ شد، به حالت طفولیت برگشت و ساکت شد، چون مثرم این را شنید به سجده افتاد و شکر حق تعالی بجا آورد و رو به قبله خوابید و گفت: جامه بر روی من بپوشانید. چون جامه را بر روی او افکندم، به سرای باقی رحلت کرد و به حالت خود برگشت، سه روز در آنجا ماندم، هر چند به او سخن گفتم جواب نشنیدم. پس آن مارها بیرون آمده به سخن آمدند و گفتند: السّلام علیک یا ابا طالب. چون جواب سلام ایشان گفتم، گفتند: برو ملحق شو به ولیّ خدا که تو از همه کس سزاوارتری به

حراست و محافظت او، من گفتم به ایشان: کیستید شما؟ گفتند: ما عمل شایسته اوئیم، حق تعالی ما را از نیکیهای عمل او خلق کرده تا آنکه دفع کنیم اذیتها را از او تا روز قیامت. چون در روز قیامت زنده شود، یکی از ما در پیش روی او و دیگری در عقب او خواهیم بود، و راهنمایی او خواهیم کرد بسوی بهشت، پس ابو طالب به مکه برگشت.

جابر گفت: چون حضرت رسالت ﷺ این خبر را نقل کرد گفتم: الله اکبر مردم می گویند ابو طالب کافر مرد، حضرت فرمود: ای جابر! پروردگار تو به غیب داناتر است، در شب معراج چون به زیر عرش رسیدم چهار نور دیدم گفتم: الهی این نورها چیست؟ ندا رسید: یا محمد یکی عبد المطلب و دیگری ابو طالب و دیگری پدر تو عبد الله و دیگری برادر تو طالب است، گفتم: الهی ایشان این درجه را به چه چیز یافته اند؟ حق تعالی فرمود: به آنکه ایمان خود را پنهان داشتند، از قوم خود تقیه کردند و به آزارهای ایشان صبر کردند تا از دنیا رحلت نمودند<sup>1</sup>.

مؤلف گوید: می تواند بود که این احوال در میان کعبه واقع شده باشد تا آنکه با احادیث دیگر مخالفت نداشته باشد، و آنکه واقع شده بود که حرارت آهن به آن حضرت نخواهد رسید مگر بر دست ابن ملجم، شاید مراد آن باشد که جراحی که بی اختیار خود و دوستان او باشد به او نخواهد رسید مگر در ضربت آخر، زیرا که آن جراحیهای دیگر را خود باعث شد و برای خدا خود را در معرض آنها می آورد، و محتمل است که در آن جراحیات دیگر

1 روضه الواعظین 77.

2 جلاء العیون، مجلسی، ص: 301

المی به آن حضرت نرسیده باشد. ایضا ذکر طالب برادر آن حضرت غریب است و محتمل است که برادر حضرت امیر المؤمنین مراد باشد، چون در بعضی اخبار وارد شده که او مسلمان از دنیا رفت، و در بعضی از کتب به جای او جعفر بن اَبی طالب مذکور است.

## خلقت نوری

محمد بن العباس به سند خود از ابن عباس روایت کرده است که گفت: روزی در خدمت حضرت رسول ﷺ بودیم، حضرت امیر المؤمنین علیه السلام پیدا شد، چون آن حضرت را نظر بر او افتاد تبسم نمود فرمود: مرحبا به آن کسی که خدا او را پیش از آدم خلق کرده است به چهل هزار سال، گفتیم: یا رسول الله می تواند بود که فرزند پیش از پدر مخلوق شود؟ فرمود: بلی، حق تعالی خلق کرد نور مرا و علی را پیش از آنکه آدم را خلق کند به این مدت، پس آن را به دونیم کرد، از نصف آن مرا آفرید و از نصفی علی را آفرید پیش از آنکه اشیاء دیگر را بیافریند، و آنها را از نور من و نور علی منور گردانید، پس ما را در جانب راست عرش خود جا داد، بعد از ما ملائکه را آفرید.

چون ما تسبیح و تهلیل و تحمید حق تعالی کردیم، ملائکه از ما آموختند تسبیح و تکبیر و تهلیل حق تعالی را، پس حق تعالی چنین مقرر فرمود که دوست من و علی داخل جهنم نشود و دشمن من و علی داخل بهشت نشود، به درستی که حق تعالی ملکی چند آفریده است که در دست ایشان ابریقهاست از نقره بهشت، و آن ابریقها را پر کرده اند از آب حیات که چشمه ای است از جنه الفردوس. چون اراده می نماید پدر یکی از شیعیان علی که با مادر او مقاربت نماید در وقتی که حق تعالی می خواهد که نطفه او منعقد شود، یکی از آن ملائکه می آید و از آن آب بهشت قدری می ریزد در آبی که او در آن وقت می آشامد و آن آب با نطفه او مخلوط می گردد، پس به این سبب به هم می رسد

در دل او محبت من و علی و فاطمه و حسن و حسین و نه امام از فرزندان  
حسین.

پس حضرت فرمود که: شکر می کنم خداوندی را که محبت علی و ایمان به  
او را سبب دخول بهشت و نجات از جهنم گردانیده است <sup>«1»</sup>.

جلاء العیون، مجلسی، ص: 291

## واقعہ غدیر

واقعہ ی تاریخی غدیر خم، در روز هجده ذی الحجه سال دهم هجری اتفاق افتاد، و خداوند به وسیله ی پیک وحی، حضرت جبرئیل، قبولی رسالت بیست و سه ساله ی آن حضرت، را با آن همه زحمت، در گرو انتصاب علی علیه السلام به عنوان جانشین خود، قرار داد. قرآن شریف به این امر مهم اشاره نموده است، آنجا که می فرماید: «وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ»<sup>(6)</sup>؛ «[ای پیامبر! آن چه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، (به مردم) برسان!] و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده ای!»

پس از اجرای این حکم الهی، خداوند، بر رسالت خاتم الاوصیاء، و اسلام با علی بن ابی طالب علیه السلام، مهر تأیید زد، و فرمود:

«الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»<sup>(7)</sup>؛ «امروز، دین شما را کامل کردم؛ و نعمت خود را بر شما تمام نمودم؛ و اسلام را به عنوان آئین (جاودان) شما پذیرفتم.»

خداوند پیامبرش را از توطئه ی منافقین در به هم زدن چنین کنگره ی عظیم جهان اسلام، در روز غدیر، حفظ نمود و فرمود:

«وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ»<sup>(8)</sup>؛ «خداوند تو را از (خطرات احتمالی) مردم، نگاه می دارد.»

## خطابه پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در روز غدیر خم

متن عربی

؛ خطبه رسول الله فی یوم الغدیر باللغه العربیه

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَا فِي تَوْحِيدِهِ وَ دَنَا فِي تَفَرُّدِهِ وَ جَلَّ فِي سُلْطَانِهِ وَعَظَمَ فِي  
أَرْكَانِهِ، وَأَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا وَ هُوَ فِي مَكَانِهِ وَقَهَرَ جَمِيعَ الْخَلْقِ بِقُدْرَتِهِ وَ  
بُرْهَانِهِ، حَمِيدًا لَمْ يَزَلْ، مَحْمُودًا لَا يَزَالُ (وَ مَجِيدًا لَا يَزُولُ، وَ مُبْدِنًا وَ مُعِيدًا وَ كُلُّ أَمْرٍ  
إِلَيْهِ يُعُودُ). بَارِئُ الْمَسْمُوكَاتِ وَ دَاحِي الْمَذْحُوتَاتِ وَ جِبَارُ الْأَرْضِينَ وَ السَّمَاوَاتِ،  
قُدُّوسٌ سُبُّوحٌ، رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ، مُتَفَضِّلٌ عَلَى جَمِيعٍ مَنْ بَرَأَهُ، مُتَطَوِّلٌ عَلَى  
جَمِيعٍ مَنْ أَنْشَأَهُ. يَلْحَظُ كُلَّ عَيْنٍ وَالْعُيُونُ لَا تَرَاهُ. كَرِيمٌ حَلِيمٌ ذُؤَانَاتٍ، قَدْ وَسِعَ كُلَّ  
شَيْءٍ رَحْمَتُهُ وَ مَنْ عَلَيْهِمْ بِنِعْمَتِهِ. لَا يَعْجَلُ بِانْتِقَامِهِ، وَلَا يُبَادِرُ إِلَيْهِمْ بِمَا اسْتَحَقُّوا مِنْ  
عَذَابِهِ. قَدَفَهُمُ السَّرَائِرَ وَ عَلِمَ الضَّمَائِرَ، وَ لَمْ تَخَفْ عَلَيْهِ الْمَكْنُونَاتُ وَ لَا اسْتَبْهَتْ عَلَيْهِ  
الْخَفِيَّاتُ. لَهُ الْإِحَاطَةُ بِكُلِّ شَيْءٍ، وَالْعَلْبَةُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَالْقُوَّةُ فِي كُلِّ شَيْءٍ وَالْقُدْرَةُ  
عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَ لَيْسَ مِثْلُهُ شَيْءٌ. وَ هُوَ مُنْشِئُ الشَّيْءِ حِينَ لَا شَيْءَ دَائِمٌ حَى وَقَائِمٌ  
بِالْقِسْطِ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ. جَلَّ عَنْ أَنْ تُدْرِكَهُ الْأَبْصَارُ وَ هُوَ يُدْرِكُ  
الْأَبْصَارَ وَ هُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ. لَا يَلْحَقُ أَحَدٌ وَصْفَهُ مِنْ مُعَايَنِهِ، وَلَا يَجِدُ أَحَدٌ كَيْفَ  
هُوَ مِنْ سِرِّهِ وَ عِلَانِيَتِهِ إِلَّا بِمَادَلٍّ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى نَفْسِهِ. وَأَشْهَدُ أَنَّهُ اللَّهُ الَّذِي مَلَأَ الدَّهْرَ  
قُدْسُهُ، وَالَّذِي يَغْشَى الْأَبَدَ نُورُهُ، وَالَّذِي يُنْفِذُ أَمْرَهُ بِالْمُشَاوَرَةِ مُشِيرًا وَ لَامِعَهُ شَرِيكَ  
فِي تَقْدِيرِهِ وَ لَا يُعَاوَنُ فِي تَدْبِيرِهِ. صَوَّرَ مَا ابْتَدَعَ عَلَى غَيْرِ مِثَالٍ، وَ خَلَقَ مَا خَلَقَ  
بِالْمُعُونَةِ مِنْ أَحَدٍ وَ لَا تَكَلَّفَ وَ لَا احْتِيََالَ. أَنْشَأَهَا فَكَانَتْ وَ بَرَأَهَا فَبَانَتْ. فَهُوَ اللَّهُ

الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمُتَّقِنُ الصَّنْعَةَ، أَحْسَنُ الصَّنِيعَةِ، الْعَدْلُ الَّذِي لَا يَجُورُ، وَالْأَكْرَمُ  
الَّذِي تَرَجِعُ إِلَيْهِ الْأُمُورُ. وَأَشْهَدُ أَنَّهُ اللَّهُ الَّذِي تَوَاضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِعَظَمَتِهِ، وَذَلَّ كُلُّ  
شَيْءٍ لِعِزَّتِهِ، وَاسْتَسَلَّمَ كُلُّ شَيْءٍ لِقُدْرَتِهِ، وَخَضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِهَيْبَتِهِ. مَلِكُ الْمَلَائِكِ وَالْ  
مُفْلِكُ الْأَفْلَاقِ وَمُسَخِّرُ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ، كُلُّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى. يُكْوِرُ اللَّيْلَ عَلَى  
النَّهَارِ وَيُكْوِرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا. قَاصِمٌ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَمُهْلِكٌ كُلِّ  
شَيْطَانٍ مَرِيدٍ. لَمْ يَكُنْ لَهُ ضِدٌّ وَلَا مَعَهُ نَدٌّ أَحَدٌ صَمَدٌ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ  
كُفُوًا أَحَدٌ. إِلَهٌ وَاحِدٌ وَرَبٌّ مَاجِدٌ يَشَاءُ فَيَمْضِي، وَيُرِيدُ فَيَقْضِي، وَيَعْلَمُ فَيُخْصِي،  
وَيُمِيتُ وَيُحْيِي، وَيُفْقِرُ وَيُغْنِي، وَيُضْحِكُ وَيُبْكِي، (وَيُدْنِي وَيُقْضِي) وَيَمْنَعُ وَيَعْطِي،  
لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. يُوَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ  
وَيُوَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ. مُسْتَجِيبُ الدُّعَاءِ وَمُجْزِلُ الْعَطَاءِ،  
مُخْصِي الْأَنْفَاسِ وَرَبُّ الْجَنَّةِ وَالنَّاسِ، الَّذِي لَا يُشْكِلُ عَلَيْهِ شَيْءٌ، وَلَا يُضْجِرُهُ  
صُرَاخُ الْمُسْتَضْرِحِينَ وَلَا يُبِيرُمُهُ الْإِحَاخُ الْمُلْحِحِينَ. الْعَاصِمُ لِلصَّالِحِينَ، وَالْمُؤَفِّقُ  
لِلْمُفْلِحِينَ، وَمَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ وَرَبُّ الْعَالَمِينَ. الَّذِي اسْتَحَقَّ مِنْ كُلِّ مَنْ خَلَقَ أَنْ  
يَشْكُرَهُ وَيَحْمَدَهُ (عَلَى كُلِّ حَالٍ). أَحْمَدُهُ كَثِيرًا وَأَشْكُرُهُ دَائِمًا عَلَى السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ  
وَالشَّدَّةِ وَالرَّخَاءِ، وَأُؤْمِنُ بِهِ وَبِمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ. أَسْمَعُ لِأَمْرِهِ وَأَطِيعُ وَأُبَادِرُ  
إِلَى كُلِّ مَا يَرْضَاهُ وَأَسْتَسَلِّمُ لِمَاقِضَاهُ، رَغْبَةً فِي طَاعَتِهِ وَخَوْفًا مِنْ عِقُوبَتِهِ، لِأَنَّهُ اللَّهُ  
الَّذِي لَا يُؤْمِنُ مَكْرَهُ وَلَا يُخَافُ جَوْرَهُ. وَأَقْرَلُهُ عَلَى نَفْسِي بِالْعُبُودِيَّةِ وَأَشْهَدُ لَهُ  
بِالرُّبُوبِيَّةِ، وَأُودِي مَا أَوْحَى بِهِ إِلَيَّ حَذْرًا مِنْ أَنْ لَا أَفْعَلَ فَتَحِلَّ بِي مِنْهُ قَارِعَةٌ  
لَا يَدْفَعُهَا عَنِّي أَحَدٌ وَإِنْ عَظُمَتْ حِيلَتُهُ وَصَفَتْ خُلَّتُهُ

- لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ - لِأَنَّهُ قَدْ عَلِمَنِي أَنِّي إِنْ لَمْ أُبَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيَّ (فِي حَقِّ عَلَيَّ)  
فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ، وَقَدْ ضَمِنَ لِي تَبَارَكَ وَتَعَالَى الْعِصْمَةَ (مِنَ النَّاسِ) وَهُوَ اللَّهُ  
الْكَافِي الْكَرِيمُ.

فَأَوْحَىٰ إِلَىٰ: (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ - فِي عَلِيٍّ يَعْنِي فِي الْخِلَافَةِ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ - وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، مَا قَصَّرْتُ فِي تَبْلِيغِ مَا أُنزَلَ اللَّهُ تَعَالَىٰ إِلَيَّ، وَ أَنَا أُبَيِّنُ لَكُمْ سَبَبَ هَذِهِ الْآيَةِ: إِنَّ جَبْرَائِيلَ هَبَطَ إِلَيَّ مِرَارًا ثَلَاثًا يَأْمُرُنِي عَنِ السَّلَامِ رَبِّي - وَ هُوَ السَّلَامُ - أَنْ أَقُومَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ فَأَعْلِمَ كُلَّ أَبْيَضٍ وَأَسْوَدٍ: أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ أَخِي وَ وَصِيِّي وَ خَلِيفَتِي (عَلَىٰ أُمَّتِي) وَالْإِمَامُ مِنْ بَعْدِي، الَّذِي مَحَلُّهُ مِنِّي مَحَلُّ هَارُونَ مِنْ مُوسَىٰ إِلَّا أَنَّهُ لِأَنِّي بَعْدِي وَهُوَ وَلِيُّكُمْ بَعْدَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ.

وَقَدْ أُنزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَىٰ عَلَيَّ بِذَلِكَ آيَةً مِنْ كِتَابِهِ (هِيَ): (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ)، وَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ الَّذِي أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ وَهُوَ رَاكِعٌ يُرِيدُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي كُلِّ حَالٍ.

وَ سَأَلْتُ جَبْرَائِيلَ أَنْ يَسْتَعْفِيَ لِي (السَّلَامَ) عَنْ تَبْلِيغِ ذَلِكَ إِلَيْكُمْ - أَيُّهَا النَّاسُ - لِعِلْمِي بِقَلْبِهِ الْمُتَّقِينَ وَ كَثْرَةِ الْمُنَافِقِينَ وَ إِدْغَالِ اللَّائِمِينَ وَ حِيلِ الْمُسْتَهْزِئِينَ بِالسَّلَامِ، الَّذِينَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ بِأَنَّهُمْ يَقُولُونَ بِالسُّبْتِ مَالَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ، وَ يَحْسَبُونَ هَيِّنًا وَ هُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ.

وَ كَثْرَةَ أَذَاهُمْ لِي غَيْرَ مَرَّةٍ حَتَّى سَمَوْنِي أَذْنًا وَ زَعَمُوا أَنِّي كَذَلِكَ لِكَثْرَةِ مُلَازِمَتِهِ إِلَيَّ وَ إِقْبَالِي عَلَيْهِ (وَ هَوَاهُ وَ قَبُولِهِ مِنِّي) حَتَّى أُنزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي ذَلِكَ (وَ مِنْهُمْ

الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ، قُلْ أُذُنٌ - (عَلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُ أُذُنٌ) -  
خَيْرٌ لَكُمْ، يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ) الْآيَةُ.

وَلَوْ شِئْتُ أَنْ أُسَمِّيَ الْقَائِلِينَ بِذَلِكَ بِأَسْمَائِهِمْ لَسَمَّيْتُ وَأَنْ أُوَمِّيَ إِلَيْهِمْ بِأَعْيَانِهِمْ  
لَأُوَمَّاتُ وَأَنْ أَدُلَّ عَلَيْهِمْ لَدَلْتُ، وَلَكِنِّي وَاللَّهِ فِي أُمُورِهِمْ قَدْ تَكْرَمْتُ. وَكُلُّ ذَلِكَ  
لَا يَرْضَى اللَّهُ مِنِّي إِلَّا أَنْ أُبَلِّغَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيَّ (فِي حَقِّ عَلِيٍّ)، ثُمَّ تَلَا: (يَا  
أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ - فِي حَقِّ عَلِيٍّ - وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ  
رِسَالَاتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ). فَاعْلَمُوا مَعَاشِرَ النَّاسِ (ذَلِكَ فِيهِ وَأَفْهَمُوهُ  
وَاعْلَمُوا) أَنَّ اللَّهَ قَدْ نَصَبَهُ لَكُمْ وَلِيًّا وَإِمَامًا فَرَضَ طَاعَتَهُ عَلَى الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَ  
عَلَى التَّابِعِينَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ، وَعَلَى الْبَادِي وَالْحَاضِرِ، وَعَلَى الْعَجَمِيِّ وَالْعَرَبِيِّ،  
وَالْحُرِّ وَالْمَمْلُوكِ وَالصَّغِيرِ وَالْكَبِيرِ، وَعَلَى الْأَبْيَضِ وَالْأَسْوَدِ، وَعَلَى كُلِّ مَوْحِدٍ.

مَاضٍ حُكْمُهُ، جَازٍ قَوْلُهُ، نَافِذٌ أَمْرُهُ، مَلْعُونٌ مَنْ خَالَفَهُ، مَرْحُومٌ مَنْ تَبِعَهُ وَصَدَّقَهُ،  
فَقَدْ عَفَّرَ اللَّهُ لَهُ وَلَمَنْ سَمِعَ مِنْهُ وَأَطَاعَ لَهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ آخِرُ مَقَامٍ أَقْوَمُهُ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ، فَاسْمَعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنْقَادُوا  
لِأَمْرِ (اللَّهِ) رَبِّكُمْ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ هُوَ مَوْلَاكُمْ وَإِلَاهُكُمْ، ثُمَّ مِنْ دُونِهِ رَسُولُهُ وَنَبِيِّهُ  
الْمُخَاطَبُ لَكُمْ، ثُمَّ مِنْ بَعْدِي عَلِيٌّ وَلِيِّكُمْ وَإِمَامُكُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ رَبِّكُمْ، ثُمَّ الْإِمَامَةُ فِي  
ذُرِّيَّتِي مِنْ وَوَلَدِهِ إِلَى يَوْمِ تَلْقَوْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ.

لَا حَلَالَ إِلَّا مَا أَحَلَّهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَهُمْ، وَلَا حَرَامَ إِلَّا مَا حَرَّمَهُ اللَّهُ (عَلَيْكُمْ) وَ  
رَسُولُهُ وَهُمْ، وَاللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَرَفَنِي الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ وَأَنَا أَفْضَيْتُ بِمَا عَلَّمَنِي رَبِّي مِنْ  
كِتَابِهِ وَحَلَالِهِ وَحَرَامِهِ إِلَيْهِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، عَلَى (فَضْلُوهُ). مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَقَدْ أَحْصَاهُ اللَّهُ فِي، وَكُلُّ عِلْمٍ  
عُلِّمْتُ فَقَدْ أَحْصَيْتُهُ فِي إِمَامِ الْمُتَّقِينَ، وَمَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَقَدْ عَلَّمْتُهُ عَلِيًّا، وَهُوَ الْإِمَامُ  
الْمُبِينُ (الَّذِي ذَكَرَهُ اللَّهُ فِي سُورَةِ يَس: (وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، لَا تَضِلُّوا عَنْهُ وَلَا تَنْفِرُوا مِنْهُ، وَلَا تَسْتَنْكِفُوا عَنْ وَلَايَتِهِ، فَهُوَ الَّذِي  
يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَيَعْمَلُ بِهِ، وَيُزْهِقُ الْبَاطِلَ وَيَنْهَى عَنْهُ، وَلَا تَأْخُذْهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمَةٌ.  
أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ (لَمْ يَسْبِقْهُ إِلَى الْإِيمَانِ بِي أَحَدٌ)، وَالَّذِي فَدَى رَسُولَ اللَّهِ  
بِنَفْسِهِ، وَالَّذِي كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا أَحَدٌ يَعْبُدُ اللَّهَ مَعَ رَسُولِهِ مِنَ الرِّجَالِ غَيْرُهُ.  
(أَوَّلُ النَّاسِ صَلَاةً وَأَوَّلُ مَنْ عَبَدَ اللَّهَ مَعِيَ. أَمَرْتُهُ عَنِ اللَّهِ أَنْ يَنَامَ فِي مَضْجَعِي،  
فَفَعَلَ فَادِيًا لِي بِنَفْسِهِ).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، فَضْلُوهُ فَقَدْ فَضَّلَهُ اللَّهُ، وَأَقْبَلُوهُ فَقَدْ نَصَبَهُ اللَّهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ إِمَامٌ مِنَ اللَّهِ، وَلَنْ يُتُوبَ اللَّهُ عَلَى أَحَدٍ أَنْكَرَ وَلَايَتَهُ وَلَنْ يُعْفَرَ  
لَهُ، حَتْمًا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَفْعَلَ ذَلِكَ بِمَنْ خَالَفَ أَمْرَهُ وَأَنْ يُعَذِّبَهُ عَذَابًا نَكْرًا أَبَدًا الْآبَادِ  
وَدَهْرَ الدُّهُورِ. فَاحْذَرُوا أَنْ تُخَالَفُوهُ. فَتَصَلُّوا نَارًا وَقَوِّدْهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ  
لِلْكَافِرِينَ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، بِي - وَاللَّهُ - بَشَرًا أَوْلُونَ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ، وَأَنَا - (وَاللَّهُ) -  
خَاتَمَ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ وَالْحُجَّةَ عَلَى جَمِيعِ الْمَخْلُوقِينَ مِنْ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ  
وَالْأَرْضِينَ. فَمَنْ شَكَّ فِي ذَلِكَ فَقَدْ كَفَرَ كُفْرَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَمَنْ شَكَّ فِي شَيْءٍ  
مِنْ قَوْلِي هَذَا فَقَدْ شَكَّ فِي كُلِّ مَا أَنْزَلَ إِلَيَّ، وَمَنْ شَكَّ فِي وَاحِدٍ مِنَ الْأَثْمَةِ فَقَدْ  
شَكَّ فِي الْكُلِّ مِنْهُمْ، وَالشَّاكُّ فِينَا فِي النَّارِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، حَبَانِي اللهُ عَزَّوَجَلَّ بِهَذِهِ الْفَضِيلَةِ مَنَّا مِنْهُ عَلَيَّ وَ إِحْسَانًا مِنْهُ إِلَيَّ  
وَلَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، أَلَا لَهُ الْحَمْدُ مِنِّي أَبَدَ الْأَبَدِينَ وَ دَهْرَ الدَّاهِرِينَ وَ عَلَيَّ كُلِّ حَالٍ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، فَضِّلُوا عَلَيَّ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ النَّاسِ بَعْدِي مِنْ ذَكَرٍ وَ أَنْتَى مَا أَنْزَلَ اللهُ  
الرِّزْقَ وَ بَقِيَ الْخَلْقُ.

مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ، مَغْضُوبٌ مَغْضُوبٌ مَنْ رَدَّ عَلَيَّ قَوْلِي هَذَا وَلَمْ يُوَافِقْهُ.

أَلَا إِنَّ جَبْرَيْلَ خَبَّرَنِي عَنِ اللهِ تَعَالَى بِذَلِكَ وَيَقُولُ: «مَنْ عَادَى عَلِيًّا وَلَمْ يَتَوَلَّهُ  
فَعَلَيْهِ لَعْنَتِي وَ غَضَبِي»، (وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَ اتَّقُوا اللَّهَ - أَنْ تُخَالِفُوهُ فَتَنْزِلَ  
قَدَمٌ بَعْدَ نُبُوتِهَا - إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ جَنَّبُ اللهُ الَّذِي ذَكَرَ فِي كِتَابِهِ الْعَزِيزِ، فَقَالَ تَعَالَى (مُخْبِرًا عَمَّنْ  
يُخَالِفُهُ): (أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتَا عَلَى مَا فَرَطْتُ فِي جَنبِ اللهِ).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، تَدَبَّرُوا الْقُرْآنَ وَ افْهَمُوا آيَاتِهِ وَ انظُرُوا إِلَى مُحْكَمَاتِهِ وَ لَا تَتَّبِعُوا  
مُتَشَابِهَهُ، فَوَاللهِ لَنْ يُبَيِّنَ لَكُمْ زَوَاجِرَهُ وَ لَنْ يُوضِحَ لَكُمْ تَفْسِيرَهُ إِلَّا الَّذِي أَنَا آخِذٌ  
بِيَدِهِ وَ مُصْعِدُهُ إِلَى وَشَائِلٍ بَعْضُهُ (وَ رَافِعُهُ بِيَدِي) وَ مُعْلِمُكُمْ: أَنْ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ  
فَهَذَا عَلَيَّ مَوْلَاهُ، وَ هُوَ عَلَيَّ بِنُ أَبِي طَالِبٍ أَخِي وَ وَصِيِّي، وَ مَوَالَاتُهُ مِنْ اللهِ  
عَزَّوَجَلَّ أَنْزَلَهَا عَلَيَّ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ عَلِيًّا وَالطَّيِّبِينَ مِنْ وُلْدِي (مِنْ صُلْبِهِ) هُمُ النَّقْلُ الْأَصْغَرُ، وَالْقُرْآنُ  
النَّقْلُ الْأَكْبَرُ، فَكُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مُنْبِئٌ عَنْ صَاحِبِهِ وَ مُوَافِقٌ لَهُ، لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا  
عَلَى الْحَوْضِ. أَلَا إِنَّهُمْ أَمْنَاءُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَ حُكَّامُهُ فِي أَرْضِهِ. أَلَا وَقَدْ أُدِّيتُ.

أَلَا وَقَدْ بَلَّغْتُ، أَلَا وَقَدْ أَسْمَعْتُ، أَلَا وَقَدْ أَوْضَحْتُ، أَلَا وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ قَالَ وَ أَنَا  
قُلْتُ عَنْ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، أَلَا إِنَّهُ لَا «أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ» غَيْرَ أَخِي هَذَا، أَلَا لَا تَحِلُّ إِمْرُهُ  
الْمُؤْمِنِينَ بَعْدِي لِأَحَدٍ غَيْرِهِ.

ثم قال: «أيها الناس، مَنْ أَوْلَى بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ؟ قالوا: الله و رَسُوْلُهُ. فَقَالَ: أَلَا  
مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَ أَنْصُرْ مَنْ  
نَصَرَهُ وَ اخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ. مَعَاشِرَ النَّاسِ، هَذَا عَلِيٌّ أَخِي وَ وَصِيٌّ وَ وَاعِيٌّ عِلْمِي، وَ  
خَلِيفَتِي فِي أُمَّتِي عَلِيٌّ مَنْ آمَنَ بِي وَ عَلَى تَفْسِيرِ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ الدَّاعِي إِلَيْهِ  
وَ الْعَامِلُ بِمَا يَرْضَاهُ وَ الْمُحَارِبُ لِأَعْدَائِهِ وَ الْمُوَالِي عَلَى طَاعَتِهِ وَ النَّاهِي عَنْ مَعْصِيَتِهِ.  
إِنَّهُ خَلِيفَةُ رَسُوْلِ اللَّهِ وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْإِمَامُ الْهَادِي مِنَ اللَّهِ، وَ قَاتِلُ النَّاكِثِينَ  
وَ الْقَاسِطِينَ وَ الْمَارِقِينَ بِأَمْرِ اللَّهِ. يَقُولُ اللَّهُ: (مَا يُبَدِّلُ الْقَوْلُ لَدَى).

بِأَمْرِكَ يَا رَبِّ أَقُولُ: اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ (وَ أَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ  
وَ اخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ) وَ الْعَنِ مَنْ أَنْكَرَهُ وَ اغْضِبْ عَلَى مَنْ جَحَدَ حَقَّهُ.

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَ الْآيَةَ فِي عَلِيٍّ وَ لِيكَ عِنْدَ تَبْيِينِ ذَلِكَ وَ نَصْبِكَ إِيَّاهُ لِهَذَا الْيَوْمِ:  
(الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا)، (وَ

مَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ). اللَّهُمَّ إِنِّي  
أَشْهَدُكَ أَنِّي قَدْ بَلَغْتُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّمَا أَكْمَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ دِينَكُمْ بِإِمَامَتِهِ. فَمَنْ لَمْ يَأْتَمْ بِهِ وَبِمَنْ يَقُومُ  
مَقَامَهُ مِنْ وُلْدِي مِنْ صُلْبِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَالْعَرَضِ عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَأُولَئِكَ  
الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ (فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ) وَفِي النَّارِهِمْ خَالِدُونَ، (لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ  
الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، هَذَا عَلَيَّ، أَنْصَرُّكُمْ لِي وَأَحَقُّكُمْ بِي وَأَقْرَبُكُمْ إِلَيَّ وَأَعَزُّكُمْ عَلَيَّ،  
وَاللَّهُ عَزَّوَجَلَّ وَأَنَاعَنهُ رَاضِيَانِ. وَمَا نَزَلَتْ آيَةٌ رِضًا (فِي الْقُرْآنِ) إِلَّا فِيهِ، وَلَا خَاطَبَ  
اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا إِلَّا بَدَأَ بِهِ، وَلَا نَزَلَتْ آيَةٌ مَدْحٍ فِي الْقُرْآنِ إِلَّا فِيهِ، وَلَا شَهِدَ اللَّهُ بِالْجَنَّةِ  
فِي (هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ) إِلَّا لَهُ، وَلَا أَنْزَلَهَا فِي سِوَاهُ وَلَا مَدَحَ بِهَا غَيْرَهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، هُوَ نَاصِرٌ دِينَ اللَّهِ وَالْمَجَادِلُ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ، وَهُوَ التَّقِيُّ النَّقِيُّ  
الْهَادِي الْمَهْدِي. نَبِيِّكُمْ خَيْرُ نَبِيٍّ وَوَصِيِّكُمْ خَيْرُ وَصِيٍّ (وَبَنُوهُ خَيْرُ الْأَوْصِيَاءِ).  
مَعَاشِرَ النَّاسِ، ذُرِّيَّتُهُ كُلُّ نَبِيٍّ مِنْ صُلْبِهِ، وَذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِ (أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ) عَلِيٍّ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ إِبْلِيسَ أَخْرَجَ آدَمَ مِنَ الْجَنَّةِ بِالْحَسَدِ، فَلَا تَحْسُدُوهُ فَتَحْبِطَ  
أَعْمَالُكُمْ وَتَنْزِلَ أَقْدَامُكُمْ، فَإِنَّ آدَمَ أَهْبَطَ إِلَى الْأَرْضِ بِخَطِيئَتِهِ وَاحِدَهُ، وَهُوَ صَفْوَةُ اللَّهِ  
عَزَّوَجَلَّ، وَكَيْفَ بِكُمْ وَأَنْتُمْ أَنْتُمْ وَمِنْكُمْ أَعْدَاءُ اللَّهِ،

أَلَا وَ إِنَّهُ لَا يُبْغِضُ عَلِيًّا إِلَّا شَقِيًّا، وَلَا يُؤَالِي عَلِيًّا إِلَّا تَقِيًّا، وَلَا يُؤْمِنُ بِهِ إِلَّا مُؤْمِنٌ  
مُخْلِصٌ.

وَ فِي عَلِيٍّ - وَاللَّهِ - نَزَلَتْ سُورَةُ الْعَصْرِ: (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَالْعَصْرِ، إِنَّ  
الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ) (إِلَّا عَلِيًّا الَّذِي آمَنَ وَ رَضِيَ بِالْحَقِّ وَالصَّبْرِ).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، قَدْ اسْتَشْهَدْتُ اللَّهَ وَبَلَّغْتُكُمْ رِسَالَتِي وَ مَا عَلَيَّ الرَّسُولُ إِلَّا الْبَلَاغُ  
الْمُبِينُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، (إِنَّ قَوْلَ اللَّهِ حَقٌّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، (آمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ النُّورِ الَّذِي أَنْزَلَ مَعَهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَنْطَمِسَ  
وَجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَى أَدْبَارِهَا أَوْ نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعْنَا أَصْحَابَ السَّبْتِ). (بِاللَّهِ مَا عَنِيَ بِهَذِهِ  
الْآيَةِ إِلَّا قَوْمًا مِنْ أَصْحَابِي أَعْرِفُهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ وَ أَنْسَابِهِمْ، وَقَدْ أَمَرْتُ بِالصَّفْحِ عَنْهُمْ  
فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِئٍ عَلَى مَا يَجِدُ لِعَلِيٍّ فِي قَلْبِهِ مِنَ الْحُبِّ وَ الْبُغْضِ).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، النُّورُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَسْلُوكٌ فِي ثَمِّ فِي عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، ثُمَّ  
فِي النَّسْلِ مِنْهُ إِلَى الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ الَّذِي يَأْخُذُ بِحَقِّ اللَّهِ وَ بِكُلِّ حَقٍّ هُوَ لَنَا، لِأَنَّ اللَّهَ  
عَزَّ وَجَلَّ قَدْ جَعَلَنَا حُجَّةً عَلَى الْمُقْصِرِينَ وَ الْمَعَانِدِينَ وَ الْمُخَالِفِينَ وَ الْخَائِنِينَ  
وَ الْآثِمِينَ وَ الظَّالِمِينَ وَ الْعَاصِبِينَ مِنْ جَمِيعِ الْعَالَمِينَ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَنْذَرْتُكُمْ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ قَدْ خَلَّتْ مِنْ قَبْلِي الرُّسُلُ، أَفَإِنْ مِتُّ أَوْ قُتِلْتُ  
أَنْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ؟ وَ مَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنَهَانِ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَ سَيَجْزِي اللَّهُ  
الشَّاكِرِينَ (الصَّابِرِينَ). أَلَا وَإِنَّ عَلِيًّا هُوَ الْمَوْصُوفُ بِالصَّبْرِ وَ الشُّكْرِ، ثُمَّ مِنْ بَعْدِهِ وَ لَدَى  
مِنْ صَلْبِهِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، لَا تَمْتُنُوا عَلَيَّ بِإِسْلَامِكُمْ، بَلْ لَا تَمْتُنُوا عَلَيَّ اللَّهُ فَيُحْبِطَ عَمَلَكُمْ  
وَيَسْخَطَ عَلَيْكُمْ وَيَتَلَيِّكُمْ بِشَوَاطِئِ مِنْ نَارٍ وَنُحَاسٍ، إِنْ رَبَّكُمْ لِبِ الْمِرْصَادِ.  
مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ سَيَكُونُ مِنْ بَعْدِي أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ  
لَا يُنْصَرُونَ. مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنْ اللَّهُ وَأَنَا بَرِيثَانِ مِنْهُمْ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُمْ وَأَنْصَارَهُمْ وَأَتْبَاعَهُمْ وَأَشْيَاعَهُمْ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ  
وَلَبِئْسَ مَتْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ. أَلَا إِنَّهُمْ أَصْحَابُ الصَّحِيفَةِ، فَلْيَنْظُرُوا أَحَدُكُمْ فِي صَحِيفَتِهِ!!  
مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنِّي أَدْعُهَا إِمَامَةً وَوَرَاثَةً (فِي عَقْبِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ)، وَقَدْ بَلَغْتُ  
مَا أُمِرْتُ بِتَبْلِيغِهَا حُجَّةً عَلَى كُلِّ حَاضِرٍ وَغَائِبٍ وَعَلَى كُلِّ أَحَدٍ مِمَّنْ شَهِدَ أَوْلَمَ  
يَشْهَدُ، وَوَلَدٌ أَوْلَمَ يُولَدُ، فَلْيَبْلِغِ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ وَالْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.  
وَسَيَجْعَلُونَ الْإِمَامَةَ بَعْدِي مُلْكًا وَاعْتِصَابًا، (أَلَا لَعَنَ اللَّهُ الْغَاصِبِينَ الْمُعْتَصِبِينَ)،  
وَعِنْدَهَا سَيَفْرُغُ لَكُمْ أَيُّهَا الثَّقَلَانِ (مَنْ يَفْرَغُ) وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمَا شَوَاطِئَ مِنْ نَارٍ وَنُحَاسٍ  
فَلَا تَنْتَصِرَانِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنْ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَمْ يَكُنْ لِيَذْرُكُمْ عَلَيَّ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّى  
يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ، وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ مَا مِنْ قَرِيْبِهِ إِلَّا وَاللَّهُ مُهْلِكُهَا بِتَكْذِيبِهَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ  
مُمْلِكُهَا الْإِمَامَ الْمَهْدِيَّ وَاللَّهُ مُصَدِّقٌ وَعَدُهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، قَدْ ضَلَّ قَبْلَكُمْ أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ، وَاللَّهُ لَقَدْ أَهْلَكَ الْأَوَّلِينَ، وَهُوَ مُهْلِكُ  
الْآخِرِينَ.

قالَ اللهُ تَعَالَى: (أَلَمْ نُهْلِكِ الْأَوَّلِينَ، ثُمَّ نُنَبِّئُهُمُ الْآخِرِينَ، كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ،  
وَيَلُومُنَّ يَوْمَئِذٍ الْمُكَذِّبِينَ).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَمَرَنِي وَنَهَانِي، وَقَدْ أَمَرْتُ عَلِيًّا وَنَهَيْتُهُ (بِأَمْرِهِ). فَعَلِمُ  
الْأَمْرَ وَالنَّهْيَ لَدَيْهِ، فَاسْمَعُوا لِأَمْرِهِ تَسَلَّمُوا وَأَطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَأَنْتَهُوا لِنَهْيِهِ تَرْشُدُوا،  
(وَصِيرُوا إِلَى مُرَادِهِ) وَلَا تَتَفَرَّقْ بِكُمْ السَّبِيلُ عَنْ سَبِيلِهِ.  
مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَنَا صِرَاطُ اللَّهِ الْمُسْتَقِيمِ الَّذِي أَمَرَكُمُ بِاتِّبَاعِهِ، ثُمَّ عَلِيٌّ مِنْ بَعْدِي. ثُمَّ  
وُلِدَى مِنْ صُلْبِهِ أُمَّةٌ (أُهْدَى)، يَهْدُونَ إِلَى الْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ.

ثُمَّ قَرَأَ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ...» إِلَى آخِرِهَا،

وَقَالَ: فِي نَزَلَتْ وَفِيهِمْ (وَاللَّهُ) نَزَلَتْ، وَلَهُمْ عَمَّتْ وَإِيَّاهُمْ خَصَّتْ، أَوْلِيَاءُ اللَّهِ  
الَّذِينَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ، أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ. أَلَا إِنَّ أَعْدَائَهُمْ  
هُمُ السَّقَطَاءُ الْغَاوُونَ إِخْوَانُ الشَّيَاطِينِ يُوْحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا.  
أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ ذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ، فَقَالَ عَزَّوَجَلَّ: (لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ  
وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ  
أَوْ عَشِيرَتَهُمْ، أَوْلِيَاءَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ) إِلَى آخِرِ الْآيَةِ.

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ وَصَّاهُمُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فَقَالَ: (الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ  
يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ).

(أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَرْتَابُوا).

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ بِسَلَامٍ آمِنِينَ، تَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ بِالتَّسْلِيمِ يَقُولُونَ: سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ.

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمْ، لَهُمُ الْجَنَّةُ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ. أَلَا إِنَّ أَعْدَائَهُمُ الَّذِينَ يَصُلُّونَ سَعِيرًا.

أَلَا إِنَّ أَعْدَائَهُمُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ لِحَجَّتِهِمْ شَهيقًا وَ هِيَ تَفُورُ وَ يَرُونَ لَهَا زَفِيرًا.

أَلَا إِنَّ أَعْدَائَهُمُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ فِيهِمْ: (كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعَنَتْ أُخْتَهَا) الْآيَةَ.

أَلَا إِنَّ أَعْدَائَهُمُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: (كُلَّمَا لَقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ، قَالُوا بَلَى قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِن شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ) إِلَى قَوْلِهِ: (أَلَا فَسْحَقًا لِّأَصْحَابِ السَّعِيرِ). أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ، لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، شَتَّانَ مَا بَيْنَ السَّعِيرِ وَالْأَجْرِ الْكَبِيرِ.

(مَعَاشِرَ النَّاسِ)، عَدُوْنَا مَنْ ذَمَّهُ اللَّهُ وَلَعَنَهُ، وَ وَلِيْنَا (كُلُّ) مَنْ مَدَحَهُ اللَّهُ وَ أَحَبَّهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَلَا وَإِنِّي (أَنَا) النَّذِيرُ وَ عَلِيُّ الْبَشِيرُ.

(مَعَاشِرَ النَّاسِ)، أَلَا وَإِنِّي مُنذِرٌ وَعَلَى هَادٍ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ (أَلَا) وَإِنِّي نَبِيٌّ وَعَلَى وَصِيٌّ.

(مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَلَا وَإِنِّي رَسُولٌ وَعَلَى الْإِمَامِ وَالْوَصِيِّ مِنْ بَعْدِي، وَالْأَائِمَّةُ مِنْ بَعْدِهِ وَوَلَدُهُ. أَلَا وَإِنِّي وَالِدُهُمْ وَهُمْ يَخْرُجُونَ مِنْ صُلْبِهِ).

أَلَا إِنَّ خَاتَمَ الْأَيْمَةِ مِنَّا الْقَائِمَ الْمَهْدِيَّ.

أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلَى الدِّينِ.

أَلَا إِنَّهُ الْمُتَنَقِّمُ مِنَ الظَّالِمِينَ.

أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ الحُصُونِ وَهَادِمُهَا.

أَلَا إِنَّهُ غَالِبُ كُلِّ قَبِيلَةٍ مِنْ أَهْلِ الشِّرْكِ وَهَادِيهَا.

أَلَا إِنَّهُ الْمُدْرِكُ بِكُلِّ نَارٍ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ.

أَلَا إِنَّهُ النَّاصِرُ لِدِينِ اللَّهِ.

أَلَا إِنَّهُ الْغَرَّافُ مِنْ بَحْرِ عَمِيقٍ .

أَلَا إِنَّهُ يَسِمُ كُلَّ ذِي فَضْلٍ بِفَضْلِهِ وَكُلَّ ذِي جَهْلٍ بِجَهْلِهِ .

أَلَا إِنَّهُ خَيْرُهُ اللَّهُ وَ مُخْتَارُهُ .

أَلَا إِنَّهُ وَارِثُ كُلِّ عِلْمٍ وَالْمَحِيطُ بِكُلِّ فَهْمٍ .

أَلَا إِنَّهُ الْمُخْبِرُ عَنْ رَبِّهِ عَزَّوَجَلَّ وَالْمُشِيدُ لِأَمْرِ آيَاتِهِ .

أَلَا إِنَّهُ الرَّشِيدُ السَّيِّدُ .

أَلَا إِنَّهُ الْمَفُوضُ إِلَيْهِ .

أَلَا إِنَّهُ قَدْ بَشَّرَ بِهِ مَنْ سَلَفَ مِنَ الْقُرُونِ بَيْنَ يَدَيْهِ .

أَلَا إِنَّهُ الْبَاقِي حُجَّةً وَلَا حُجَّةَ بَعْدَهُ وَلَا حَقَّ إِلَّا مَعَهُ وَلَا نُورَ إِلَّا عِنْدَهُ .

أَلَا إِنَّهُ لَا غَالِبَ لَهُ وَلَا مَنْصُورَ عَلَيْهِ .

أَلَا وَإِنَّهُ وَلِيُّ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَحَكَمُهُ فِي خَلْقِهِ، وَأَمِينُهُ فِي سِرِّهِ وَعَلَانِيَتِهِ .

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنِّي قَدِ بَيَّيْتُ لَكُمْ وَأَفْهَمْتُكُمْ، وَ هَذَا عَلَيَّ يُفْهَمُكُمْ بَعْدِي. أَلَا وَإِنِّي  
عِنْدَ انْقِضَاءِ خُطْبَتِي أَدْعُوكُمْ إِلَى مُصَافَقَتِي عَلَى بَيْعَتِهِ وَ الإِقْرَارِيهِ، ثُمَّ مُصَافَقَتِهِ  
بَعْدِي. أَلَا وَإِنِّي قَدِ بَايَعْتُ اللَّهَ وَ عَلَيَّ قَدْ بَايَعَنِي. وَأَنَا آخِذُكُمْ بِالْبَيْعَةِ لَهُ عَنِ اللَّهِ  
عَزَّ وَجَلَّ. (إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ، يَدُلُّ اللَّهُ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ. فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا  
يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ، وَ مَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ، (فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ  
عَلَيْهِ أَنْ يَطُوفَ بِهِمَا) الْآيَةَ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، حُجُّوا الْبَيْتَ، فَمَا وَرَدَهُ أَهْلُ بَيْتٍ إِلَّا اسْتَعْنَوْا وَ أُبْشِرُوا، وَلَا تَخْلَفُوا  
عَنْهُ إِلَّا بَتَرُوا وَ افْتَقَرُوا.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، مَا وَقَفَ بِالْمَوْقِفِ مُؤْمِنٌ إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا سَلَفَ مِنْ ذَنْبِهِ إِلَى وَقْتِهِ  
ذَلِكَ، فَإِذَا انْقَضَتْ حَجَّتُهُ اسْتَأْنَفَ عَمَلَهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، الْحُجَّاجُ مُعَانُونَ وَ نَفَقَاتُهُمْ مُخْلَفَةٌ عَلَيْهِمْ وَ اللَّهُ لَا يُضِيعُ  
أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، حُجُّوا الْبَيْتَ بِكَمَالِ الدِّينِ وَ النَّفْقَةِ، وَلَا تَنْصَرِفُوا عَنِ الْمَشَاهِدِ إِلَّا  
بِتَوْبَةٍ وَ إِقْلَاعٍ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ كَمَا أَمَرَكُمُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ، فَإِنْ طَالَ عَلَيْكُمُ الْأَمَدُ فَقَصِّرْتُمْ أَوْ نَسِيْتُمْ فَعَلَىٰ وَلِيِّكُمُ وَمُبِينٍ لَكُمْ، الَّذِي نَصَبَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَكُمْ بَعْدِي أَمِينٌ خَلَقَهُ. إِنَّهُ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُ، وَهُوَ وَمَنْ تَخَلَّفَ مِنْ ذُرِّيَّتِي يُخْبِرُونَكُمْ بِمَا تَسْأَلُونَ عَنْهُ وَيُبَيِّنُونَ لَكُمْ مَا لَا تَعْلَمُونَ.

أَلَا إِنَّ الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ أُحْصِيَهُمَا وَأَعْرِفَهُمَا فَأَمَرَ بِالْحَلَالِ وَأَنْهَى عَنِ الْحَرَامِ فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ، فَأَمَرْتُ أَنْ آخِذَ الْبَيْعَةَ مِنْكُمْ وَالصَّفْقَةَ لَكُمْ بِقَبُولِ مَا جِئْتُ بِهِ عَنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَوْصِيَاءِ مِنْ بَعْدِهِ الَّذِينَ هُمْ مِنِّي وَمِنْهُ إِمَامَةٌ فِيهِمْ قَائِمَةٌ، خَاتِمُهَا الْمَهْدِيُّ إِلَى يَوْمٍ يَلْقَى اللَّهُ الَّذِي يُقَدِّرُ وَيَقْضِي.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، وَكُلُّ حَلَالٍ دَلَلْتُكُمْ عَلَيْهِ وَكُلُّ حَرَامٍ نَهَيْتُكُمْ عَنْهُ فَإِنِّي لَمْ أَرْجِعْ عَنْ ذَلِكَ وَ لَمْ أُبَدِّلْ. أَلَا فَادْكُرُوا ذَلِكَ وَاحْفَظُوهُ وَتَوَاصَوْا بِهِ، وَلَا تُبَدِّلُوهُ وَلَا تَغَيِّرُوهُ. أَلَا وَإِنِّي أُجَدِّدُ الْقَوْلَ: أَلَا فَاقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ.

أَلَا وَإِنَّ رَأْسَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ أَنْ تَنْتَهُوا إِلَى قَوْلِي وَتُبَلِّغُوهُ مَنْ لَمْ يَحْضُرْ وَتَأْمُرُوهُ بِقَبُولِهِ عَنِّي وَتَنْهَوْهُ عَن مُخَالَفَتِهِ، فَإِنَّهُ أَمْرٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَمِنْنِي. وَلَا أَمْرَ بِمَعْرُوفٍ وَلَا نَهْيَ عَن مُنْكَرٍ إِلَّا مَعَ إِمَامٍ مَعْصُومٍ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، الْقُرْآنُ يُعْرِفُكُمْ أَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ بَعْدِهِ وَوَلَدَهُ، وَعَرَفْتُمْ أَنَّهُمْ مِنِّي وَمِنْهُ، حَيْثُ يَقُولُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ: (وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ). وَقُلْتُ: «لَنْ تَضِلُّوا مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا».

مَعَاشِرِ النَّاسِ، التَّقْوَى، التَّقْوَى، وَاحْذَرُوا السَّاعَةَ كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: (إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ). اذْكُرُوا الْمَمَاتَ (وَالْمَعَادَ) وَالْحِسَابَ وَالْمَوَازِينَ وَالْمِحَاسِبَ بَيْنَ يَدَيْ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالْثَّوَابَ وَالْعِقَابَ. فَمَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ أَثِيبَ عَلَيْهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَيْسَ لَهُ فِي الْجَنَانِ نَصِيبٌ.

مَعَاشِرِ النَّاسِ، إِنَّكُمْ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُصَافِقُونِي بِكَفٍّ وَاحِدٍ فِي وَقْتٍ وَاحِدٍ، وَقَدْ أَمَرَنِي اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ أَنْ آخُذَ مِنَ السِّنِّتِكُمْ الْإِقْرَارَ بِمَا عَقَّدْتُ لِعَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَلَمَنْ جَاءَ بَعْدَهُ مِنَ الْأَيْمَةِ مِنِّي وَمِنْهُ، عَلِيٌّ مَا أَعْلَمْتُكُمْ أَنْ ذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِهِ.

فَقُولُوا بِأَجْمَعِكُمْ: «إِنَّا سَامِعُونَ مُطِيعُونَ رَاضُونَ مُنْقَادُونَ لِمَا بَلَّغْتَ عَن رَّبِّنَا وَرَبِّكَ فِي أَمْرِ إِمَامِنَا عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ وُلِدَ مِنْ صُلْبِهِ مِنَ الْأَيْمَةِ، يُبَايِعُكَ عَلَى ذَلِكَ بِقُلُوبِنَا وَأَنْفُسِنَا وَالسِّنِّتِنَا وَأَيْدِينَا. عَلَى ذَلِكَ نَحْيِي وَعَلَيْهِ نَمُوتُ وَعَلَيْهِ نُبْعَثُ. وَلَا نَغْيَرُ وَلَا نُبَدِّلُ، وَلَا نَشْكُ (وَلَا نَجْحَدُ) وَلَا نَرْتَابُ، وَلَا نَرْجِعُ عَنِ الْعَهْدِ وَلَا نَنْقُضُ الْمِيثَاقَ.

وَعَظَّتْنَا بِوَعْظِ اللَّهِ فِي عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَيْمَةِ الَّذِينَ ذَكَرْتَ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ مِنْ وُلْدِهِ بَعْدَهُ، الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَمَنْ نَصَبَهُ اللَّهُ بَعْدَهُمَا. فَالْعَهْدُ وَالْمِيثَاقُ لَهُمْ مَا أَخُودُ مِنَّا، مِنْ قُلُوبِنَا وَأَنْفُسِنَا وَالسِّنِّتِنَا وَضَمَائِرِنَا وَأَيْدِينَا. مَنْ أَدْرَكَهَا بِيَدِهِ وَإِلَّا فَقَدْ أَقْرَبَ بِلِسَانِهِ، وَلَا نَبْتَغِي بِذَلِكَ بَدَلًا وَلَا يَرَى اللَّهُ مِنْ أَنْفُسِنَا حِوَلًا. نَحْنُ نُؤَدِّي ذَلِكَ عَنكَ الدَّانِي وَالْقَاصِي مِنْ أَوْلَادِنَا وَأَهَالِينَا، وَنُشْهِدُكَ اللَّهُ بِذَلِكَ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا وَأَنْتَ عَلَيْنَا بِهِ شَهِيدٌ».

مَعَاشِرَ النَّاسِ، مَا تَقُولُونَ؟ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ كُلَّ صَوْتٍ وَ خَافِيَةٍ كُلِّ نَفْسٍ، (فَمَنْ  
اهْتَدَى فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا)، وَ مَنْ بَايَعَ فَإِنَّمَا يُبَايِعُ اللَّهَ، (يُدَالُّهُ فَوْقَ  
أَيْدِيهِمْ).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، فَبَايِعُوا اللَّهَ وَ بَايِعُونِي وَ بَايِعُوا عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ  
وَ الْأَئِمَّةَ (مِنْهُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ) كَلِمَةً بَاقِيَةً.

يُهْلِكُ اللَّهُ مَنْ غَدَرَ وَ يَرْحَمُ مَنْ وَفَى، (وَ مَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَ  
مَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، قُولُوا الَّذِي قُلْتُ لَكُمْ وَ سَلِّمُوا عَلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ الْمُرْتَضَى، وَ قُولُوا:  
(سَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ)، وَ قُولُوا: (الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا  
وَ مَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ) الْآيَةَ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ فَضَائِلَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - وَ قَدْ أَنْزَلَهَا فِي  
الْقُرْآنِ - أَكْثَرُ مِنْ أَنْ أُحْصِيَهَا فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ، فَمَنْ أَنْبَأَكُمْ بِهَا وَ عَرَفَهَا فَصَدَّقْ قَوْلَهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ عَلِيًّا وَ الْأَئِمَّةَ الَّذِينَ ذَكَرْتُهُمْ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا  
عَظِيمًا.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، السَّابِقُونَ إِلَىٰ مُبَايَعَتِهِ وَ مَوَالِيَتِهِ وَ التَّسْلِيمِ عَلَيْهِ بِأَمْرِ الْمُؤْمِنِينَ  
أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، قُولُوا مَا يَرْضَى اللَّهُ بِهِ عَنْكُمْ مِنَ الْقَوْلِ، فَإِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَمَنْ فِي  
الْأَرْضِ جَمِيعًا فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهُ شَيْئًا.

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ (بِمَا أَدَّيْتُ وَأَمَرْتُ) وَاغْضِبْ عَلَى (الْجَاهِدِينَ) الْكَافِرِينَ،  
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

## ترجمه فارسی

بسم الله الرحمن الرحيم

### 1 حمد و ثنای الهی

حمد و سپاس خدایی را که در یگانگی خود بلند مرتبه، و در تنهایی و فرد بودن خود نزدیک است. در قدرت و سلطه خود با جلال و در ارکان خود عظیم است. علم او به همه چیز احاطه دارد در حالی که در جای خود است، و همه مخلوقات را با قدرت و برهان خود تحت سیطره دارد. همیشه مورد سپاس بوده و همچنان مورد ستایش خواهد بود.

صاحب عظمتی که از بین رفتنی نیست. ابتدا کننده او و باز گرداننده اوست و هر کاری بسوی او باز می گردد.

بوجود آورنده بالا برده شده ها (کنایه از آسمانها و افلاک) و پهن کننده گسترده ها (کنایه از زمین) یگانه حکمران زمینها و آسمانها، پاک و منزّه و تسبیح شده، پروردگار ملائکه و روح، تفضل کننده بر همه آنچه خلق کرده و لطف کننده بر هر آنچه بوجود آورده است. هر چشمی زیر نظر اوست ولی چشمها او را نمی بینند.

کرم کننده و بردبار و تحمل کننده است. رحمت او همه چیز را فرا گرفته و با نعمت خود بر همه آنها منت گذارده است. در انتقام گرفتن خود عجله نمی کند، و به آنچه از عذابش که مستحق آند مبادرت نمی ورزد.

باطنها و سریره ها را می فهد و ضمائر را می داند و پنهانها بر او مخفی نمی ماند و مخفی ها بر او مشتبه نمی شود. او راست احاطه بر هر چیزی و غلبه بر همه چیز و قوت در هر چیزی و قدرت بر هر چیزی، و مانند او شیئی نیست. اوست بوجود آورنده شیئی (چیز) هنگامی که چیزی نبود. دائم و زنده است و به قسط و عدل قائم است. نیست خدایی جز او که با عزت و حکیم است.

بالا تر از آن است که چشمها او را درک کنند ولی او چشمها را درک می کند و او لطف کننده و آگاه است. هیچکس نمی تواند به دیدن به صفت او راه یابد، و هیچکس به چگونگی او از سر و آشکار دست نمی یابد مگر به آنچه خود خداوند عز و جل راهنمایی کرده است.

گواهی می دهم برای او که اوست خدایی که قدس و پاکی و منززه بودن او روزگار را پر کرده است. او که نورش ابدیت را فرا گرفته است. او که دستورش را بدون مشورت مشورت کننده ای اجرا می کند و در تقدیرش شریک ندارد و در تدبیرش کمک نمی شود.

آنچه ایجاد کرده بدون نمونه و مثالی تصویر نموده و آنچه خلق کرده بدون کمک از کسی و بدون زحمت و بدون احتیاج به فکر و حيله خلق کرده

است. آنها را ایجاد کرد پس بوجود آمدند و خلق کرد پس ظاهر شدند. پس اوست خدایی که جز او خدایی نیست، صنعت او محکم و کار او زیبا است، عادل که ظلم نمی کند و کرم کننده ای که کارها بسوی او باز می گردد. شهادت می دهم که اوست خدایی که همه چیز در مقابل عظمت او تواضع کرده و همه چیز در مقابل عزت او ذلیل شده و همه چیز در برابر قدرت او سر تسلیم فرود آورده و همه چیز در برابر هیبت او خاضع شده اند.

پادشاه پادشاهان و گرداننده افلاک و مسخر کننده آفتاب و ماه، که همه با زمان تعیین شده در حرکت هستند. شب را بر روی روز و روز را بر روی شب می گرداند که بسرعت در پی آن می رود. در هم شکننده هر زورگوی با عناد، و هلاک کننده هر شیطان سرپیچ و متمرّد.

برای او ضدی و همراه او معارضی نبوده است. یکتا و بی نیاز است. زائیده نشده و نمی زاید و برای او هیچ همتایی نیست. خدای یگانه و پروردگار با عظمت. می خواهد پس به انجام می رساند، و اراده می کند پس مقدر می نماید، و می داند پس به شماره می آورد. می میراند و زنده می کند، فقیر می کند و غنی می نماید، می خنداند و می گریاند، نزدیک می کند و دور می نماید، منع می کند و عطا می نماید. پادشاهی از آن او و حمد و سپاس برای اوست. خیر بدست اوست و او بر هر چیزی قادر است.

شب را در روز و روز را در شب فرو می برد. نیست خدایی جز او که با عزت و آمرزنده است. اجابت کننده دعا، بسیار عطا کننده، شمارنده نفسها و پروردگار

جن و بشر، که هیچ امری بر او مشکل نمی شود، و فریاد دادخواهان او را منضجر نمی کند، و اصرار اصرار کنندگانش او را خسته نمی کند. نگهدارنده صالحین و موفق کننده رستگاران و صاحب اختیار مؤمنین و پروردگار عالمین. خدایی که از هر آنچه خلق کرده مستحق است که او را در هر حالی که شکر و سپاس گویند. او را سپاس بسیار می گویم و دائماً شکر می نمایم، چه در آسایش و چه در گرفتاری، چه در حال شدت و چه در حال آرامش. و به او و ملائکه اش و کتابهایش و پیامبرانش ایمان می آورم. دستورات او را گوش می دهم و اطاعت می نمایم و به آنچه او را راضی می کند مبادرت می ورزم و در مقابل مقدرات او تسلیم می شوم بعنوان رغبت در اطاعت او و ترس از عقوبت او، چرا که اوست خدایی که نمی توان از مکر او در امان بود و از ظلم او هم ترس نداریم (یعنی ظلم نمی کند).

## 2 فرمان الهی برای مطلبی مهم

اقرار می‌کنم برای خداوند بر نفس خود بعنوان بندگی او، و شهادت می‌دهم برای او به پروردگاری، و آنچه به من وحی نموده ادا می‌نمایم از ترس آنکه مبادا اگر انجام ندهم عذابی از او بر من فرود آید که هیچکس نتواند آنرا دفع کند هر چند که حيله عظیمی بکار بندد و دوستی او خالص باشد نیست خدایی جز اوزیرا خداوند به من اعلام فرموده که اگر آنچه در حق علی بر من نازل نموده ابلاغ نکنم رسالت او را نرسانده‌ام، و برای من حفظ از شر مردم را ضمانت نموده و خدا کفایت‌کننده و کریم است.

خداوند به من چنین وحی کرده است: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ عَلَىٰ عِلْمٍ بِإِذْنِ اللَّهِ لَعَلَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ يَرْجِعُونَ» (فما بلغت رسالته و الله يعصمك من الناس)، ای پیامبر ابلاغ کن آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده درباره علی، یعنی خلافت علی بن ابی طالب و اگر انجام ندهی رسالت او را نرسانده‌ای، و خداوند تو را از مردم حفظ می‌کند». ای مردم، من در رساندن آنچه خداوند بر من نازل کرده کوتاهی نکرده‌ام، و من سبب نزول این آیه را برای شما بیان می‌کنم:

جبرئیل سه مرتبه بر من نازل شد و از طرف خداوند سلام پروردگارم که او سلام است مرا مأمور کرد که در این محل اجتماع بپا خیزم و برهر سفید و سیاهی اعلام کنم که «علی بن ابی طالب برادر من و وصی من و جانشین من بر

امتم و امام بعد از من است. نسبت او بمن همانند نسبت هارون به موسی است جز اینکه پیامبری بعد از من نیست. و او صاحب اختیار شما بعد از خدا و رسولش است»، و خداوند در این مورد آیه ای از کتابش بر من نازل کرده است: «انما وليکم الله و رسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلاه و یؤتون الزکاه و هم راکعون»، «صاحب اختیار شما خدا و رسولش هستند و کسانی که ایمان آورده و نماز را بپا می دارند و در حال رکوع زکات می دهند»، و علی بن ابی طالب است که نماز را بپا داشته و در حال رکوع زکات داده و در هر حال خداوند عز و جل را قصد می کند. ای مردم، من از جبرئیل درخواست کردم که از خدا بخواهد تا مرا از ابلاغ این مهم معاف بدارد، زیرا از کمی متقین و زیادی منافقین و افساد ملامت کنندگان و حيله های مسخره کنندگان اسلام اطلاع دارم، کسانی که خداوند در کتابش آنان را چنین توصیف کرده است که با زبانشان می گویند آنچه در قلبهایشان نیست و این کار را سهل می شمارند در حالیکه نزد خداوند عظیم است. و همچنین بخاطر اینکه منافقین بارها مرا اذیت کرده اند تا آنجا که مرا «اذن» (گوش دهنده بر هر حرفی) نامیدند، و گمان کردند که من چنین هستم بخاطر ملازمت بسیار او (علی) با من و توجه من به او و تمایل او و قبولش از من، تا آنکه خداوند عز و جل در این باره چنین نازل کرد: «و منهم الذین یؤذون النبی ویقولون هو اذن قل اذنعلی الذین یزعمون أنه اذنخیر لکم، یؤمن بالله و یؤمن للمؤمنین...»، «و از آنان کسانی هستند که پیامبر را اذیت می کنند و می گویند او «اذن» (گوش دهنده بر هر حرفی) است، بگو: گوش استبر ضد کسانی که گمان می کنند او «اذن» است و برای شما خیر است، به خدا ایمان می آورد و در مقابل مؤمنین اظهار تواضع و احترام می نماید».

و اگر من بخواهم گویندگان این نسبت (اذن) را نام ببرم می توانم، و اگر بخواهم به شخص آنها اشاره کنم می نمایم، و اگر بخواهم با علائم آنها را معرفی کنم می توانم، ولی بخدا قسم من در کار آنان با بزرگواری رفتار کرده ام.

بعد از همه اینها، خداوند از من راضی نمی شود مگر آنچه در حق علی بر من نازل کرده ابلاغ نمایم.

سپس حضرت این آیه را تلاوت فرمودند: «یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک فی حق علیو إن لم تفعل فما بلغت رسالته و الله یعصمک من الناس»، «ای پیامبر برسان آنچه در حق علی از پروردگارت بر تو نازل شده و اگر انجام ندهی رسالت او را نرسانده ای، و خداوند تو را از مردم حفظ می کند».

### 3 اعلان رسمی ولایت و امامت دوازده امام علیه السلام

ای مردم، این مطلب را درباره او بدانید و بفهمید، و بدانید که خداوند او را برای شما صاحب اختیار و امامی قرار داده که اطاعتش را واجب نموده است بر مهاجرین و انصار و بر تابعین آنان به نیکی، و بر روستایی و شهری، و بر عجمی و عربی، و بر آزاد و بنده، و بر بزرگ و کوچک، و بر سفید و سیاه. بر هر یکتا پرستی حکم او اجرا شونده و کلام او مورد عمل و امر او نافذ است. هر کس با او مخالفت کند ملعون است، و هر کس تابع او باشد و او را تصدیق نماید مورد رحمت الهی است. خداوند او را و هر کس را که از او بشنود و او را اطاعت کند آمرزیده است .

ای مردم، این آخرین باری است که در چنین اجتماعی بیایم ایستیم، پس بشنوید و اطاعت کنید و در مقابل امر خداوند پروردگارتان سر تسلیم فرود آورید، چرا که خداوند عز و جل صاحب اختیار شما و معبود شما است، و بعد از خداوند رسولش و پیامبرش که شما را مخاطب قرار داده، و بعد از من علی صاحب اختیار شما و امام شما به امر خداوند است، و بعد از او امامت در نسل من از فرزندان اوست تا روزی که خدا و رسولش را ملاقات خواهید کرد. حلالی نیست مگر آنچه خدا و رسولش و آنان (امامان) حلال کرده باشند، و حرامی نیست مگر آنچه خدا و رسولش و آنان (امامان) بر شما حرام کرده باشند. خداوند عز و جل حلال و حرام را به من شناسانده است، و آنچه پروردگارم از کتابش و حلال و حرامش به من آموخته به او سپرده ام .

ای مردم، علی را (بر دیگران) فضیلت دهید. هیچ علمی نیست مگر آنکه خداوند آنرا در من جمع کرده است و هر علمی را که آموخته ام در امام المتقین جمع نموده ام، و هیچ علمی نیست مگر آنکه آنرا به علی آموخته ام. اوست «امام مبین» که خداوند در سوره یس ذکر کرده است: «و کل شیء احصیناه فی امام مبین»، «و هر چیزی را در امام مبین جمع کردیم».

ای مردم، از او (علی) بسوی دیگری گمراه نشوید، و از او روی بر مگردانید و از ولایت او سر باز نزنید. اوست که به حق هدایت نموده و به آن عمل می کند، و باطل را ابطال نموده و از آن نهی می نماید، و در راه خدا سرزنش ملامت کننده ای او را مانع نمی شود.

او (علی) اول کسی است که به خدا و رسولش ایمان آورد و هیچکس در ایمان به من بر او سبقت نگرفت. اوست که با جان خود در راه رسول خدا فداکاری کرد. اوست که با پیامبر خدا بود در حالی که هیچکس از مردان همراه او خدا را عبادت نمی کرد. اولین مردم در نماز گزاردن، و اول کسی است که با پیامبر خدا بود در حالی که هیچکس از مردان همراه او خدا را عبادت نمی کرد. اولین مردم در نماز گزاردن، و اول کسی است که با من خدا را عبادت کرد. از طرف خداوند به او امر کردم تا در خوابگاه من بخوابد، او هم در حالیکه جانش را فدای من کرده بود در جای من خوابید.

ای مردم، او را فضیلت دهید که خدا او را فضیلت داده است، و او را قبول کنید که خداوند او را منصوب نموده است.

ای مردم، او از طرف خداوند امام است، و هر کس ولایت او را انکار کند خداوند هرگز توبه اش را نمی پذیرد و او را نمی بخشد. حتمی است بر خداوند که با کسی که با او مخالفت نماید چنین کند و او را به عذابی شدید تا ابدیت و تا آخر روزگار معذب نماید. پس بپرهیزید از اینکه با او مخالفت کنید و گرفتار آتشی شوید که آتشگیره آن مردم و سنگها هستند و برای کافران آماده شده است.

ای مردم، بخدا قسم پیامبران و رسولان پیشین به من بشارت داده اند، و من بخدا قسم خاتم پیامبران و مرسلین و حجت بر همه مخلوقین از اهل اسمانها و زمینها هستم. هر کس در این مطالب شک کند مانند کفر جاهلیت اول کافر شده است. و هر کس در چیزی از این گفتار من شک کند در همه آنچه بر من نازل شده شک کرده است، و هر کس در یکی از امامان شک کند در همه آنان شک کرده است، و شک کننده درباره ما در آتش است.

ای مردم، خداوند این فضیلت را بر من ارزانی داشته که من متی از او بر من و احسانی از جانب او بسوی من است. خدایی جز او نیست. حمد و سپاس از من بر او تا ابدیت و تا آخر روزگار و در هر حال.

ای مردم، علی را فضیلت دهید که او افضل مردم بعد از من از مرد و زن است تا مادامی که خداوند روزی را نازل می کند و خلق باقی هستند. ملعون است ملعون است، مورد غضب است مورد غضب است کسی که این گفتار مرا رد کند و با آن موافق نباشد. بدانید که جبرئیل از جانب خداوند این خبر را برای من آورده است و می گوید: «هر کس با علی دشمنی کند و ولایت او را نپذیرد لعنت و غضب من بر او باد». هر کس ببیند برای فردا چه پیش فرستاده است. از خدا بترسید که با علی مخالفت کنید و در نتیجه قدمی بعد از ثابت بودن آن بلغزد، خداوند از آنچه انجام می دهید آگاه است.

ای مردم، او (علی) «جنب الله» است که خداوند در کتاب عزیزش ذکر کرده و درباره کسی که با او مخالفت کند فرموده است: «ان تقول نفس یا حسرتا علی ما فرطت فی جنب الله»، «ای حسرت بر آنچه درباره جنب خداوند تفریط و کوتاهی کردم».

ای مردم، قرآن را تدبر نمائید و آیات آن را بفهمید و در محکامات آن نظر کنید و بدنبال متشابه آن نروید. بخدا قسم، باطن آن را برای شما بیان نمی کند و تفسیرش را برایتان روشن نمی کند مگر این شخصی که من دست او را می گیرم و او را بسوی خود بالا می برم و بازوی او را می گیرم و با دو دستم او را بلند می کنم و به شما می فهمانم که «هر کس من صاحب اختیار اویم این علی صاحب اختیار او است». و او علی بن ابی طالب برادر و جانشین من است، ولایت او از جانب خداوند عز و جل است که بر من نازل کرده است.

ای مردم، علی و پاکان از فرزندانم از نسل او ثقل اصغرند و قرآن ثقل اکبر است. هر یک از این دوازده دیگری خبر می دهد و با آن موافق است. آنها از یکدیگر جدا نمی شوند تا بر سر حوض کوثر بر من وارد شوند. بدانید که آنان امین های خداوند بین مردم و حاکمان او در زمین هستند.

بدانید که من ادا نمودم، بدانید که من ابلاغ کردم، بدانید که من شنواییدم، بدانید که من روشن نمودم، بدانید که خداوند فرموده است و من از جانب خداوند عز و جل می گویم، بدانید که امیر المؤمنین جز این برادرم نیست. بدانید که امیر المؤمنین بودن بعد از من برای احدی جز او حلال نیست.

#### 4 معرفی و بلند کردن امیر المؤمنین علیه السلام بدست پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

سپس پیامبر ﷺ دستش را بر بازوی علی ع زد و آنحضرت را بلند کرد. و این در حالی بود که امیر المؤمنین ع از زمانی که پیامبر ﷺ بر فراز منبر آمده بود یک پله پائین تر از مکان حضرت ایستاده بود و نسبت به صورت حضرت به طرف راست مایل بود که گویی هر دو در یک مکان ایستاده اند.

پس پیامبر ﷺ با دستش او را بلند کرد و هر دو دست را به سوی آسمان باز نمود و علی ع را از جا بلند نمود تا حدی که پای آنحضرت موازی زانوی پیامبر ﷺ رسید. سپس فرمود:

ای مردم، این علی است برادر من و وصی من و جامع علم من، و جانشین من در امتم بر آنان که به من ایمان آورده اند، و جانشین من در تفسیر کتاب خداوند عز و جل و دعوت به آن، و عمل کننده به آنچه او را راضی می کند، و جنگ کننده با دشمنان خدا و دوستی کننده بر اطاعت او و نهی کننده از معصیت او. اوست خلیفه رسول خدا، و اوست امیر المؤمنین و امام هدایت کننده از طرف خداوند، و اوست قاتل ناکثان و قاسطان و مارقان به امر خداوند.

خداوند می فرماید: «ما یبدل القول لدی»، «سخن در پیشگاه من تغییر نمی پذیرد»، پروردگارا، به امر تو می گویم: «خداوندا دوست بدار هر کس علی را

دوست بدارد و دشمن بدار هر کس علی را دشمن بدارد. و یاری کن هر کس علی را یاری کند و خوار کن هر کس علی را خوار کند، و لعنت نما هر کس علی را انکار کند و غضب نما بر هر کس که حق علی را انکار نماید».

پروردگارا، تو هنگام روشن شدن این مطلب و منصوب نمودن علی در این روز این آیه را درباره او نازل کردی: «اليوم اكملت لكم دينكم واتممت عليكم نعمتي ورضيت لكم الإسلام دينا». «و من يبتغ غير الإسلام دينا فلن يقبل منه وهو في الآخرة من الخاسرين». «امروز دین شما را برایتان کامل نمودم و نعمت خود را بر شما تمام کردم و اسلام را بعنوان دین شما راضی شدم»، «و هر کس دینی غیر از اسلام انتخاب کند هرگز از او قبول نخواهد شد و او در آخرت از زیانکاران خواهد بود». پروردگارا، تو را شاهد می گیرم که من ابلاغ نمودم.

## 5 تأکید بر توجه امت به مسئله امامت

ای مردم، خداوند دین شما را با امامت او کامل نمود، پس هر کس اقتدا نکند به او و به کسانی که جانشین او از فرزندان من و از نسل او هستند تا روز قیامت و روز رفتن به پیشگاه خداوند عز و جل، چنین کسانی اعمالشان در دنیا و آخرت از بین رفته و در آتش دائمی خواهند بود. عذاب از آنان تخفیف نمی یابد و به آنها مهلت داده نمی شود.

ای مردم، این علی است که یاری کننده ترین شما نسبت بمن و سزاوارترین شما به من و نزدیک ترین شما به من و عزیزترین شما نزد من است. خداوند عز و جل و من از او راضی هستیم. هیچ آیه رضایتی در قرآن نازل نشده است مگر درباره او، و هیچگاه خداوند مؤمنین را مورد خطاب قرار نداده مگر آنکه ابتدا او مخاطب بوده است، و هیچ آیه مدحی در قرآن نیست مگر درباره او، و خداوند در سوره «هل اتی علی الإنسان» شهادت به بهشت نداده مگر برای او و این سوره را درباره غیر او نازل نکرده و با این سوره جز او را مدح نکرده است.

ای مردم، او یاری دهنده دین خدا و دفاع کننده از رسول خدا است، و اوست با تقوای پاکیزه هدایت کننده هدایت شده. پیامبرتان بهترین پیامبر و وصیتان بهترین وصی و فرزندان او بهترین اوصیاء هستند.

ای مردم، نسل هر پیامبری از صلب خود او هستند ولی نسل من از صلب امیر  
المؤمنین علی است .

ای مردم، شیطان آدم را با حسد از بهشت بیرون کرد. مبادا به علی حسد کنید  
که اعمالتان نابود شود و قدمهایتان بلغزد. آدم بخاطر یک گناه بزمین فرستاده شد  
در حالیکه انتخاب شده خداوند عز و جل بود، پس شما چگونه خواهید بود در  
حالیکه شمائید و در بین شما دشمنان خدا هستند .

بدانید که با علی دشمنی نمی کند مگر شقی و با علی دوستی نمی کند مگر با  
تقوی، و به او ایمان نمی آورد مگر مؤمن مخلص. بخدا قسم درباره علی نازل  
شده است سوره «و العصر»: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَالْعَصْرِ، إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي  
خَسْرٍ»، «قسم به عصر، انسان در زیان است» مگر علی که ایمان آورد و به حق و  
صبر توصیه کرد.

ای مردم، من خدا را شاهد گرفتم و رسالتم را به شما ابلاغ نمودم، و بر عهده  
رسول جز ابلاغ روشن چیزی نیست. ای مردم از خدا بترسید آنطور که باید  
ترسید و از دنیا نروید مگر آنکه مسلمان باشید.

## 6 اشاره به کارشکنیهای منافقین

ای مردم، «ایمان آورید به خدا و رسولش و به نوری که همراه او نازل شده است، قبل از آنکه هلاک کنیم وجوهی را و آن صورتها را به پشت برگردانیم یا آنان را مانند اصحاب سبت لعنت کنیم». بخدا قسم، از این آیه قصد نشده است مگر قومی از اصحابم که آنان را به اسم و نسبشان می شناسم ولی مأمورم که از آنان پرده پوشی کنم. پس هر کس عمل کند مطابق آنچه در قلبش از حب یا بغض نسبت به علی می یابد.

ای مردم، نور از جانب خداوند عز و جل در من نهاده شده و سپس در علی بن ابی طالب و بعد در نسل او تا مهدی قائم که حق خداوند و هر حقی که برای ما باشد می گیرد، چرا که خداوند عز و جل ما را بر کوتاهی کنندگان و بر معاندان و مخالفان و خائنان و گناهکاران و ظالمان و غاصبان از همه عالمیان حجت قرار داده است.

ای مردم، شما را می ترسانم و انذار می نمایم که من رسول خدا هستم و قبل از من پیامبران بوده اند، آیا اگر من بمیرم یا کشته شوم شما عقب گرد می نمائید؟ هر کس به عقب برگردد به خدا ضرری نمی رساند، و خدا بزودی شاکرین و صابرين را پاداش می دهد. بدانید که علی است توصیف شده به صبر و شکر و بعد از او فرزندانم از نسل او چنین اند.

ای مردم، با اسلامتان بر من منت مگذارید، بلکه بر خدا منت نگذارید، که اعمالتان را نابود می نماید و بر شما غضب می کند و شما را به شعله ای از آتش و مس (گداخته) مبتلا می کند، پروردگار شما در کمین است.

ای مردم، بعد از من امامانی خواهند بود که به آتش دعوت می کنند و روز قیامت کمک نمی شوند. ای مردم، خداوند و من از آنان بیزار هستیم. ای مردم، آنان و یارانشان و تابعینشان و پیروانشان در پائین ترین درجه آتش اند و چه بد است جای متکبران. بدانید که آنان «اصحاب صحیفه» هستند، پس هر یک از شما در صحیفه خود نظر کند.

راوی می گوید: وقتی پیامبر ﷺ نام «اصحاب صحیفه» را آورد اکثر مردم منظور حضرت از این کلام را نفهمیدند و برایشان سؤال انگیز شد و فقط عده کمی مقصود حضرت را فهمیدند.

ای مردم، من امر خلافت را بعنوان امامت و وراثت آن در نسل خودم تا روز قیامت به ودیعه می سپارم، و من رسانیدم آنچه مأمور به ابلاغش بودم تا حجت باشد بر حاضر و غائب و بر همه کسانی که حضور دارند یا ندارند، بدنیآ آمده اند یا نیامده اند. پس حاضران به غائبان و پدران به فرزندان تا روز قیامت برسانند.

و بزودی امامت را بعد از من بعنوان پادشاهی و با ظلم و زور می گیرند. خداوند غاصبین و تعدی کنندگان را لعنت کند. و در آن هنگام استای جن و انس که می ریزد برای شما آنکه باید بریزد و می فرستد بر شما شعله ای از آتش و مس (گداخته) و نمی توانید آنرا از خود دفع کنید.

ای مردم، خداوند عز و جل شما را به حال خود رها نخواهد کرد تا آنکه خبیث را از پاکیزه جدا کند، و خداوند شما را بر غیب مطلع نمی کند.

ای مردم، هیچ سرزمین آبادی نیست مگر آنکه در اثر تکذیب (اهل آن آیات الهی را) خداوند قبل از روز قیامت آنها را هلاک خواهد کرد و آنها را تحت حکومت حضرت مهدی خواهد آورد، و خداوند وعده خود را عملی می نماید.

ای مردم، قبل از شما اکثر پیشینیان هلاک شدند، و خداوند آنها را هلاک نمود و اوست که آیندگان را هلاک خواهد کرد. خدای تعالی می فرماید «**أَلَمْ نَهْلِكِ الْأُولِينَ، ثُمَّ نَتَّبِعُهُمُ الْآخِرِينَ، كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ، وَيَلْ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ**»، «آیا ما پیشینیان را هلاک نکردیم؟ آیا در پی آنان دیگران را نفرستادیم؟ ما با مجرمان چنین می کنیم. وای بر مکذبین در آن روز».

ای مردم، خداوند مرا امر و نهی نموده است، و من هم به امر الهی علی را امر و نهی نموده ام، و علم امر و نهی نزد اوست. پس امر او را گوش دهید تا سلامت بمانید، و او را اطاعت کنید تا هدایت شوید و نهی او را قبول کنید تا در راه درست باشید، و به سوی مقصد و مراد او بروید و راههای بیگانه، شما را از راه او منحرف نکند.

## 7 پیروان اهل بیت علیه السلام و دشمنان ایشان

ای مردم، من راه مستقیم خداوند هستم که شما را به تبعیت آن امر نموده، و سپس علی بعد از من، و سپس فرزندانم از نسل او که امامان هدایت اند، به حق هدایت می کنند و بیاری حق به عدالت رفتار می کنند.

سپس حضرت چنین خواندند: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» تا آخر سوره حمد و سپس فرمودند:

این سوره درباره من نازل شده، و بخدا قسم درباره ایشان (امامان) نازل شده است. بطور عموم شامل آنهاست و بطور خاص درباره آنان است. ایشان دوستان خدایند که ترسی بر آنان نیست و محزون نمی شوند، بدانید که حزب خداوند غالب هستند.

بدانید که دشمنان ایشان سفهاء گمراه و برادران شیاطین اند که اباطیل را از روی غرور به یکدیگر می رسانند.

بدانید که دوستان ایشان (اهل بیت) کسانی اند که خداوند در کتابش آنان را یاد کرده و فرموده است: «لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ، أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ» تا آخر آیه، «نمی یابی قومی را که به خدا و روز قیامت ایمان آورده

باشند، و در عین حال با کسانی که با خدا و رسولش ضدیت دارند روی دوستی داشته باشند، اگر چه پدرانشان یا فرزندانشان یا برادرانشان یا فامیلشان باشند. آنان اند که ایمان در قلوبشان نوشته شده است...»

بدانید که دوستان ایشان (اهل بیت) کسانی اند که خداوند عز و جل آنان را توصیف کرده و فرموده است: «الذین آمنوا ولم یلبسوا ایمانهم بظلم اولئک لهم الأمن و هم مهتدون» «کسانی که ایمان آورده اند و ایمانشان را با ظلم نپوشانده اند، آنان اند که بر ایشان امان است و آنان هدایت یافتگان اند».

بدانید که دوستان ایشان کسانی اند که ایمان آورده اند و به شک نیفتاده اند.

بدانید که دوستان ایشان کسانی اند که با سلامتی و در حال امن وارد بهشت می شوند و ملائکه با سلام به ملاقات آنان می آیند و می گویند: «سلام بر شما پاکیزه شدید، پس برای همیشه داخل بهشت شوید».

بدانید که دوستان ایشان کسانی هستند که بهشت برای آنان است و در آن بدون حساب روزی داده می شوند.

بدانید که دشمنان ایشان (اهل بیت) کسانی اند که به شعله های آتش وارد می شوند، بدانید که دشمنان ایشان کسانی اند که از جهنم در حالی که می جوشد صدای وحشتناکی می شوند و شعله کشیدن آنرا می بینند.

بدانید که دشمنان ایشان کسانی اند که خداوند درباره آنان فرموده است «کَلِمَا دَخَلَتْ اِمَةٌ لَعْنَتًا اَوْ اَخْرَجَتْهُ اَوْ اَمْرًا اَوْ اَمْرًا اَوْ اَمْرًا اَوْ اَمْرًا» هر گروهی که داخل (جهنم) می شود همتای خود را لعنت می کند...».

بدانید که دشمنان ایشان کسانی اند که خداوند عز و جل می فرماید:

«كَلِمَا لَقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلْتَهُمْ خَزَنَتُهُمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرًا، قَالُوا بَلَىٰ قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِن شَيْءٍ ؕ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ فَسَحَقْنَا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ» «هر گاه گروهی (از ایشان) را در جهنم می اندازند خزانه داران دوزخ از ایشان می پرسند: آیا ترساننده ای برای شما نیامد؟ می گویند: بلی، برای ما نذیر و ترساننده آمد ولی ما او را تکذیب کردیم و گفتیم: خداوند هیچ چیز نازل نکرده است، و شما در گمراهی بزرگ هستید... پس دور باشند اصحاب آتش».

بدانید که دوستان ایشان (اهل بیت) کسانی هستند که در پنهانی از پروردگارشان می ترسند و برای آنان مغفرت و اجر بزرگ است.

ای مردم، چقدر فاصله است بین شعله های آتش و بین اجر بزرگ! ای مردم، دشمن ما کسی است که خداوند او را مذمت و لعنت نموده، و دوست ما آن کسی است که خداوند او را مدح نموده و دوستش بدارد. ای مردم، بدانید که من نذیر و ترساننده ام و علی هدایت کننده است.

ای مردم، من پیامبرم و علی جانشین من است.

ای مردم، بدانید که من پیامبرم و علی امام و وصی بعد از من است، و امامان  
بعد از او فرزندان او هستند. بدانید که من پدر آنانم و آنها از صلب او بوجود می  
آیند.

## 8 حضرت مهدی عجل الله فرجه

بدانید که آخرین امامان، مهدی قائم از ماست. اوست غالب بر ادیان، اوست انتقام گیرنده از ظالمین، اوست فاتح قلعه ها و منهدم کننده آنها، اوست غالب بر هر قبیله ای از اهل شرک و هدایت کننده آنان.

بدانید که اوست گیرنده انتقام هر خونی از اولیاء خدا. اوست یاری دهنده دین خدا.

بدانید که اوست استفاده کننده از دریایی عمیق. اوست که هر صاحب فضیلتی را بقدر فضلش و هر صاحب جهالتی را بقدر جهلش نشانه می دهد. اوست انتخاب شده و اختیار شده خداوند. اوست وارث هر عملی و احاطه دارنده به هر فهمی.

بدانید که اوست خبر دهنده از پروردگارش، و بالابرنده آیات الهی. اوست هدایت یافته محکم بنیان. اوست که کارها به او سپرده شده است.

اوست که پیشینیان به او بشارت داده اند، اوست که بعنوان حجت باقی می ماند و بعد از او حجتی نیست. هیچ حقی نیست مگر همراه او، و هیچ نوری نیست مگر نزد او.

بدانید او کسی است که غالب بر او نیست و کسی بر ضد او کمک نمی  
شود. اوست ولی خدا در زمین و حکم کننده او بین خلقتش و امین او بر نهان و  
آشکارش.

## 9 مطرح کردن بیعت

ای مردم، من برایتان روشن کردم و به شما فهمانیدم، و این علی است که بعد از من به شما می فهماند.

بدانید که من بعد از پایان خطابه ام شما را به دست دادن با من بعنوان بیعت با او و اقرار به او، و بعد از من به دست دادن با خود او فرا می خوانم.

بدانید که من با خدا بیعت کرده ام و علی با من بیعت کرده است، و من از جانب خداوند برای او از شما بیعت می گیرم (خداوند می فرماید: «ان الذین یبایعونک انما یبایعون الله، ید الله فوق ایدیهم، فمن نکث فانما ینکث علی نفسه، و من أوفی بما عاهد علیه الله فسیؤتیه اجرا عظیما»، «کسانی که با تو بیعت می کنند در واقع با خدا بیعت می کنند، دست خداوند بر روی دست آنان است. پس هر کس بیعت را بشکند این شکستن بر ضرر خود اوست، و هر کس به آنچه با خدا عهد بسته وفادار باشد خداوند به او اجر عظیمی عنایت خواهد کرد».

## 10 حلال و حرام، واجبات و محرمات

ای مردم، حج و عمره از شعائر الهی هستند، (خداوند می فرماید: «فمن حج البيت او اعتمر فلا جناح عليه ان يطوف بهما») تا آخر آیه، «پس هر کس به خانه خدا بعنوان حج یا عمره بیاید برای او اشکالی نیست که بر صفا و مروه بسیار طواف کند».

ای مردم، به حج خدا بروید. هیچ خاندانی به خانه خدا وارد نمی شوند مگر آنکه مستغنی می گردند و شاد می شوند، و هیچ خاندانی آنرا ترک نمی کنند مگر آنکه منقطع می شوند و فقیر می گردند. ای مردم، هیچ مؤمنی در موقف (عرفات، مشعر، منی) وقوف نمی کند مگر آنکه خداوند گناهان گذشته او را تا آن وقت می آمرزد، و هر گاه که حجتش پایان یافت اعمالش را از سر می گیرد.

ای مردم، حاجیان کمک می شوند و آنچه خرج می کنند به آنان بر می گردد، و خداوند جزای محسنین را ضایع نمی نماید.  
ای مردم، با دین کامل و با تفقه و فهم به حج خانه خدا بروید و از آن مشاهد مشرفه جز با توبه و دست کشیدن از گناه بر مگردید.

ای مردم، نماز را بپا دارید و زکات را بپردازید همانطور که خداوند عز و جل به شما فرمان داده است و اگر زمان طولی بر شما گذشت و کوتاهی نمودید یا

فراموش کردید، علی صاحب اختیار شما است و برای شما بیان می کند، او که خداوند عز و جل بعد از من بعنوان امین بر خلقش او را منصوب نموده است. او از من است و من از اویم.

او و آنانکه از نسل من اند از آنچه سؤال کنید به شما خبر می دهند و آنچه را نمی دانید برای شما بیان می کنند.

بدانید که حلال و حرام بیش از آن است که من همه آنها را بشمارم و معرفی کنم و بتوانم در یک مجلس به همه حلالها دستور دهم و از همه حرامها نهی کنم. پس مأمورم که از شما بیعت بگیرم و با شما دست بدهم بر اینکه قبول کنید آنچه از طرف خداوند عز و جل درباره امیر المؤمنین علی و جانشینان بعد از او آورده ام که آنان از نسل من و اویند، (و آن موضوع) امامتی است که فقط در آنها پیا خواهد بود، و آخر ایشان مهدی است تا روزی که خدای مدبر قضا و قدر را، ملاقات کند.

ای مردم، هر حلالی که شما را بدان راهنمایی کردم و هر حرامی که شما را از آن نهی نمودم، هرگز از آنها برنگشته ام و تغییر نداده ام. این مطلب را بیاد داشته باشید و آنرا حفظ کنید و به یکدیگر سفارش کنید، و آنرا تبدیل نکنید و تغییر ندهید.

من سخن خود را تکرار می کنم: نماز را بپا دارید و زکات را پردازید و به کار نیک امر کنید و از منکرات نهی نمائید.

بدانید که بالاترین امر به معروف آنست که سخن مرا بفهمید و آنرا به کسانی که حاضر نیستند برسانید و او را از طرف من به قبولش امر کنید و از مخالفتش نهی نمائید، چرا که این دستوری از جانب خداوند عز و جل و از نزد من است، و هیچ امر به معروف و نهی از منکری نمی شود مگر با امام معصوم.

ای مردم، قرآن به شما می شناساند که امامان بعد از علی فرزندان او هستند و من هم به شما شناساندم که آنان از نسل من و از نسل اویند.

آنجا که خداوند در کتابش می فرماید: «**وجعلها کلمه باقیه فی عقبه**»، آن (امامت) را بعنوان کلمه باقی در نسل او قرار داد»، و من نیز به شما گفتم: «اگر به آن دو (قرآن و اهل بیت) تمسک کنید هرگز گمراه نمی شوید».

ای مردم، تقوی را تقوی را. از قیامت بر حذر باشید همانگونه که خدای عز و جل فرموده: «**إن زلزله الساعه شیء عظیم**»، زلزله قیامت شیء عظیمی است».

مرگ و معاد و حساب و ترازوهای الهی و حسابرسی در پیشگاه رب العالمین و ثواب و عقاب را بیاد آورید. هر کس حسنه با خود بیاورد طبق آن ثواب داده می شود، و هر کس گناه بیاورد در بهشت او را نصیبی نخواهد بود.

## 11 بیعت گرفتن رسمی

ای مردم، شما بیش از آن هستید که با یک دست و در یک زمان با من دست دهید، و پروردگارم مرا مأمور کرده است که از زبان شما اقرار بگیرم در باره آنچه منعقد نمودم برای علی امیر المؤمنین و امامانی که بعد از او می آیند و از نسل من و اویند، چنانکه بشما فهماندم که فرزندان من از صلب اویند.  
پس همگی چنین بگوئید:

«ما شنیدیم و اطاعت می کنیم و راضی هستیم و سر تسلیم فرود می آوریم در باره آنچه از جانب پروردگار ما و خودت بما رساندی در باره امر امامت اممان علی امیر المؤمنین و امامانی که از صلب او بدنی می آیند. بر این مطلب با قلبهایمان و با جانمان و با زبانمان و با دستانمان با تو بیعت می کنیم. بر این عقیده زنده ایم و با آن می میریم و (روز قیامت) با آن محشور می شویم. تغییر نخواهیم داد و تبدیل نمی کنیم و شک نمی کنیم و انکار نمی نمائیم و تردید به دل راه نمی دهیم و از این قول بر نمی گردیم و پیمان را نمی شکنیم.

تو ما را به موعظه الهی نصیحت نمودی در باره علی امیر المؤمنین و امامانی که گفتی بعد از او از نسل تو و فرزندان اویند، یعنی حسن و حسین و آنانکه خداوند بعد از آن دو منصوب نموده است.

پس برای آنان عهد و پیمان از ما گرفته شد، از قلبهایمان و جانهایمان و زبانهایمان و ضمائرمان و دستهایمان، هر کس توانست با دست بیعت می نماید و گرنه با زبانش اقرار می کند. هرگز در پی تغییر این عهد نیستیم و خداوند (در این باره) از نفسهایمان دگرگونی نبیند.

ما این مطالب را از قول تو به نزدیک و دور از فرزندانمان و فامیلمان می رسانیم، و خدا را بر آن شاهد می گیریم. خداوند در شاهد بودن کفایت می کند و تو نیز بر این اقرار ما شاهد هستی».

ای مردم، چه می گوئید؟ خداوند هر صدایی را و پنهانی های هر کسی را می داند. پس هر کس هدایت یافت بنفع خودش است و هر کس گمراه شد به ضرر خودش گمراه شده است، و هر کس بیعت کند با خداوند بیعت می کند، دست خداوند بر روی دست آنها (بیعت کنندگان) است.

ای مردم، با خدا بیعت کنید و با من بیعت نمائید و با علی امیر المؤمنین و حسن و حسین و امامان از ایشان در دنیا و آخرت، بعنوان امامتی که در نسل ایشان باقی است بیعت کنید. خداوند غدر کنندگان (بیعت شکنان) را هلاک و وفاداران را مورد رحمت قرار می دهد. و هر کس بیعت را بشکند به ضرر خویش شکسته است، و هر کس به آنچه با خدا پیمان بسته وفا کند خداوند به او اجر عظیمی عنایت می فرماید.

ای مردم، آنچه به شما گفتم بگوئید (تکرار کنید)، و به علی بعنوان «امیر المؤمنین» سلام کنید و بگوئید «شنیدیم و اطاعت کردیم، پروردگارا مغفرت تو را

می خواهیم و بازگشت بسوی توست» و بگوئید: «حمد و سپاس خدای را که ما را به این هدایت کرد، و اگر خداوند هدایت نمی کرد ما هدایت نمی شدیم...».

ای مردم، فضائل علی بن ابی طالب نزد خداوند که در قرآن آنرا نازل کرده بیش از آن است که همه را در یک مجلس بشمارم، پس هر کس درباره آنها بشما خبر داد و معرفت آنرا داشت او را تصدیق کنید.

ای مردم، هر کس خدا و رسولش و علی و امامانی را که ذکر کردم اطاعت کند به رستگاری بزرگ دست یافته است.

ای مردم، کسانی که برای بیعت با او و قبول ولایت او و سلام کردن بعنوان «امیر المؤمنین» با او، سبقت بگیرند آنان رستگارانند و در باغهای نعمت خواهند بود.

ای مردم، سخنی بگوئید که بخاطر آن خداوند از شما راضی شود، و اگر شما و همه کسانی که در زمین هستند کافر شوند بخدا ضرری نمی رسانند.

خدایا، بخاطر آنچه ادا کردم و امر نمودم مؤمنین را بیامرز، و بر منکرین که کافرنند غضب نما، و حمد و سپاس مخصوص خداوند عالم است.

## شکستن بت ها

جمهور از برخی طریقه ها روایت کرده اند که پیامبر شانه خود را زیر پای علی علیه السلام نهاد تا او بتان را از فراز کعبه فرو افکند و درهم شکست. و نیز گذر از صراط جز برای کسی که نامه ولایت علی را در دست دارد ممکن نیست.

## ذوالفقار

نیز برای علی عَلَيْهِ السَّلَامُ، سطلی که در آن آب و دستمالی بود فرود آمد و آن حضرت برای نماز وضو گرفت و به نماز پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پیوست.

روایت دیگر اینکه منادییی در جنگ احد از آسمان ندا داد «شمشیری جز ذوالفقار نیست و دلاوری جز علی» روایت شده که همین ندا در جنگ بدر نیز شنیده شد.

ترجمه نهج الحق و كشف الصدق، ص: 234

علی علیه السلام بهترین بشر

علی علیه السلام بهترین بشر و بهترین جوانمرد است

«ابن مردویه» فقه اهل سنت در کتابش به سند خود از «حذیفه یمانی»  
روایت کرده که گفت:

«قال رسول الله: علیّ خیر البشر فمن ابی فقد کفر»

پیامبر فرمود: علی (علیه السلام) بهترین بشر است و هر کس او را رد کند، او کافر  
است).

ترجمه الطرائف، ص: 231

## علی با حق و حق با علی

حق با علی علیه السلام است

ابو بکر محمد بن الحسن اجری - شاگرد ابی بکر و پدر ابو داود سجستانی - در کتاب «الشریعه» به سند خود از «علقمه بن قیس» و «اسود بن یزید» روایت کرده که این دو نفر گفتند: خدمت ابو ایوب انصاری آمدیم و گفتیم خداوند به وجود محمد صلی الله علیه و آله ترا گرامی داشته، زیرا که به شتر او وحی کرد تا بر در خانه تو فرود آمد و پیامبر میهمان تو شد و این فضیلتی است که خداوند افتخار آن را به تو داده بعد خارج شدی و در رکاب علی علیه السلام جهاد کردی.

ابو ایوب انصاری گفت: آفرین بر شما، خوش آمدید، من قسم می خورم برای شما که پیامبر در همین خانه بود که الان شما دو تا در آن نشسته اید، و در خانه جز رسول خدا و علی کسی نبود، علی هم در دست راست پیامبر نشسته بود، من و انس هم پیش روی او ایستاده بودیم که ناگهان در کوبیده شد، پیغمبر فرمود: انس نگاه کن بین کیست که در می زند انس نگاه کرد و بر گشت و گفت عمار است.

ابو ایوب گفت: شنیدم از رسول خدا که فرمود: ای انس در را به روی عمار - که طیب و طاهر است - بگشای تا داخل شود.

عمار داخل شد بر پیامبر سلام کرد، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جواب سلام او را داد و به او خوش آمد گفت: و به او فرمود: ای عمار! به زودی بعد از من در میان امت من اختلاف و کشمکش به وجود می آید و به حدی که به روی همدیگر شمشیر می کشند و حتی بعضی از آنان بعضی دیگر را می کشند و بعضی از بعض دیگر بیزاری می جویند آنگاه که این وضع را دیدی، از این مردی که طرف راست من نشسته، دست بردار - یعنی علی بن ابی طالب - فرمود: عمار! اگر تمام مردم به راهی بروند ولی علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) تنها به راهی برود، تو از همان راهی برو که علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) است و مردم را ترک کن.

«یا عَمَّارَ اَنْ عَلِيَا لَا يَزَالُ عَلِيٌّ هَدِيَّ يَا عَمَّارَ طَاعَهُ عَلِيٌّ طَاعَتِي وَ طَاعَتِي طَاعَهُ اللّٰهُ عَزَّ وَ جَلَّ»

ای عمار! علی پیوسته در هدایت است ای عمار! پیروی و اطاعت از علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) پیروی و اطاعت از من است و اطاعت از من، اطاعت از خدا است. و همچنین علامه بدخشی از ابو ایوب انصاری و عمار یاسر روایت کرده که پیامبر فرمود:

«یا علی انّ الحقَّ معک، و الحقَّ علی لسانک و فی قلبک و فی عینک»

«1»

ای علی حق با توست و بر زبان و قلب و چشمانت حق نمایان است.

«عبدری» در کتاب «الجمع بین الصحاح الستة» در باب مناقب امیر المؤمنین (علیه السلام) از صحیح بخاری از پیامبر ﷺ روایت کرده که فرمود:

«رحم الله عليا اللهم أدر الحق معه حيث دار»

رحمت خدا بر علی باد، خدایا حق را با علی (علیه السلام) بگردان هر کجا که او بگردد.

احمد بن موسی بن مردویه در کتاب «المناقب» از چند طریق از جمله به سند خود از «محمد بن ابی بکر» روایت کرده که گفت:

حدّثنی عایشه ان رسول الله قال: «الحق مع علی و علی مع الحق لن یفترقا حتی یردا علی الحوض»

عایشه به من روایت کرد که رسول خدا فرمود: حق پیوسته با علی است و علی (علیه السلام) هم پیوسته با حق است و این دو از هم جدا نشوند تا نزد من بر حوض وارد شوند.

ابن قتیبه دینوری می نویسد: هنگامی که علی (علیه السلام) در جنگ جمل پیروز شد و عایشه شکست خورد، برادر وی محمد بن ابی بکر که یکی از همراهان

علی (علیه السلام) بود، به دیدن او رفت محمد به عایشه گفت: آیا نشنیدی که رسول خدا فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی ثم خرجت تقاتلینه بدم عثمان؟!»

«1».

علی با حق است و حق با علی است تو اکنون به عنوان خونخواهی عثمان خروج نموده و با او به پیکار پرداخته ای؟!.

حافظ ابن مردویه اصفهانی در «مناقب» و دیلمی در «فردوس» روایت را چنین نقل کرده اند که محمد به عایشه گفت: ترا به خدا سوگند به یاد می آوری که گفته بودی پیامبر فرمود:

«الحق لن یزال مع علی و علی مع الحق لن یختلفا و لن یفترقا»

(حق پیوسته با علی است و علی هم با حق است این دو هیچ وقت از همدیگر جدا نمی شوند) عایشه گفت: آری .

حافظ ابن مردویه از ابو حسن (تمیم بن عمرو و یا تمیم بن عبد عمرو) روایت کرده که گفت: بر امّ المؤمنین عایشه وارد شدم، از من پرسید: چه کسی با خوارج پیکار نمود؟ گفتم: علی بن ابی طالب.

عایشه گفت: بغض و کینه درونی من نسبت به علی (علیه السلام) مانع از گفتن حق نخواهد بود شنیدم پیامبر خدا ﷺ فرمود: بهترین فرد امت پس از من آنها (خوارج) را به قتل خواهد رسانید و شنیدم که فرمود:

«علیّ مع الحقّ و الحقّ مع علیّ»

خطیب در تاریخ بغداد به سند خود از ابو ثابت مولای ابو ذر روایت کرده که گفت: وارد شدم بر اسلمه دیدم گریه می کند و نام علی (علیه السلام) را می برد. و می گوید: از رسول خدا شنیدم می فرمود: علی با حق است و حق با علی است و یک چشم برهم زدن از هم جدا نمی شوند تا کنار حوض کوثر مرا ببینند.

«علیّ مع الحقّ و الحقّ مع علیّ و لن یفترقا حتّی یردا علیّ الحوض یوم القیامه»

حافظ ابن عساکر با سند خود از «مالک بن جعونه» از ام سلمه روایت کرده است که گفت: «و الله انّ علیا مع الحقّ قبل الیوم و بعد الیوم عهدا معهودا و قضاء مقضیا» .

(به خدا سوگند که علی بر حق است پیش از امروز و بعد از امروز و این پیمانی مستحکم و حکمی روا شده است).

باز طبق نقل ابن عساکر، ام سلمه ام المؤمنین به ابو ثابت فرمود: سوگند به خدائی که جانم در دست قدرت اوست، از رسول خدا ﷺ شنیدم که می فرمود:

«علیّ مع الحقّ و الحقّ مع علیّ و القرآن مع علیّ و لن یفترقا حتّی یردا علیّ»  
الحوض»

. علی با حق و قرآن است و حق و قرآن نیز با علی است و از همدیگر جدا نشوند تا (روز قیامت) سر حوض بر من وارد شوند.

(1) از آن جمله روایتی است که ابی بکر احمد بن موسی بن مردویه به سند خود از «اصبع بن نباته» روایت کرده که گفت: چون زید بن صوحان در جنگ جمل به شدت زخمی شد و از پشت اسب به زمین افتاد علی (علیه السلام) بر بالین او آمد و هنوز نیمه جانی از او مانده بود فرمود: ای زید رحمت خدا بر تو باد به خدا قسم من ترا نشناختم مگر این که مئونه و مشقت و تعلقات دنیوی تو اندک بود و معاونت و کمک کردن تو در دین بسیار بود.

همان موقع، زید سر خود را به جانب آن حضرت برداشت و گفت: تو مولای من هستی و خدا به تو جزای خیر بدهد و الله نشناختم ترا مگر این که به خدا عالم و به آیات او عارف بودید، به خدا سوگند که به همراهی تو با دشمنان تو از روی جهل جنگ نکردم و لیکن شنیدم که «حذیفه بن یمان» می گفت: شنیدم رسول خدا ﷺ می فرمود:

«علیّ امیر البرره و قاتل الفجره منصور من نصره و مخدول من خذله الا و انّ الحقّ معه و یتبعه الا فمیلوا معه»

علی امیر نیکوکاران و قاتل تبهکاران است و یاری کرده شده است کسی که به او کمک کند، و سر افکنده است کسی که او را سر افکنده سازد بدانید حق با علی است و تابع او است آگاه باشید و به او تمایل نشان دهید.

ترمذی در صحیح حدیثی با سند خود از رسول خدا آورده که فرمود:

«رحم الله علیّا»

خدا علی را رحمت کند، آنگاه عرض کرد بار الها حق و علی را همواره با هم به جریان انداز، آن را معرف این، و این را معرف آن قرار بده .

حاکم نیز این روایت را در «مستدرک الصحیحین» آورده و گفته است که:

این حدیث از نظر مسلم واجد شرایط صحت است.

حاکم به سند خود از «عمره» دختر عبد الرحمن روایت کرده که گفت: وقتی علی (علیه السلام) می خواست به طرف بصره (جهت خاموش کردن غائله ای که

عایشه به راه انداخته بود) برود وارد بر ام سلمه همسر رسول خدا ﷺ شد تا با او خداحافظی کند، ام سلمه گفت: برو در پناه خدا و در کنف او، به خدا سوگند تو (هر جا باشی) بر حقی، و حق (هر جا باشد) با تو است و اگر نبود که من می خواهم از نافرمانی خدا و رسول پرهیز کنم و دستور او را که باید در خانه خود بنشینم و اطاعت کنم، حتما با تو می آمدم و لیکن به خدا سوگند کسی را با تو می فرستم که از جان خودم عزیزتر و او فرزندم است .

حاکم پس از نقل این حدیث می گوید: این حدیث همه شرایط صحت را واجد است چه از نظر مسلم و چه از نظر بخاری.

«هیثمی» در مجمع خود می گوید: از محمد بن ابراهیم تیمی روایت شده که گفت فلانی - یعنی معاویه - در سفر حج به مدینه آمد، مردم هم به دیدارش رفتند، چون سعد داخل شد سلام کرد، معاویه گفت: این مرد نسبت به حق ما، در برابر باطل دیگران اعتنائی ندارد (یعنی من حقم علی (علیه السلام) باطل است).

سعد چیزی نگفت: معاویه پرسید: چرا حرف نمی زنی؟ گفت: فتنه ای پیا شده و ظلمتی عالم را فرا گرفته و به شتر من گفته اخ - یعنی بخواب - شتر من فعلا خوابیده، تا فضا روشن شود.

مرد - معاویه - گفت: من همه جای کتاب خدا را خواندم، هیچ در آن اخ ندیدم.

سعد گفت: سند گفته من کلامی است که از رسول خدا شنیدم می فرمود:

«علیّ مع الحقّ و الحقّ مع علیّ و الحقّ یدور حیث ما دار علیّ»

. (علی پیوسته با حق است و یا حق با علی است هر جا که باشد و هر کار که بکند، معاویه پرسید: آیا غیر از تو کسی دیگر نیز این حدیث را از رسول خدا ﷺ شنیده؟ گفت: آری، این کلام را در خانه امّ سلمه فرمود).

معاویه گفت: بفرستید ام سلمه بیاید. ام سلمه را آوردند، معاویه از او پرسید: در باره این سخن چه می گوئی؟ گفت: این کلام را رسول خدا ﷺ در خانه من فرمود.

هیثمی پس از نقل این جریان اضافه کرده است که معاویه پس از شنیدن شهادت ام سلمه به سعد گفت: هیچ وقت مثل امروز در نظرم مستحق ملامت و سرزنش نبودی.

سعد گفت: چه ملامتی؟

گفت: این کلام را از رسول خدا ﷺ شنیدی و علی (ع) را تنها گذاشتی؟

اگر من شنیده بودم تا زنده بودم به علی خدمت می کردم تا مرگم فرا رسد . و مقصود معاویه از تنها گذاشتن علی این بود که سعد در جنگ صفین او را یاری نکرد.

باز هیشمی در همان کتاب از ام سلمه روایت کرده است که گفت:

«كان عليّ عليّ الحقّ من اتّبعه، اتّبع الحقّ و من تركه ترك الحقّ عهد معهود  
قبل يومه هذا».

علی (علیه السلام) با حق بوده و هر که او را پیروی کند از حق پیروی کرده و هر  
که ترک او گوید حق را ترک کرده است این عهدی است که از پیش معهود بوده

و نیز از ابو سعید خدری روایت کرده که گفت: با جمعی از مهاجرین و انصار  
جلو خانه رسول خدا ﷺ بودیم که علی بن ابی طالب عبور کرد، رسول خدا  
مکرر فرمود:

«الحقّ مع ذا، الحقّ مع ذا»

: حق با این است، حق با این است «.

این روایت را ابو یعلی و مناوی در «کنوز الحقائق» و متقی در «کنز العمال»  
آورده اند .

(1) ابن مردویه در «المناقب» و حاکم در «مستدرک الصحیحین» به سند خود از «ابی ثابت» مولای ابو ذر روایت کرده اند که گفت: در جنگ جمل در لشکر علی (علیه السلام) بودم، همین که عایشه را در لشکر دشمن دیدم، شکی در دلم افتاد که در هنگام نماز ظهر زائل شد و تا آخر در قتال دشمن شرکت کردم، همین که جنگ پایان یافت به مدینه نزد ام سلمه رفتم و گفتم به خدا سوگند برای آب و نان نیامده ام و لکن من مولای ابو ذرم و جریانم این طور است وقتی مرا شناخت آفرین گفت و فرمود: دلها به کجا پرواز می کند؟

گفتم هر جا رفت در موقع ظهر، خدا آن را برگردانید، گفت: احسنت من از رسول خدا شنیدم که می فرمود:

«علیّ مع القرآن و القرآن مع علیّ لا یفترقا حتّی یردا علیّ الحوض»

(علی با قرآن است و قرآن با علی (علیه السلام) است از هم جدا نمی شوند، تا کنار حوض کوثر مرا ببینند) «1».

حاکم بعد از نقل این حدیث گفته: سندش صحیح است و این روایت را مناوی هم در «فیض القدیر». و متقی در «کنز العمال نیز آورده اند «3».

ابو جعفر اسکافی معتزلی آورده است که عمار یاسر ضمن ایراد خطبه ای از کارشکنی های ابو موسی اشعری در کوفه و تشویق مردم به همکاری با امیر المؤمنین (علیه السلام) در جنگ با معاویه و نقل پیشگوئی پیامبر اکرم از کشتار

ناکثین و قاسطین و مارقین به دست علی (ع) گفت که: شنیدم رسول خدا  
ﷺ فرمود:

«علیّ مع الحقّ و الحقّ مع علیّ لا یفترقان حتّی یردا علیّ الحوض یوم  
القیامه»<sup>4</sup>.

(علی با حق است و حق با علی و از هم جدا نشوند تا در روز قیامت در  
کنار حوض بر من وارد شوند).

و نیز ابن عساکر و دیگران با ذکر سند به نقل از عمار یاسر آورده اند که  
گفت:

شنیدم پیامبر ﷺ می فرماید:

«یا علی ستقاتلک الفئه الباغیه و انت علی الحقّ فمن لم ینصرک یومئذ فلیس  
منّی» (ای علی به زودی گروه تجاوزگر با تو پیکار می کند و تو بر حق هستی،  
پس کسی که در آن روز تو را یاری نکند از من نخواهد بود).

ترجمه الطرائف، ص: 244 تا ص: 236

## علی علیه السلام تقسیم کننده بهشت و دوزخ

ابن مغزلی در کتاب «المناقب» به سند خود روایت کرده که گفت: پیامبر ﷺ و سلم به علی (علیه السلام) فرمود:

«أنتك قسيم الجنة والنار و أنتك تفرع باب الجنة و تدخلها بغير حساب»  
تو قسمت کننده بهشت و جهنمی و تو در بهشت را می کوبی و بدون حساب  
داخل آن می شوی.

ابن مغزلی در کتاب خود از انس و غیره روایت کرده که گفت: خدمت پیامبر ﷺ بودم که علی (علیه السلام) آمد پیامبر فرمود:

«انا و هذا حجّة علی امتی یوم القیامه»  
من و علی بر امت خود روز قیامت حجت هستیم.

ابن حجر هیثمی در کتاب «صواعق المحرقة» می نویسد: «دارقطنی» به سند خود روایت کرده که علی (علیه السلام) به آن شش نفری که عمر امر شوری را به آنان واگذار کرده بود، صحبت‌های طولانی کرد از آن جمله فرمود: شما را به خدا سوگند می دهم، آیا در شما کسی هست که رسول خدا در باره او فرموده باشد تو در روز قیامت تقسیم کننده بهشت و دوزخی نه من؟ همه آنان گفتند: خود و خدا، نه.

و روایات دیگری از حضرت رضا (علیه السلام) روایت کرده اند که فرمود: «یا علی توئی تقسیم کننده آتش و بهشت در روز قیامت و توئی که به آتش می گوئی این سهم من و آن سهم تو»<sup>3</sup>.

متقی در کتاب «کنز العمال» از علی (علیه السلام) روایت کرده که فرمود: «من تقسیم کننده آتش» و این حدیث را «شاذان فضیلی» در «رد الشمس» آورده .  
مناوی در «کنوز الحقائق» نیز نظیر آن را آورده و به دیلمی نسبت داده است ترجمه الطرائف  
ص: 207

تقویت رسول اکرم صلی الله علیه و آله بوجود حضرت علی علیه السلام

خدای تعالی رسول اکرم ﷺ را به وجود مقدس حضرت علی علیه السلام تقویت فرمود [تاریخ بغداد 11 / 173] از «انس بن مالک» روایت کرده است که رسول اکرم ﷺ فرمود: در شب معراج، بر ساق عرش حضرت پروردگار، این مکتوب را مشاهده کردم:

«لا اله الا الله محمد رسول الله ائدته بعلي»

؛ «خدائی جز خدای یکتا نیست، محمد رسول خداست، او را به نیروی علی علیه السلام تقویت و تأیید نمودم»

[الدّر المنثور] «سیوطی» در این کتاب، در ذیل تفسیر آیه شریفه:

سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ اظهار داشته است: «ابن عدی» و «ابن عساکر» از «انس» روایت کرده اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در شب معراج، این مکتوب را بر ساق عرش دیدم:

«لا اله الا الله محمد رسول الله ائدته بعلي»

فضائل پنج تن مطهرین در صحاح ششگانه ج 1، ص: 302

## ایمان

[کنز العمال 6 / 405] روایت کرده است. این حدیث را «محمد بن ایوب» در «جزء» روایت نموده و «عقیلی» هم، به روایت آن حدیث پرداخته است. و «ذهبی» هم، در [میزان الاعتدال 1 / 417] به اختصار از کتاب «عقیلی» نقل کرده است.

[همان کتاب 2 / 198] از «معاذ بن جبل» نقل کرده است که رسول خدا ﷺ خطاب به علی ع فرمود: یا علی! با داشتن هفت صفت که ویژه خودت است، با همه مردم به مخالفت می پردازی و هیچیک از مردم قریش تاب محاجه و گفتگوی با تو را ندارد، آن هفت صفت عبارتند از: 1- نخستین کسی از آنها هستی که بخدای تعالی ایمان آوردی؛ 2- از همه آنها به پیمان خدا بهتر وفا می کنی؛ 3- فرمان خدا را بهتر از دیگران انجام می دهی؛ 4- بهترین آنهایی در تقسیم (اموال و غنائم) بطور مساوی؛ 5- بهترین آنهایی در اجرای عدالت؛ 6- در تشخیص و چگونگی وقوع قضیه، از همگان بیناتری؛ 7- موقعیت تو در پیشگاه خدای تعالی، از همه زیادتر است. این حدیث را «حاکمی» روایت کرده است.

مؤلف گوید: حدیث مزبور را «ابو نعیم» در [حلیه الاولیاء 1 / 66] متذکر شده است.

[الاصابه 7 / قسم 1 / 167] «ابو احمد» و «ابن منده» و دیگران، از طریق «ابراهیم بن بشر اسدی» از «خالد بن حارث» او هم از «عوف» از «حسن» از «ابو لیلای غفاری» روایت کرده است که از رسول خدا ﷺ شنیدم، می فرمود: پس از من، طولی نمی کشد که آشوبی بر پا می شود، در این هنگام ملازم علی باشید و از علی بن ابیطالب دست بردارید؛ بدلیل اینکه او نخستین کسی است که به من، ایمان آورده است، و او نخستین کسی است که در روز قیامت با من مصافحه می کند، و او صدیق اکبر و فاروق این امت است، و علی بن ابیطالب یعسوب<sup>1</sup> مؤمنان است و مال و ثروت، یعسوب منافقان است.

[فیض القدیر 4 / 358] «طبرانی» و «بزاز» هر دو از «ابوذر» و «سلمان» در ضمن حدیث طولانی، روایت کرده اند که رسول خدا ﷺ دست علی ع را بدست خود گرفت و فرمود: این بزرگوار نخستین کسی است که به من ایمان آورده است

و فاروق این امت است و یعسوب مؤمنان و مال و ثروت، یعسوب و مهتر ستمگران است. مؤلف گوید: این حدیث را «متقی» در [کنز العمال 6 / 156] متذکر شده است و آنرا از «طبرانی» در کتاب «الکبیر» از «سلمان» و «ابوذر» نقل کرده است و همچنین از کتاب «سنن کبری» بیهقی نقل کرده است و «ابن عدی» هم، در کتاب «الکامل» از «حذیفه» روایت کرده است.

[کنز العمال 6 / 393] به سند خود، از «مأمون» از «رشید» از «مهدی» از «منصور» از پدرش، او هم از «عبد الله بن عباس» نقل کرده است که از «عمر خطاب» شنیدم، می گفت: از علی ع عیبجوئی نکنید و به زشتی از او یاد ننمائید؛ برای آنکه برآستی صفت‌هایی از رسول خدا ﷺ در او مشاهده کردم که

هر گاه فقط یکی از آنها در «آل خطاب» یافت می شد نزد من محبوبتر بود از آنچه آفتاب بر آن می تابد! در این رابطه لازم است بگویم در یکی از روزها، من و «ابو بکر» و «ابو عبیده» با گروهی از اصحاب به عزم دیدار رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روانه شدیم تا اینکه در مسیر خود، به خانه «امّ سلمه» رسیدیم، علی عَلَيْهِ السَّلَام را در کنار خانه ایشان دیدار کرده و به عرض رسانیدیم: تصمیم داریم به حضور پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شرفیاب شویم. علی عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: هم اکنون رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از خانه، خارج می شود. پس چنین شد و همراه آن حضرت، حرکت کردیم. در مسیر، حضرت رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به علی عَلَيْهِ السَّلَام تکیه داشت. سپس دست مبارکش را روی شانه علی عَلَيْهِ السَّلَام گذاشت و فرمود: یا علی! دیری نباید که مورد بی مهری افراد قرار بگیری! آنها باید بدانند کسی را مورد بی مهری خود قرار داده اند که پیشتر از همه، ایمان آورده است و از همه مردم به روزهای خدا داناتر است و بهتر از همه به عهد خدا وفا می نماید. و از همه بهتر، تقسیم بالسویه می کند و از همگان مهربانتر به رعیت است و از همه بیشتر به گرفتاریهای عظیم دچار می شود. سپس خطاب به حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام فرمود:

یا علی! تو، بازوی توانای من می باشی و تو، مرا غسل می دهی و کفن می کنی و در هر پیش آمد ناراحت کننده ای، پیشوا و پیش آهنگ دیگران هستی و پس از من، هرگز به کفر باز نمی گردی و در دین خدا ثابت قدم خواهی بود. و در روز قیامت در حالی که لوای حمد را در دست داری، پیشاپیش من حرکت می کنی و مخالفان را از حوض من (حوض کوثر) دور می کنی. پس از این گفته، خود «ابن عباس» در توصیف از حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام اظهار داشت که آری، علی عَلَيْهِ السَّلَام از دامادی رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به عالیترین مراتب رستگاری نایل آمد و از

عشیره ای گسترده برخوردار گردید و از هیچگونه کمک به بینوایان خودداری نمی کرد، عالم به تنزیل قرآن و فقیه تأویل آن بود و به مراتب آن، از اقران خویش، بیشتر رسیده بود.

مؤلف گوید: پیش از این در باب سابق، در این رابطه از «کنز العمال» از «عمر» نقل کردیم، که رسول خدا ﷺ دست مبارکش را روی شانه علی علیه السلام گذاشت و خطاب به آن حضرت، فرمود: تو نخستین کسی هستی که اسلام را پذیرفتی و تو نخستین کسی هستی که ایمان آوردی

فضائل پنج تن علیهم السلام در صحاح ششگانه اهل سنت، ج 1، ص: 325 و ص: 326 و ص: 327

## علی علیه السلام نخستین نماز گزار

اشاره

[اسد الغابه 4 / 18] به سند خود، از «ابو ایوب انصاری» روایت کرده است که رسول خدا ﷺ فرمود: مدت هفت سال فرشتگان الهی بر من و علی علیه السلام درود می فرستادند و این در آن هنگام بود که مرد دیگری جز علی علیه السلام، با من نماز نمی گزارد.

مؤلف گوید: این حدیث را «محب طبری» در [ریاض النضره 2 / 165] از «ابو الحسن خلعی» نقل کرده است و این جمله را اضافه نموده: «علت درود فرشتگان آن بوده است، هنگامی که ما نماز می گزاردیم، به غیر از من و علی، دیگری در نماز ما شرکت نداشت». لیکن «ابو الحسن خلعی»، مدت هفت سال را نکرده است

. فضائل پنج تن علیهم السلام در صحاح ششگانه اهل سنت، ج 1، ص: 330

## برتری ایمان حضرت علی علیه السلام

[الریاض النضره 2/ 226] از «عمر خطّاب» نقل شده است که گفت:

وجود رسول خدا ﷺ را شاهد می گیرم که از آن حضرت شنیدم، می فرمود:  
هر گاه آسمانهای هفتگانه را در کفه ترازو بگذارند و ایمان حضرت علی  
ﷺ را در کفه دیگر آن، ایمان علی ﷺ، از آسمانها سنگین تر خواهد بود

فضائل پنج تن ﷺ در صحاح ششگانه اهل سنت، ج 1، ص: 328

## خلیفه پیامبر

عن سلمان الفارسی قال: سمعت رسول الله ﷺ يقول: إن وصيي و خلیفتی و خیر من أترك بعدی ینجز موعدی و یقضی دینی علی بن ابی طالب.

سلمان فارسی گفت: از پیامبر خدا ﷺ شنیدم وصی و خلیفه من و بهترین کسی که پس از خود او را ترک می کنم که وعده های مرا عملی سازد و دین مرا ادا کند، علی بن ابی طالب علیه السلام است. سیمای امام علی علیه السلام در قرآن ترجمه شواهد التنزیل، ص: 43

## شبيه انبياء

عن أبي الحمراء قال: قال رسول الله ﷺ: من أراد أن ينظر إلى آدم في علمه و إلى نوح في فهمه و إلى إبراهيم في حلمه و إلى يحيى في زهده و إلى موسى في بطشه فليتنظر إلى عليّ بن ابي طالب.

ابو الحمراء گفت: پیامبر فرمود: هر کس بخواهد به آدم در عملش و به نوح در فهمش و به ابراهیم در حلمش و به یحیی در زهدش به موسی در شدتش نگاه کند، پس به علیّ بن ابي طالب عليه السلام بنگرد.

## علم

: همه دانشمندان در معارف حقیقی، علوم یقینی، احکام شرعی و قضایای نقلی، ریزه خوار امیر المؤمنین هستند زیرا امام در غایت تیز هوشی و عشق به فراگیری بود «8» و پیوسته با پیامبر که مهربانترین مردم نسبت به او بود، بسر می برد پس بالضروره

ترجمه نهج الحق و كشف الصدق، ص: 246

دانشمندتر از دیگران بوده است.

پیامبر درباره او فرمود: «آگاهترین شما به دانش قضاوت و دارنده شرایط آن علی است»<sup>2</sup> و قضاوت مستلزم علم و دین است.

ترمذی در صحیح خود روایت کرده است که پیامبر فرمود: «من شهر دانشم و علی عَلَيْهِ السَّلَام در آن است»<sup>3</sup> بغوی در صحاح بیان کرده است: «پیامبر فرمود: من خانه حکمت هستم و علی در آن است.» روایتی از ابی الحمراء در حق علی وجود دارد که به موجب آن پیامبر فرمود: «هر که می خواهد به علم آدم، فهم نوح، حلم و بردباری ابراهیم، هیبت موسی و زهد عیسی بنگرد، به علی بن اییطالب نگاه کند.»<sup>4</sup>

بیهقی به اسناد خود از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت آورده است که ایشان فرمود: هر که می خواهد به دانش آدم، تقوای نوح، شکیبایی ابراهیم، هیبت موسی و عبادت عیسی نظر کند، به علی بن اییطالب بنگرد.»<sup>5</sup>

ترجمه نهج الحق و کشف الصدق، ص: 247

(افزون بر این روایات) امیر المؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام خاستگاه همه دانش هاست. در کلام و اصول فقه که مطلب آشکار است و گفتار حضرتش در نهج البلاغه بر کمال معرفت او در توحید و عدل دلالت می کند و همه جزئیات دانش کلام و اصول از آن دریافته می شود.

امام مرجع تمامی فقیهان در دانش فقه است. درباره فقیهان امامیه که نیازی به بیان نیست و در مذاهب سنیان، ابو حنیفه شاگرد امام صادق علیه السلام است و محمد بن ادریس شافعی، شاگرد محمد بن الحسن، شاگرد ابو حنیفه است و استاد دیگر شافعی مالک می باشد. پس فقه شافعی به ابو حنیفه و مالک باز می گردد. احمد بن حنبل نیز شاگرد شافعی است.

مالک نیز از محضر دو تن بهره برده است: ربیعہ الرای، شاگرد عکرمه، شاگرد عبد الله بن عباس، شاگرد حضرت علی علیه السلام و استاد دوم او جعفر بن محمد صادق علیه السلام می باشد. <sup>1</sup> «خوارج نیز شاگردان او بوده اند. <sup>2</sup>»

امیر المؤمنین بنیانگزار دانش اختر شناسی و تفسیر بود.

ابن عباس می گوید:

«امیر المؤمنین درباره «باء» بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

از آغاز شب تا سپیده دم سخن گفت و گفتارش به پایان نرسید.»<sup>4</sup> دانش فصاحت نیز از علی علیه السلام است تا آنجا که درباره کلامش گفته اند برتر از گفتار مخلوق و فروتر از فرموده خالق است. فصاحت از سخنان آن سرور عیان است

ترجمه نهج الحق و کشف الصدق، ص: 248

و ابن نباته می گوید: «از کلام امیر المؤمنین هزار خطبه را حفظ کردم و سپس ذهنم جوشید و جوشید.»<sup>1</sup> متکلمان نیز چهار گروه معتزله، اشاعره، شیعه و خوارجند. انتساب شیعه به علی علیه السلام آشکار است. دانشمندان خوارج نیز به علی علیه السلام باز می گردند، اما معتزله به واصل بن عطاء انتساب دارند و او شاگرد ابو هاشم عبد الله بوده و ابو هاشم نیز از درس پدرش محمد بن حنفیه، فرزند و شاگرد علی علیه السلام سود جسته است.

اشاعره نیز شاگردان ابو الحسن اشعری بوده اند و اشعری شاگرد ابو علی جبایی از بزرگان معتزله است.<sup>2</sup>

صوفیان و ارباب سلوک نیز به جملگی فرقه خود را به امیر المؤمنین استناد می دهند.<sup>3</sup> جوانمردان و عیاران نیز پیرو کسی هستند که جبرئیل در جنگ بدر

درباره اش ندا داده است که جز ذوالفقار شمشیری نیست و جز علی جوانمردی.  
«4» پیامبر فرمود: «من جوانمرد، فرزند جوانمرد و برادر جوانمردم.»<sup>5</sup>

جوانمردی پیامبر آشکار است که او سید و سرور عرب بود. فتوت پدر او نیز از آن روست که خداوند در حق ابراهیم فرمود: «شنیده ایم جوانمردی درباره بتان ما سخن می گوید.»<sup>6</sup>

جوانمردی برادر پیامبر نیز از گفته جبرئیل در حق علی دانسته می شود.  
ترجمه نهج الحق و كشف الصدق، ص: 249

همه یاران پیامبر در احکام شرعی به امیر مؤمنان رجوع می کردند و از ایشان بهره می بردند<sup>1</sup>

و حضرتش هیچگاه در مسأله ای به شخصی رجوع نکرد. عمر بن خطاب در بسیاری از مواقع می گفت: اگر علی نبود عمر نابود می شد،<sup>2</sup>

زیرا امیر المؤمنین او را از خطاهای فراوانی باز می داشت.  
در مسند احمد بن حنبل آمده است: «هیچ یک از یاران پیامبر جز علی جمله  
«از من پرسش کنید»<sup>3</sup>

را بر زبان نیاورد.» در صحیح مسلم روایت شده که امام بر منبر فرمود:  
«پیش از آنکه مرا نیابید پرسش کنید، از کتاب خدا پرسش کنید که در آن  
ترجمه نهج الحق و كشف الصدق، ص: 250

آیه ای نیست مگر اینکه من می دانم که آیا در کوهپایه فرود آمده یا در  
بیابان. <sup>«1»</sup>

از فتنه ها پرسید که می دانم بر پا کننده هر آشوب و کشته شدگان آن چه  
کسانی هستند. <sup>«2»</sup> او <sup>«عَلَيْهِ السَّلَامُ»</sup> می فرمود: «مرا از راههای آسمان پرسش کنید که  
بدانها از راههای زمین آگاهترم.» <sup>«3»</sup> امیر المؤمنین فرمود: «رسول خدا هزار باب  
از دانش به من آموخت و در هر باب هزار باب وجود داشت.» <sup>«4»</sup> رویدادهای  
آن بزرگوار فزونتر از شمار است و تنها به ذکر برخی بسنده می کنیم:

درهما را میان صاحبان نان تقسیم کرد. «5»

دیه را بر زنی که نیشگون گرفته بود، زنی که جسته بود و زنی که افتاده بود

تقسیم کرد. «6»

فرزند را با قرعه به پدر ملحق کرد و پیامبر این عمل را پسندید. «7»

فرمان داد تا کودک مورد دعوی دو نفر را از میان دو نیمه کنند و مدعیان به

حقیقت، بازگشتند. «8»

فرمود تا سر از تن برده بیفکنند و او به حق رجوع کرد. «9»

ترجمه نهج الحق و كشف الصدق، ص: 251

## حکم خنثی

و خروج کنندگان را بیان داشت چنانکه شافعی گفت ما حکم خروج کنندگان را از علی آموختیم.<sup>2</sup> جز اینها احکام شگفت انگیز بسیاری از آن سرور صدور یافت که محال بود پرسش شده - عمر - به پاسخ آنها دست یابد. او ندانست کلاله و اب چیست و درباره جد صد گونه فتوا داد که هر یک چون دیگری است.

## معرفی بر روی منبر

حضرت علی علیه السلام شیر خدا و شمشیر او در روی زمین بود و ذکر بخشی از دلاوریهای او [ذخائر العقبی ص 92] از «انس بن مالک» روایت می کند که در یکی از روزها، حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به منبر تشریف برد و مطالب بسیاری بیان کرد و از هر دری سخنی گفت، آنگاه فرمود: علی بن ابیطالب علیه السلام کجاست؟ حضرت علی علیه السلام بلافاصله از جای برخاست و عرض کرد: هم اکنون، حاضر در خدمتم یا رسول الله! پیغمبر صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را به حضور خواند و حضرتش را در آغوش گرفت و پیشانیش را بوسید و با صدای بلند خطاب به مسلمانان فرمود: ای مسلمانان! این بزرگوار، برادر و پسر عمو و داماد و گوشت و خون و موی من است؛ این بزرگوار، پدر دو نواده من، حسن و حسین، دو سید جوانان بهشت است؛ علی، کسی است که هر گونه ناراحتی را از من می زداید؛ علی، شیر خدا و شمشیر از نیام کشیده حضرت الله است که دشمنان او را از پای درمی آورد. خدای تعالی دشمن او را به لعنت خود و لعنت کنندگان دچار فرماید! خدای تعالی و من از دشمن او بیزاریم؛ بنابراین کسی که می خواهد از خدا و رسول بیزار شود، از علی بیزاری جوید! و اضافه فرمود: اینک گروهی که حاضرند و سخن مرا می شنوند، به آنان که غائب اند، ابلاغ نمایند. سپس به علی علیه السلام فرمود: در محل خود قرار بگیر و اطمینان داشته باش آنچه را که بیان کردم، از خود نگفتم، بلکه حقیقتی بود که خدای تعالی آنرا به تو ارزانی داشته است.

فضائل پنج تعلیه السلامدر صحاح ششگانه اهل سنت، ج 3، ص: 190

## علی علیه السلام امام المتّقین

علی علیه السلام امام المتّقین حاکم در «مستدرک الصحیحین» به سند خود از «عبد اللّه بن اسعد بن زراره» از پدرش روایت کرده که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در باره علی (علیه السلام) سه عنوان به من وحی شده، اول این که او سید مسلمانان است، دوم اینکه او امام متقیان است، سوم این که او قائد غرّ المحجّلین است .

(1) فقیه شافعی ابن مغزلی از چند طریق روایت کرده که از جمله گفت:  
پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:  
«یا علی آنک سید المسلمین و امام المتّقین و قائد الغرّ المحجّلین و یعسوب المؤمنین»  
ای علی تو آقای مسلمانان و امام متقیان و پیشوای روسفیدان و بزرگ پرهیزگاران هستی.

حاکم در مستدرک به سند خود از جابر آورده که گفت: از رسول خدا در حالی که بازوهای علی را گرفته بود، شنیدم با صدای بلند می فرمود:

«هذا امیر البرره قاتل الفجره منصور من نصره مخذول من خذله»

: این پیشوای ابرار و کشنده فجار است، کسی است که یاورانش یاری می  
شوند و آنان که از یاریش خود داری کنند، بیچاره خواهند شد .

ابن مغازلی در کتاب «المناقب» از چند طریق به سند خود از «حذیفه بن -  
یمان» روایت کرده که گفت: پیامبر میان مهاجرین برادری انداخت و هر کسی را  
با همتای خود برادر نمود دست علی بن ابی طالب را گرفت و گفت: این هم  
برادر من است حذیفه گفت: پس پیغمبر سرور پیامبران و امام متقیان و رسول  
رب العالمین است او را مثل و مانندی نیست علی هم برادر اوست <sup>1</sup>».

ترجمه الطرائف، ص: 258

## سوار بر ناقه بهشتی

علی (علیه السلام) در قیامت بر ناقه بهشتی سوار می شود

(1) خطیب در تاریخ بغداد به سند خود از «ابن عباس» روایت کرده که گفت:

رسول خدا ﷺ فرمود در قیامت هیچ کس سواره نمی آید، مگر ما چهار نفر، عمویش عباس گفت: یا رسول الله آن چهار نفر چه کسانی هستند؟ فرمود: اول آنها من هستم که بر براقی سوار می شوم، که رویش چون آدمیان است - آنگاه بعد از بیان خصوصیات آن براق - عباس گفت: دیگر کیست ای رسول خدا ﷺ؟ فرمود: برادرم صالح پیغمبر که او نیز سوار بر ناقه الله می آید. گفت: دیگر کیست؟ فرمود: عمویم حمزه که اسد خدا و اسد رسول خدا و سید الشهداء و سوار بر ناقه من می آید، عباس پرسید دیگر کیست؟ فرمود: برادرم علی (علیه السلام) است که بر ناقه ای از ناقه های بهشتی سوار است که افسارش از لؤلؤ رطب است و محملی از یاقوت سرخ دارد - و همچنین از خصوصیات آن ناقه شمرد تا رسید به اینجا - که خلاق به یک دیگر می گویند: این شخص پیغمبری مرسل یا ملکی مقرب است از بالای عرش ندا می رسد که وی نه پیغمبر مرسل است و نه ملکی مقرب و نه حامل عرش خداست.

«هذا علی بن ابی طالب (علیه السلام) وصی رسول رب العالمین و امام المتقین و قائد الغر المحجلین»

بلکه علی بن ابی طالب وصی رسول رب العالمین است، او امام پرهیزگاران و پیشوای رو سفیدان است.

خطیب در تاریخ بغدادی در جای دیگر به سند خود از ابن عباس همین مضمون را روایت کرده و در آخر این حدیث آمده که:

«أفلح من صدقه و خاب من كذبه و لو انَّ عابدا عبد الله بين الركن و المقام الف عام حتى يكون كالشن البالي لقي الله مبغضا لال محمد اكبه الله على منخره في نار جهنم».

سعادتمند شد آن کسی که او را تصدیق کرد و بدبخت و بی چاره شد آن کسی که او را تکذیب نمود. اگر عابدی خدای را در زمین رکن و مقام ابراهیم در مسجد الحرام هزار سال عبادت کند، به طوری که بدنش چون مشکی خشکیده شود و در قیامت خدای را با بغض آل محمد ﷺ دیدار کند، خداوند او را بارویش در آتش می افکند .

«محب طبری» از «جابر بن سمره» روایت کرده که: از رسول خدا پرسید: چه کسی پرچم تو را در روز قیامت حمل می کند؟ فرمود: همان کسی که در دنیا آن را حمل می کرد و این علی بن ابی طالب (ع) است آنگاه می گوید: این روایت را نظام الملک نیز در امالیش و متقی در کنز العمال آورده <sup>1</sup>.

ترجمه الطرائف، ص: 256، ص: 257

## رد الشمس و مقام علی (علیه السلام)

## رد الشمس و مقام علی (علیه السلام)

(1) فقیه شافعی ابن مغزلی در کتاب «المناقب» به سند خود روایت کرده که پیامبر سرش در دامن علی (علیه السلام) بود که وحی بر او نازل شد و علی هنوز نماز عصر را نخوانده بود تا آفتاب غروب کرد.

پیامبر ﷺ عرض کرد خدایا علی (علیه السلام) بر طاعت تو و رسالت بود، آفتاب را برای او برگردان (تا نماز عصرش را بخواند) راوی می گوید: پس دیدم آفتاب طلوع کرد بعد از آنکه غروب کرده بود  
ترجمه الطرائف، ص: 228

همچنین روایت است که خورشید پس از غروب، برای علی (علیه السلام) بازگشت و این رخداد هنگامی بود که پیامبر ﷺ سر بر دامن او خفته بود و دعا کرد که خورشید

برای ادای نماز عصر بر علی باز گردد و خورشید بازگشت.

## رنج 23 ساله از طرف منافقین بدلیل معرفی علی علیه السلام

پیامبر ﷺ در طول بیست و سه سال به هر نحوی برای علت مبقیه اسلام ، یعنی امیرالمومنین علی علیه السلام اذیت و آزار را متهمل شدند و صبر نمودند . در سالهای اول بعثت با همراهی علی علیه السلام در کنار آنحضرت به عنوان اولین ایمان آورنده به اسلام و تأیید الهی در یوم الدار از طرف خداوند و انتخاب آنحضرت به عنوان وصی ، وزیر ، برادر و جانشین ، نقطهء شروع کینه ها علیه پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام شد و پیامبر صلی الله علیه و آله در طول رسالت بیست و سه ساله خود به امر الهی زمینه ها را برای روز غدیر مساعد می کردند تا با نزول آیه یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک در غدیر خم علی علیه السلام را علنی سردست نمود ، و با عبارت من کنت مولاً فهذا علی مولاء حجت برای بشریت تمام نمایند .

سیری در سیره عملی پیامبر صلی الله علیه و آله در طول بعثت و دقت در کلام آنحضرت و وقایع تاریخی در این سالها دو مطلب بسیار مهم را برای ما آشکار می نماید ، یکی ابتدا همهء این سالها پیامبر صلی الله علیه و آله کوشید که مردم را آماده چنین نعمتی بزرگ بنام ولایت نماید و دیگری اینکه در این راه بسیار رنج و مشقت را متهمل گردید .

آنچنان که جنگ با مشرکین و کفار او را اذیت نکرد ، بلکه ضربه های منافقین بر روح و جان مطهر آن بزرگوار نهایتاً منجر به مسموم شدن ایشان بدست دختر ابابکر (عایشه) و دختر عمر (حفصه) گردید و در لحظات آخر از رسالت بیست و سه ساله نگران علی علیه السلام و وصایت آن بزرگوار بودند که عمر اجازه نداد برای

ایشان کاغذ و قلم بیاورند و با کلامی زشت نسبت به پیامبر ﷺ کفر باطنی خود را آشکار کرد و در نتیجه ایشان با قلبی رنجور از دست منافقین و دشمنان علی ﷺ و دلی سوزان از مظلومیت علی ﷺ و فرزندانشان ، خاصه دختر مظلومه خود حضرت زهرا ﷺ ، ندای ارجعی الی ربک را با اشک ریزان لبیک گفتند .

## فهرست مطالب

2	مقدمه: بعثت تا غدیر.....
5	غدیر روز تجلی هدایتگران الهی.....
7	تبیین آیات الهی در شان و فضیلت صاحب غدیر.....
8	امام.....
10	منذر.....
12	شاهد.....
13	گوشه‌های شنوا.....
14	سؤال از ولایت امیر مؤمنان.....
15	اختیار و گزینش امام معصوم.....
17	صالح المؤمنین.....
18	طوبی درختی در خانه علی بن ابی طالب.....
19	سؤال از پیامبران.....
20	بهترین مخلوقات.....
22	یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا.....
23	زمینه سازی پیامبر برای وصایت صاحب غدیر در وقایع مختلف.....
23	در خانه پیامبر.....
24	حضرت علی علیه السلام در غار حرا.....
27	خلقت نوری.....
28	یوم الانذار.....
29	حدیث وصیت.....
30	گرامی نزد پیامبر.....

31	وارث پیامبر .....
31	ابلاغ براءت .....
32	حدیث مناجات .....
33	حدیث مباحله .....
34	حدیث منزلت .....
35	فتح خیبر .....
36	ایمان در برابر کفر .....
36	سدابواب .....
37	حدیث مواخاه .....
38	علی از من و من از او .....
39	شبیبه عیسی .....
40	مؤمن دوستدار .....
40	قاتل بر تاویل .....
41	حدیث طیر .....
42	حدیث ایذاء .....
43	میزان حق .....
45	حدیث ثقلین .....
48	حدیث کساء .....
49	وزیر پیامبر .....
50	بیان قدرت صاحب غدیر .....
51	23 سال بیان فضائل امیرالمومنین در کلام پیامبر .....
51	ولادت در کعبه .....
62	خلقت نوری .....
64	واقعه غدیر .....

65	خطابه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روز غدیر خم
84	ترجمه فارسی
84	1 حمد و ثنای الهی
88	2 فرمان الهی برای مطلبی مهم
91	3 اعلان رسمی ولایت و امامت دوازده امام علیه السلام
	4 معرفی و بلند کردن امیر المؤمنین علیه السلام بدست پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
96	
98	5 تأکید بر توجه امت به مسئله امامت
100	6 اشاره به کارشکنیهای منافقین
103	7 پیروان اهل بیت علیه السلام و دشمنان ایشان
107	8 حضرت مهدی عجل الله فرجه
109	9 مطرح کردن بیعت
110	10 حلال و حرام، واجبات و محرمات
113	11 بیعت گرفتن رسمی
116	شکستن بت ها
117	ذوالفقار
118	علی علیه السلام بهترین بشر
119	علی با حق و حق با علی
131	علی علیه السلام تقسیم کننده بهشت و دوزخ
133	تقویت رسول اکرم صلی الله علیه و آله بوجود حضرت علی علیه السلام
134	ایمان
138	علی علیه السلام نخستین نمازگزار
139	برتری ایمان حضرت علی علیه السلام
141	شبیبه انبیاء

142	علم
143	دانشمندتر از دیگران بوده است
145	امیر المؤمنین بنیانگزار دانش اختر شناسی و تفسیر بود
149	حکم خنثی
150	معرفی بر روی منبر
151	علی علیه السلام امام المتّقین
153	سوار بر ناقه بهشتی
155	رد الشمس و مقام علی (علیه السلام)
156	رنج 23 ساله از طرف منافقین بدلیل معرفی علی علیه السلام
158	فهرست مطالب